بهمان طره خوشبوی سمن سا صلوة
بجمال نبی محبوب دلارا صلوة

چند از هجر تو در ناله و افغان باشم
چند درمانده در این عالم ویران باشم
چند سودازده و حال پریشان باشم
چند افغان زده سرگشته پریشان باشم
چند مظلوم جگر سوخته و حیران باشم
چند سرگشته و مجروح پریشان باشم
چند از فرقت تو [illegible] و [illegible] باشم
[illegible] تو [illegible] تو [illegible] دیدم

یاد آن شب که جمال تو بتنها دیدم
سخن روح فزا از دهنت بشنیدم
رخ خوشبوی بنادانی خود فهمیدم
داشتم غصه بتا در دلت خندیدم
دیدم [illegible] که یکبار [illegible] دیدم
رخ بدان خاک کف پای تو بمالیدم
چهره بنمای که جان از غم تو [illegible]
بجمال نبی محبوب دلارا صلوة

ای بقربان [illegible] تاج لولاک [illegible]
[illegible] کمان [illegible] سیاه [illegible]
[illegible] جان [illegible] فدا [illegible]
[illegible] غنچه [illegible]
[illegible]
[illegible] ماه [illegible]
بجمال نبی [illegible]
بهمان طره خوشبوی [illegible]

ای خوش آن شب که از این خاک گذر کردی
رفتی و [illegible] از این عالم ویران کردی
از صفوف ملکوت [illegible] کردی
[illegible] بجمالت [illegible] حیران کردی
در کون [illegible] کردی
[illegible] کردی
[illegible] تو در [illegible] کردی
درد خود [illegible]
بجمال نبی محبوب دلارا صلوة
بازلب [illegible]
برده از عاقبت [illegible]

پیش وارکین از [illegible] نوانت که این [illegible]
[illegible] در [illegible] عالم [illegible]
بر جمال نبی محبوب دلارا صلوة
بهمان طره خوشبوی سمن سا صلوة
[illegible] عبیر خط خالت [illegible]
[illegible] بجمالت [illegible]

بجمال [illegible]
بهمان [illegible]
[illegible]

برده عشق تو در جور [illegible] افتادم
دیدم زلف تو در دام بلا افتادم
[illegible] افتادم
زار بیمارم و در راه [illegible] افتادم
[illegible] افتادم
بر سر وعده آن عهد وفا افتادم
بجمال نبی محبوب دلارا صلوة
بهمان طره خوشبوی سمن سا صلوة

حکایت سلطان ادهم از رهبان پرسید که قوت از کجا
میخوری گفت از و پرس که فرستد که این علم به نزدیک
من نیست حضرت شیخ ابو سعید ابوالخیر قدس سره فرمود
که چهار سخن از چهار کتاب خداوند اختیار کردم اند
کار بستن را از تورات موسی علیه السلام من قنع
شبع هر کس قناعت کرد سیر شد قناعت را
بسنجیدن مردان فزون تر آمد از ملک سلیمان
و از انجیل عیسی علیه السلام من اعتزل سلم هر که
از خلق عزلت گرفت سلامت ماند گر شهره شوی
بد هر شر الناس ور گوشه نشین شوی همه وسواسی
زان به نبود گر خضر و الیاسی کس نشناسد ترا تو کس
نشناسی و از زبور داود علیه السلام من صمت نجا
هر کس خاموش بود نجات یافت ز خاموشیست بر دست
شهبازار که بلبل در قفس مانده ز آواز و از فرقان محمد
علیه السلام و من یتوکل علی الله فهو حسبه و هر کس توکل بر خداوند
کند و کار خود بدو بازگذارد اعتماد بر حضرت او کند خدا کند او را
بسند

[illegible]

1

بسنده ست کار خود را بخداوند جهان بازگذار که بسنده ست ترا
در دو جهان باری در بعض کتب آسمانی آمده که خداوند از بنده
کار عمل فردا نمیطلبم و ایشان از من روزی فردا میطلبند در تفسیر حقایق
می آرد که ابو بکر رازی از دراج روایت کرد که گفت توکل سقر و نیست
با ایمان و توکل هر آدم بقدر ایمان وی است پس هر کس میخواهد بر وی
بحفظ ایمان وی باقی ست نفس بر احکام خدا شود

دو روز بلجید یازده بار بخواند هر حاجتی که باشد آسان شود باوضو
دو روی بقبله باشد از حضرت غوث الاعظم پیر دستگیر منقول است
بسم الله الرحمن الرحیم الله کافی و قصدت الکافی وجدت
الکافی لکل کافی کفانی الکافی و نعم الکافی
و نعم الکافی و لله الحمد
کفاک ربک کم یکفیک واکفة لفها کانها کتها کان من لکلا
مکرکه کرکر الکر فی کبد تحلی مشتکشک کلکل لکلکا کفاف و مالی کفا
فی الکان کر بة کان مالی تحلی کوکب الفلکا امین یا رب العالمین

حکایت سلطان ادهم از رهبان برسید که قوت از کجا
منجوری گفت از و برس که فرستند که این علم به نزدیک
من نیست حضرت شیخ ابو سعید ابو الخیر قدس سره فرمود
که چهار سخن از چهار کتاب خداوند اختیار کردم اند
کار بستن را از توریت موسی علیه السلام من قنع
شبع هر کس قناعت کرد سیر شد قناعت را
بسنجیدن مردان فزون تر آمد از ملک سلیمان
و از انجیل عیسی علیه السلام من اعتزل سلم هر که
از خلق عزلت گرفت سلامت ماند گر شهره شوی
بدهر شر الناسی ور گوشه نشین شوی همه وسواسی
زان به نبود که خضر و الیاسی کس نشناسد ترا تو کس
نشناسی و از زبور داود علیه السلام من صمت نجا
هر کس خاموش بود نجات یافت ز خاموشی ست [illegible]
شهباز که بلبل در قفس مانده ز آواز و از فرقان محمد
علیه السلام و من یتوکل علی الله فهو حسبه و هر کس توکل بر خداوند
کند و کار خود بد و باز گذارد اعتماد بر حضرت او کند خداوند او را
بسند

[illegible]

1

بسنده است کار خود را بخداوند جهان باز گذار که بسنده است ترا
در دو جهان یاری در بعض کتب آسمانی آمده که خداوند از بنده
کان عمل فردا نمیطلبم و ایشان از من روزی فردا میطلبند در تفسیر حقایق
می آرد که ابو بکر رازی از دراج روایت کرد که گفت توکل مقرون است
با ایمان و توکل هر آدم بقدر ایمان وی است پس هر کس میخواهد بروی با
بحفظ ایمان وی باقی ست نفس بر احکام خداوند

دور بلصید یازده بار بخواند هر حاجتی که باشد آسان شود با وضو
دو دوی بقید باشد از حضرت غوث الاعظم بر دستگیر میخواندن
بسم الله الرحمن الرحیم الله کافی وقصدت الکافی وجدت
الکافی لکل کافی کفانی الکافی ونعم الکافی
ونعم الکافی ولله الحمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
فی الکان [illegible] آمین یا رب العالمین

تاریخ بحر الانساب لمحمد حکیم جامی نامقی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین الکبیر الملک العلام اللطیف الخبیر قهره و قلیل
و لطفه کثیر و هو علی کل شیء قدیر و الصلوة و السلام علی محمد
و هو للصالح و الطالح بشیر و نذیر و علی آله و اصحابه کالبدر
المنیر بعد از حمد نامحدود حکیم واجب الوجود و متکلم بی
گفت و شنود و درود و عز معدود بر آن حضرت عاقبت
محمود صلی الله علیه و سلم و یاران نامدار او
که هر یک مقتدای دین و محافظ آئین اسلام است و
رهنمای طریق دین و ایمان است و بعد این جانی و خاک
و خاک

[illegible] و خاک روب آستانهٔ علیهٔ عالیه حضرت قطب العارفین سلطان المشایخ
الطریقة و الحقیقة المجرب فی سبیل الله غوث الاسلام ژنده پیل ملک علام ابو نصر
[illegible] قدس الله تعالی اسره السامی اعنی محمد حکیم [illegible]
معین الدین احمد النامقی ثم الجامی [illegible] که این مجموعه ایست در بیان ذکر
حاجی محمد جامی غفر الله له و لوالدیه و احسن الیهما و الیه [illegible]
[illegible] شتعالی [illegible] علیه
[illegible] صاحب الکشف قطب الانام حضرت شیخ الاسلام [illegible]
[illegible] اعقاب [illegible] نجیب [illegible]
[illegible] ابا کرام [illegible] سلطه الجلالی [illegible] غلام [illegible]
[illegible] ایام [illegible]
افاضت [illegible] سالار شاهراه تحقیق [illegible]
[illegible] معرفت منتهی منازل
[illegible] دریای هدایت [illegible]
[illegible] دانای [illegible] حیث [illegible] التجرید [illegible]
توحید [illegible] مستغرق بحار [illegible] اکمل مظاهر تجلیات
[illegible] انوار [illegible] مصباح [illegible] روح [illegible] مفتاح خزاین فتوح
[illegible] ناسوت
[illegible] باطن تجلی [illegible] ریاحین [illegible]
[illegible] دریای لاهوت [illegible] قلوب و ارواح [illegible] باطن [illegible]

و از اشباح مشارف سرایر اصحاب کشف و شهود و نقاب ضمایر ارباب وجد
و وجود عارف روابط امتزاج ظهور و بطون مکاشف لوایح اسرار بروز و کمون
اعنی شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی اسراره [illegible] شعر
شیر میدان طریقت زنده پیل کردگار ❀ در دریای حقیقت گوهر کامل عیار
احمد ابن ابوالحسن شاه سریر ملک فقر ❀ مهر برج الهام و کشف تمام از حضرت [illegible]
و دیگر در بیان آنکه هر جماعت و قبیله و طبقه و طایفه منتسبه و فرقه عالی الاصل که از اولاد بزرگوار
و احفاد و ذریه نامدار آن عالیمقدار [illegible] بچند واسطه بحضرت شیخ الاسلام احمد النامقی
الجامی [illegible] بچند پشت و دیگر در بیان انساب پنجگانه که آن طایفه علیه عالیه را
در هر عصر و اوان و قرن و زمان مواصلت ببنات سادات عظام و نقبای کرام و مشایخ انام
و علمای ذوی الاحترام و فقهای اسلام و ملوک و سلاطین عالیمقام و امرای [illegible]
عالیمقدار واقع شده تا ما را پیدا [illegible] و ترتیب و جمع و تالیف این مجموعه
تحریر آنست که قبل از این اوراق قریب بصد سال [illegible] حضرت اعلم العلماء [illegible]
اکمل الکملاء الکرام الجمهور مرکز دایره فضل و دانش محیط فنون العلم صاحب تصانیف العالیه
ابوالفیض مولانا و مخدومنا مولانا [illegible] علی الجامی [illegible] والجنة ماواه
محرر این سطور رحمت بتکلیف [illegible] اولاد کرام و احفاد عظام و مشایخ ذوی الاحترام

و ولایت جام که بزمان [illegible] بوجود شریف ایشان مزین بوده و بعد الاستخاره
و الاستجاره [illegible] بشارات [illegible] حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره
بعلو اشارات [illegible] چنانچه در خطبه مقصد ثانی از کتاب روضة الریاحین باین مضمون
اشارات [illegible] و در بیان انساب رفیعه و انتساب شریفه اولاد و احفاد علیه و نتایج
طیبه و نتیجه [illegible] حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره و کتاب [illegible]
انساب [illegible] ترتیب داده و جمع و تصنیف نموده [illegible] نسبت نامها
که بخطوط [illegible] منظوم [illegible] آنچه برپشت مجموعه ها و کتابهای ماضی بخط [illegible]
واضح [illegible] آنچه از سجلات و چگونگی تمسکات مطالعه [illegible]
از اهل ثقات [illegible] حضرت شیخ الاسلام احمد
جامی جماعت جماعت قوم قوم قبیله قبیله طبقه طبقه شعبه شعبه [illegible]
[illegible] حضرت شیخ الاسلام احمد جامی [illegible]
از سجلات و کتابهای [illegible] بسلک تحریر و سمط تقریر کشیده
[illegible] تا زمان تحریر این مجموعه مبارکه
۱۰۳۴
کالتاریخ سنه الف و ثلثین و اربع [illegible] و جمع دیگر از اولاد [illegible]
[illegible] آن بزرگوار [illegible]

شریفهٔ ایشان دران کتاب ثبت نیست و انتساب نسب این جماعت ازان کتاب
خالی از تامل و تفکر نبوده احتیاج تفحص و تجسس می افتاد فاما بعضی ازین طبقه
اولاد حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره بجهت حوادث روزگار و تواتر لیل
ونهار و عدم مؤنت و کسب فضیلت در بلاد و قریه ها و ولایات متفرق شده اند و از
نسبتهای خود کماینبغی خبری ندارند که چند واسطه بحضرت شیخ الاسلامی احمد
النامقی الجامی قدس سره میرسند و این مقدار میدانستند که آبا و اجداد بزرگوار ایشان
باین سلسلهٔ شریفهٔ قدسیهٔ احمدیه نسبتی می بوده است و جمعی از اولاد عظام و احفاد
کرام که زمان حال خیر مآل با وجود شریف ایشان مزین است و چشم ما بجمال مبارک
ایشان روشن و بحسن ظن که ایشان بر داعی قدیمی و مخلص حقیقی خود داشتند استدعا
نمودند و التفات فرمودند باین فقیر که چون بحر الانساب قدیم تالیف جد شماست مناسب
چنان است که آنچه اثبات مذکور که بعد از تالیف و تصنیف کتاب بحر الانساب قدیم
از اولاد و احفاد و ذریهٔ طیبه و نسبیهٔ طاهرهٔ حضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره
توالد و تناسل یافته و بعرصهٔ وجود در آمده و اسامی ایشان دران کتاب بحر الانساب
قدیم مذکور نیست و تفحص نموده مجموعهٔ دیگر تالیف و ترتیب شود تا هر جماعتی و قبیله و طبقه و طایفه
و فرقه و شعبه و گروه نسب و نسبت خود را استخراج توانستند نمود که از اولاد کبار

حضرت شیخ

حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و قرشیه علی الاصل اند و قصوری و فتوری در نسب
عالی و نسبت متعالی این طبقهٔ علیهٔ عالیه و نسبیهٔ طاهره و سلسلهٔ شریفهٔ مبارکه
راه نیابد فاما چون داعی حقیقی خود را استعداد و قابلیت باین امر عظیم القدر نمیدید مدت
مدید و عهد بعید در جواب آن مخدومان مشار الیهم تعلل میفرمود و دفع الوقت
مینمود و حواله بتقدیر ملک قدیر میکرد که الامور مرهونة باوقاتها و منتظرات اورات غیب
بلا ریب می بود که یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید تا آنکه در سنه الحاح حضرات خواجه کافی
مشار الیهم و مخادیم بغایت رسیده و مبالغه بنهایت انجامیده علی الخصوص عالیحضرت شیخ الاسلام
فضل الله الاکابر و الاماجد ولی النعم ملاذ العالی خواجه قطب الدین محمد الجامی سلمه الله و ابقاه
بیشتر از همه مخادیم مشفقانه تلطف فرموده درین مضمون تاکید می نمودند و مبالغه میفرمودند تا حقایق
که درین باب سعی مخادیم و مشایخ مشرح نموده مرقوم فرمودند و مخلص خود را
نمودند و عنایت فرموده که درین امر شریف رفع تمامیت بلیغ کرده که بجد و جهد سعی و اهتمام
تمام بتقدیم باید رسانید چون این ذره حقیر آبا و عن جد پروردهٔ نعمت این خاندان
عرش نشان بوده اند و رقبه بسته که این آستان ملک آشیان کوشیده اند و ایام
طفولیت رقم مهر عبودیت این طبقهٔ علیهٔ عالیه و سلسلهٔ شریفه متبرکه بعنوان خاطر
نگاشته و تخم محبت ذریهٔ طیبه و نسبیهٔ طاهرهٔ عالیهٔ متبرکهٔ احمدیه در زمین دل

که بسته وجوه عزت از جام انعام واکرام این طایفه علیه احمدیه بوده واز قواعد علمیه وقوانین
رسمیه وعلوم مکتسبیه وحدیث صحیحه معتبره انچه مطالعه نموده وفرا گرفته به برکت بقعه مبارکه
متبرکه وروضه منوره عرش مرتبه جد عالی این طبقه علیه عالیه ونتیجه ظاهره احمدیه بود پس بنابر قضیه
مرضیه الانسان عبید الاحسان بجز انقیاد وتسلیم چاره ندیده ودیگر ازین طبقه علیه عالیه
عالیه احمدیه مستقبل این امر عظما کردید شعر چون خریداران یوسف خویش را با چند حیل ؛ با
وجود مفلسی اندر شماری میکشم ؛ وبحکم مضمون قضیه مرضیه المامور معذور باوجود
عدم استطاعت وقلت بضاعت ووفور علایق وعوایق بعد از تامل وتفکر بسیار
استخاره وتفائل بیشمار از روح پرفتوح حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی
الجامی قدس الله سره السامی استدعا وطلب همت نموده وبتوفیق حضرت حق سبحانه وتعالی
بمقدار الوسع والامکان اهتمام تمام نموده وانچه از کتاب بحر الانساب قدیم وازدوایر
که بخط ثقات در آمده از شجره ها ونسبت نامه ها که از ایام فوت حضرت شیخ
الاسلام احمد جام بدست داشتند وانچه از السنه ثقات وعدول استماع شرعی
افتاد وتصحیح وتحقیق وتشخیص آن کوشیده وسعی تام نموده وبقلم صدق ورقم
اخلاص قوم قوم وفرقه فرقه وطبقه طبقه وقبیله قبیله وگروه گروه وجماعت جماعت وشعبه شعبه
چون نجوم السماء ونبات الارض ثوابت در سلک تقریر وسمط تحریر منتظم گردانیده

ولی علیا

ونسب عالیه ونسبت متعالیه ایشان را از اناث وذکور بنت به بنت وبطن
ببطن تا بحضرت شیخ الاسلام احمد جام رسانیده اما جماعتی که شجره ونسب ونسبت
نامه از آبا واجداد ایشان بتفصیل صحیح تا بحضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره
نظم ونسیان ایشان منفی ازین طبقه وسلسله بیرون نیستند ودر الجمله نسبت
معنویه بآن بزرگوار دارند هر جا که واقع میشوند مستوجب حرمت میگردند وشیخزاده
میدانند واین جماعت را فقیر در محلش بیان خواهم نمود که نسبت بکدام قبیله
وطبقه دارند فاما طریقه مجمع الانساب قدیم آنست که از فرزندان صلبی حضرت
شیخ الاسلام احمد النامقی ونجم الجامی قدس سره از ایام فوت او گرفته قبیله قبیله
وطایفه طایفه وفرقه فرقه وطبقه طبقه وشعبه شعبه وگروه گروه جماعت جماعت تحقیق نموده و
تفصیل کرده تا زمان حال فاما طریقه بیان این مجموعه انساب آنست که اولاد
واعقاب کرام الحالت درقید حیوة وعرصه وجودند تحقیق وتشخیص نسب ونسبت ایشان
نموده تا محلی که در بحر الانساب قدیم مذکور ومسطور ومثبت است وازانجا نسب
ونسبت آبا واجداد ایشان را تفصیل داده بروجه صحیح تا بحضرت شیخ الاسلام
احمد جام میرسانند واز جماعتی که اولاد واعقاب نمانده از نسب ایشان بیان نمیکنند وترتیب
این مجموعه بر مقدمه وسه مقصد وخاتمه مرتب است اما مقدمه در بیان آنکه برهم کس واجب

و لازم است که در حفظ انساب شریفه خود کوشند و نسب عالی و نسبت متعالی
خود را با آبا و امهات خود رسانند تا از ابنای دهر ممتاز گردند و در دنیا و عقبی سرافراز
باشند چنانکه در آیه کریمه حق سبحانه و تعالی میفرماید که وَکَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا ازین
مضمون خبر میدهد **مقصد اول در بیان نسب و نسبت** حضرت شیخ الاسلام
احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی سره السامی تا بحضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الله
و سلامه علیه و از آنجا تا بحضرت ابو البشر آدم صفی الله صلوات الله علی نبینا و علیه
و در بیان بعضی فضایل و شمایل و بعده بیان بعضی سخنان و حالات متبرکات حضرت
شیخ الاسلام احمد جام قدس سره **مقصد دویم** در فضل و شرف و دعوت باری تعالی و تعبد و ترغیب
حضرات اولاد علیه عالیه و ذریه طیبه و شجره طاهره حضرت شیخ الاسلامی احمد جام قدس سره و بیان
آنکه محبت و دوستی این طایفه علیه و ذریه شجره احمدیه سبب نجات و رفع درجاتست
و عداوت و دشمنی با ایشان موجب وبال و نکال دنیا و آخرتست و بر همه صنادید عالم
تعظیم و تکریم این طبقه علیه عالیه احمدیه واجب و لازم است **مقصد سیم** در بیان نسب
عالی و نسبت متعالی اولاد علیه عالیه و ذریه طیبه و شجره طاهره حضرت شیخ الاسلام احمد جام
قدس سره که هر یک از اولاد و احفاد و ذریه طیبه و شجره طاهره وی بچند واسطه با آن حضرت میرسند
از آبا و امهات و بیان بعضی نسبتهای دیگر که بسادات عظام و نجبا و نقبا و شرفاء کرام

و مشایخ انام

و مشایخ انام و علمای اسلام و ملوک و سلاطین ذوی الاحترام نموده اند **خاتمه**
در اعتذار آنست که اگر اکثری از اولاد و احفاد و ذریه طیبه و شجره طاهره حضرت
شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره درین زمان نسب خود نشنوند از جهت آنست که نسب نامه
و سجل به تفصیل از آبا و اجداد ایشان بنظر در نیامده و بر احوال خیر مآل ایشان کماینبغی
اطلاع نیافت بهمین سبب مرقوم نگردید فاما چون در همه بلاد و دیار و قریه کل ممالک اسلام
چون ماوراء النهر و هند و سیستان و خراسان و روم و غیره آبا و اجداد ایشان بشیخ زاده که
مقتدایی و مرتبه و رتبه و ولایت اشتهار دارند و داشته اند تقدیم شجره و نسب نامه
بقی نسبت ایشان نتوان نمود چنانچه در کل این ولایات ما الحال در قید حیات اند و تعظیم
و تکریم ایشان را کماهو حقه بجا آورند **و بعده** بر ایشان لازم است که تفحص و
تجسس نمایند حسب الشریعت الغراء و کتابهای ماضی و نسب عالی و نسبت متعالی
خود را نزد همه صنادید زمانی بوضوح رسانند و سجل و شجره مرقوم آورده و بخط ثقاة
مشایخ و مزین نمایند تا معلوم شود ذریه نجیبه حضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه
الا آنکه بجهت روزه کار و نوایب الحال نسبت های ضعیف و ناهموار پیشه و العیاذ
بالله تو هم و خوف عظیم است که تغیر نسب و نقش تقیس خود را باغیار آلوده ساخته
عوام الناس مجهول النسب مخلوط کردند و نسب عالی و نسبت متعالی خود را معیوب سازند

[illegible]

وامید که این مجموعهٔ شریفه مقبول نظر و منظور خیریت منظر بعد الالتفات امر و اجتهاد گرامی فرزند طلبه
حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره کرده و بلطف فهم بعین عنایت در دنیا و آخرت
نظر نموده از خوشی خاطر محو و منسی نفرمایند شعر آنها که خاک را بنظر کیمیا کنند ∴ آیا بود
که گوشه چشمی با کنند ∴ انه ولی الاجابة والارشاد و علیه التکلان والاعتماد

مقدمه اول کتاب بحر الانساب است موافق بحدیث صحیح حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم
اما بدان که علم انساب از علوم شریفه و امور مستحسنه است و حفظ آن متضمن فواید
کثیره است اگرچه بسیار از عدد شریفه و مسایل فقهیه بیان منوط و مربوط است و هم
مامورند که انساب خود را بآبا و امهات خویش انتساب دهند خصوصا جماعه قرشیه احمدیه
ولهذا کل خلق الله را بپدران ایشان باز خوانند چنانکه در آیه کلام ملک علام ازین مضمون
خبر میدهد که قال الله تعالی ادعوهم لآبائهم هو اقسط عند الله اما اگر کسی عمدا خلاف کند
کفر کار و آثم میشود چنانکه خبر باکی وارد است که و لکن ما تعمدت قلوبکم یعنی هر کس که خود را بغیر
آبا و امهات خود نسبت کند بعذاب آخرت گرفتار شود و اعمال وی قبول درگاه
اله نشود از جهت افترا بر نفس خود چنانکه بحدیث صحیح ازین مضمون خبر میدهد که قال النبی صلی الله علیه وسلم
من انتمی الی غیر ابیه لم یقبل الله تعالی منه صرفا ولا عدلا ای نفلا و فرضا یعنی هر کس عمدا بغیر آبا
خود نسبت کند قبول نمیکند حق سبحانه و تعالی نه فرض آنرا و نه نفل آنرا از جهت آنکه در

کلام مجید

کلام مجید خداوند عالم خبر میدهد که زبان خود را از دروغ نگاه دارید که قال الله تعالی ولا تقولوا لما
تصف السنتکم الکذب خ م عن ابی ذر رضی الله عنه انه سمع رسول الله علیه السلام یقول لیس
من رجل ادعی لغیر ابیه وهو یعلم الا کفر ومن ادعی ما لیس له فلیس منا ولیتبوأ مقعده من النار
ومن دعا رجلا بالکفر او قال عدو الله ح ب وعن ابن عباس رضی الله عنه انه قال رسول الله علیه السلام
من ادعی الی غیر ابیه او تولی غیر موالیه فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین و مشهورات
بحدیث صحیحه که نسب و نسبت را بخداوندان نبوت و ولایت فایده های عظیم خواهد بود در دنیا
و عقبی ازین جهت است که اصحاب فراست و ارباب کیاست جهت تبرک و توسل
و وصلت باشراف و نقبا و جمله مشایخ و اکابر دین رحمهم الله تعالی علیهم اجمعین نموده اند و باین
مفاخرت و مباهات میکرده اند شعر قومی که حق است قبله همت شان ∴ زنهار غنیمت
شمر صحبت شان ∴ و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند که هر حسب و نسب
منقطع میشود مگر حسب و نسب من کما قال علیه السلام کل حسب و نسب منقطع
الا حسبی و نسبی و اگر کسی جهت عدم قابلیت یا جهت کسل خصلت نیک کسب
و کمال از تقوی و علم و ورع و ادب نه نموده بی بهره ماند از فرمان بردار خدا و رسول و خود را بغیر
مبرین یا بان بتکذیب نفس بربندد و نسب خود را داخل انساب شریفه ایشان کند
پس بدان که بتحقیق این بزرگان ازان بیزارند و در نزد صاحب شرع ملعون و مردود است

چنانچه در حدیث نبوی واقع است که قال علیه السلام لعن الله الداخل فینا بغیر نسب
والخارج عنا بغیر سبب وگفته اند که دانستن نسبتها برای آن نیست که بدان افتخار
کنند یا بر دیگر مردمان از جهت آنکه فخر کردن بر خلاف شرع عادت کفار عرب بود که در
ایام جاهلیت در ذکر آبا و اجداد خود ایشان قصاید و اشعارها انشا میکرده اند این انواع
سخنان باطل است چنانکه حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی میفرماید شعر آه ازین جهان دون
و یاد ازین اصل و نسب ∴ چند ازین دستار و سبب چند ازین نام و لقب ∴ چشم را عز و شرف
دانا از بینایی بود ∴ پس نسب نشنید نکو گر جفت باشد با حسب ∴ شعر ∴ آنرا که بود نور
بر در لشکر ∴ حاجت نبود بطول عرض شجره ∴ آنرا که نباشد ز رخ آن نور اثر ∴
نه بهر شجره بغیر لعنت ثمره ∴ بلکه شرف انسان بعلم و تقوی و ادبست و فرمان بر
داری چنانکه در کلام با نظام حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه شعر باین مضمون است که
شرف الانسان بالعلم والادب ∴ لا بالاصل والنسب ∴ هر که دارد
کمال و فضل و ادب ∴ هیچ حاجت نباشدش بنسب ∴ اما علم انساب را
فواید دیگر هست که شرح آن و عهد [illegible] است چنانکه از بزرگی از اهل الله پرسیدند که علامت
علو نسب و نسبت چیست فرمود که چون آفتاب بر همه کس تابان و چون سحاب بر
جا باریدن شعر کسی کش بزرگیست اصل و تبار ∴ ازان جز بزرگی توقع مدار ∴ نباشد

عجب رخ

عجب روشن از آفتاب ∴ نه بوی خوش از نافه مشک ناب ∴ اما اهل عالم از عرب و عجم وغیره
مردم که بزیور اصل و نسب و نسبت مزین و محلی اند و خود را بخاندان نبوت و ولایت منسوب
میدارند حرمت و تعظیم و تکریم ایشان را کما هو الحقه و بجا می آورند و در مجالس ها بصدر می نشانند
و قدر و قیمت ایشان را کما ینبغی می شناسند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند
که الناس معادن کمعادن الذهب والفضه یعنی آدمیان همچون معادن زر و نقره اند
هر که از معدن آهن زری پاکیزه و گوهر بیرون نیاید و از معدن و کان ارزیز نقره پاک خالص مستخرج
نشود و از لای تیره و گل سیاه در آبدار و گوهر شاهوار توقع نتوان کرد چنانکه صاحب
شرع فرموده که کل اناء یترشح بما فیه شعر از متکلم ز کلامش پیدا است ∴ از کوزه
همان برون تراود که در وست ∴ و منقول است که نوشیروان عادل تا شرف اصالت نجابت
کسی را معلوم نکردی شغلی از او در مهمات ملکی خود دخل و منصب ندادی و تربیت نفرمودی
و گفتی که از هر درختی میوه زاید و از هر خاندان کاری آید شعر درختی که تلخست وی را سرشت ∴ گرش بر
نشانی بباغ بهشت ∴ سرانجام گوهر که بار آورد ∴ همان میوه تلخ بار آورد ∴ فاما جماعتی که
نسب و نسبت عالی دارند از طرف نبوت یا از ولایت یا از نیکان و صالحان بشاخ نیشکر
تشبیه نموده اند که البته کام همه از ایشان حلاوت مییابد فاما جماعتی که مجهول النسب اند
بیخ و تنه تلخی و ناپاکی از ایشان بیرون نرود شعر هر که در اصلش نهاد افتاد ∴ هیچ نیکی

اران مدار امید ∴ زانکه هرگز بجهد نتوان کرد ∴ از کلاغ سیاه باز سفید ∴ شعر هر کس که
ناکس بود در اصل سرشت ∴ بتقالیب وهر کس نشود ∴ سگ کس را اگر کنی مقلوب ∴ قلب او
غیر سگ کس نشود ∴ و در کلام با نظام حضرت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرموده اند که فعل المرء
یدل علی اصله یعنی کردار و اطوار هر بنده دلالت میکند بر اصل آن ∴ شعر از آنکه بگفتار و کردار بیست ∴
زنهار زجنس آدمی مشمارش ∴ پس جماعتی که ایشان را بخاندان ولایت و هدایت واکابر دین رحمهم الله
نسب و نسبت بوده باشد و راه ایشان جز بنظر تعظیم و تکریم و بزرگی نشکرند چه بموجب
قضیه مرضیه الولد سر ابیه البته با فرزندان از احوال پدران نشنه خواهد بود و اگر
به بواسطه استغراق با مور دنیوی مشغول و از حقیقت معنوی آبا و اجداد خود بظاهر تخلف
ورزیده اند و دست باز داشته اند اما آخر الامر بمقتضای قضیه کل شیء یرجع الی اصله
یعنی هر شیء رجعت میکند بسوی پاکی و طهارت اصلیه خود باز میکرد و چنانکه گفته اند ∴
که باز کرد با اصل خود همه چیز ∴ **مقصد اول در بیان نسب عالی و نسبت متعالی** و فضایل
و شمایل حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی سره ایشان و بعضی
حالات غریبه و کلمات عجیبه وی بصحت پیوسته و بشارات انجامیده که حضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره عربی الاصل بوده است قریشی است از جانب پدر و هم
از جانب مادر چنانکه پدری ایشان ابو الحسن عرب و ابو نصر قریشی میگفته اند و وی را احمد الجامی

بواسطه آن

بواسطه آن میگویند که مسکن و باش وی در ولایت جام بوده چنانکه خود فرموده است
شعر احمد امست باش و در رهی عشق ∴ تا بگویند که احمد جامیست ∴ مرغ آن بوسعید
بوالخیرست ∴ باز آن بایزید بسطامیست ∴ و ولادت وی در دیه نامق بوده از ولایت ترشیز
اسم شریف وی احمد است و کنیت وی ابو نصر است و لقب وی که از غیب بدان ملقب
شده ژنده فیل چنانکه در بعضی اشعار خود بیان فرموده اند بیت احمد جامی که خوانندی
ژنده فیل حضرتش ∴ زانکش مژده سال در بزم گران انداختش ∴ و حضرت شیخ الاسلامی
احمد الجامی از قبیله بجیله نجیب بزرگ بوده و نسبتش بحضرت واسطه بجریر بن عبد الله البجلی الیمنی
رضی الله عنه میرسد که از کبار صحابه بزرگوار بوده و بزرگ و مقتدر قبایل [illegible] عرب قریش بوده
و شرف صحبت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دریافته بود و آنحضرت وی را اکرام
داشته و آنقدر تعظیم و تکریم و حسن خلق که وی را کرده هیچکس را از صحابه چنین التفات و تعظیم نکرده
و کل صحابه را بتعظیم و تکریم وی فرموده و گفته آنحضرت صلی الله علیه وسلم که اذا جاءکم کریم قوم فاکرموه
و مشهور است که بصحبت آنحضرت رسیده در سال دهم از هجرت بوده که بمدینه آمده
و بشرف اسلام مشرف شده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم پیش از آمدن وی خبر
کرده اند بطریق وجه معجزه که زود باشد که طالع شود ازین کوه بهترین صاحب یمن و بعد
اند اخبار حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم جریر آمده و اسلام آورده و چون سلام نموده

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ویرا التعظیم و تکریم نموده اند بنوعی که گوشهٔ ردای مبارک خود را
بگسترانیده اند و اجازت و بشارت و التفات نموده و تکلیف کرده اند که بر بالای ردا بنشین
ای جریر بعد از آن اصحاب فرمودند که یا حضرت ما چیزی از تو دیدیم اینقدر لطف و شفقت و اعانت
درباره جریر کردی که جهت ما بقی صحابه هرگز نکردی سبب چه بود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
فرمودند که این بزرگ و مهتر قوم خود است چون بشما بزرگ قوم بیاید گرامی دارید آنرا و وجهی دیگر آنست
که بعد ازین بشش واسط از اولاد این جریر احمد نام شخصی خداوند عالم خلق خواهد کرد که او قوت
و نصرت دین من خواهد بود و حق سبحانه و تعالی ویرا فیل خود خواهد خواند و عالم بآن روشن خواهد شد این
همه لطف و شفقت درباره جریر از جهت آنست **شعر** کسی که شاه سلاطین عهد خویشتن است ؛
امام دنیی و دین احمد ابن ابو الحسن است ؛ کرام مدرسه علم من لدنه او ست ؛ ائمه راز آگهی نطقش
چه جای دم زدن است ؛ کریم زاده بقول نبی هاشمی است ؛ که میر سید بجلی گزین که خیر قبیلست ؛
شعر احمد جام است فیل حضرت حق الیقین ؛ نیست بشش اگر بجز آهوی گوشه عزلت نشین ؛
سالها اندر شکاف سنگ منزل کرده بود ؛ درمیان کوه جام از بهر حق آن پاک دین ؛
کس نداده گوشمال این نفس را چون پیر جام ؛ گر بجویی همچو او بیاید در همه روی زمین ؛ پس اگر
رتبه و مرتبه که حق سبحانه و تعالی درباره حضرت شیخ الاسلام احمد جامی کرده است بقلم درآوریم مطول
میشود و شمه ایست چنانکه خود در اشعار خود فرموده است ؛ آنرا که دیده بخشیده اند که ما چه دیده ایم ؛ منزل که

بکالم آنرا که

از پرتو خداییم از نور مصطفاییم ؛ در گرانبهاییم اندر صدف چکیده ؛
بکالم آنرا که نیست دیده ؛
و وجهی دیگر آنست که از جمله مشاهیر است که پادشاه مرحوم سلطان ابوسعید میرزا در عصر خود حضرت
شیخ الاسلام خواجه معز الدین علی کبر جامی را سلمه الله و ابقاه بتکبر منسوب داشته اند چون
این سمع حضرت خواجه مشار الیه رسید ایشان فرمودند در جواب پادشاه که آن تکبر نیست عزت
فقر است که پادشاه نیک دیده اند و بد خیال کرده اند و مکتوب بپادشاه نوشته اند و نسب
و نسبتهای عالی خود را جلد و الی مکتوب نوشته اند و از آن جمله یکی آنست که دران مکتوب
ایراد نموده اند که دران نوشته که جریر بن عبد الله البجلی الیمنی رضی الله عنه بصحبت شرف حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم مشرف گردیده و انواع نوازش و تعظیم و تکریم و احترام بجد و جهد لا حصر و حق
از آنحضرت علیه السلام که بعقل راست نیاید و بعد از آن حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
ردای مبارک تنگ نموده و جریر را بر بالای ردای خود نشانده اند و دست مبارک خود را بر پشت
وی نهاده اند و بجهت و نجابت اولاد و احفاد وی بشارت داده اند و دعا کرده اند آنحضرت صلی الله علیه وسلم
و در نزد همه طوایف صحابه و عرب و غیره مقرر و مسلم است که ظهور اجابت دعاهای آنحضرت علیه السلام
باین معنی در حق خاندان حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره و اولاد علیه عالیه و ذریه
طیبه نسبیه طاهره وی بظهور آمده و لا محاله شک نیست که اثر اجابت دعای آنحضرت صلی الله علیه وسلم
تا قیام الساعة که نفخ صور دمیده شود در اولاد و احفاد و ذریه طیبه و نجیبه طاهره حضرت

شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره خواهد بود و ازین سبب است که اکثر اولاد حضرت شیخ الاسلامی
احمد الجامی قدس سره تبع او مرتبه ولایت و علم و تقوی و ورع و پرهیزکاری رونشان صلاحیت در اناث و ذکور موجودست
از دعای آنحضرت صلی الله علیه وسلم الی قیام الساعة الحمد لله الذی بنعمته یتم الصالحات فاما
در کتاب مناقب الصحابه آورده که جریر بسیار صاحب جمال بوده و در صباحت خود و ملاحت
و قد و قامت و حسن و خلق بمرتبه عظیم بود که بر همه خلائق از اصحاب و عرب و غیره فایق بود و جریرا
یوسف این امت میگفتند همیشه بیان نسب عالی جریر و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
که نسب عالی و نسبت متعالی آنحضرت علیه السلام و جریر که از اولاد و نتایج ذریه طیبه طاهره
حضرت ابراهیم خلیل الله است و نسبی واسطه بوی میرسد بحضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم نیز نسب عالی و نسبت متعالی وی بحضرت ابراهیم
خلیل الله منتهی میشود بدین دستور که محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد
مناف بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر
بن کنانة بن خزیمة بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان و آنحضرت
نسب خود را از عدنان در نگذرانیده اند و تا عدنان متفق علیه است و حدیث صحیح فرموده اند که قال
علیه السلام من لم یعرف نسبی الی عدنان فهو ناقص الایمان و اتفاق صحیح است از کل صحابه که عدنان
از ذریه حضرت اسمعیل ذبیح است علیه السلام بعضی گفته اند که میان عدنان و اسمعیل چهار پدر است

وبعضی گفته اند

و بعضی گفته اند که هفت و بعضی نه و بعضی ده و بعضی یازده نام نیز گفته اند که صحیح درست آنست که تعبیه کرده اند
که بچهل پدر میرسد و از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مرویست که اذا بلغ نسبی عدنان فامسکوا جماعتی که
ذکر کرده اند انساب آنحضرت را صلی الله علیه وسلم بدین نوع است که گفته اند از کتبهای نامی که عدنان بن
اُد بن اُدد بن الیسع بن سلامان بن الهمیسع بن مقدم بن ناخور بن تیرح بن یعرب بن
یشجب بن نابت بن بنیت بن شخایل بن حمل بن قیدار بن اسمعیل بن ابراهیم خلیل الله
صلوات الله علیه فاما نسب حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام تا بآدم صفی الله علیه السلام
بعد ازین در ذکر نسب حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره السامی مذکور میشود
فاما نسب حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی از نسب حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه وسلم
از حضرت اسمعیل الذبیح جدا میشود چنانکه در باب اجماعت خمسه بجا لطف و شفقت
دارد در کلام مجید و فرقان حمید خود در حق آل حضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه عنایت
نموده است در دنیا و عقبی چنانکه میفرماید که ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم
و آل عمران علی العالمین ذریة بعضها من بعض ترجمه کلام با نظام ملک علام
آنست که بدرستی و راستی که خدای تعالی برگزید آدم صفی الله را و نوح نجی الله را و آل آذر یعنی حضرت
ابراهیم خلیل الله را و آل عمران را بر جمیع عالمیان خصوصا آل ابراهیم خلیل الله را صلوات الله و سلامه
علیه و علیهم اجمعین و ثبوت پیوسته است که حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی

قدس سره و اولاد علیه عالیه و ذریه طیبه و شجره طاهره وی از اولاد ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه

ولهذا چون از جمله آل و ذریه ابراهیم خلیل الله اند در تحت آیه کلام داخل باشند بنا بر مضمون مذکور معلوم و مفهوم میشود که ذریه طیبه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و ذریه و اولاد و احفاد کرام حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره السامی بر جمیع صنادید عهد زمان از عرب و عجم تفوق و تفضل و مستثنی و ممتاز اند در امور دنیا و آخرت ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم

وایضا در صلوات ماثوره و در صلوات خمس که بهترین عبادتست در فرمان برداری خدای تعالی است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم میفرماید در حدیث صحیح که قال علیه السلام الصلوة معراج المؤمنین و بحدیث دیگر فرموده که الصلوة تنجی ربه پس و فیمابین بهترین عبادت فرموده که بعد از تشهد بخوانند سیده و به عا یاد اور نماید سید از جهت شرافت و شفقت بهشت که خوانده میشود اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت و سلمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید و جمله مؤمنان که بصلوة خمس مداومت در اوقات معینه ادا کرده اند ثابت چنانکه بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آل وی درود میفرستند و بعد از آن بر آل حضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه و آل وی درود و صلوات میدهند

واما ثبوت شرعا بجامیده که آل محمد و آل ابراهیم کدام طبقه اند و این شرف و مرتبه تعلق بکدام قوم دارد بمحض شفقت و لطف خدای تعالی جل جلاله و دعای پیغمبر صلی الله علیه وسلم در باب اولاد و نامی و احفاد کرام حضرت

شیخ الاسلام

فاما بیان نسب عالی و نسبت متعالی شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره السامی

حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی سره السامی بجوی

که در مقامات بزرگ حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی و شرح کتاب نفحات الانس که حضرت مولانا عبدالرحمن الجامی علیه الرحمة والغفران قبل با بحضرت آدم صفی الله صلوات الله علیه و بعد از فوت حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی الی الآن تمام قلمی نموده اند بوجه صحیح ثابت

وانتها نسب عالی و نسبت متعالی حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی بجریر بن عبدالله البجلی الیمنی رضی الله عنه بشش واسطه میرسد بغیر شش پشت و نسب جریر با ابراهیم خلیل الله بسی واسطه بدین طریق که احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن عبدالله بن لیث بن جریر بن عبدالله البجلی الیمنی رضی الله عنه

واما نسب جریر بحضرت ابراهیم خلیل الله بدین وجه است که جریر بن عبدالله البجلی الیمنی رضی الله عنه بن جابر بن وهو السلیل بن مالک بن النضر بن ثعلبة بن جشم بن عوف بن خزیمة بن حرب بن عامر بن مالک بن سعد بن نذیر بن قیس بن وهو مالک بن عبقر بن انمار بن اراش بن عمرو ابن الغوث بن نبت بن زید بن کهلان بن سبا البجلی الاخمر بن یشجب بن یعرب بن قحطان بن هیمع بن حمل بن قیدار بن اسمعیل الذبیح بن ابراهیم الخلیل صلوات الله و سلامه علیه و علی جمیع الانبیاء والمرسلین فاما در اسناه

ابا واجداو حضرت ابراهیم خلیل الله تا بحضرت آدم صفی الله علیه السلام اختلاف کرده اند بعضی ازاولیا
ذکر آنرا مکروه داشته اند ازجهت آنکه در نسب پیغمبران علیهم السلام تا نص صریح یا تواتر صحیح یا اجماع
امت نباشد سخن نمیتوان گفت فاما بعضی مفسران و اهل تاریخ نسب حضرت ابراهیم
خلیل الله را تا بحضرت آدم علیه السلام رفع کرده اند بدین طریق که ابراهیم بن آزر بن ناروخ بن ناخور
بن ساروغ بن ارعو بن فالغ بن عابر بن شالخ و هو هود النبی علیه السلام بن ارفخشد بن
سام بن نوح النبی علیه السلام بن لمک بن متوشلخ بن اخنوخ بن ادریس النبی علیه السلام بن مهلائیل
بن جهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث النبی علیه السلام هو ابن آدم صفی الله و ابو البشر و خلیفة الله علیه السلام
فاما احوط آنست که ترک کنند نسب را زیرا که خدای تعالی میفرماید که وقرونا بعد ذلک
کثیرا و جای دیگر میفرماید که والذین من بعدهم لایعلمهم الا الله
و جای دیگر میفرماید که فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم الی آخر الآیه و در جای دیگر میفرماید
که نسبت کل بنی آدم را در تقوی بسته و فرمان بردار که میفرماید که ان اکرمکم عند الله اتقیکم
و جای دیگر فرموده که انما یتقبل الله من المتقین و جای دیگر فرموده که ان الله یحب المتقین و عن ابی هریرة رضی الله عنه
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا کان یوم القیمة امر الله منادیا ینادی الا انی جعلت نسبا
وجعلتم نسبا فجعلت اکرمکم اتقیکم فابیتم الا ان تقولوا فلان بن فلان خیر من فلان بن فلان فالیوم
ارفع نسبی واضع نسبکم الی آخره روایت کرد این حدیث را از کتاب بیهقی فاما بیچ دانسته آن نیست

از زبان حضرت ... داود ... از زبان حضرت عیسی ... از زبان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ...

چون همه نسب و نسبت بدیشان درست کنند چه احتیاج که نسبت بدیگری کنند بانیان
چنانکه حدیث نبوی وارد است که قال النبی صلی الله علیه وسلم من ابطا به عمله لم یسرع به نسبه
و جای دیگر در کلام معجز نظام حضرت امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه میفرماید که فخر المرء بفضله لا
من فخره باصله ترجمه گفت اگر بود میر عجم شاه عرب : کامد زخدا انس اسد الله لقب : که فخر کند
مرد بفضل و ادب : بهتر که کند فخر باصل و نسب : و بزرگی دیگر میفرماید شعر انکه باشد فضیلت
حسبش : نیست حاجت بپرسیدن نسبش : فاما در کتاب مقامات حضرت
شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس سره چنان مذکور است که مردی نیکو روی و بلند قامت
و رنگ روی سرخ و سفید بوده مایل بسرخی میکرده گشاده ابرو چشم اندک
بسبزی مایل بوده و بسیار قوت عظیم بوده و بغایت دلیر آثار شجاعت و شهامت
بروی ظاهر و هویدا بوده فاما در بعضی کتب مقامات که یک مثنوی است که موی بر سر گذاشته
بود موافق بسنت نبی علیه السلام و در آن وقت که در کوه بریاضت مشغول بوده در کتاب
دیوان حضرت شیخ الاسلام احمد جامی بدین صورت افتاده است آنجا که میفرماید بیت
جان آدم این بصورت احمد تو دیده بسر : گر ز پی یک دانه ایزد در بهشت آمد از بهشت
شعر عشاق سری کوبیت در نجف کان نشسته : ... همه ترا دیده اشک آمده تا دامان :
فاما حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره در لباس پوشیدن بی تکلف مربوده اند و قبه

از زبان حضرت ... ادم ... والله اعلم

بنوع از لباس نمی بوده اند و آنچه موافق سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بودی پوشیدی تماما صاحب
مقامات که امام محمد الغزنوی بوده باشد گفته است که در اوایل حال حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی
دستار و جامه کهنه و پشمینه پوشیدی و کفش کهنه داشتی و بعد از ریاضات شاقه که در کوه
کشیده بود که گاه چهار ماه و شش ماه و گاهی یکماه و دو ماه و گاه بیست روز و ده روز طعام نخوردی و گاه
باختیار و گاهی باضطرار و هرگز چشم وی را هیچکس خشک ندیدی تماما در آخر عمر همه کارهای بر بدل
شدی و پیوسته لباس سفید پوشیدی لباس عالمان و فقیهان و کاملان و گویند در ایام
که در کوه بود خرقه از دست خواجه حضرت خضر زنده علیه السلام پوشیدی و قول دیگر گفته اند که از دست شیخ
ابوطاهر کرد که بر صحبت و مجلس وی بوده و چون از کوه بالهام ربانی بمیان خلق آمده خود حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وسلم که از ایام آنحضرت علیه السلام کل مشایخ کبرویه پوشیده اند تا زمان حضرت
شیخ الاسلامی احمد جامی که خرقه از شاهباز سبک سیر سلطان ابوسعید ابوالخیر رحمه الله پوشیده
بوصیت وی از دست پسر عاوی ستده اند که شیخ ابوطاهر بوده باشد و پوشیده اند
همان خرقه است که در قصبه کوسویه در میان اولاد شیخ الاسلامی احمد الجامی مانده است و کیفیت پیراهن
که خرقه مبارک که را پوشیده اند از ایام پیغمبر صلی الله علیه وسلم الی شیخ الاسلام احمد الجامی در کتاب خلاصة المقامات
ذکر نموده اند از آنجا مفهوم میشود و اینجا ذکر شد ذکر در بیان تولد و وفات و مدت عمر حضرت شیخ
الاسلامی احمد الجامی میگویند ولادت وی در ماه محرم سنه اربعین و اربعمایة بوده و بعضی گفته اند

که در سنه احدا

که در سنه احدا و اربعین و اربعمایة بوده تماما مدت حیوة عمر وی نود و شش سال بوده است
تماما وفات حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی در سنه ست و ثلثین و خمسمایة بوده
و حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره فرموده اند در کتب خود سراج السائرین که در
وقت ریاضت هر ریاضت و مجاهدت که ما را معلوم شد که انبیا و اولیای خداوند
تعالی بجا آورده اند ما همه را بجای آورده ایم و مزید بران میکردیم پیاپی حضرت حق
سبحانه و تعالی بفضل و کرم و لطف بی نهایت خود آنچه خبر به ... و مرتبه بر آنکه به کل انسان
داده بود یکبار با احمد داده و چیزی مزید بران نیز کرده چنانکه در اشعار خود فرموده بیت
باز جانی فتنه را برابروان انداختی ؛ شورشی در جان مستی خاکیان انداختی ؛ یک کرشمه چون نمود
از حکمت قدرتت ؛ غلغله در جمله کروبیان انداختی ؛ کوه و دریا و جهان تاب عشقت نا رسید
آنچه بر جان ضعیف ناتوان انداختی ؛ موسی عمران ارنی گوی را در طور عشق ؛ هرچه هست در نعم لن ترانی انداختی
احمد جامی که خواندی زنده فیل حضرتت ؛ زآتش هجر وی به پیچ در بزم گران انداختی ؛ و وعده نموده
که در هر چهار صد سال شخصی چون احمد پیدا آید در میان اولاد ما همچنانکه هژده هزار عالم بر خراج و اولاد آدم
بانجم پیوهند که آثار عنایت و شفقت حق سبحانه و تعالی درباره حضرت شیخ الاسلامی و اولاد
طیبه و ذریه نجیبه وی این بود تا دامان قیامت که هم خلایق بینند که هذا من فضل ربی
و بیکقول اینچنین واقع شده است که در هر پانصد شخصی خداوند عالم خلق کند از میان اولاد حضرت

بشیخ الاسلام احمد جامی که همه عالم و آدم خراج بوی باید داد و او را متابعت باید کرد و صاحب
مقامات حضرت شیخ گفته که ولایت حضرت شیخ الاسلام احمد جامی بجایی رسیده
بود که همه پادشاهان و اکابران وقت را خدمت فرمودی و تا آخر عمر همچنان بودی و حضرت
شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل قدس سره که یکی از فرزندان کبار ایشان است
در کتاب رموز الحقایق آورده است که تا آخر عمر بر دست پدرم شیخ الاسلام
احمد قدس سره ششصد هزار کس بر دست مبارک توبه کرده اند و از راه معصیت
بطریق طاعت باز آمده اند و از وادی فساد و ضلالت بمقام هدایت
باز آمده اند و زنگ و ظلمت از آینه دلهای ایشان بصیقل عنایت زده و بعضی
بمقام محبت و ولایت رسیده اند و بعضی از اصحاب کرامت و فراست شده اند
و در کتاب سراج السایرین میفرمایند حضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره
که الحق حق سبحانه و تعالی در باره این فقیر شفقت و عنایت فرموده بود که بسیار از مردمان
که بر دست فقیر توبه کرده اند و به یک دیدن صاحب رتبه و مرتبه شده و درجه رخصت
شیخی داده اند که مردم را توبه دهند باوجود اینکه زنگ دادن از دلها و اصفیا بصفتی
و از حالی بحالی کاری مقلب القلوبست در وسع و طاقت بشریت نیست چنانکه
در آیه کلام مجید در باب ابو طالب عموی خود آنحضرت صلی الله علیه و سلم رسیده

گذاشت

گذاشت و دعا کرد خطاب فرمود خدای تعالی که ای محمد سر بردار از زمین و دعا مکن که
هدایت در نزد منست و در نزد تو نیست باید که تو دوست داشته باشی که
قوله تعالی انک لا تهدی من احببت ولکن الله یهدی من یشاء آیه این همه شفقت و عنایت
در باره حضرت شیخ الاسلام که دعایی از آن است هرگز رد نکرد نه از برای دنیا نه از برای آخرت
و صاحب مقامات میگوید که این مرتبه زیاده از آن است که سنگ و کلوخ زر شود
بیت بسا که توده غبرا ندیدی زر بار را ؛ چو زنده وقت دعا آنکه مرده ور گفتست ؛
بسا که عمر سینا با سقیم صحیح ؛ بیا نظیر به بر که و آنکه از من است ؛ و دیگر اکثر در
کتبهای دیگر مطالعه کردم که آنچه اولیاء الله که پیش از شیخ الاسلام احمد جام بوده اند که مریدی
گرفته اند و شیخی میکرده اند کسانی که بر دست ایشان توبه کرده اند مدت سی سال و بعضی مدت
چهل سال ریاضت شاقه میکشیده اند تا آخر که بکار رسیده اند بفضل و کرم حق تعالی
و کسانی که بر دست حضرت شیخ الاسلام توبه کرده اند بیک نظر بمرتبه شیخی رسیده اند
و مرتبه و رتبه و ولایت رسیده که از قوت باطن او بزرگوار است چنانکه میفرمایند بیت
مردی به یقین درست در کار تمام ؛ در سر هوس جلال در سینه کلام ؛
آورده به زیر شیر زیان را بلجام ؛ احسنت زهی قطب یقین احمد جام ؛
و هفت هزار بیگانه که کافر مطلق بوده اند بر دست مبارک وی مسلمان شده اند و

و شرف اسلام یافته اند و بمرتبه ولایت رسیده اند و هزار خم خمر بیش است که شکسته
و هزار و دویست چنگ و طنبور و انواع رودها که شکسته و زیاده از ده جوال جعبه و
و فوایه که بریده و دیگر آنکه بسیار مرده آورده اند پیش حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی که دعا کرده اند و زنده
شده و بسیار کور مادرزاد را دعا کرده بینا شده و بسیار سنگ و کلوخ در دست مبارک
خود گرفته اند که زر خالص شده بود و از آنجمله است یک کرامت و فراست آن بزرگوار که ورده
بنوده که والد ایشان فوت نموده دعا کرده اند و از نو زنده شده و بعد از آن از دنیا رفت چنانکه
در مقامات نظم میکوید **نظم** شیخ الاسلام قدس الله ۞ سلطان محققان آگاه ۞ کرده بطواف شیخ کامد
از نام بکوه پایه منزل ۞ کوه پایه مقام جان و روح است ۞ در ده پدر شیخ ابوالحسن نیست ۞ بیمار و خواب
افتاده ۞ آشفته زده مهر زیاده ۞ کس رفت بشیخ برد پیغام ۞ از بهر پدر ببیت احرام ۞ تعجیل
کنان بنامق آمد ۞ بنشست زیارت شیخ احمد ۞ دید او ز شیخ پدر به بسته ۞ خلقی بعزای او نشسته ۞
گفتند که تمام گشت حالش ۞ اینک چه کنیم زر مع خالش ۞ بر خواست ز جای شیخ الاسلام ۞
از بهر وضو به بیت احرام ۞ بر خواست و کرد نماز پیشین ۞ بگذارده پیامش ببالین ۞ بنشیند
فتاد و مناجات ۞ در حضرت منبع السعادات ۞ گفتا که بیا زکین خداوند ۞ هستم بعنایت آرزومند ۞
غایب من ازین مقام و مسکن ۞ این نوع طمع نداشتم من ۞ رحلت کند ای پدر بنالند ۞
از رفتن او بود کامم ۞ با تو شد تو نفرین جهان رفت ۞ بر قول شهادتش زبان رفت ۞

مسکین

مسکین دل من ز غصه خون شد ۞ احوال ندانمش که چون شد ۞ چندین ز نیاز او بر آمد ۞
تا وقت نماز دیگر آمد ۞ گفتا که قیام میتوان کرد ۞ اندیشه نوحه زنان کرد ۞ در فکر نماز بود ناگاه ۞
چشم پدر شیخ شد آگاه ۞ احمد ز شیخ پدر که بگشاد ۞ آمد بسخن ابوالحسن شاد ۞ گفتا ای حال چه بدیدم ۞
چون بر طرف بهشت رسیدم ۞ باید همه روانش کردن ۞ بر ملت و نهاد کردن ۞ دل از همه راه برگرفتم ۞
من مذهب این پسر گرفتم ۞ بر مذهب اوست اعتقادم ۞ جز بر پی او ره مبادم ۞ اکنون
تو بگو چه باید کرد ۞ دارم دل ازین طریق پر درد ۞ شیخش گفتا که حسبنا ما ۞ مر باید تو بتوبه [illegible] ۞
بر توبه زبان گشاد اول ۞ در توبه تو بود شد مکمل ۞ آنگه ز زبان شهادت آورد ۞ شش
روز دگر ز بیت آمد ۞ باطن ملباس توبه آراست ۞ آن نوع که شیخ بنده خواست ۞
روز هفتم برحمت حق ۞ پیوست باذن حی مطلق ۞ بر روضه هر دم آفرین باد ۞
حق بر روانش آفرین باد ۞ و چندین هزار کور مادرزاد و پیش حضرت شیخ آورده اند که دعا کرده
که چشم او طیار شده و چندین مرده که از نفس مبارک او زنده شده و در مقامات و جا هر یک بوجهی
و مشروح مبین و مفصل است مکرر او دیگر ذکر نمی نماید پس است معتقدان را و حضرت شیخ
الاسلام احمد الجامی قدس الله سره [illegible] سنه که بیست و دو ساله شده بود که الحمد
[illegible] از خواد جو و کرم نهایت خود این خاک که مر
جا [illegible] علوم لدنی [illegible] عصر و عهد [illegible] من [illegible]

همی سر من نتوانست گرفت و چندین کتاب در علم معرفت و علم سر و حکمت و روشن کردن
و اسرار حقیقت و رموزات شریعت تصنیف کرده ام که هیچ عالمی و حکیمی بران اعتراض
نتوانست کردن و آنجمله کتابها همه مؤید و مؤکد و آراسته بآیات قرآنی و اخبار نبوی صلی الله علیه وسلم
و همه علماء و فقهاء و فضلاء وقت و مشایخ و اکابر روزگار دیده اند و پسندیده اند و مطالعه
فرموده اند و هیچ فقیهی و مشایخی بران هیچ عیب شرعی نگرفته اند و ازان نسخها گرفته اند
و باطراف عالم برده اند بیت کتابها که تصانیف اوست چهارده است ؛ همه مطابق
فرض و موافق سنت است ؛ و ایضا در مقامات بزرگ حضرت شیخ الاسلام
احمد جام مذکور است که در آن وقت که حضرت شیخ الاسلام در کوه بریاضت و مجا
هدت اشتغال می نموده اند و عبادت میکرده اند چون اکثر اوقات شهوت ویرا
رنجه میداشت و قصوری در حضور ایشان پیدا میشد بروزه و نماز اگر اقدام میکرد تا روزی با خود
اندیشه کرد که جهت دفع شهوت آلت را قطع کند کارد برگرفت و قصد آن کرد که آلت خود را
قطع کند هاتفی از غیب آواز داد که یا احمد چون پسرزادها را در کون میگیری ای احمد ما که
پروردگاریم پسرزادها از صلب تو در وجود خواهیم آورد و هر یکی مانند درخت بسیار سایه
ایشان خود چون حضرت شیخ الاسلام این آواز شنید کارد بینداخت و ترک آن کار
کرد و از این است بلی که حضرت شیخ الاسلام احمد جام تا آخر عمر سیصد و پنجاه زنان

خواست

خواست تا از وی پسر و دختر در وجود آمد و بعد از آنکه وعده حق تعالی
بجا آمده دیگر زن نخواسته است و منقول است که در فردای قیامت در پای علم حضرت شیخ
الاسلام احمد جام قدس سره این پسرزادها که ویرا اند از مادرزاد حاضر خواهند بود فاما
در بحر الانساب قدیم چنین مذکور است که بعد از وفات وی چهارده پسر از جمله پسرزادها
و سه دختر باقی مانده بودند همه عالم و عامل و صاحب کرامت و ولایت و صاحب تصانیف
و مقتدای و پیشوای همه خلق و از بعضی اولاد و احفاد و ذریه طیبه مانده و از بعضی نمانده تماما
اسامی شریفه اولاد و کبار صلبیه و احفاد و اعقاب علیه و ذریه طیبه و نتیجه طاهره
ایشان بتفصیل در مقصد سیم این مجموعه مبارکه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی
و در احادیث صحیحه وارد است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند
که در فردای قیامت منادی ندا کند از طرف حق تعالی که هر کس نام وی محمد یا احمد بوده
باشد برخیزد و بی حساب به بهشت رود و دیگر منقول است که در آن وقت
که حضرت موسی کلیم الله علی نبینا و علیه السلام در کوه طور عبور نمود و طلب دیدار
بیچون و بیچگونه کرد چون حجاب با کمال حضرت عز الجلال و الافضال مرتفع فرمود
پرتو انوار و لمعه آثار بران کوه متجلی شد و آن بناله و افغان در آمده و مدهوش و بیهوش
در مقام مشاهده ایستاده ناگاه چون برق خاطف صیحه عجیب و غریب در رسید

وبسمع مبارک حضرت موسی علیه السلام رسید بغایت متحیر شد که آیا این چه نغمه بود که ناگاه
منطاب
خطاب رب الارباب در رسید که ای موسی چه حیران شده روح احمد نام شخصی بود
از امت حبیب ما پیغمبر آخر الزمان علیه السلام بغیرت آمد که پیش از پیغمبری وی کسی دیدار طلب نماید
و این ابیات حضرت شیخ الاسلام احمد جام رح به حال ویست شعر جبرئیل از سده
گر باری و گر کوس نزول ؛ بی شک اندر حلقه اسرار مردان آمدی ؛ گر بسیم و زر توانستی
یزدان
خریدن عشق ما ؛ این سخن بر گوشه تاج ملوکان آمدی ؛ گر خروش غیرت نبودی در ازل
لن ترانی کی جواب پور عمران آمدی ؛ فاما در جای دیگر در اشعار خود میفرماید بیت
آنزمان کاندر ازل ما را بحق گفتار بود ؛ عرش نه کرسی بود نه جنت و نه نار بود ؛ آدم و حوا نبود و جبرئیل
انسی نبود ؛ روح ما اندر ازل با حضرتش در کار بود ؛ روح ما اندر رسیده روح او از نور حق ؛
روح ما بر جمله روحان سرور و سالار بود ؛ احمدا چون نیک بختان دولت آنجا یافتند ؛ دولت
ما از ازل تقدیر از جبار بود ؛ فضایل و شمایل و رتبه و مرتبه و کرامات و حالات حضرت
شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره بیحد و احصی است و بین الانام اشتهار تمام دارد
و از انجمله رتبه و مرتبه وی آنست که یکنوبت هشتاد هزار اولیاء الله جمع شده و بعضی ارواح [illegible]
از حضرت شیخ الاسلام بدرگاه احدیت بشکایت رفتند در باب رتبه و مرتبه حق
و غیرت بردند جواب آمد که از لطف حق [illegible] شده اند [illegible] چنانکه در مقامات
نظم بیان

نظم بیان کرده اند خلفای وی شعر استاد و عمر بگفته در خواب ؛ دیدم [illegible] قیامت در تاب ؛
آتش بمیان سر علم زده ؛ در آتش تیز او قدم نه ؛ گفتم که چه جایست یا رب این جای ؛ وین
جا که نهاده ام در آن پای ؛ حتما مقتضیات شنیدم آواز ؛ از غیب بگوش خویشتن باز ؛
گفتم بیقین که دوزخست این ؛ وین جای فغان و آه خست این ؛ این آتش تیز بر فروزد ؛
چون آتش او مرا بسوزد ؛ آمد ز پس او ندا مرا ؛ آواز بعزت جلالم ؛ گفتم گنه هم
ما جفا ؛ هر احمد جام دوستی هم ؛ آواز ز حق بگوشم آمد ؛ وین لفظ بگوش هوشم آمد ؛
در تیغ چو رایض باغ مبهوت ؛ آنرا که گرفت هیبت راه هیبت ؛ فردوس برین مقام
او باد ؛ از کوثر خلد جام او باد ؛ پس آن جماعت در پیش ارواح پیغمبر صلی الله علیه وسلم و در نزد
حق سبحانه و تعالی تخفیف و شرمنده بازگشتند و از انجمله مرتبه های او بزرگواریکی دیگر آنست
که هرگاه ارواح حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم باتفاق چهار یار رضوان الله تعالی علیهم
اجمعین نزول فرمودند و در حضرت شیخ که وقت نماز بود حضرت رسول [illegible] شیخ
الاسلام را در محراب بدست مبارک خود امام ساختند و باتفاق چهار یار بشیخ الاسلام اقتدا
نمودند چنانکه در مقامات نظم [illegible] است شعر امام بو الحسن صلاح گوید ؛ کو در [illegible]
[illegible] گفتا که شب بخواب دیدم ؛ این نکته راست از آن شنیدم ؛
به حضرت مصطفی نشسته ؛ با جمله صحابه خجسته ؛ بر جانب راست چهار یارش ؛

دُر بار زبان دُر نثار شی ؛ بد حضرت شیخ برحسب او ؛ من بنده ستاده روی بر
دیدم که نماز شد کلامش ؛ گفتم ز میان جان سلامش ؛ بر سیدم ازان که مقتدا کیست
امروز امام و پیشوا کیست ؛ یا بنده بگوی مر خدا را ؛ امروز که شاید اقتدا را ؛ مرکو اشارتم
محمد ؛ بر جانب قطب شیخ احمد ؛ پس گفت بمن رسول امت ؛ اقتدوه سنت و جماعت
این لفظ سه بار کرد تکرار ؛ میکرد بدان اشارت اخبار ؛ یعنی که امام شیخ الاسلام
هست احمد جام شمع ایام ؛ برخواست رسول وقت قامت ؛ و دستش بگرفت گفت امامت
در محراب النبی بیا که جا کن ؛ آنگاه بشیخ قند اکن ؛ تا جمله نماز سیاز گویند ؛ خلق از پیاو نماز کردند
از روضه پاک مصطفی نور ؛ بر روضه آن بزرگ مغفور ؛ و اگر مرتبهار و تبهار و ابهام
قلمی نمایم و قدر نمایم شود درین مجموعه با زیاده گنجایش نیست پس اختصار نموده شد پس هر کی
طالب کرامات و حالات عجیبه حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی ثم الجامی مجموعه ادعات
یا مطالبه دارد بعون الملک الودود خاکم محمد ... یا ارحم الراحمین

مقصد دویم در بیان فضل شرف و رتبه و مرتبه اولاد نامدار و احفاد کرام

ذریه طیبه و نجیبه طاهره حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس الله
سره الشامی و بعده بیان آنکه محبت این طایفه علیه عالیه ... احمدیه سبب
نجات و رفع درجات هر دو جهان است و عداوت ایشان موجب وزر و وبال

وبکمال

وبکمال هر دو جهان است چنانکه حضرت شیخ حافظ شیرازی که یکی از جمله مریدان اویس حضرت شیخ
الاسلام است میفرماید شعر پس تجربه کردیم درین دیر مکافات ؛ با دردکشان هر که در افتاد بر افتاد ؛
و حضرت مولانا و مخدومنا ملا جلال الدین محمد الرومی البلخی علیه الرحمة و الغفران میفرماید از بعض حالهای پیچ یکان
شعر یارای دل تو در میدان احمد ؛ طلب کن صحبت مردان احمد ؛ دران بیشه همه پیلان سپند ؛
زبیر قوت مردان احمد ؛ هزاران مقصد و هفتاد بریده ؛ غلام و چاکر و دربان احمد ؛ درآور جام دریا
میستی کن ؛ ز فرق شوق فرزندان احمد ؛ درآور کوه بزود مسجد نور ؛ عجایبها ببین از آن احمد ؛ و حضرت
شاه قاسم انوار رحمة الله علیه فرموده اند درین باب سخن چه شعر که بدر منیر آمده است اندر تمامش
بکوعه تصدق طلب از پاکه جامش ؛ در بیشه مردان همه شیران آذرار ؛ زنهار درین کوی بغفلت
نخرامش ؛ روزان و شبان با ادب نیک بگو تو ؛ با صالح و با طالح این اولاد نامش ؛ و حضرت شیخ
زین الدین خوافی رحمة الله علیه فرموده اند شعر نشأه ... از جام است ؛ رشحه جام شیخ الاسلام است
خاصه اولاد شیخ الاسلام ؛ قطب آفاق احمد جامست ؛ لطف قبل عیان انسانند ؛ بلک
البان بعین انسانند ؛ خاصه بر ساکنان تربت جام ؛ حمیت عن نوایب الایام ؛
و حضرت مولانا عبد الرحمن الجامی علیه الرحمة فرموده اند شعر شیخ جام است مر میدان عشق را ؛
خوش خوش که داده ... از روی بشیخ جام ؛ جامی ز شیخ جام طلب کن مدام فیض ؛ کز فیض
... عشرت میخوارگان تمام ؛ پس که به تمام مشایخ که مرید او گشتند حضرت

شیخ الاسلام اند که در باب فرزندان وی گفته اند تعلم تمام مطول می شود ختم پس است مخلصان
و معتقدان را پس تعظیم و تکریم و لطف و شفقت و اعانت ایشان بر همه صنادید عالم و اصناف
الامم از عرب و عجم واجب و لازم است و بدانکه ارشدک الله فی الدارین که حق سبحانه و تعالی
انواع سعادات را در ذریه طیبه و نسبه طاهره احمدیه ظاهر گردانیده و متظاهر ساخته
و انقدار کمالات رفعت و بلندی مرتبت و قدر درجه و علو مرتبه که در ذریه طیبه حضرت شیخ
الاسلام احمد جام بظهور آمده در ذریه هیچیک از مشایخ ماضی تا حال بظهور نیامده و تقدیر
لطف و شفقت که حق سبحانه و تعالی در بارهٔ فرزندان شیخ الاسلام کرده به هیچیک از مشایخ
نکرده منقول است از اکابر اهل الله ماضی که روایت کرده است که آن برکت و خاصیت
که حق سبحانه و تعالی در ذریه طیبه و نسبه طاهره حضرت خیر النساء بنت محمد المصطفی علیه
فاطمة الزهرا علیها التحیه و الثنا نهاده و بعد از آن تعبیه در ذریه طیبه اولاد حضرت شیخ الاسلام
احمد النامقی ثم الجامی بظهور آمده بیدو ان حصوت زیرا که اکثر ایشان بکمالات ذاتیه و فضایل
مکتسبه و خصایل پسندیده موصوف و متصف اند بزیور علم و عمل و فضل و تقوی و ورع
و کرم مزین و محلی اند بحسن خلق و سیرت آراسته و پیراسته اند و صاحب همت
عالیه اند از حساب آنچه در حساب آید بحساب و شمار روا داشته اند شعر آنچه باید ز لطف
خلق و کرم : [illegible] تا هزار و داشته اند : و منقول از یکی از ارباب باطن که از زنان

حضرت شیخ

حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی تا حال بعد از آن تا دامان قیامت همیشه در میان اولاد حضرت
شیخ الاسلام احمد جام یکی نفر بوده که ویرا مرتبه ولایت و درجه هدایت بوده بلکه در یکه عصر و زمان از وی
و اوان چنان بوده که مخصوص بلاد خراسان و غیره چند کس بوده اند که رتبه ولایت ایشان اظهر من الشمس
بوده است و مرخص و کامل و مکمل بوده بر جاده شیخیت و ثمره ولایت و ارشاد و اهدا خلق
مستقیم بوده و عامه را از راه ضلالت و تیه غوایت بطریق هدایت آورده اند و خواص و عوام
از صحبت عزیزان ایشان مفید و مستفید و مستفیض اند این عنایت شامله و عواطف کامله
از لطف حق سبحانه و تعالی نسبت باولاد حضرت شیخ الاسلام احمد عجیب است که اکثر ایشان
نجیب بن نجیب و کامل بن کامل واقع شده اند و این حالت در میان اولاد آدم عزیز
و نادر بود زیرا که گفته اند که غالب آنست که کامل را فرزند کامل نبود و آنکه باشد از جمله
آثار فضل و کرم و عنایت حق سبحانه و تعالی است و در حق ایشان بعینه چنانکه گفته اند بیت
نعم الاله علی العباد کثیرة : و اجلهن نجابة الاولاد : و لهذا اکابرین رحمهم الله تعالی
نجابت و خیر اولاد و ذریه را از حق سبحانه و تعالی استدعا نموده اند همیشه اوقات پس این
مضمون کلام ملک علام خبر میدهد که حق تعالی و الذین یقولون ربنا هب
لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین : یعنی ای پروردگار ما ببخش ما را از زنان و فرزندان
ما آنچه روشن شود از آن چشمهای ما از صلاحیت و طاعت ایشان و دعا ایشان

و امانزد اصحاب مکاشفه و ارباب مشاهده بصحبت رسیده و بوضوح انجامیده که ارواح
مشایخ انام را باولاد و احفاد خود و ذریه طیبه خود و متعلقان و مخلصان و مریدان خود توجه تمام است
چنانکه گفته اند مشایخ ما قدس علیه الرحمة که توجه و تعلق این طایفه اهل الله در حالت ممات
بیشتر از حالت حیوة است خصوصا روح پر فتوح حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی
الجامی قدس الله تعالی سره که با همه فرزندان و اولاد و احفاد از صغار و کبار و صالح و طالح التفات
و توجه بسیار است و نظر عنایت بیشمار هست چنانکه عارف نامی مولانا عبد الرحمن جامی
علیه الرحمة در نفحات الانس آورده اند که در وقتی که مولانا فخر الدین نوری رحمة الله علیه در ولایت
جام در جوار حضرت شیخ الاسلام احمد بچار اربعین منشسته اند ایشان میفرموده اند
که حضرت شیخ الاسلام را با همه اولاد و احفاد خود التفات تمام هست تا حدی که خواجه محمد خواتة
که ظاهر پریشان داشته توجه و التفات بسیار کرده اند پس بر همه کس واجب و لازم است
که در تعظیم و تکریم اولاد و احفاد حضرت شیخ الاسلام احمد جامی کوشند و رعایت جانب
ایشان کنند و بنظر تعظیم و تکریم و اداب وزند ایشان نگرند قطع نظر از آنکه ایشان
مستحق نظر باشند یا نه و اما حضرت شیخ الاسلام احمد جامی فرموده اند که هر که باعتقاد
پاک بر ما سلام کرده است یا بر فرزندی از فرزندان ما یا بر مریدی از مریدان ما حق سبحانه و تعالی او
را در کار ما کرده است و هر کس را که حق سبحانه و تعالی در کار ما کرده است تا جان وی از وی بشود در پیش خدا

ورسول

و رسول آبرو خواهم یافت تا از دوزخ نجات یابد شعر فردا که زنشنه کو بین نا کام بنیز
مردان که سینه که شاه و سلطان زنیر . چندانکه همه خلق ز دوزخ برهنه . در دوزخ نرسد ز احمد جامی نیز
شعر در دوزخ گر نباشد حق تعالی چند کس ؛ لاحول ولا بگو مترس از یشته کس ؛ مردان قدم ز که
شفیعنده ترا ؛ شیخ احمد جام و چهل و دو فرزندش ؛ و یکی نیست در مناجات گفته حضرت
شیخ الاسلام احمد الجامی که خداوندا احمد طفیل تست از کرم تو این چنین توقع دارم که در فردای قیامت
تن احمد را آن قدر قوی کردانی که بدوزخ که بروم دوزخ پر شود و از امت محمد صلی الله علیه وسلم
از نیکی و بدی کسی را سوایی گیتن احمد انقدر آن بزرگوار عالی همت بود در باره امت محمد علیه السلام
خصوصا در باره مریدان و مخلصان خود انواع لطف و شفقت داشت که بعقل راست
نیاید و در مقامات بزرگ حضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره مذکور است که در
وقتی که حضرت شیخ الاسلام احمد قدس سره بدرون خانه محترمه مکه معظمه مبارکه رفته اند
در حالتی وجد و سکر و مستی حق و غلبات شوقی که آنرا وصف نتوان کرد دست مناجات برآورده
دعا کرده اند و گفته اند که خداوندا فرزندان و مریدان و دوستان و یاران و محبان مرا در جهان
عزیز گردان در زبان مبارک وی این سخن بسیار گذشته شکی نیست که دعایی حضرت
شیخ الاسلام و چنان کبیر و چنان جایی مستجاب که در چنان وقت و چنان حالی و چنان موقع
و چنان لطفی چنان شفقتی شرف اجابت یافته باشد فلا محاله پس رعایت شفقت

وبرآوردن حاجت فرزندان ومریدان ومتابعان عین رعایت آن عزیزان است در هر دو جهان

بیت سلطان کرامت ولایت : خورشید سعادت وعنایت : پس حضرت شیخ قدس الله

چون عزم کعبه حجاز در راه : آنجا که بکعبه قدس رسیدند : بسیار کرامتش همی دیدند : القصه یکی ز جمله

آن بود که گویند حکایت آنچنان لبی قطب الاسلام شیخ احمد : فارغ ز منا پیچ آمد :

محروم در خانه بسته بودند : در بر همه کس نمی گشودند : در سایه کعبه شیخ الاسلام :

یک لحظه بود گرفته آرام : چون گرم شد آفتاب هم دم : گشتند ز خانه جمله کم : پس شیخ

بگفت کارمیدیم : شها بحرم رسیدیم : یاد آمدم از گروه استمداران : فرزندان و مریدان

یاران : که گفته ام وصیتیم که زنهار : ما را بدرون خانه یاد آر : من خاص بگفته ام دعاشان :

تا کام دوا کند خداشان : اکنون وقت است در خانه خالی : آمد بطواف خانه حالی :

بسته در خانه رفته خدام : در حالت وقت شیخ الاسلام : گفت از غلبات ای خداوند :

مهمانم خوان و در فرو بستند : مهمان که گفتیم یا کسی را : در بسته روا نباشد ازما : مپسند

تو ای رحیم و رحمن : در بسته بود برو مهمان : نوی سر که دلم بحق فرستاد : حق باز بما

بدل فرو داد : خوش آمده ای محرم راز : شان تو مرتبت خانه در باز : دست از کرم خدا که

بردم چون بصدق دست بر در : بگشاد در هم بروی حسن : در خانه شمع بر تو یاران :

شد حالت وقت پس عظیم : الهام در آمد از کریم : احمد تو بخواه هر چه خواهی : از تو طلب و من عطایی :

در هر دو جهان

در هر دو جهان بمقصد تو : برمی آوریم مطلب تو : یارب ز خدای خویشتن جوش : مریدان ابو عاشقان کوش

کین بار خدای سرپرستان را : فرزندان و قرابتان را : اندر دو جهان عزیز میدار : رفت بزبان شیخ بسیار :

شد بر در خانه خدایم : مقرون اجابت آمد عایم : شیخ از حرم آمده بیرون : از واقعه حالتش

دیگرگون : این قصه تمام از آن شنیدیم : در سلک عبارتش کشیدیم : در بیرون خلق [illegible] :

بر مسند قدر تکیه گاهش : فاما پوشیده نیست ظاهر و هویداست در حکایات و بعضی

روایت و بعضی دیده شد که اگر تمام او را در اینجا قلم نمایم مطول میشود شمه [illegible] دوستان و

معتقدان و محبان را و باقی رتبهای حضرت شیخ الاسلام را از مقامات های آن بجوید تا مقصد حاصل

شود همچنانکه محبت و هم پیستن این طایفه علیه عالیه احمدیه ثمره شجره نجات و رفع درجات است

در هر دو جهان فاما عداوت و دشمنی و حسد و مخالفت ورزیدن با این طایفه علیه عالیه

و شجره طاهره احمدیه موجب وبال و نکال و خسران دنیا و آخرت میشوند ولهذا

هر کسی که با سلسله نامی و خانواده کرام حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس الله

سره اسرار و اولاد طیبه و احفاد نجیبه وی در مقام نزاع و عداوت و دشمنی

و بدا او بور آمده باشد عاقبت الامر بعقوبت دنیا و عذاب آخرت گرفتار شده و رسوایی

عالم گشته و فضیحت خلق شده و در گمراهی این دنیا افتاده و در هر عصر و اوان و

قرن و زمان بسیار تجربه نموده اند و مشاهده فرموده چنانکه حضرت شیخ حافظ شیرازی

میفرماید شعر پس تجربه کردیم درین دیر مکافات ؛ با دردکشان هر که درافتاد برافتاد ؛
و هر وقت جمعی انبوه بوده اند که جهت حطام دنیوی در خلا و ملا با اولاد نامدار و احفاد کرام حضرت
شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی در مقام منازعت بوده اند بلکه صبح و شام و علی الدوام از خان انعام
و اکرام ایشان بهره ور و ریزه چین بوده اند و بعده با اولاد آن بزرگوار در مقام منازعت و مناقشت
و عداوت بوده اند پس آن جماعت عاق و کفران ولی النعم اند شعر اینجا چه کنی چه گوی گرد میدان ؛
انجام از در مار است و زخم پیلان ؛ ای هر که در آید و نماند دل و جان ؛ رغبت نکند کرد در سلطان ؛
و انا جمله یکی آنست که یک رئیس بوزجان با آن بزرگوار در مقام منازعت و عداوت بوده چه بلا
بر سر آن جماعه و تعالیب او آورده است شعر از بوالحسن صلاح تعلیت ؛ زان بر که اصل عقل
نعلت ؛ من بود به بوزجان رئیس ؛ در ظلم و مخالفت خبیث ؛ بوالعباس وکیل بود تا شش
هزل و کلاه بود انتقامش ؛ یکروز بر امیر فریاد ؛ بود از جهت بزرگی او تا دو ؛ گفتا رئیس عادل ؛
جوان بخت ؛ یا صدر رحیم ازین جهت سخت ؛ مرولیت غریب در ولایت ؛ در هر دو هست
ازان حکایت ؛ مردم تعصب او فتاده ؛ بر مادر ما جرا کشاده ؛ آخر به نزاع او فو میست
آگاه نبود ازان که او کیست ؛ پس گفت امیر چه و چون ؛ باید که روش ز شهر بیرون ؛ یک تا بیت
چه حاضر ؛ گفتا انهما گویم آخر ؛ ارباب گو که یداین حکایت ؛ از شیخ چنین کند شکایت ؛
و انست امیر کو چه گوید ؛ به گفت ازین سخن چه جوید ؛ آن میر رئیس بی ادب کرد ؛ از شهر

ادب پس

ادب پس تعب کرد ؛ کس بر در خبر ز شیخ الاسلام ؛ آن مرشد و مقتدای ایام ؛ بر لفظ مبارک
این سخن راند ؛ آنچه که گفت جمله برخواند ؛ یا او کنم ز شهر بیرون ؛ یا من کنمش بخاک در خون ؛
چون روز و شب ازین بر آمد ؛ بر دشمن آن جهان سر آمد ؛ یک جمعه پس از نماز و پیش ؛ چون شیخ
میان ده رسیدش ؛ گفتا که تو رئیس در حق من ؛ گر این سخنان بزرق و شیوه ؛ گر تو به نماز
جمعه دیگر ؛ آیی ببایت کمر ؛ انگاه مرا برون کنی از شهر ؛ این گفت و برفت اعلم عصر ؛
نو لحان شد آن رئیس نابر ؛ قولنج گرفت و درد بسیار ؛ چون خوک رسید کرد فریاد ؛ یک سر
ان چون خوک افتاد ؛ با مردم جام عبرت افتاد ؛ آمد پسر برادر او ؛ از عجز نهاده بر زبان رو ؛
در حضرت شیخ گوی زار ؛ ای شیخ جنانش میگذاری ؛ یکرخت ازان خود بمن ده ؛
بر روی فگنم که تا شود به ؛ گفتا که رد که بور سلیبش ؛ سجاده من فکن بر ویش ؛ تا جان بدهد
رئیس فی الحال ؛ آن که رئیس بد افعال ؛ بر روی چو فکند جان بحق داد ؛ این حادثه
شد زلیه او راد ؛ بر ربیت بدر و ازیشان رخت ؛ زخم زدنش آن بزرگ دین سخت ؛ هاتف ز فلان
[illegible] بیرون ؛ در کشتن آن سگ بدخو ؛ احمد تو مخیری درین شهر ؛ بر کشتن هر احد درین دهر
یک مژده نیک راهی سپت ؛ مر احمد جام سر حق گفت ؛ از روضه بر آی هزار رحمت ؛
ایزد و هوش مقام جنت ؛ پس گر تا ما جماعه که حضرت شیخ الاسلام احمد جام مقبول گفته است
بر تیغ لا اله الا الله و در نعمت خلق و آنچه که ازو فوت شده غریب بصد هزار کس از علما و فضلا و ادا

و حکام و سلاطین مشغول کرده اند که اگر تمامی آن را تعلیم مطول مشود این مجموعه تحمل نیست محبان مجمل

فاما حضرت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد که از نبایر حضرت شیخ الاسلام احمد جام است

فرموده اند که تمام جام وارد الملک شیخ است و جمله متصرفان و متوطنان این ولایت از سفره

دولت و خوان انعام بینهایت وی بهره مییابند ولهذا اکثر خلق الله در امور عظیمه و

مهام عجیبه دنیا و آخرت از روحانیت آن بزرگوار طلب همت و امداد می نمایند بیت

سلطان حقیقت است در عشق تمام ؛ بسیار نهاده در رهی مرد گام ؛ هر حاجت و مقصود که

داری بطلب ؛ از بارگه قطب جهان احمد جام ؛ پس لازم است بر همه کس که اولاد نامی و احفاد

کرامی حضرت شیخ الاسلام را صاحب دولت النعمی دانسته ملاذ و ملجا و مخدوم و قبله

خود شمرند و عزت روح آن بزرگوار را همه وقت منظور دارند فاما جماعتی که اوصاف ذمیمه

و هوای نفسانیه و تسویلات شیطانیه قبلهٔ همت ایشان شده و از خدمت اولاد نامی و احفاد

کرامی فیوضات روضه عالیه محروم و بی نصیب اند بیت گلیم بخت کسی را که بافتند

سیاه ؛ بآب کوثر و زمزم سفید نتوان کرد ؛ و شک نیست جماعتی که با اولاد حضرت

شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی در این مقام نشسته در دنیا خاسر و در قیامت شرمنده

و روسیاه خواهند بود و آن حضرت بوی خصومت خواهند کرد بیت با ژنده فیل

پشه چو پهلو همی زند ؛ گر جان بباد بر دهد الحق سزای اوست شعر اغیار را آنچنان کند

عاشق چو ترک

عاشق چو ترک جان کند ؛ این خانه اندوه را بگذارد تا ویران کند ؛ و فی الجمله اولاد حضرت

شیخ الاسلامی احمد الجامی بر همه صنادید عهد و زمان و قرن و اوان و اکابر عصر و دوران فایق

و سابق اند و ممتاز و برتر افتاده اند بیت ما جوهر چنانیم و لی خضر و شانیم ؛ ما خاک

نشینیم و لی شاه نشانیم ؛ آن مرغ که بر کنگرهٔ عرش نشیند ؛ ما بیضهٔ که طاووس گلستان

جنانیم ؛ ما صید حریم حرم کعبهٔ قدسیم ؛ ما راه بر بادیهٔ عالم جانیم ؛ گر زه بتقیان سموات نمایم

گاه از سر بستر ره کاشانه نداییم ؛ داود صفت گاه بصد نعره در آییم ؛ هر گه که ز دو زخم عشق

تو بخوانیم ؛ احمد چه کند شرح غم عشق چگوید ؛ از خشم که هر بار قلم در بچکانیم ؛ و حضرت

مولانا و مخدومنا شیخ زین الملة و الدنیا و الدین شیخ زین ابو بکر اتابادی ابافر [illegible]

فرموده اند که اولاد حضرت شیخ الاسلام را در میان مردمان میتوان شناخت اگر

یکی در میان هزار کس رفته نمایان است و نور احمدی در جبین او ظاهر و هویدا است احتیاج

به پرسیدن نیست بر وی و امن آنر الکبیر تا ترا از محن و اندوه و غم هر دو جهان برهاند و آنچه

مقصود تو بود مزید بتو رساند و در آخرت شفیع و معین تو باشد فاما هر یک از اولاد نامی

و احفاد کرامی فرزندان حضرت شیخ الاسلام را از صغیر و کبیر و کهتر و مهتر بزرگوار سیاست

مورا [illegible] از جمله خلق ممتاز شده و هر یک را نوع ملاحت و فصاحت و خصوصیتی است که

آن دیگری را نیست بعضی را عشق و بعضی را محبت و بعضی را زهد و بعضی را علم و بعضی را [illegible]

و بعضی در سند که هر هم خلق الله ممتاز نند را امور دنیاوی آخرت **ولهذا** سر فرو نیارند بهیچ کس در دنیا

هر جا که واقع شوند همه کس بالطوع و الرغبة بدون الاکراه و الاجبار مطیع و منقاد ایشان شنند چنانکه

حضرت شیخ الاسلام در اشعار خود میفرمایند **بیت** پادشاهانیم ما را ملک نیست ٭ لاجرم فارغ

گدایان ماست ٭ گر بصورت ما گدایی میکنیم ٭ گنج معنی در دل ویران ماست ٭ اسپ همت را

چون در زین آوریم ٭ هر دو عالم گوشهٔ میدان ماست ٭ گر کسی هر گوی طلب دارد زما ٭ نور حق

در جان ما برهان ماست ٭ این زمین پستی این چرخ بلند ٭ برقرار از همت پیران ماست ٭

احمدا سر فدا کن در رهش ٭ سر فدا کردن ره پیران ماست ٭ **و در مقامات** حضرت

شیخ الاسلام احمد جام مشهور است که فرموده اند که اگر اولاد ما را در خرابات بینی بمناجات

یاد کن و اعتقاد فاسد مکن این سخن حضرت شیخ بنابر آن تواند بود که هیچ یک از صغیر و کبیر

و صالح و طالح خالی از حالت و لطافت نیستند اگرچه بواسطه حوادث روزگار و نوایب

لیل و نهار با مور دنیوی اشتغال دارند و از زیر حقیقت و معنی آبا و اجداد خود چند روز

تخلف ورزیده اند اما عاقبت الامر بیابی که و مرکز و طهارت اصلیهٔ خود باز گردند چنانکه

حدیث صحیح نبوی صلی الله علیه و سلم از آن خبر میدهد که قال النبی علیه السلام الولد سر لابیه

و در حدیث دیگر میفرماید که قوله علیه السلام کل شی یرجع الی اصله **بیت** از درخت عود

هم عود آید ٭ از معدن جوهر جوهر آید ٭ **فاما** پیوسته نیز در میان اولاد حضرت

شیخ الاسلام

شیخ الاسلام احمد النامقی قدس سره جامی جمعی بوده اند که منظور نظر و مقبول بصر پادشاه وقت بوده اند

و صاحب منصب و جاه مال و اموال بسیار و زراعت بیشمار و پیشوا و ملاذ و ملجأ و معاد خلق

و خوان انعام ایشان بهم عالم رسیده و میرسد بین الانام اشتهار تمام دارد که کرم ذاتی و سخاوت

جبلی موروث خاندان اولاد حضرت شیخ الاسلام است و خورد و بزرگ این طایفه علیه احمدیه بصفت

سخاوت و کرم مزین و محلی اند و خلق از انعام [خوان] ایشان معمور و جمله ایشان از نخل حب و حب جاه

و التشفق باحوال فقرا و علماء [و فضلا] و فقها و زهاد و عباد و غربا و غیره ترحم و التفات و لطف چه و الاجر

که بعضی راست نباید مخصوص این طایفه علیه است **و اما بعضی از ایشان** بسبب ولایت و زهادت

اختیار دارند و این اوصاف اختیاری این جماعت علیه احمدیه نیست لابد از ایشان

بظهور میآید که **کل اناء یترشح بما فیه** **ترجمه** هر کس که بعمل کوشد بد طینت اوست ٭

هر کس که نیکو گوید نیکی ز طینت اوست ٭ حال متکلم ز کلامش پیداست ٭ از کوزه همان برون تراود که دروست

فاما از بعضی اوصاف صلبی اولاد نامدار و احفاد کرام حضرت شیخ الاسلام احمد جام

بتمام انبیاء روزه کار رسیده و نخواهد رسید چون بطریق عادت روزنامه البته

منسوب باغراض فاسده ممزوج ببدعیات مقید خواهد و شاید این حال خبر مآل

آثار نیست که بر صفحه روزگار بظهور میآید این امریست که پوشیده و پنهان باشد و بسته

از همم عالیه متعالیه که این جماعت بزرگوار را بوده است حسب الشرع شریف بجهت

معاین بودند و حفظ انساب شریفه و احساب رفیعه خود کما هو المقدور مرعی داشته اند و ملاحظه
و نسبت مرعی نموده اند بخاندان شریف که کفو ایشان می بوده از سادات عظام و ائمه مشایخ
کرام و علماء اعلام و فقهاء اسلام و ملوک ذوی الاحترام و امراء نامدار و وزراء عالیمقدار و پادشاهان اقلیمات اسلام **ولهذا** اولاد و احفاد کرام حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی و جامی
اگر چه چون طبقات سموات طبقه طبقه اند و باز هر طبقه منقسم بچند طایفه و هر طایفه
منشعب میشود بچند فرقه و هر فرقه بچند شعبه و هر شعبه بچند گروه و هر گروه بچند جماعه شده اند از ذکور
و اناث و هر نسبتی و مواصلت که هر طبقه را بخانواده بزرگ واقع شده در مقصد سیوم
و در همان قبیله نسب عالی و نسبت متعالی آن و در این مجموعه اشاره و بوجه مضبوط مفصل
کرده ان شاء الله تعالی

مقصد سیم در بیان نسب عالی و نسبت متعالی اولاد و ذریه طیبه و نتیجه طاهره

حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی و ثم الجامی قدس الله
تعالی سره اینها که هر یک بچند واسطه بحضرت شیخ الاسلام احمد جام بچند پدر میرسند
و بعد از نسبت آبا و اجداد نسبتهای که ایشان را با سادات و نقبا و نجبا و شرفا
و فضلا و صلحا و علماء و فقها و مشایخ انام و ملوک و سلاطین واقع شده بعد از این در جای خود
مبین و مفصل خواهد شد ان شاء الله تعالی **فاما** بدانکه در مقصد اول این مجموعه مبارکه مذکور شد
که حضرت شیخ الاسلام احمد جام را چهل و دو فرزند بوده است سی و نه پسر و سه دختر

خداوند عالم

خداوند عالم خلق کرده است و بعضی از ازواج طاهرات که بدان خطاب مستطاب رب
الارباب شده بود که بخواهد و در عقد خود درآورد جمله هشت بوده اند و این چهل و دو فرزند از این از
واجات طاهرات بوجود آمده **فاما** این ازواج طاهرات هر کدام از هر ولایت که بوده اند
میان میکنند یکی از ولایت سرخس بوده و یکی از ولایت جام از قصبه بوزجان بوده است و دو از
قصبه صاغو بوده است و یکی از قریه اسپناوزور آباد بوده است و یکی از قریه افروز بوده است و یکی
از بلده سرخس بوده است و یکی از بلده نشابور بوده است **واما بعد** از وفات حضرت
شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی چهارده پسر از جمله سی و نه پسر زنده بوده اند همه در خلوت
نشسته اند و همه عالم و صاحب علم لدنی و همه کامل و فاضل و عارف و صاحب تصانیف
و پیشوای و مقتدای همه آفاق و خلق عالم از عرب و عجم **فاما** چهار پسر را فرزند نبوده یکی
خواجه ظهیر الدین عیسی دوم خواجه شهاب الدین اسمعیل و این هر دو مجرد بوده اند که خدای
اختیار نکرده اند چنانکه مشهور است که چون خبر ولادت خواجه ظهیر الدین عیسی را بحضرت
شیخ الاسلام آوردند که خداوند عالم بشما پسر کرامت کرد فرموده اند که خدای تعالی ما را حکیم
کرامت کرده همچنان شد که شیخ گفته بود صاحب ولایت و کرامت بود بعلم ظاهر
و باطن کامل و مکمل بود در حکمت الهی بدرجه کمال رسیده بود و ویرا تصانیف مفیده مشهور است
چند کتب معتبر بوده که در میان (اولاد) ظاهر و هویدا است و امام فخر الدین رازی وی را نیز دریافته

در بیان ازواج طاهرات شیخ

و امام فخر وی را بسی تعظیم و تکریم نموده فاما مدفن وی را در مقامات ذکر نکرده اند اما خواجه شهاب
الدین اسمعیل نیز در علوم ظاهر و باطن کامل و مکمل بود و صاحب کرامت و فراست و وی را تصانیف
مفیده بسیار که خلق از آن بهره ور میشوند و از آن پنج فرزند لیست که خواجه ظهیر الدین عیسی
گفته است که خواجه ما را پنج فرزند در حیوة است که ایشان را درجه امامت است و اما مدفن وی
در قبله تربت است در میان رهگذر و رواق و گنبدی که آنرا گنبد سفید گویند و پس
خواجه بدر الدین صاعد و چهارم خواجه حمید الدین عبد الله فاما خواجه بدر الدین صاعد
عالم و عارف بوده میان علوم لدنی و ظاهر و مدفن وی در مسجد نور است تابع قریه بزومن
ولایت جام قریب بغار و کوه بزد و چشمه که والد او غسل کرده اند اما خواجه حمید الدین عبد الله
عارف و فقیه و فاضل و کامل بوده بعلوم ظاهر و باطن مادر وی دختر رئیس صاعد بوده که آنرا شیخ
در سن هشتاد سالگی خواسته اند همانا که در تذکره هیچ ... مادر مشایخ ... اند
و حضرت شیخ الاسلام فرموده اند که ما را از وی پسری نموده اند و قصه آن در مقامات
بزرگ حضرت شیخ الاسلام مشهور است که آن عمر در زیر دیوار آمده است و بعد از آن شیخ
داده اند و مدفن وی را چنین نوشته اند که معلوم نیست که در کجا آسوده اند اما این چهار پسر را
اولاد و اعقاب و فرزند نبوده اصلا و قطعا فاما آن شش پسر دیگر را فرزند بوده و عقب مانده
از ایشان در دنیا هیچ از آنها ذکور یکی خواجه رشید الدین عبد الرشید که فرزند مهتر

شیخ الاسلام است

شیخ الاسلام است عالم و عامل بوده بعلوم لدنی و ظاهر و صاحب کرامت و فراست و ولایت
بوده در قریه ارغند از ولایت ترشیز بر دست ملاحده درجه شهادت یافته و مشهد متبرک
وی در قریه ارغند است در پایین دیه و آنجا بجوان مرد مشهور است و وی را پسر داشته اند اما عقب
نمانده است بعض اولاد نمانده دویم خواجه جمال الدین ابو الفتح در علوم ظاهر و باطن کامل بوده و صاحب مقامات
عالیه بوده و چند نوبت زیارت حرمین الشریفین را دریافته بود و یکمرتبه همراه شیخ الاسلام احمد النامقی
بجای آن سفر مبارک رفته بود و از آنجا بسیاحت بمغرب زمین رفت و مدفن وی آنجا است و وی را
سه پسر بوده بعد از فوت وی و از دو پسر عقب نمانده است اصلا و قطعا و از یک پسر دیگر او بود
مانده و چنین گویند که فرزندان او در مغرب زمین بسیارند سیم خواجه صفی الدین محمود
عالم بوده بعلوم ظاهر و باطن کامل بود بسیاحت بملک روم رفته و آنجا مانده و مدفن وی آنجا است
چهارم فخر الدین ابو الحسن صاحب کشف و کرامات عالیه بوده در علوم ظاهری و باطنی کامل
بوده و حضرت شیخ الاسلام احمد در طفولیت با وی نظر لطف و شفقت بسیار داشته اند و در خردگی
از وی کرامتهای عجیبه و غریبه بسیار بظهور آمده مادر وی ازده ترس بوده و وی را یک پسر بوده عقب نما
نده از وی بعض اولاد نمانده و مدفن وی در دیه عزا باد است از ولایت جام پایین قریه زرنک
و شیر پنجم خواجه نجم الدین ابو بکر زیور علم و حلم آراسته بوده بعلوم ظاهری و باطنی و وی را یک پسر بود
عقب نمانده از وی و مدفن وی در بیابان کرمان است ششم خواجه عماد الدین عبد الرحیم

در علوم شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت کامل بوده و صاحب کرامت و فراست و امانت
و پیشوا و مقتدای همه خلق بوده و ویرا یک پسر بوده و عقب نمانده بعض اولاد نمانده اصلا و قطعا و قبر وی
در پایین قبر پدر بزرگوار شیخ الاسلام احمد است و ویرا حاجب شیخ الاسلام احمد گویند فاما صاحب
مقامات حضرت شیخ الاسلام احمد جامی و بعضی از اهل الله که اهل کشف بوده اند گفته اند که هر کس
را بشیخ الاسلام احمد حاجت دارد خشت باید که آنرا بروی عرضه دارد تا آن حاجت روا شود
زیرا که شیخ الاسلام احمد ویرا حاجب خود خوانده است اما آن چهار پسر دیگر حضرت شیخ الاسلام
احمد را فرزند بوده و از ایشان اولاد و اعقاب بسیار و بیشمار مانده یکی اول خواجه برهان الدین نصر
که بعد از وفات حضرت شیخ الاسلام احمد قایم مقام و خلیفه پدر بزرگوار خود بوده عالم بوده بعلوم
ظاهری و باطنی و در علم تفسیر و علم حدیث کامل بوده و در صغر سن از وی آثار علم و فضل و کمال پیدا
ظاهر شده چنانکه علما و فقها و فضلا و مشایخ وقت ویرا حیرت گرفته بودند مادر وی از قصبه ... بوده
بوده و در باب ترویج وی مناقشه و مباحثه بسیار نموده اند و مردمان شیاطین الانس نمازی ...
را هر نه بی نهایت میکرده اند و حضرت شیخ الاسلام احمد مبالغه و کوشش بسیار میفرموده ...
گفته اند که مرا نموده اند که ترا از وی پسری خواهد آمد که در راه خدای تعالی پیشوا و مقتدای همه خلق
کرده و بعد از آن چون خبر ولادت ویرا بشیخ الاسلام احمد آوردند فرمودند بلفظ مبارک خود
که خدای تعالی ما را حجة الاسلام می داد و حضرت خواجه برهان الدین نصر یک شهر ... بعوض ...

بوبه هبة

بوبه هبة الرحمن نام که از جمله آن عارفات بوده است و خواجه را با وی نظری تمام بوده چنانکه
نسبت بوی فرموده است بیت عشقم زپدر رسید میراث ؛ من نیز از آن دهم بفرزند ؛
شعر اصل ما تخم محبت بوده است اندر ازل ؛ نه لبیبی ام و اب و نه لبیبی دیگران ؛ و در جای دیگر حضرت
شیخ الاسلام احمد جامی فرموده اند شعر خوش باش که در ازل بپرورده اند ؛ کاری که من و تو بایدی توزخته اند
و ویرا بنا بر آیه و افهامه فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع و نیز بنابر سنت
سنیه نبویه مصطفویه علیه التحیه و السلام بر سبیل ... خواجه سراج الدین احمد زاده بودند و او
لا و اعقاب و احفاد از وی بسیار و بیشمار مانده و فرزندان که بخواجه برهان الدین نصر منسوب اند
از نسل وی اند از طرف مادری و مدفن خواجه برهان الدین نصر در قریه کاریز صاعد است من
ولایت باخرز دویم خواجه ضیاء الدین یوسف ویرا کرامات و مقامات عالیه بوده صاحب علوم لدنی
و ظاهری بوده است فقر و ناداری و درویشی اختیار کرده بودند چون خبر ولادت وی بشیخ الاسلام
احمد آوردند فرمودند بلفظ مبارک که خدای تعالی ما را فقیری داد و طریقه وی چنان بوده که در تمام عمر
هرگز زیاده از قوت یکروزه نگاه نداشتی چون شب بمطبخ خود در آمدی و در سفره هر چه از نان
بودی بدرویشان دادی و نان ریزه اگر بودی بسگبان دادی و این بیت املا فرمودی بزبان مبارک مکرر
یا الکرر این بیت بیت هر چه داری شب نوروزی بیاز کرد ؛ روز نو روزی نو غم فردا مخور زینهار ؛
فاما بعضی مفسران در تفسیر این آیه مبارکه که قال الله تعالی فلنحیینه حیوة طیبة

گفته اند که سیرهٔ طیبه آنست که رزق میسر معدا یوما فیوما کرده اند
تا از نگاهداشتن او فارغ البال و مرفه الحال
بشد چون وی را وفات یافت حضرت شیخ الاسلام احمد جامی را در واقعه دیدند جمعی از مشایخ کبار
که فرمودند که ضیاء الدین یوسف را در بالای سر ما دفن کنید که او تاج سر ماست بنا بر آن
دیدن واقعه و اشارت حضرت شیخ وی را در بالای سر شیخ الاسلام احمد دفن کردند حضرت
خواجه هر دو پای مبارک خود را بکشیدند و مربع نشستند ادب پدر بزرگوار خود را نگاه داشتن
قریب به هزار نفر مرد از مردم معدآباد و سایر ولایت جام حاضر بودند که همه آنرا مشاهده
نموده اند و هر که از اهل الله آنرا در واقعه می‌بیند همچنان پای را کشیده و مربع می‌نشیند
و وی را یک پسر بوده خواجه سراج الدین احمد که دختر عم خود بی بی هبة الرحمن را عقد نموده
و بمناکحت خود در آورده و اولاد که منسوب بوی اند از نسل ایشان مرتفع اند که بعد از این در
محلش بیان خواهد شد ان شاء الله تعالی سیم خواجه شمس الدین مطهر بسیار بزرگ بود
در علوم شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت کامل و مکمل بوده و والده وی از قصبه
صاغو بوده و وی با خواجه ظهیر الدین عیسی از یک مادر بوده اند چون خبر ولادت وی را
بشیخ الاسلام احمد جامی آوردند فرمودند بلفظ مبارک که خداوند عالم ما را سلطانی داده گفته اند
که این معنی سخن شیخ الاسلام احمد در اولاد خواجه ظهور تمام دارد و مدفن وی در قریه
مطیران است بناحیت هراة و وی را یک پسر بوده خواجه قطب الدین محمد که یگانهٔ

عصر بوده

عصر بوده و در عهد خود نظیری نداشته و اکثری اولاد حضرت شیخ الاسلام احمد جامی از نسل
وی اند و آنچه که صلاحیت داشته تقریبا هزار تن صغیر و کبیر اناث و ذکور حالا در قید
حیات هستند **چهارم** خواجه قطب الدین محمد وی عالم و فاضل بوده در علوم ظاهری و باطنی و صاحب
ولایت و فراست و کرامت بوده در وهی برس از ولایت رخ ساکن بوده و مدفن وی آنجاست
و اولاد وی آنجا بسیار اند و بشمار اند و حالا نیز هستند **فاما کیفیت** احوال اولاد
ایشان معلوم نیست و در بعضی اوراق کتاب قدیم چنین نوشته اند از این جهت بود
که درین مجموعه ذکر اولاد ایشان نخواهد گذشت بجهت آنکه در بعضی اوراق کتاب قدیم اصلا
و قطعا قلمی نموده اند کتاب بنامه گذرانده اما خواجه ضیاء الدین یوسف را یک پسر
بوده خواجه سراج الدین احمد نام بوده و خواجه برهان الدین نصر را یک دختر بوده بی بی
هبة الرحمن نام که بیکدیگر بمناکحت و تزویج مسلمانی داده اند و اولاد ایشان را حکم
یک فرزند گرفته اند و در بعضی اوراق کتاب قدیم و غیره از این آنچه از کیفیت احوال ایشان
معلوم شود در محلش ذکر خواهد نمود ان شاء الله تعالی **فاما** از خواجه شمس الدین مطهر
اولاد و اعقاب و احفاد و ذریه و نتیجه بسیار مانده است در ولایت جام و باخرز و خواف
و در قصبه کوسویه و ولایت غوریان و هرات و سیستان و مشهد مقدس و ولایت
نیشابور و باورد و مرو و مبارکه و بلده بلخ و سمرقند و بخارا و خوارزم و ملک عراق و فارس

وبلاد هندوستان و ترکستان و سایر بلاد های دیگر واکثری اولاد و احفاد و ذریه نجیبه و شجره
طاهره حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس الله سره السامی که نام برده شد در
امصار و بلاد و دیه ها و قریه ها از نسل همان خواجه شمس الدین مطهر اند درین زمان که در جمیع
بلاد و ولایات تقریباً بده هزار نفر از ذکور و اناث و صغیر و کبیر که در عرصه وجود و قید حیات اند
و امید و استعانت از الله تعالی که یوماً فیوماً و لیلاً فلیلاً و ساعةً فساعةً و زماناً فزماناً در تزاید
و تضاعف بوده باشند فاما خواجه شمس الدین مطهر را یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه قطب الدین
نام و والده وی دختر و نبیره عصر ابد و خواجه قطب الدین محمد ابن خواجه شمس الدین مطهر ابن شیخ الاسلام
احمد النامقی الجامی را چهار پسر و پنج دختر بعرصه وجود آمده یک پسر در طفولیت وفات یافته
و از سه پسر دیگر و دختران اولاد و اعقاب بسیار مانده اما ده پسری که از عالیحضرت
خواجه قطب الدین محمد مانده است اینست اسامی ایشان اما یک پسر اول ابو المؤید شیخ
الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل المشتهر بواقف که واقف اوقاف مزار فایض الانوار
جد خود بوده است و پسر دویم عالیحضرت خواجه برهان الدین و پسر سیم عالیحضرت
خواجه شرف الدین و از هر سه پسر خواجه قطب الدین محمد اولاد و اعقاب بسیار باقی
مانده چنانچه بعد ازین نسب و نسبت هر یک از اناث و ذکور در محلش مذکور خواهد شد ان شاء الله
فاما یکصبیه حضرت شیخ الاسلام قطب الدین محمد در عقد و مناکحت حضرت مولانا

نظام الدین

نظام الدین هروی بوده که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام ندیمی بارگاه باری خواجه
عبد الله انصاری قدس سره و از وی اولاد مانده و یکه دختر دویم در عقد و نکاح صدر العلام
مولانا تاج الدین محمود بن قاضی اوحد البوزجانی الجامی بوده که جد خواجهای معدآبادی است که
از اکابر و اشراف زمان خود بوده اند و وزارت نیز داشته اند در ولایت جام در ایام سابق
فاما در بحر الانساب قدیم چنان مذکور است که از همین طبقه است خواجه قطب الدین یحیی
و خواجه عیسی و خواجه احمد کلهم ابنان تاج الدین محمود بوزجانی الجامی و حضرت مخدوم خواجه عبید العزیز
ابن خواجه محمد زاهد ابن خواجه ابو المعالی الجامی که مدفن مبارک در همان محله قدیم معدآباد است مزار
و دیگر که واند همین قبیله اولاد تاج الدین محمود بن اوحد البوزجانی اند مشایخ قدیم معدآباد و مشایخ
فلوززن و خواجه ابراهیم و خواجه قطب الدین محمد فلوززنی که صهر حضرت الشیخ المشایخ شیخ حاجب
محمد خبوشانی بوده اند و ارشاد پناهی شیخ سراج الدین فلوززنی الجامی و برادر وی شیخ
جلال الدین فلوززنی و دختر سیم خواجه قطب الدین محمد علیه الرحمه در عقد و مناکحت اقضی القضاة
قاضی نور آباد بوده و دختر چهارم در عقد و مناکحت امیر حسام الدین زرشتکی الجامی بوده
و بسیار اولاد مانده و این چهار طایف اربعه باولاد و دختر منسوب اند و لهذا اکثری مشایخ
که الحال موجودند در قید حیوة از نسل و ذریه عالیحضرت خواجه قطب الدین محمد اند بعضی از
اولاد و ذکور و بعضی از اولاد و اناث و هر جماعت و قبیله و فرقه و گروه و شعبه که نسب و نسبت

ایشان محقق کرده و شجره و نسبت نامه از ایشان بنظر در آمده نسبت ویرا بشیخ
الاسلام خواجه قطب الدین محمد ابن خواجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد جام [illegible]
رسانیده و اما آن جماعت که انساب امرای و اجداد خود را بتفصیل و تحقیق ندانسته اند
خواهند نمود که از اولاد پسران یا دختران خواجه قطب الدین محمد اند و بس و این جماعت که بآباء
دختری منسوب اند از اولاد همین دختران خواجه قطب الدین محمد اند و اما از دختران صلبی حضرت
شیخ الاسلام احمد النامقی و ثم الجامی قدس الله تعالی سره ایشانی اصلا و قطعا اولاد نمانده و اما شیخ
گوید صاحب خلاصة المقامات که حضرت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد صاحب کرامات
و ولایت بوده و تصانیف عالیه ساخته‌اند و صحبت دار حضرت خواجه خضر علیه السلام
بوده و یکروز در مسجد صحبت میداشته اند که یکی از فرزندان ایشان شیخ الاسلام شهاب
الدین اسمعیل و تنها آنجا حاضر شده و پدر بزرگوار ایشان فرمودند که از خواجه چیزی طلب فرمای
آنحضرت نزدیک خواجه خضر آمدند و املا فرمودند که دنیا و آخرت هر دو طلب میدارم و بعد از آن حضرت
خواجه خضر عم فرمودند که سبحان الله عجب کودکی عالی همت بود عنقریب که پادشاهان و مقتدای قلمها
در رکاب این کودک پیاده روند از جهت علو مرتبه پس حضرت خواجه خضر فاتحه خواندند و دعا کردند
حق سبحانه و تعالی به برکت دعای حضرت خواجه خضر علیه السلام مرو هم چنانکه گفته بود کرامت نمود و
وی سرور و مقتدا و پیشوای همه اکابر و اعاظم و مشایخ و علما و فقها و شعرای زمان خود گشت و خدمت

وکل ملوک

وکل ملوک و حکام و سلاطین خادم و مریدش می گردیدند و آنچنان صاحب جاه و جلال و زراعت
بسیار و مواشی بیشمار شده که جمله پادشاهان را بآن حاجت بود و همه این همه اموال را بکف کفایت
یکنفر غلام خود مصلح نام در آورده بود چنانکه محاصل بیت صرف می نمود بجهت سبیل الله باشارت
و امر وی و مشهور است که بیست و چهار هزار خروار تخم کار مرغوب در ولایات خراسان
از آن بهم رسیده بود سوای ولایات های دیگر و نفع آن بهمه خواص و عوام میرسید و از اطراف
عالم هر مسافری که میرسیدی از سفره دولت و خوان و انعام وی بهره میافت و از
وضیع و شریف و آینده و رونده و غنی و فقیر و حقیر محظوظ و متمتع گشتی و بقدر
احتیاج بمستحق و محتاج رسانیدی و از هیچکس دریغ نداشتی و از آنجمله
کرامت وی اینست که یکنوبت دو نفر از اولیاء الله بدیدن وی آمده و از خوان و الوان
نعمت ایشان اجتناب نمودند که القرآن شبهه ناکست و لهذا از آن حضرت
خواجه شهاب الدین اسمعیل وقیف فرمودند که تناول فرمایید که از وجه حلال است
ایشان سخن او را اباکردند و آینده حق سبحانه و تعالی فرستاد و قبول و هدیه
ایشان همان شب چون بامداد مریدان خبر آوردند که مهمانان شما بریده اند
این بیت املا فرمودند و اینست تاریخ الانفاس و بیت شعر هر که زخوان نعمتم کرد زدست تا گفته
بر طبق وجوه خود کاسه [illegible] و از آنجمله مقدار یکهزار خروار تخم کار مرغوب را

که اکثری در همان ولایت جام است که حضرت شیخ الاسلام احمد جامی دایره الملک خود خوانده است
چنانکه خواجه بهاء الدین علی ابن خواجه معین الدین جامی میفرماید **بیت** دارم ازان نفس که شدم آشنای جام
در جان نشاط باده و در سر هوای جام ❊ روزی اگر بکوی خرابات بگذری ❊ بینی حباب یار خجل اند صفای جام
ارزان بود بنزد خود جان من هنوز ❊ جان عزیز اگر بدهی در بهای جام ❊ ایزد ز جام طینت ما را سرشته است
زانم مرید و نخورم آب از هوای جام ❊ جام از برای صحبت یاران بود عزیز ❊ زانکه هست عزت یاران از برای جام
از عقل و دین در جهان رجوع بر آمده است ❊ آنکس که گشت همچو دلم آشنای جام ❊ اکنون که نیست صحبت رندان
ز روی صدق ❊ بنشان غمان بمیکده میکوب و های جام ❊ اگر تبهاما قلم نایم مطول اینخود غبان قلم مصروف
داشته نشود بس است محبان و مخلصان را که این مقدار مذکور را وقف مزار فایض الانوار خود نموده
بر اولاد و کبار و موالی و حفاظ و علماء و فضلاء و مخادیم و درویشان و مجاوران آن آستان ملک آشیانی
متبرکه و آینده و رونده و فقرا و ضعفا و عجزه و شرط و رسوم و قواعد مستحسنه خوب و اعلی
قرار داده اند و چنین میگوید صاحب مقامات که آن سخن که حضرت شیخ الاسلام احمد الفاقی
الجامی قدس سره فرموده اند که در وقت ولادت شیخ الاسلام شمس الدین مطهر که خبر آوردند که حق
تعالی شما را پسری کرامت کرده فرموده اند که حق سبحانه و تعالی ما را سلطانی داده و گفته اند
که این سلطنت حواله ببیره و ی شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل و قف است و اولاد
وی شده از زمان حضرت شیخ الاسلام الی الان و از زمان تا قیام قیامت زیرا که اولاد و خواجه

شمس الدین

شمس الدین مطهر از جمله اولاد حضرت شیخ الاسلام احمد جامی مفتخر و ممتازند و در
جبین ایشان نور بزرگی و سیمای مهتری هست که شاهد سخن شیخ الاسلام احمد است
بعضی در ولایت و بعضی در زهادت و تقوی و ورع و بعضی در علم و عمل و در رعایات مشیخه
و بعضی در حکومت و امارت جاه و جلال دنیا که نهایت ندارد و جمیع الاحضرت و بین الانام اشتهار
دارد **فاما** حضرت شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل وقف را هفت
دختر بوده یکی در عقد خواجه اولیا ❊ ب خواجه قطب الدین بن خواجه برهان بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بوده **ویکی دیگر** در عقد خواجه محمد بر دو میر محب ابن خواجه شرف الدین
بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بوده **ویکی دیگر** در نکاح مولانا عماد الدین معدابادی
بوده و وی والده قاضی جلال الدین محمود است **ویکی دیگر** در عقد خواجه محمود بن خواجه
علی العجم و معدابادی است **ویکی دیگر** در عقد خواجه میر یوسف زرشتکی الجامی بوده است
و دیگران همه در نشین عصمت و عفت اند **فاما** اولاد ذکور شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل وقف پنج است که و میراث نسل ایشان حق سبحانه و تعالی کرامت کرده پسر و ی
اول خواجه رضی الدین احمد المتولی **و دیگری** خواجه محمد بزرگ **و دیگری** خواجه شمس الدین
مطهر **و دیگری** خواجه قطب الدین محمد **و دیگری** خواجه عبد الرحیم **و پسری** شیخ
خواجه محمد کمال غشی الجامی رحمهم الله تعالی علیهم اجمعین **فاما** عالیحضرت خواجه فخر الدین احمد

را متولی اوقاف مزار فایض الانوار فیض آثار جد بزرگوار خود نموده وشرط کرده که اولاد او
متولی باشند ودر حق وی فرموده که احمد میان تو را بس شده ونعمه که لبو حواله تبو کرده
ودر خواب‌ها آن هیچ فتنه نباشد که تو میان ودربندها که زحق تعالی آن را ابشانده وسخن تو مقبول
القول حق فرماید فاما اولاد خواجه رضی الدین احمد المتولی در میانه اولاد حضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی مفخر وممتازند ودر همه صناعات عهد وزمان سرافراز وبا اجلال که حقا ونعم حقا که مفخر
اولاد حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی اولاد خواجه رضی الدین احمد متولی اند همه صاحب
ولایت وفراست وهم صاحب جاه وجلالت واثر خیریت دولت ایشان بهر خواص
وعوام میرسد ورواج ورونق دار الملک جام از ایشان است واز اکناف واطراف عالم
هر صاحب فری ومترددی که میرسد از سفره وجلالت وخوان انعام ایشان بهره‌ور میآید
فاما از همه پسران شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل اولاد واحفاد واعقاب
بسیار مانده که بعد ازین مذکور میشود وقلم رنمایم مثه وحیا بوجه احسن که هر جماعت
وقبیله وگروه وشعبه وفرقه که از اولاد کدام فرزند شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل
واقف اند از جمله شش پسر فاما اول الحال حضرت شیخ الاسلام برادر اعمام مشایخ وقت از اولاد
خواجه رضی الدین احمد المتولی را سه پسر بوجه وجود آمده یکی خواجه قطب الدین محمد ودیگری
هم نام الذکر نموده خواجه شهاب الدین اسمعیل ودیگری خواجه ظهیر الدین عیسی سلمه الله

وازهریک

وازهریک پسری اولاد مانده بعد الاحصی است که درین مجموعه ذکر میشود ان شاء الله اولا
جماعتی که از اولاد کبار خواجه رضی الدین احمد المتولی می باشند تحقیق وتفتیش نموده حسب الروایت
بحر الانساب قدیم بیان اولاد طیبه وانساب شریفه ایشان مینماید ومرقوم میگرداند
وبعد ازان جمعی دیگر که از اولاد آن برادران دیگرانند که اولاد شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل واقف اند بیان نسب عالی واولاد متعالی ایشان میکند وبعد ازان چون از اولاد
خواجه شهاب الدین اسمعیل واقف فارغ شود به بیان اولاد واحفاد واعقاب فرزندان دیگر
شیخ الاسلام قطب الدین محمد از اناث وذکور شروع می‌نماید وجمله این جماعت اولاد شیخ
الاسلام شمس الدین مطهر بن الشیخ الاسلام احمد الجامی اند فاما قبل ازین مذکور شد که اولاد
واحفاد شیخ الاسلام برهان الدین نصر که المدفون بقریه کمار زنا جز است وشیخ الاسلام ضیاء الدین
یوسف که المدفون بقریه تربت است هم آنها از شیخ الاسلام احمد الجامی اند قدس سره بواسطه موصلت
حکم یکفرقه گرفته اند بعد از فراغ اولاد شیخ الاسلام شمس الدین مطهر آنچه از اولاد آن دو برادر
بزرگوار که برهان الدین نصر وضیاء الدین یوسف اند بعد بشیخ معلوم میشود ومتحقق میگردد حسب الروایت
بحر الانساب قدیم بیان می‌نماید ومقام ودر مرآه آورده ان شاء الله تعالی فاما طریقه بحر الانساب قدیم
چنان است که از فرزندان صلبی حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی گرفته اند واولاد واحفاد
کرام ومشایخ عظام هر یک را از طرف پدری پشت بر پشت واز طرف مادری بطن بطن

حنّان یعنی بنده را یکباره دیر کرنده منّان یعنی بالاندک عذر از بنده شنود و شنونده

بیان نموده اند و تفصیل داده اند تا زمانی حالی که این فقیر در قید حیوة است **فاما** طریقه بیان این مجموعه آنست که اولاد که بعد از تحریر و ترقیم بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده اند از اناث و ذکور و تولد و تناسل فرموده اند مونث و مذکر و بقید حیوة آمده اند و فوت نموده اند **بیان تفتیش و تحقیق نسب عالی و نسبت متعالی** آبا و اجداد ایشان نموده و نسبت هر یک را هم از طرف پدر و هم از طرف مادر کما هو الواقع با آن بزرگوار بیان و اگر میانه نسبت مواصلت بخانواده بزرگ دیگر کرده باشند بعضی را قلمی نموده و بعضی از ایشان اشارت میفرمایند و بعضی از جماعتی که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی اند که از ایشان اصلا و قطعا اولاد و اعقاب نمانده از هیچ طرف نه از پدر و نه از مادری عنان قلم مصروف میدارد و نظر به بحر الانساب قدیم میکند و اولاد که بعد از آن بعرصه وجود منفصل نشده تحقیق و تفتیش نموده حسب الرویت شروع قبیله قبیله طبقه طبقه و طایفه طایفه و فرقه فرقه و گروه گروه و جماعت جماعت و شعبه شعبه با آن بزرگوار میرسانند هیچ او بعد از آن شروع در تحقیق و تفتیش قبایل و طباقات دیگر نمایند و قبایل که درین مجموعه بعرصه وجود آمده اند از مذکر و مونث بعدد ابواب بهشت بر هشت قبیله اتفاق افتاده در جانو اقعات که هر قبیله از قبایل اولاد علیه عالیه و سلسله احمدیه در عرصه قیامت و محل ظهور ندامت صاحب و ناظر یکی از ابواب نعیم خواهند بود **شعر** دو زلف که بیافت جز تو الحیه شوق

لا حول ولا بکوه تترس از پیلش مردانه قدم زن که شفیع انترا بر شیخ احمد جام و حیدر فرزندش و خاصان و محبان را به خول اشارت فرمایند و منکران و مبغضان را رد نمایند و من العون والتوفیق **قبیله اول در بیان تفصیل** اولاد حضرت شیخ الاسلام شیخ الاکابر والی خواجه رضی الملة والدین احمد المتولی هو ابن شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل و الحمد قدس سره که بعد از تالیف و ترتیب بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده و این قبیله نیز بر هشت طبقه اتفاق افتاده **طبقه اول در بیان نسب عالی و نسبت متعالی شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود الجامی** قدس سره و اولاد کرام و احفاد نامی وی که بعد از بحر الانساب قدیم تولد و تناسل یافته اند و وی از اولاد کبار خواجه رضی الملة والدین احمد المتولی است از نسل عالیحضرت شیخ المشایخ العظام خواجه قطب الدین که پسر بزرگ خواجه رضی الدین احمد المتولی اند بدین حسب و بدین سبب صدر اولاد حضرت شیخ الاسلام احمد جامی او لاد وی مرقوم شده اند و از جمله اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی است و از جمله مشایخ و اکابر وقت خود بود و منظور نظر و مقبول نظر پادشاه وقت بوده است و زراعت بسیار و خدمه بیشمار میداشته و مدت مدید شیخ الاسلام احمد متولی مزار فایض الانوار فیض آثار جد بزرگوار خود بوده و رواج و رونق آن آستان عرش بنیان روضه منور که بشهره احمدیه اشتهار یافته بعنوان که وی از متولیان سابق افزون نیاده

بسی قواعد مرسومه و قوانین مستحسنه وضع نموده که تا حال بدان طریق میروند و جمعی

موالی و حفاظ و خدم و قاریان و طلبهٔ علوم که دران بقعهٔ متبرکه موجودند به برکت زمان میمنه

و آثار نامعمور ولایت جام نیز دران فرصت به برکت وی بوده که وی کلانتر و ملاذ و ملجا و

مخدوم این ولایت جام بوده و احوال بقدر معموری که درین ولایت جام مشاهده میرفت

بسعی و اهتمام اولاد نامدار و احفاد کرام وی ایست امید که یوماً فیوماً و لیلاً فلیلاً و ساعةً فی ساعةٍ

در تزاید و ترقی بوده باشد بحرمت محمد و آله و اصحابه اجمعین الطیبین الطاهرین و نسب

حضرت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد از انساب شریفه و انتساب رفیعه

دست از یک جانب بسادات عالی نسب متعالی منسب حسینیهٔ ترمذیه

و از یکطرف بسادات عظام حسنیه اتصال میرساند و از یک جانب باولیای عظام

و مشایخ کرام میرسد چون حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره ابا می

که انتهاء نسب حضرت شیخ الاسلام احمد جام بحضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام

منتهی و بعد ازان چون حضرت شیخ الاسلام خواجه مودود چشتی که نسب علاوی بسادات

عالی نسب حسنیه میکشند که از شرفاء حسنی است و پدر کلان وی سلطان فرسنافه است

که از امیران بزرگ ولایت چشت بوده که مقصدی امور سلطنت و کامکاری و ایالت

و حکومت و شهریاری قابلی بوده است در ولایت چشت و از یکطرف بزرگ آنچه عالم به آن

که انوار

که انوار عدل و کرم از نوک قلم و رقم ایشان هست **اما نسب عالی** جناب شیخ الاسلامی شیخ الاسلام

شیخ المشایخ العظام خواجه قطب الدین محمد الجامی بسادات بزرگوار حسینیهٔ ترمذیه بجهت

آنست که مادر خواجه رضی الدین احمد که جدهٔ اعلی وی است و هی المسمات خانزاده فخر

الملک دختر مرتضی ممالک اسلام مفخر آل طه و یس زبدهٔ خاندان طیبین و طاهرین

سید علاء الملک ترمذی است **و انتها نسب عالی** وی بحضرت رسالت پناه

محمدی صلی الله علیه و سلم بدین طریق هست که خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین

محمود بن خواجه ابو المعالی بن خواجه رضی الدین احمد المتوطن بن المسماة خانزاده فخر الملک بنت

سید علاء الملک بن ابو المکارم بن محمد بن شمس الدین بن طاهر بن حسن بن محمد بن

طاهر بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن عبد الله بن علی بن حسین و هو حسن

بن جعفر بن عبد الله بن حسین الامام زین العابدین علی بن امیر المومنین حسین

بن امیر المومنین علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم **اما نسب عالی**

جناب شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود الجامی بسادات

عظام حسنیه بواسطهٔ نسبت با بو المناقب خواجه مودود چشتی است فاما بدین طریق

که مادر عالی حضرت خواجه ابو المعالی که جدهٔ وی است و هی المسمات ماه نسب از اولاد

کبار خواجه مودود چشتی اند و خواجه مودود از شرفاء سادات حسنیه اند **و انتها نسب عالی**

وی بحضرت سلطان مودود چشتی بدین وجه است که خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین
محمود بن خواجه ابو المعالی بن المیاه ماه نسب بنت قطب الدین بن یوسف بن الاحمد
وهو قطب الدین بن رکن الدین بن الاحمد بن ابو المناقب خواجه مودود چشتی قدس سره
واما نسب عالی حضرت خواجه مودود چشتی بحضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه وسلم
بدین طریق است که خواجه مودود بن یوسف بن محمد زاهد بن سلطان فرسنافه بن الاحمد
بن ابراهیم بن یحیی بن الحسن بن مجد المعالی بن الحسن بن عبد الله بن الحسن المثنی
بن امیر المومنین وامام المتقین علی بن فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم اما نسب عالی
جناب شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد الجامی بسلاطین مملکت و دودمان سلطنت
وایالت بجهت که نسب و نسبت صاحب الکشف والشهود ابو المناقب خواجه قطب الدین
مودود الچشتی که از قدوه مشایخ چشت است انتخاب خواجه بزرگوار الی احمد ابدال چشتی میکشد
که از شرفا آسادات حسینیه است و پدر وی سلطان فرسنافه است که از امرای بزرگ
ولایت چشت بوده است که صیت عدل و نصفت و کوکبه انصاف وعدالت وی باطراف
واکناف عالم رسیده و بصفت کرم و سخا وجود و عطا و انعام واکرام مزین و محلی بوده
اما نسب عالی جناب شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد الجامی بوزرای عالیمقدار که انوار
عدل وکرم از نوک قلم ورقم ایشان زیبت ازجهت آنست که والده شیخ الاسلام خواجه قطب الدین

شیخ در ولایت جام
مرد سالک [illegible]
[illegible]
مع مجذوب فرمودند
جناب شیخ [illegible]
بن [illegible]

بزرگ که

بزرگ که جد اعلای مولف است و نبیره حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی است مادر وی دختر ملک [illegible]
وزیر عصر بوده در دار السلطنه هرات که در حضور ائمه و اکابر و عوام ساخته و خواجه شمس الدین
مطهر را بنکاح طلبیده و مراعات بسیار والطف بیشمار نموده و دختر خود را بوی عقد نموده
بود که حق سبحانه وتعالی فرزندی شایسته کرامت کرده خواجه قطب الدین محمد که یگانه عصر
بوده و در عهد خود نظیر نداشته و در مقامات گفته اند که سخن حضرت شیخ الاسلام
احمد الجام است قدس سره که در وقت ولادت خواجه شمس الدین مطهر فرموده اند بزبان مبارک
که حق سبحانه و تعالی ما را سلطانی داده و این معنی در اولاد و شیخ الاسلام خواجه قطب الدین
محمد بن شمس الدین مطهر بن الشیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره ظهور تمام یافته زیرا که در
ناصیه اولاد وی نور بزرگی و معدن علوم لدنی است که بر همه کس نمایان است اما نسب عالی
جناب شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد بحضرت شیخ الاسلام احمد النامقی
الجامی قدس الله تعالی سره باین وجه است که خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین
محمود بن خواجه ابو المعالی بن خواجه رضی الدین احمد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الدین
احمد المتوله هو ابن الشیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل و هو ابن الشیخ
الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن الشیخ الاسلام خواجه شمس الدین مطهر بن الشیخ
الاسلام احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی سره السامی واما نسب عالی حضرت

شیخ الاسلام احمد الجامی بشش واسطه بصاحب رداء رسول علیه السلام که جریر بن عبد الله
البجلی رضی الله عنه میرسد بدین وجه که احمد بن ابو الحسن بن احمد بن محمد بن عبد الله بن لیث
بن جریر بن عبد الله البجلی الیمنی رضی الله عنه و نسبت نامه نسبی عالی و نسبت متعالی
جریر رضی الله عنه بسی واسطه بحضرت ابراهیم خلیل الله صلوات الرحمن وعلیه منتهی
میشود چنانچه در مقصد اول این مجموعه بتفصیل و صحیح صریح مذکور نموده بعد ازین عنان قلم
مصروف داشته مکرر بیان نمی نماید بیان اولاد نامی و احفاد گرامی حضرت شیخ
الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود الجامی این طبقه نامی بعدد ارکان
و طبایع عالم بچهار طبقه دیگر انقسام یافته طبقه اولی در بیان اولاد گرامی خواجه صفی الدین
محمود الجامی و این طبقه مبارکه بسه فرقه منقسم گشته و فرقه اولی به جماعت و طبقه ثانیه
بیان اولاد نامی و احفاد گرامی خواجه احمد الجامی این طبقه بسه طبقه دیگر منقسم میشود اما طبقه
ثالث در بیان اولاد خواجه علی اکبر عمو و این طبقه بسه فرقه انقسام یافته اما طبقه رابع
بیان اولاد دختر خواجه قطب الدین محمود المسماة خانزاده فخر البیگم که در عقد عالیحضرت
سیادت پناه میر شهاب الدین اسمعیل عشقابادی الجامی بوده و اولاد وی به طایفه
انقسام یافته چنانکه بعد ازین خواهد شد ان شاء الله تعالی اما به آنکه جناب شیخ الاسلام
خواجه قطب الدین محمد را خلف صدق سه پسر بود و دختر بعرصه وجود آمده یکی عالیحضرت

شیخ الاسلام

شیخ الاسلام خواجه صفی الدین محمود که مشهور عالم است و یگانه عصر بوده و مقبول و
معظم جمیع اکابر خراسان و عراق و فارس بوده و منظور نظر پادشاه وقت بوده و املاک و
زراعت بسیار و اسباب بیشمار داشته و انتفاع آن به مصادید عالم میرسیده و برادر
دیگر وی خواجه احمد که بی نظیر بوده و یک برادر دیگر خواجه علی اکبر المشتهر بخواجه علی اکبر عمو و
یک دختر المسماة ببیبه خانزاده فخر البیگم که در عقد سیادت پناه میر شهاب الدین اسمعیل
عشقابادی بوده و یک دختر دیگر در عقد سیادت پناه میر مقصود اما عقب نمانده بعض
اولاد نمانده تماما از بنات آنحضرت و از یک بنت حلیله جمیله اولاد و اعقاب بسیار مانده و لهذا
اولاد وی بچهار طبقه انقسام یافته طبقه اولی در بیان اولاد شیخ الاسلام خواجه صفی الدین
محمود الجامی ویرا خلف صدق دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده خواجه عبد الحکیم
شیخ الاسلام خواجه سلطان مسعود الجامی که در سخاوت و حسن بدل ید داشته و در عرصه
خود بی نظیر بوده و دویم شیخ الاسلام خواجه غیاث الدین احمد که بحسن صورت و
صفای سیرت آراسته و پیراسته بوده و یک دختر بوده المسماة ببیبه خانزاده
که در عقد سیادت پناه میرزا محسن عشقابادی بوده و از هر یک اولاد و اعقاب مانده و لهذا
اولاد گرامی وی بسه فرقه منقسم میشوند فرقه اولی در بیان اولاد شیخ الاسلام السعید
الشهید خواجه سلطان مسعود الجامی و حضرت متولی مزار فایض الانوار فیض آثار

جد بزرگوار خود بوده و رواج و رونق آن بقعه منوره مبارکه کما هو المقدور ازوی بصدور درآمده
همچنانکه شاید و باید و فقرا و عجزه و مساکین از سفره دولت و خوان انعام او منفیض
و مستفید میشده اند و خلف صدق وی را دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی
خواجه میرزا محمد و دیگری سمی جد بزرگوار خود خواجه قطب الدین محمد و اما دختر در عقد پسر عم وی
خواجه محمد اکبر و هریک را اولاد و اعقاب بسیار هست و لهذا اولاد نامدار و احفاد کرام وی
به سه جماعت منقسم میشوند **جماعت اولی در بیان کیفیت اولاد شیخ الاسلام خواجه میرزا محمد**
الجامی وی چند وقت متولی مزار فایض الانوار فیض آثار جد بزرگوار خود بوده و بسیاحت
هندوستان رفته و در آن دیار متوطن است و زوجه وی بنت عم وی بوده و در خراسان یک
پسر و یک دختر متولد شده ازوی که گذشته پسر خواجه شهاب الدین که داماد عم خود خواجه
قطب الدین محمد است و اولاد او که در صغر سن اند فاما دختر در عقد پسر عم ولیست خواجه
ابو المعالی ابن خواجه قطب الدین محمد الجامی **جماعت ثانیه بیان کیفیت اولاد جناب شیخ**
الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن خواجه سلطان مسعود الجامی و وی قایم مقام آبا و اجداد
و عظیم امهات خود است باوجود قلب بصیر و خجل نسبت با آبای کرام لیس فقرا و عجزه و مساکین
و مینوا از سفره دولت و خوان انعام در حرمان بسته و تمتع میکردند و **بسنده و عیب**
خفیف به رضاعت دین و دنیا بموجب مضمون الانسان عبید الاحسان بامر و فرموده عالی

مقتضی

وی مقتضی تالیف و ترتیب این مجموعه شریفه بحواله نیاب شده و باعث و واسطه
ترتیب این نسخه ولیست زاده الله تعالی فی الدارین خیرا بنا بر سنت سنیه نبویه
مصطفویه وی را دو نکاح واقع شده و یکی زوجه وی بنت جناب سیادت پناه میرزا باقر
عشقابادی است و زوجه دیگر وی از بزرگ زادگان ولایت جام است فاما از زوجه اول مرا
دو پسر بوده و دو دختر هم بعرصه وجود آمده یکی پسر خواجه ابو المعالی و دیگر خواجه ضیاء الدین
یوسف حفظ الله تعالی عن موجبات التاسف والتالف و اما خواجه ابو المعالی بنت جلیله
جمیله خود را بعقد زوجیت درآورده و یک صبیه حمیده وی در عقد برادرزاده وی شیخ شهاب
الدین است چنانچه سابقا مذکور شده مکرر ذکر نمود و صبیه دیگر وی در عقد میر شهاب الدین
اسمعیل بن میر قطب الدین عشقابادی است و هریک را اولاد هست که در صغر سن اند
طول الله تعالی عمرهم و اما زوجه دویم وی که از مشایخ ولایت خواف است یک صبیه
بعرصه وجود آمده که پرده نشین عفت و عصمت اند دامت عصمتها و عفتها ادام الله
جماعت ثالث بیان کیفیت اولاد صبیه جلیله جمیله جناب شیخ الاسلام السعید
الشهید خواجه سلطان مسعود الجامی که در عقد جناب شیخ الاسلام خواجه محمد اکبر
بن خواجه احمد الجامی سلمه الله و ابقاه بوده و خلف صدق وی را یک پسر و یک دختر بعرصه وجود
آمده اما پسر سمی جد بزرگوار خود خواجه سلطان مسعود باخلاق حمیده و اوصاف پسندیده

معروف و موصوف است و حالا بزرگ و کلانتر و پیشوا و مقتدای ولایت جام و لیست و ملاذ و
ملجاء فقرا و مساکین و عجزه و بینوا ایوده صاحب همت عالیه است و خان و انعام و اکرام وی به همگی
رسیده و خالصاً لله بهر کس کشیده اما صبیه جلیله جمیله عمزاده وی در المسات بدید نا انزا
که در عقد ولیت امید که حق سبحانه و تعالی از خزانه غیب و دفینه لاریب پسر کرامت نماید و یک
تن در سلسله و اولاد و اعقاب و احفاد تا قیام الساعة حق سبحانه و تعالی برساند بحق محمد و آله و صحابه
اما دختر وی در عقد سیادت و نجابت پناه میرزا غلام عشقا بادیست و در برادر اوست فرقه دویم باب
اولاد جناب شیخ الاسلام خواجه غیاث الدین احمد بن شیخ الاسلام خواجه صفی الدین محمود
الجامی سلمه الله و ابقاه که وی با وصاف حمیده و اخلاق پسندیده مزین و محلی بوده و بحسن صورت
و صفای طینت آراسته و صاحب همم عالیه و از خان و انعام و افضال وی اکثر فقرا و عجزه
مستفید و مستفیض اند بنابر سنت سنیه نبویه مصطفویه وی را تعدد و نکاح
واقع شده زوجه اول وی همشیره صاحب اکابر ملازی میرزا مظفر منکال بوده است
که از جمله اکابر خراسان اند و پدر ایشان را منصب وزارت بوده و در بحر الانساب
قدیم نسب خواجه های منکالیه را مطالعه فرموده اکثری انساب رفیعه و انتساب شریفه
ایشان بملوک نامدار و امرا و وزراء عالیمقدار اتصال می یابد و نیز از جانب جده
مادری که والده المسماة به زبیده خاتون بوده بانساب خواجهای منکالیه را بحضرت

شیخ الاسلام

شیخ الاسلام احمد جامی نسبت هست که این فقیر از بحر الانساب قدیم مشایخ
این نسبت عالیه را به بحر الانساب منکالیه ملحق نموده که بعد ازین تفصیل این نسبت
تا بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی در ذکر عالیحضرت خواجه جلال الدین محمد نوکار زیر
البافرزی مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی جناب خواجه غیاث الدین احمد را از صبیه
جلیله عالیه منکالیه خلف صدق یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده پسر مسمی جنت بزرگوار
خواجه محمود و وی جوانیست در غایت لطافت و نهایت ظرافت و علم و عمل و
بکمالات دقیقه و اشعار عربیه میرسد و بحسن خلق و صفای سیرت آراسته و
پیراسته و صاحب همم عالیه بوده هم از جانب پدر بزرگوار بانساب رفیعه
متصف است و هم از جانب والده بانتساب شریفه مزین و محلی است بیت
مهست پدر است و خورشید جد تعالی الله ∴ ترا میان تبان این چه رفعت نسبت
اما زوجه خواجه صفی الدین محمود صبیه جلیله جناب شیخ الاسلام میرزا جعفر جامیست
که از اکابر اولاد کبار شیخ الاسلام احمد النامقی الجامیست و وی را خلف صدق سه
پسر بعرصه وجود آمده است یکی میرزا طاهر و میرزا قاسم و دیگری میرزا غیاث
الدین محمد که در صغر سن اند طول الله تعالی عمرها و میرزا ابو طالب مذکور را دو برادری
اند از زیاده بر انساب رفیعه پدر خود انتساب شریفه هست از جانب والده مکرمه باولاد

عظام حسینیه و بسادات کرام رضویه مشهدیه و بعد از آن نیز نسبت است بمشایخ و
اولیای عظام کرام چون گزیده حضرت باری شیخ الاسلام عبد الله انصاری قدس سره و شیخ عالم
محدث الشیخ محمد بن محمد الجزری رحمة الله علیه و نیز نسبت است بوالیان و حکام هرات
که بملوک غور و آل کرت مشهورند و نیز نسبت است بسلطان غیاث الدین
محمد که بانی مسجد جامع هرات است و نیز نسبت است بخانان عالیشان چنگیز خانیه
و نیز نسبت است بعدالت انتماء السعید الشهید امیر خان سعید و تفصیل این هر یک
در ذکر جد وی شیخ الاسلامی میرزا جعفر الجامی مفصل شود بعد ازین ان شاء الله تعالی اما صبیه جلیله
خواجه غیاث الدین احمد که از صبیه متکالیه دارد در عقد عالیحضرت اکابر بلازی خواجه محسن
بن خواجه محمد صغیر است که از مشایخ جام و بیرون الجام اند از نبایر اکابر بلازی شیخ الاسلام
خواجه ابو الفتح شهید اند و ایشان را انساب رفیعه و انتساب شریفه هست هم بسادات
عظام و هم بمشایخ کرام و سلاطین و حکام و امرای عالیمقام چنانچه در ذکر مشایخ جام و بیرون الجام
بعد ازین مفصل شود ان شاء الله تعالی اما زوجه سیوم خواجه غیاث الدین محمد صبیه جلیله جناب
ورع آثاری شیخ مظفر رسکی الجامی است که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد جام است
خلف صدق دو پسر بوجود آمده یکی خواجه احمد و دیگری خواجه ابراهیم که در صغر سن اند
طول الله تعالی عمرهما فرقه سیوم در بیان اولاد دختر شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد جامی علما[illegible]

ومهر السمات

ومهر السمات ببه خانزا که در عقد سیادت پناه میرزا حسین عشق آبادی بوده و مادر
میرزا مذکور نیز دختر عالیحضرت خواجه قطب الدین محمد بوده و مهر السماة ببه خانزاده بیگم
که پسر عمو و دختر خاله یکدیگر میشوند ازین چهار دختر بعرصه وجود آمده یکی در عقد شیخ الاسلام
میرزا محمد ابن خواجه سلطان مسعود بوده و اولاد دارند چنانکه سابقا گذشت و دختر دیگر در عقد
شیخ الاسلام میرزا جعفر بن میرزا محمود است و اولاد بعرصه آمده چنانچه بعد ازین در ذکر میرزا
جعفر مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و دختر دیگر در عقد خسروی [illegible] الملک خواجه سلطان
مسعود الجامی است و دختر دیگر در عقد وزارت پناه مولانا شعیب جوشقانی العراقی است
که در بلاد عراق متوطن اند و در آن دیار ایشان را اولاد هست طبقه ثالثه در بیان
اولاد شیخ الاسلام خواجه احمد بن شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد جامی که وی برادر خواجه
صفی الدین محمود است و مدت کثیر در بلاد و ملجا کلانتر حاج بوده اند معروف و مشهور است.
و خلف صدق وی را سه پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه محمد اکبر و یکی خواجه علی اکبر
و دیگر خواجه محمد و دختر و مهر السمات ببه فخر النساء بیگم که از صبیه جلیله خواجه عبد الحق
بزور الجامی است تولد یافته ازین دختر و از سه پسر اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد وی به سه طایفه
منقسم میشوند طایفه اولی در بیان اولاد جناب شیخ الاسلام السعید الشهید خواجه محمد اکبر بن
خواجه احمد جامی و وی مدت مدیدی متولی مزار فایض الانوار فیض آثار جد بزرگوار خود

بوده و ملاذ و ملجاء ولایت جام بوده و خوان انعام وی نسبت بفقرا و لا یحصی و لا متناهی بوده و زوجه
وی صبیه ابن عم وی خواجه سلطان مسعود الجامی بوده چنانکه سابقا مذکور شده و ویرا خلف صدق
یکپسر و یکدختر بعرصه وجود آمده پسر سمی جد بزرگوار خود خواجه سلطان مسعود و حالا وی بحسب الحکم جهان
مطاع آفتاب ارتفاع پادشاه وقت شهریار روزبک ولایت جام است و چراغ آبا و
اجداد کرام عظام خود را روشن و منور میدارد و بحسن خلق و صفای طینت معروف و
مشهور است و از سفره دولت و خوان انعام وی انتفاع بفقرا و علماء و فضلا همواره آینده و
رونده میرسد امید که با فیوضات و ترقیات روز افزون تا هست باشند و دختر آن زوجه جلیله وی صبیه
بدیع الزمان مرزا است که عمه والده وی باشد چنانکه سابقا در ذکر اولاد شیخ الاسلام خواجه صفی الدین محمود
الجامی مذکور شد امید که حق سبحانه و تعالی ویرا فرزندان بسیار و اعقاب بیشمار کرامت نماید
الماصیه جناب شیخ الاسلام خواجه محمد اکبر که در عقد سیادت پناه میرزا علاء عشقابادی است
و اولاد و اعقاب دارد **طایفه دویم در بیان اولاد خواجه محمد صغیر بن خواجه احمد الجامی** که از وی
یکدختر عقب مانده بیبی سلطانیم که در عقد خواجه محمد صغیر ابن خواجه حسین الجامی در آمده بود و
و عقب یکدختر و دو پسر مانده فاما دختر در عقد عالیحضرت شیخ المشایخ العظام خواجه شهاب
الدین بن خواجه مظفر زرپکلی الجامی بوده یکدختر عقب مانده مستوره نشین عصمت و عفت اند
اما یکپسر خواجه حسین که با پدر خود در بلاد هندوستان متوطن اند و پسر دیگر خواجه محمد

که سابقا مذکور

که سابقا مذکور که داماد شیخ الاسلام خواجه غیاث الدین احمد بن شیخ الاسلام خواجه صفی الدین
محمود الجامی است ایشان را انساب رفیعه و انتساب شریفه هست از جانب پدر بسادات عظام
و مشایخ کرام و حکام و امراء عالیمقام چنانکه بعد ازین در ذکر مشایخ جام و بیبی الجامی میباین شود
انشاء الله تعالی **طایفه سیم در بیان اولاد دختر جناب شیخ الاسلام خواجه احمد ابن شیخ الاسلام**
خواجه قطب الدین محمد الجامی و هی المسماة بیبی فخر النسا بیگم که از دختر خواجه عبد الحی برزوی الجامی بوجود
وجود آمده مسماة مذکوره را به نکاح واقع شده اول در نکاح سیادت پناه میر امین عشقابادی
بوده و دو دختر تولد یافته یکدختر را عالیحضرت خواجه محمد صالح برزوی الجامی داده که از مشایخ بهشتی اند
یکپسر تولد یافته خواجه ابراهیم که با عم خود ارشاد پناهی خواجه غیاث الدین احمد که در قریه
برزو جام متوطن اند و همین دختر که والده خواجه ابراهیم است بنکاح دیگر هم واقع شده در عقد
سیادت پناه میرزا ابراهیم عشقابادی بوده دو پسر تولد یافته یکی خواجه میر امین و دیگری خواجه
میر قاسم و یکدختر بیبی فخر النسا بیگم را بخواجه شهاب الدین بن خواجه علاء اکبر برزوی نکاح
بسته داده اند یکپسر تولد یافته میر امین نکاح سیم مسماة بیبی فخر النسا بیگم بنت خواجه
احمد الجامی بحضرت شیخ المشایخ خواجه نور الدین محمد البهشتی الجامی داده بودند و سه پسر
بعرصه وجود آمده و هر یک را بکفاء ایشان داده اند و اولاد دارند که بعد ازین در ذکر نسب
والد ایشان خواجه نور الدین محمد البهشتی الجامی تفصیل خواهد یافت و نکاح سیم مسماة

ببه فخر النسا بیگم بنت خواجه احمد که بادشاه پناهی خواجه غیاث الدین احمد ابن شیخی ایجامی داده
بودند یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه نعمت الله که در صغر سن اند طول الله تعالی عمره زیاده
طبقه سیم در بیان اولاد جناب خواجه علی اکبر عمو ابن شیخ الاسلام خواجه قطب الدین
محمد ایجامی که میرزا انساب رفیعه و انتساب منیفه است هم بسادات عظام و هم بمشایخ کرام
و حکام و امرای فخر الاحترام چنانکه سابقا مذکور شده که میرزا سه پسر بوده یکی خواجه محمد صالح و دیگری
خواجه محمد مومن و دیگری خواجه ابو القاسم و از هر یک اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد وی به
سه فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان اولاد خواجه محمد صالح ایجامی وی در هندوستان از امرای
پادشاه وقت شده است و خوان انعام و افضال وی بر هم فقرا و فضلاء و علماء میرسید و از آن
جمله مصحفی که از هندوستان وقف روضه منوره متبرکه علیه عالیه جد بزرگوار خود حضرت شیخ
الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره ارسال نموده و مصحف بقطع تای مع ترجمه در حواشی آن
نسبت ملا حسین واعظ و تمامی بسم الله و لفظ مبارک الله و تسبیحات و تهلیلات
را اول سطر قرار داده بسعی قواعد و قوانین مستحسنه در آن مصحف وضع نموده و هیچ
کس از بلاد هندوستان چنین تحفه هرگز بخراسان نفرستاده در خراسان و عراق
و سایر بلاد دیگر مثل ندیده اند و اجره علی الله فرقه دویم در بیان اولاد خواجه محمد مومن بن خواجه
علی اکبر عمو که در هندوستان فوت شده و نعش میرزا بخراسان بروضه منوره جد وی

بعد از چند پاس

بعد از چند پاس آورده اند و از وی در خراسان چند پسر مانده است یکی خواجه محمد صغر و دیگر خواجه
محمد اکبر فرقه سیم در بیان اولاد خواجه ابو القاسم بن خواجه علی اکبر عمو که وی در هندوستان فوت
شده و نعش میرزا باتفاق نعش برادر وی بخراسان آورده اند و در روضه منوره جد بزرگوار دفن
گشته اند و اما صبیه جناب شیخ مظفر زرپیکی الجامی در عقد وی بوده یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه
عبد الحمید که با عم بزرگوار خود خواجه محمد صالح در بلاد هندوستان متوطن اند طبقه چهارم در بیان
اولاد امجاد کرام دختر جناب شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین
محمود ایجامی المسماة ببه خانزاده فخر النسا بیگم که در عقد سیادت پناه میر شهاب الدین
اسمعیل عشقآبادی بعد از والده میر شهاب الدین اسمعیل مذکور خواهر شیخ الاسلام خواجه قطب
الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود مذکور بوده است و ببه خانزاده فخر النسا بیگم مذکور دختر خاله وی
میر شهاب الدین اسمعیل میشود که میانه ایشان زوجیت واقع شده و خلف صدق میرزا
دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی میرزا محسن و دیگری میرزا باقر و اما دختر در عقد خواجه ابو المکارم
جامی ایجامی ربیعه و بعد از آن در عقد شیخ الاسلام میرزا محمد ایجامی بوده و از هر یک اولاد و
اعقاب مانده و لهذا اولاد ببه فخر النسا بیگم به سه طایفه منقسم میشود طایفه اول در
بیان اولاد سیادت پناه میرزا محسن بن المسماة ببه خانزاده فخر النسا بیگم بنت شیخ الاسلام
خواجه قطب الدین محمد ایجامی سابقا مذکور شده که المسماة ببه خانزاده بنت شیخ الاسلام خواجه

بنت شیخ زین [illegible] ایجامی [illegible]
[illegible] مراجعت نموده اند

قطب الدین محمد الجامی که در عقد وی بوده و چند دختر تولد یافته و تفصیل اولاد ایشان در ذکر خواجه محمود کذشت

مکرر ذکر نمی نماید طایفه دویم در بیان اولاد سیادت پناه میرزا باقر بن المسمات بدیع خانزاده فخر البیکم

بنت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد الجامی نام مازوجه میرزا باقر و دختر شیخ عبد الرشید ابن

عموی جناب شیخ مظفر در سلک ازواج جناب میرزا باقر از خلف صدق یکپسر بوده میر قطب الدین

و یک دختر که در عقد جناب شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد الجامی بوده است و اولاد بظهور

آمده چنانکه تفصیل آن در ذکر خواجه قطب الدین محمد مذکور شد اما جناب میر قطب الدین هم از جانب

پدر و هم از جانب مادر بانساب رفیعه و انتساب شریفه مزین است و بسادات عظام هم میرسد

و هم از جانب جده بحضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره میرسد و انتساب

وی بحضرت شیخ الاسلام از جانب جده بدین وجه است که میر قطب الدین بن میرزا باقر بن

المسماة بدیع خانزاده فخر البیکم بنت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین

محمود بن خواجه ابو المعالی بن خواجه فخر الدین احمد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الله

و الدین احمد المتوطن بهراة بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین

محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره

اما جناب میر قطب الدین را دو پسر و یک دختر بوجود آمده یکی قدوه بزرگوار خود میر شهاب الدین

اسمعیل و دویکری

اما میر شهاب الدین اسمعیل زوجه وی بنت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد

و اولاد دارند که در صغر سن اند اما صبیه میر قطب الدین در عقد خواجه محمد تقی است که از مشایخ

جام اند و اولاد دارند که در صغر سن اند و این خواجه محمد تقی را انساب رفیعه و انتساب شریفه است

هم بسادات حسینیه و هم سادات موسویه و هم بمشایخ عظام کرام چنانکه تفصیل آن

در ذکر مشایخ جام و دیگر مذکور شود انشاء الله تعالی طایفه سیم بیان ذکر

اولاد دختر بدیع خانزاده فخر البیکم که او در عقد شیخ الاسلامی خواجه ابو المکارم جامی

بوده و یکپسر تولد یافته خواجه قطب الدین محمد نام مشهور بمیر مقبل وی مدت در بلاد هندوستان

از امراء مقرب پادشاه بوده و ملاذ و ملجا و اقربا و غربا خان انعام وی لا تحصی بود

و در آن دیار از وی اولاد مانده و بعد از آن مستمند کوره را جناب شیخ الاسلامی

میرزا محمود الجامی بعقد مناکحت در آورده و خلف صدق یکپسر شیخ الاسلامی

میرزا جعفر بوجه وجه آمده و برا اولاد و اعقاب هست بعد از این مذکور شود انشاء الله

تفصیل اولاد نامی شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد الجامی که محقق معلوم گردید

مفصل نموده انساب رفیعه و انتساب شریفه هم بسادات عظام و مشایخ کرام

و حکام و امراء ذوی الاحترام بدستوریست که در صدر در نسب خواجه قطب الدین

محمد مذکور شد و هر یک نسبت خود را ازان خواجه باید بیند و با تحقیق انساب الحمد نمود

و الله اعلم بالصواب اما طبقه دویم بیان اولاد عالیه جناب شیخ الاسلامی میرزا ابن میرزا محمود جامی که اولاد وی

[illegible]

غزل شیخ الاسلامی

بعد از تألیف کتاب الانساب قدیم بعرصه وجود آمده در این طبقه بر دو شعبه اتفاق افتاده و دوی نیز
از اولاد شیخ الاسلامی خواجه رضی الدین احمد متولی است و از مجاز سلالة الاکابر و الاعاظم
شیخ الاسلامی خواجه ابو القاسم الجامی است که مقدم جمیع اکابر و مشایخ وقت خود بوده
و بر انساب رفیعه و انتساب شریفه بسیار زیاده بر طبقات دیگر و ذکر نسب سادات
عظام رضویه مشهدیه در این طبقه بحضرت شیخ الاسلامی مذکور میشود و نسبت بپادشاه هندوستان
باین سلسلهٔ علیه نیز در ذیل این طبقه مذکور گردد و سلسلهٔ نسب عالیجناب میرزا جعفر از یکطرف
بسادات عالی نسب حسینیه ترمذیه مرکز شده و از یکجانب بسادات عظام حسینیه رضویه و از یکطرف
باولیاء کبار و مشایخ نامدار میرسد چون حضرت شیخ الاسلامی احمد نامقی الجامی و دیگری
و چون حضرت برگزیدهٔ باری خواجه عبد الله انصاری رحمة الله علیه و چون حضرت شیخ العالم
محدث الشیخ محمد بن محمد الغزی رحمة الله علیه و از یکطرف دیگر بسلاطین و حکام عظیم المقام
میرسد چون خانان عالیشان چنگیزخانیه و نسبت است نیز بملوک و حکام هرات
که بملوک آل غور و آل کرت مشهور اند و نیز نسبت است بسلطان غیاث الدین که بانی
مسجد جامع هرات است و نیز نسبت است بسلطان مرحوم سلطان سنجر ماضی که از سلاطین نامدار
دین است از جمله سه سلطان و نیز نسبت است بعدالت پناه السعید الشهید امیرخان سعید
اما نسب عالی شیخ الاسلامی میرزا جعفر ای جد پدری سادات حسینیه ترمذیه بجهت آنست

که جده

که جده عالیه وی مادر خواجه قطب الدین محمد الجامی است که جده اعلای وی است و همشیره خانزاده
فخر الملک دختر مرتضی ممالک اسلام مفخر السادات حسن زبده خاندان طیبین و طاهرین سید
علاء الملک ترمذی است برین وجه که میرزا جعفر بن میرزا محمود بن میرزا محمد قاسم بن سلالة
الاکابر خواجه ابو القاسم بن سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد بن خواجه جلال الدین
محمد بن خواجه قطب الدین محمد بن المسماة خانزاده فخر الملک بنت سید علاء الملک
بن ابو المکارم بن محمد بن شمس الدین طاهر بن حسن بن محمد بن طاهر بن محمد بن حسین
بن علی بن محمد بن عبد الله بن علی بن حسین بن حسن بن جعفر بن عبد الله الحسین بن الامام زین
العابدین بن امیر المؤمنین حسین بن امیر المؤمنین علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی
صلی الله علیه وسلم اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر
بسادات رضویه حسینیه بدان سبب است که مادر میرزا محمود که جد وی است بنت
امیر اعظم مفخر الامراء امیر عبد الخالق است و زوجه امیر مذکور بنت عالیحضرت معالی منقبت
امیر غیاث الدین عزیز رضوی است اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی
میرزا جعفر بسادات عظام حسینیه جهت که والده وی دختر امیر شهاب الدین
اسمعیل عسقبادی است بنت بی بی خانزاده بیگم و هی بنت جناب شیخ الاسلامی
خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود الجامی است و جده خواجه صفی الدین محمود

وضل عرضه دهند
دران مقام که کر دیوان نبخشند
گناه جمله بیک آه مبتلا
شد هم ز عصیان انداز چشم
که جرم ها بجوانان پارسا بخشند
امید هست که در کار ما میکند را
ز مصطفی معلای محب نبخشند
به نسیم ساعت بهجر نبخشند
هزار سال در جهان بقا

و بهمین نسبت ماه نسب از اولاد حضرت خواجه مودود چشتی است و نسب خواجه مودود باولاد
غلام حسینی شد چنانکه در ذکر شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بتفصیل مکرر ذکر
یمکند اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر الجامی که حضرت شیخ الاسلامی
احمد جامی بدین نوع است که میرزا جعفر بن میرزا محمود بن میرزا محمد قاسم بن سلالة الاکابر خواجه
ابو القاسم بن سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب الدین
محمد بن خواجه رضی الله والدین احمد المتولی بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب
الدین محمد بن شیخ الاسلامی شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره اما نسب
عالی جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر الجامی که حضرت شیخ الاسلامی ابو اسمعیل بن خواجه
عبد الله انصاری پیوسته بدین نوع است که جده علیای وی از اولاد خواجه انصار بند بدین طریق که میرزا
جعفر بن میرزا محمود بن میرزا محمد قاسم بن سلالة الاکابر خواجه ابو القاسم بن سلطان المشایخ خواجه
احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب الدین محمد بن المستماتیه بیبی خانزاد بنت خواجه
خلیل بن خواجه محمود بن خواجه برهان الدین بن المستماتیه بیبی خاتون بنت نظام الدین
اسمعیل بن محی الدین اسمعیل بن نظام الدین بن جابر بن شیخ الاسلام ابو اسمعیل بن خواجه عبد الله
انصاری قدس سره وهو ابن محمد بن علی بن محمد بن احمد بن علی بن جعفر بن ابو ایوب انصاری
رضی الله عنهم اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر بن میرزا محمود الجامی

بلوک

بلوکت عالیمقدار هرات بدین وجه است که جناب میرزا جعفر بن میرزا محمود بن میرزا محمد قاسم
بن سلالة الاکابر خواجه ابو القاسم بن سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد بن المستماتیه بیبی خا
بنت خواجه رضی الدین احمد بن المستماتیه مریم سلطان بنت ملک غیاث الدین پیر علی بن ملک معز الحسین
بن ملک معز الدین محمد بن ملک غیاث الدین محمد بن ملک شمس الدین محمد بن ملک فخر الدین
محمد الکرت الغوری رحمة الله علیه و جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر الجامی بانان زرک جنگیز خان
جهت آنست که مادر ملک غیاث الدین پیر علی مذکور والمستماتیه سلطان خاتون بنت
طغای تیمور خان بوده چنین آورده در کتاب ظفرنامه اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی
الاکابر ملاذی را بسلطان سنجر ماضی نیز نسبت هست چنانکه در توصیف ملک غیاث الدین
محمد کرت نوشته اند که حسب شجره طیبه نسبت او بحضرت ابا علی جد به پادشاهان غور میرسد
که بر سلاطین زمان بجمیع کمالات از جمیع جهات مزیت داشته استحکام یافته و هما ابو الفتح
غیاث الحق والدین محمد سام و فرع آن اصل بآسمان مجد و عرش عزت سلاطین سلجوق
رسیده و بصفت اصلها ثابت و فرعها فی السماء متصف گشته کما قیل : بنوا الفتح
اغاث السلاطین کلهم : بهم بال فخر آل کرت بن سنجر : و مدح ملک فخر الدین ربیع
و شیخی گوشه : فر جهان داور روز سیاه : نازش نام و بیت از کرت شاه : شاه جهان
خسروی روی زمان : وارث جمشید ملک فخر الدین : قاعده دوده سنجر توئی : واسطه

ملک سکندر تو بود ملک سکندر تو دارد امید دودهٔ سنجر تو خواهد بود اما نسب عالی

جناب شیخ الاسلامی با امراء عالیمقدار بواسطه آنست که والده سلطان المشایخ خواجه

ابوالقاسم الجامی که صبیه ولیست بنت جناب امارت مآب امیر کبیر امیر حسن سعید بوده که از امراء

بزرگ حضرت پادشاه مرحوم شاهرخ بوده اما نسب عالی دیگر شیخ الاسلامی آنست

که والده امیرزاده محمد قاسم که صبیه ولیست المسماة فخر جهان بنت جناب امارت پناهی میرزا احمد

بن میرزا علاء الدوله بن بایسنغر است و او را نسبت هست بحضرت زبدة المحدثین شیخ محمد بن محمد

الجزری رحمة الله علیه اما نسب عالی والده جناب شیخ الاسلامی میرزا کمال الدین

محمود که والده ولیست بنت امیر اعظم امیر علاء الدوله است از دختر حضرت عالی منقبت

امیر غیاث الدین عزیز الحسینی الرضوی بوده اما جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر را بعد و

در نکاح واقع شده است و پدر او زوجه بوده است یکی از بنات شیخ الاسلامی خواجه صفی الدین

محمود الجامی است المسماة بادشاه خاتون که در عقد سیادت پناهی میرزا محسن عشقباد بوده

و زوجه دیگری از ولایت مشهد مقدسه رضویه است و لهذا اولاد وی بدو شعبه منقسم

میشود شعبه اول در بیان اولاد شیخ الاسلامی میرزا جعفر که از زوجه

اول بعرصه وجود آمده وی را خلف صدق دو پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده یکی شیخ الاسلام

میرزا ابوالقاسم و دیگری الغ خواجه اما جناب میرزا ابوالقاسم را او اخوه و اخوات طیبه و پدر ارجمند

جناب والده نسب رفیعه و انتساب شریفه هست زیاده بر نسب علیاء پدر بزرگوار خود هم

بسادات عظام و هم بمشایخ کرام و هم بسلاطین و امراء عالیمقام و آن صدف دانه جوهریست

در غایت لطافت طبع و نهایت دقت و فهم و در علوم دقیقه عقلیه و فنون رسمیه از نحو و مطالعه

و فنون و اشعار عربیه و نکات دقیقه کما هو حقه مهر رسیده و اشعار لطیفه از وی بمنظر ظهور و صدور می

آید و کرم و سخا جبلی آبا و اجداد ولیست که بارث باین صفت مزین شده و جمعی از رجال انعام

وی محظوظ اند و زوجه میرزا ابوالقاسم از بنات جناب سیادت و امارت و حکومت پناه ابن حسین خان

فیروز جنگ است که معروف و مشهور است و یکصبیه بعرصه وجود آمده که در پرده عصمت مستور است

اما یکصبیه دیگر جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر در عقد جناب خواجه محمود بن جناب شیخ الاسلام

خواجه غیاث الدین احمد است و اولاد بعرصه وجود آمده چنانچه سابقا در ذکر اولاد خواجه صفی الدین

محمود الجامی گذشته و دختر دیگر پرده نشین عصمت و عفت اند دامت عفتهما و عصمتهما

شعبه دویم در بیان اولاد جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر که از زوجه مشهد مقدسه

رضویه است بعرصه وجود آمده سه پسر و سه دختر تولد یافته اند یکی محمد بزرگوار خلف خواجه میرزا محمد

و دیگری میرزا محمد قاسم و دیگری اما سه دختر وی پرده نشین عفت و عصمت اند دامت عفتهما و عصمتهما

از بیان نسب عالی پادشاه هندوستان سلطان الاعظم اکبر شاه از جانب والده بحضرت

شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره پادشاهان عظام و امراء کرام و ذریه ذوی الاحترام جهت

[illegible]

مفاخرت و مباهات دنیا و آخرت بسلسلهٔ علیهٔ عالیهٔ شریفهٔ احمدیه مواصلت نموده اند چنانچه پادشاه
مرحوم صاحب العز والدولة المیمون ابو المظفر همایون شاه طاب الله ثراه که از نبایر صاحب
خاقان الاعظم امیر تیمور بود جهت تبرک و تیمن و مباهات دنیا و آخرت بمشایخ عظام ولایت
جام مواصلت نمودست پادشاه جمجاه از صبیه طیبه شیخ تولد یافته و انتما نسب وی از جانب والده
بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره نموده است که سلیم شاه بن جلال الدین اکبر بن امستاییه بنت
فخر النسا بیگم بنت خواجه حزوری امیر سلطان حسین بن خواجه علی اکبر بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب الدین
محمد بن خواجه رضی الله والدین احمد المتولی و هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد النامقی الجامی
قدس سره بیان انتساب سادات حسنیه رضویه مشهد مقدسه بسلسلهٔ شریفهٔ علیهٔ عالیهٔ احمدیه
واقع شده در ازمنه سابقه باستصواب پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا نارحیم برانه
جناب سیادت و نقابت پناه میرزا محمد بن امیر غیاث الدین عزیز رضوی الحسینی که جد اعلای
نقابت پناه میرزا ابو طالب است صبیه جلیله جمیله عصمت مهر حضرت شیخ الاسلامی سلطان الاکابر
الانام مربی الخواص والعوام خواجه رضی الله والدین احمد المتولی را بعقد مناکحت و حباله زوجیت
درآورده و سبب مواصلت آن بود که جناب خواجه رضی الدین احمد از شاهیر و جماهیر اکابر وقت
بوده اند و مقبول نظر و منظور بصر پادشاه وقت بود و زراعت بسیار رقبه در نواحی مشهد داشته اند

که جمیع

رابطه طیبه و سلسلهٔ شریفه سادات رضویه در ولایت خراسان اشتهار یابد و عتبات رضوی صاحب
جاه و منصب و زراعت شوند مصلحت دیده اند که با کابر ملاذی المشایخ سلطان خواجه رضی الدین احمد
مواصلت نمایند و چون این وصلت واقع شد بمیمنت این سلسلهٔ شریفه روز بروز احوال
و اوضاع ایشان در تزاید و ترقی بود و در جمله سادات عظام دیگر مستثنی و ممتاز گشته اند
و در جمله جمیع اکابر وقت شده اند و همان خواجه رضی الدین احمد است که مرقد شریف وی در درون
حجره حضرت شیخ الاسلامی واقعست در پایان پای آن بزرگوار گویند که وی از اهل معرفت بود
و هر که زیارت مبارک بزرگ کرده اند مقدم همه اکابر وقت بود و مستخدم جمیع ملوک و سلاطین
زمان و پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا در مشهد و هرات خواجه مشار الیه را اعتقاد جمیع اکابر
وقت می‌داشته اند و سفر نموده اند که خواجه رضی الدین احمد بکرات بیت مطلوبه فرموده اند
که بر همه اکابر وقت تقدم و تفضل دارند الغ میرزا و میرزا محسن از نسل میرزا ابو صالح اند
و حضرت نقابت پناه میرزا محمد را از صبیه جلیله حضرت شیخ الاسلامی اکابر ملاذی خواجه رضی
الدین احمد چهار پسر بوجود آمده یکی میرزا ابراهیم و دیگری میرزا خلیل و دیگری
میرزا ابو صالح و دیگری میرزا ابو طالب و از هر یک اولاد نجیبه و اعقاب صالحه و خلف علیه مانده
و دیگر دختر خواجه رضی الدین احمد در عقد سادات نیشاپوری بود و اولاد میرزا ابو المعالی از نسل آن شریفه
والحال جناب نقابت پناه اکابر ملاذی مد ظله العالی میرزا ابو طالب [illegible] طال الله عمره و علا معارف

بیا جانا که یکجا نشسته تحمل عشق سینه
استرام الیک
خداوندا بحق جود فضل بحق جود
انکه تمر وسعت و فضل رحتی

العالمین که در تحریر و تاریخ این مجموعه شریفه که در مشهد مقدسه رضویه در رند و خراسان بوجود شریف

وی مزین است و سرحلقه جمیع اکابر وقت اند و متولی سرکار فیض آثار حضرت امام الانس والجن ابو الحسن

علی ابن موسی الرضا از نبایر میرزا ابوطالب کلان اند که وی نبیره دختری سلطان المشایخ خواجه رضی الدین

احمد میشوند و لهذا حضرت نقابت پناه مذکور را از یک واسطه بخواجه رضی الدین احمد میرسد و

حضرت خواجه رضی الدین احمد بهفت واسطه بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی میرسد بدستور که

قبل ازین در ذکر نسب جناب شیخ الاسلامی میرزا جعفر بن میرزا محمود بن میرزا محمد قاسم

بن سلالة الاکابر خواجه ابو القاسم بن سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد جامی مذکور و مفصل

گردید عنان قلم معروف داشته مکرر ذکر نمی نماید و دخل و زراعت و املاک که وکلای جناب

نقابت پناهی و اهالی در ولایت جام متصرفند و در تربت میفرمایند از انتقال جده علیای

نقابت پناهی که صبیه جلیله جناب شیخ الاسلامی سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد متصرفند

که بعضی را در حال حیوة حضرت کابر ملازی شیخ الاسلامی داده بودند و بعضی را بارث گرفته اند

طبقه سیم بیان احوال اولاد جناب شیخ الاسلامی خواجه علی اصغر الملکی الجامی که بعد از تالیف

بحر الانساب قدیم تولد یافته اند و درین طبقه مبارکه سه شعبه مذکور میگردد و وی نیز

از اولاد خواجه رضی الدین احمد متولی است و از نبایر سلالة الاکابر خواجه ابو القاسم الجامی

سلسله نسب علیه وی هم بسادات حسینیه ترمذیه میرسد و هم بمشایخ دامغانی عظام

جون

چون حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی و حضرت شیخ الاسلامی خواجه عبد الله انصاری و نیز نسبت

وی بملوک و سلاطین و امرا و وزرا و علما بهمقدار میکشد و تفصیل هر یک از انساب شریفه وی

در ذکر نسب ابن عم وی میرزا جعفر قبل ازین مذکور شد مکرر ذکر نمیشود جناب خواجه میرزا

اصغر بن خواجه محمد صالح را دو پسر و یک دختر بوجود آمده یکی علی میرزا که در خورد سالی فوت

و دیگری خواجه میرزا و دختر المسماة بی بی بیگم که در عقد مشیخت پناه الشیخ العظام خواجه محمد صالح

زرده ابا قرزی لطف و لهذا اولاد وی سه شعبه منقسم میشوند شعبه اول در بیان

اولاد جناب خواجه میرزا علی الملکی الجامی در قریه ستاد از ولایت باخرز متوطن اند و اولاد و اعقاب

دارند شعبه دویم در بیان اولاد الغ خواجه زوجه وی از ولایت خواف و هم سادات

بی بی سلطانیم و برا نیز نسبت سیادت است و خواهر زاده جناب سیادت و وزارت

پناه خواجه محب علی اخوند الخرجردی میشود و برا دو پسر بوجود آمده یکی خواجه احمد و دیگری

خواجه میرزا محمد که با والده خود در ولایت خاف در قریه خرجرد متوطن اند و انتها

نسب عالی ایشان بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی میرسد چنانچه مذکور است که میرزا محمد

بن الغ خواجه بن خواجه علی اصغر الملکی هو ابن خواجه محمد صالح بن خواجه ابو القاسم بن خواجه رضی الدین

احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه شهاب الدین اسمعیل

بن خواجه رضی الدین احمد المتولی هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین

محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره شعب
سیم در بیان اولاد المسمات به بیکم بنت خواجه علاء اصغر التکلی الجامی که در عقد شیخ
العظام خواجه محمد صالح رزه الباخرزی بود چهار پسر و یک دختر تولد یافته یکی خواجه ابو القاسم و دیگری
خواجه خورد و دیگری خواجه ابو الفتح و دیگری خواجه محمد اکبر اما خواجه ابو القاسم خواهر زاده شیخ عطاء
کاریزی است که از اولاد شیخ الانام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام احمد الجامی است
بعقد مناکحت در آورده چهار پسر و سه دختر تولد یافته یکی خواجه پارسا و دیگری خواجه محمد صالح
و یک دختر در عقد خواجه اکبر بن خواجه محمد بن شیخ سراج الدین الجامی است خواجه محمد صالح که از
مشایخ زنده آباد باخرز است و یک دختر دیگر در پرده عصمت و عفت مستور است اما خواجه
خورد بن خواجه محمد صالح رزه الباخرزی را یک دختر است در پرده عصمت مکتوم اما خواجه
ابو الفتح بن خواجه محمد صالح رزه الباخرزی بنت خواجه ابو الحسن بن میرزا خلیل کبخه الباخرزی را
که از اولاد حضرت شیخ الاسلام اند بعقد مناکحت در آورده اما خواجه محمد اکبر بن خواجه
محمد صالح رزه الباخرزی در هندوستان تشریف دارند و در انجا [illegible] اولاد است
اما دختر خواجه محمد صالح رزه دو دختر بعرصه وجود آمده یکی در عقد سیادت پناه میرزا ابو المفاخر است
و دیگری در پرده عصمت مکتوم است اما اُنث خواجه محمد صالح رزه الباخرزی بعض [illegible]
که از طبقه خواجهای خلوتیه اند و در [illegible] معنا محقق نگردیده و اما شجره و نسب [illegible] نظر

درنامه

درنامه چون نسبت زوجه وی والده المسمات بابا بیکم بنت
خواجه علاء اصغر التکلی الجامی مفصل نموده و اعلاء نامی و برادر انجهت نسبت
والده مکرمه تحقق به مفصل نموده اما خواجه محمد صالح رزه الباخرزی را از جانب
پدر از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره امید است در شجره میکویند
که از مضمون بحر الانساب قدیم دارند طبقه چهارم در بیان نسب علاء اولاد
شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد [illegible] و برادر وی خواجه علاء
اکبر بن وی الجامی که بعد از تالیف و ترتیب بحر الانساب قدیم بعرصه
وجود آمده اند و این طبقه بعد طبقه دیگر انقسام یافته و اما طبقه اول
بطایفه منقسم گشته چنانکه مذکور میشود و انتساب این علاء
خواجه هایی منکالیه از جانب والده مکرمه بحضرت شیخ الاسلام احمد
الجامی قدس سره در ذیل این طبقه مذکور میشود انشاء الله تعالی اما جناب
خواجه جلال الدین محمد نیز از اولاد شیخ الاسلام خواجه رضی الدین احمد
منقول اند و برا انساب رفیعه و انتساب شریفه هست از یک
طرف بسادات حسینیه ترمذیه میرسد و از یک جانب بسادات
عظام کرام حسینیه میکشد و بمشایخ عظام کرام اتصال

می یابد اول چون حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره و بعد از آن
چون حضرت برگزیده باری شیخ الاسلام خواجه عبید الله الاحرار
قدس سره و حضرت ابو المناقب خواجه مودود چشتی قدس سره و از یکجانب
دیگر نسب عالی وی بحکام و سلاطین فرخ الاحترام نیز می رسد
اما نسب عالی وی بسادات حسینیه ترمذیه بدان جهت
که جده عالیه وی مادر خواجه قطب الدین محمد که جد اعلای وی
ولیست و های المسمات خانزاده فخر الملک دختر مرتضی
ممالک اسلام سید علاء الملک ترمذیست بحضرت
رسالت پناه بدین وجه است که خواجه جلال الدین محمد بن خواجه
محمد مومن بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه شهاب الدین
احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب الدین محمد
بن المسمات خانزاده فخر الملک بنت سید علاء الملک
بن ابو المکارم بن محمد بن شمس الدین بن حسن بن محمد بن طاهر
بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن عبد الله بن علی بن
حسین بن جعفر بن عبد الله بن حسین بن امام زین بن حسن

العابدین

العابدین بن امیر المؤمنین حسین بن امیر المؤمنین علی المرتضی
و فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم تسلیما کثیرا
اما نسب عالی وی بسادات عظام حسنیه جهت آنست
که جده وی ماه المسماة خانزاده کریم ماه نسب بنت جناب
شیخ الاسلام خواجه نور الدین محمد اکبر است و جده شیخ الاسلام خواجه
نور الدین محمد ماه المسمات ماه نسب از اولاد حضرت خواجه
مودود چشتی است و اما خواجه مودود چشتی را نسبت است بسادات
حسنیه و تمام نسب عالی وی بدین وجه است که خواجه جلال الدین
محمد بن خواجه محمد مومن بن المسماة خانزاده کریم ماه نسب بنت
شیخ الاسلام خواجه نور الدین محمد اکبر بن المسماة ماه نسب بنت
خواجه قطب الدین محمد بن خواجه یوسف بن خواجه ابو احمد بن خواجه
قطب الدین محمد بن خواجه رکن الدین بن خواجه ابو احمد بن ابو المناقب
خواجه مودود چشتی قدس سره اما نسب عالی سیادت پناه حضرت خواجه
مودود بحضرت رسالت پناه بدین وجه است که هو ابن خواجه یوسف بنت جده
عالیه بیگم ماه نسب بنت خواجه ابو احمد بن خواجه محمد زاهد بن خواجه ابو احمد

بن سلطان فرسنافه بن ابی احمد بن ابراهیم بن یحیی بن حسن
بن محمد المعالی بن الحسن بن عبد الله بن الحسن المثنی بن امیر
المؤمنین حسن بن علی المرتضی و فاطمه الزهرا بنت محمد المصطفی
صلی الله علیه وسلم اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال
الدین محمد بحضرت شیخ الاسلام ندیم باری خواجه عبد الله انصاری
بدو وجه است یکی از جانب خواجه نور الدین محمد اکبر که جدّ مادری
ویست ویکی از جانب خواجه قطب الدین محمد که جد پدری ویست
چنانچه خواجه جلال الدین محمد بن خواجه محمد مؤمن بن خواجه جلال
الدین محمد بن خواجه شهاب الدین بن خواجه قطب الدین محمد
بن المسماة بیبی خانزا بنت خواجه خلیل بن خواجه محمود بن خواجه
برهان الدین بن بنت المسماة بیبی خاتون بنت نظام الدین
بن محیی الدین بن نظام الدین بن اسمعیل بن نظام الدین بن جابر
بن شیخ الاسلامی خواجه عبد الله انصاری قدس سره و نسبت مبارک
بصحابه کبار ابو ایوب انصاری رضی الله عنه میکشد بدین دستور
که هو ابن محمد بن علی بن محمد بن احمد بن علی بن جعفر بن ابو ایوب

بن حسن

انصاری

انصاری رضی الله عنه اما نسب عالی شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین
محمد بحکام و سلاطین جهت آنست که مادر خواجه شهاب
الدین که جده اعلای ویست و هی المسماة بیبی خانزا که از اولاد ملکان
کرتست چنانکه خواجه جلال الدین محمد بن خواجه محمد مؤمن بن خواجه
جلال الدین محمد بن خواجه شهاب الدین بن المسماة بیبی خانزا
بنت خواجه رضی الدین احمد بن المسماة مریم سلطان بنت ملک
غیاث الدین محمد بن پیر علی بن ابو الحسن بن ملک معز الدین
محمد بن ملک غیاث الدین محمد بن ملک شمس الدین محمد بن ملک
فخر الدین محمد کرت نانا مادری ملک غیاث الدین بن پیر علی مذکور
وهی المسماة سلطان خاتون بنت طغای تیمور خان لعبه است
که از خانان چنگیز خانیست و ملک غیاث الدین محمد کرت
را انتساب نسبت است بسلطان سنجر ماضی که از جمله سلاطین
دین است چنانکه در مدح وی مداحان فرموده اند بیت

فخر جهان داور روز سپاه ؛ نازش نام و نسب کرت شاه
شاه جهان خسرو روی زمان ؛ وارث جمشید ملک فخر الدین

قاعده وُدُه سنجر تویی : واسطهٔ ملک سکندر تویی :
ملک سکندر بتو دارد امید : دودُه سنجر ز تو خواهد امید :
اما نسب عالی جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد
الجامی بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره العزیز بدو وجه است
یکی از جانب پدر بزرگوار و یکی از جانب جدّه علیا وی المسمات
بدیع کریم ماه نسب بنت شیخ الاسلامی خواجه نور الدین محمد اکبر
چنانکه خواجه جلال الدین محمد بن خواجه محمد مؤمن بن المسماة بدیع کریم
ماه نسب بنت شیخ الاسلامی خواجه نور الدین محمد اکبر بن خواجه قطب
الدین احمد بن خواجه غیاث الدین علی اصغر بن خواجه رضی الدین
احمد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الملة والدین احمد المتوفی
هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن خواجه قطب الدین
محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد
النامقی و ثم الجامی قدس سره اما نسب عالی خواجه جلال الدین محمد
از جانب پدر بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره بدین وجه است
که خواجه جلال الدین محمد بن خواجه محمد مؤمن بن خواجه شهاب الدین

بن حسن

بن خواجه

بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب الدین
محمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه
رضی الدین احمد المتوفی بن الشیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل ابو
بن الشیخ الاسلام قطب الدین محمد بن الشیخ الاسلام شمس الدین
مطهر بن الشیخ الاسلام قطب الانام احمد النامقی و ثم الجامی قدس سره
بدانکه هر یک از خواجه جلال الدین محمد و برادر وی خواجه علی اکبر اولاد و اعقاب است
و بدو وجه آمده و لهذا اولاد کرامی وی بدو طبقه منقسم میشوند طبقهٔ اوله در بیان اولاد
جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد وی بر بعضی شده احوال و اقوال مشایخ ماضی استحضار
تام دارد و چون خواهند که بر بعضی امور و نسبتهای مشایخ اطلاع یابند از وی
استفسار مینمایند و وی بحسن خلق آراسته و پیراسته و صاحب همم عالیه است چون
کثرت ازواج و اولاد و اتباع سنت حسنهٔ جدّه وی شیخ الاسلام احمد است قدس سره
او نیز بران طبقه مرضیه رفته سه زوجه بعقد مناکحت در آورده زوجهٔ اول وی صبیهٔ جناب
شیخ الاسلامی خواجه محمد ملا نی لجه که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی است از طبقهٔ
خواجهای شرقند که بعد از این ذکر ایشان بیاید انشاء الله تعالی و اولاد و اعقاب
بر دو وجه آمده زوجهٔ دویم وی بنت خواجه کلان بن خواجه محمد ملا نیست او وی

یکدختر تولد یافته در پرده عصمت و عفت مستور است زوجه سیم وی بنت خواجه منور الدین
که از نبایر شیخ الاسلامی اکابر علاوی خواجه خلیل الله خرجردی الجامی مشهور است بخواجه جی
معتبر وقف مزرعه نظار رحمن ولایت جام و از این زوجه اولاد بعرصه وجود نیامده
اما از زوجه اول که بنت خواجه محمد مالانی الباخرزیست خلف صدق دو پسر و یکدختر
بعرصه وجود آمده یکی ثمره جد بزرگوار خود خواجه محمد مومن و دیگری خواجه ابوالحسن و دختر
در عقد شیخ الاسلامی خواجه ابوالفتح بن خواجه علی اصغر جاوینی ثبه که از اولاد کبار
حضرت شیخ الاسلام احمد جام نامقدس سره و از نبایر خواجه ابوالملک رحم شهید
که بعد ازاین ذکر ایشان مذکور خواهد شد و از هریک اولاد و اعقاب
بعرصه وجود آمده و لهذا اولاد وی به سه طایفه منقسم میشوند طایفه
اول در بیان اولاد جناب شیخ الاسلامی خواجه محمد مومن بن شیخ الاسلامی
خواجه جلال الدین محمد الجامی وی از فنون علمیه و قوانین رسمیه و مسایل فقیه در روضه
منوره جد بزرگوار خود بر خی مطالعه نموده و شرح لمعات حضرت [illegible]
ملقب نورالدین عبدالرحمان الجامی که نزد ایشان خوانده و بران استحصال [illegible]
بزینت تقوی و ورع مزین است و صفت کرم و سخا و جود و عطا [illegible]
دارد اما زوجه وی بنت شیخ الاسلامی خواجه نورالدین محمد المهشتی الجامی [illegible]

که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی اند سابقا مذکور شد که بنت جلیله جمیله
شیخ الاسلامی خواجه احمد الجامیست در عقد خواجه نورالدین محمد لعل اشتهار فخر السیکم
و چند دختر تولد یافته یکی از آن بنات قانتات صالحات تمکنه در عقد خواجه محمد مومن است
و از آن مخدره جلیله جمیله سه پسر و سه دختر بعرصه وجود آمده یکی ثمره جد بزرگوار خود
خواجه نورالدین محمد و دیگری خواجه قطب الدین محمد و دیگری خواجه نظام الدین
محمود و این هردو در صغر سن اند طول الله عمرهما و بنات تمکنه پرده نشین عصمت
و عفت اند دامت عفتها و عصمتها اما اولاد خواجه محمد مومن را زیاده بر انساب
پدر بزرگوار خود از جانب جده مادری انساب رفیعه و انتساب شریفه هست
هم بسادات عظام و هم بمشایخ کرام و سلاطین و حکام ذوی الاحترام چنانچه
تفصیل انساب رفیعه جده وی و هی استماع بیکه فخر النساء بیکم در ذکر نسب
پدر وی شیخ الاسلامی خواجه محمد بن خواجه معزالدین علی اکبر بن خواجه علاء الملک بن
[illegible] الدین محمد بن خواجه رضی الملة والدین احمد المتوطن هو ابن شیخ الاسلامی
[illegible] الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
[illegible] مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره طبقه پنجم در بیان نسب عالیه خواجه [illegible]
[illegible] که بعد از تالیف بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده اند و این طبقه

بدو قسم منقسم شده قسم اول بدو طبقه انقسام یافته و این طبقه بسه طایفه منقسم گشته
وطبقه دویم بدو فرقه میشوند چنانچه هریک مذکور گردد و این طبقه نیز از اولاد خواجه رضی
الملة والدین احمد المتولی اند و آنچه از مشایخ جاوینی اند اکنون در عرصه وجود اند از اولاد
شیخ الاسلام خواجه ابوالمکارم شهید اند چند قبیله و طبقه و طایفه و فرقه انقسام
یافته اند چنانچه درین اوراق بیان میفرماید اما جناب شیخ الاسلام خواجه ابوالملک رحمه
شهید را انساب رفیعه و نسبت شریفه هست هم بسادات بزرگ حسینیه ترمذیه
واز یک طرف بسادات عظام موسویه و از یکجانب بسادات حسینیه و از یکجانب بمشایخ
کرام اتصال می یابد چون حضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره و چون شیخ الاسلام
برگزیده باری خواجه عبدالله انصاری قدس سره و شیخ الاسلام ابوالمناقب خواجه مودود
چشتی قدس سره **اما نسب عالی** خواجه ابوالملک رحمه شهید بسادات بزرگوار
حسینیه ترمذیه جهت آنست که والده خواجه علاء الملک که جد اعلای ویست و هی السماة
بیبی خانزاده فخرالملک بنت سید علاء الملک ترمذیست چنانکه خواجه ابوالمکارم
بن خواجه ابوالفتح بن خواجه ابوالملک رحمه بن خواجه علاء الملک و هی السماة خانزاده فخرالملک
بنت سید علاء الملک بن ابوالملک رحمه بن محمد بن شمس الدین محمد بن طاهر بن حسن
بن محمد بن طاهر بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن عبدالله بن علی بن حسین بن جعفر

بن عبدالله

بن عبدالله بن حسین بن امام زین العابدین بن امیرالمومنین حسین بن امیرالمومنین
علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم **اما نسب عالی**
جناب شیخ الاسلام خواجه ابوالملک رحمه شهید بسادات عظام موسوی بواسطه
آنست که جده وی و هی السماة خانزاده بیبی سکم بنت خانزاده بنت
امیر سلطان حسین بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن اسمعیل بن بدرالدین بن طاهر
بن محمود شاه بن سلطان حسین بن طاهر بن حسین بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر
بن محمد بن اسمعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن قاسم بن حمزه بن امام موسی الکاظم
بن امام محمد باقر بن امام زین العابدین بن علی بن امیرالمومنین حسین بن امیرالمومنین
علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم اما جناب
شیخ الاسلام خواجه ابوالمکارم شهید بنت جلیله جمیله جناب شیخ الاسلام
خواجه شهاب الدین بن خواجه جلال الدین محمد را العقد زوجیت در آورده بود اند
بدین واسطه اولاد نامی وی را از جانب نسبت میباشد بشیخ الاسلام خواجه مودود
چشتی و بواسطه خواجه مودود نسبت میشود بسادات حسنیه و اولاد وی را نسبت شیخ
بشیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره و بیان هریک تفصیل در ذکر
شیخ الاسلام خواجه جلال الدین محمد نوکار ریزی جامی مذکور شده مکرر ذکر نماید

اما نسب عالی جناب خواجه احمد بن شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین
محمد الجامی مذکور شد و تفصیل انساب شریفه جد وی خواجه نور الدین محمد البته
بعد ازین مذکور شود ان شاء الله تعالی جناب خواجه محمد مومن را از جانب والده
که بنت خواجه محمد مالانه الباخرزیست نسبت دیگر هست بمولانا الاعظم مولانا
رزق الله تایبادی الباخرزی که از اولاد حضرت مخدومنا و مولانا زین الملة والدین
شیخ زین الدین ابو بکر تایبادی الباخرزیست چنانکه در ذکر نسب خواجهای شرف
خواهد یافت ان شاء الله تعالی **طایفه دویم در بیان** اولاد جناب خواجه ابو الحسن بن شیخ الاسلام
خواجه جلال الدین محمد وی را دو زوجه است یکی بنت نتیجة المشایخ العظام خواجه
مظفر بن خواجه ابو الحسن بابا سنکو زوجه دویم از تبار خواجه صنیل الله خوجردی
جامی است از خواجهای معتبر و وی را از بنت خواجه مظفر دو پسر و دو دختر بوجود
آمده است یکی خواجه رضی الدین احمد و دیگری خواجه شمس الدین محمد که در صغر سن اند
طول الله تعالی عمرهما و هر دو دختر پرده نشین عصمت و عفت اند **طایفه سیم
در بیان** اولاد دختر جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد در عقد خواجه
ابو الفتح بن خواجه علا اصغر جاوینی الجامی بود یک پسر تولد یافته خواجه محمد اکبر نام
بنت خواجه مظفر رسکی الجامی در عقد ویست و اولاد دارد و وی را انساب رفیعه

دختر

و انساب شریفه است هم به سادات عظام و مشایخ کرام و ملوک ذوی الاحترام
چنانکه بعد ازین در ذکر خواجهای جاوینی مفصل شود ان شاء الله تعالی **طبقه دویم
در بیان** اولاد جناب شیخ الاسلامی خواجه علا اکبر بن خواجه محمد مومن الجامی نسب
عالی وی به سادات عظام و مشایخ کرام و سلاطین عالیمقام بدستور نسبت که در بیان
نسب برادر وی خواجه جلال الدین محمد نوکارزی الجامی مذکور شد زوجه وی از
سادات عظام جام است خلف صدق یک پسر مانده خواجه شهاب الدین وی را
در نکاح داشته یک زوجه وی از مشایخ مالان باخرزست از خواجهای مشرف و یک
پسر بوجود آمده خواجه علا اکبر نام و زوجه دیگر وی بنت عم وی است و هی المسماة
بی بی فخر النسا بیکم بنت شیخ الاسلامی خواجه احمد الجامی و از وی یک پسر دارد
خواجه برهان که در صغر سن است طول الله تعالی عمره **در بیان مواصلات نمودن فرقه عالی
جامیه با خواجهای جاوینی و همه است که** جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد و برادر وی خواجه
علا اکبر را نسبت است بفرقه علیه مذکوره چنانچه مادر خواجه نور الدین محمد اکبر که جد
خواجه جلال الدین محمد است که از طبقه علیه مذکوره اند نسب عالی ایشان همه جا بحکام
و سلاطین و امرا و وزرا اتصال می یابد و از جمله اجله و اکابر خراسان بوده اند بعد
از اجلال انساب که بدست دارند نسبت ایشان محقق میگردد و سلسله شریفه شیخ

جام در قدیم الایام نیز آبا و اجداد ایشان موصلت نموده اند و اهالی فرقه متکالیه

که در هر ولایت جام متوطن اند از جانب والده بحضرت شیخ الاسلامی نسبت دارند جناب

جناب امیر محب الدین حسین متکال که جد ما در میرزا رفیع الدین حسین متکال است دختر

جناب شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد را بعقد نکاح در آورده و از آن دختری

خواجه دختری تولد یافته که مسماة به بیبی زینب خواتون و انتماء نسب ایشان بدین موجب است

که میرزا رفیع الدین حسین بن بیبی زینب خواتون بنت امة الله بیبی فلان و هی بنت

خواجه قطب الدین محمد بن معز الدین علی اکبر بن خواجه ابوالمکارم الشهید امان علی

خواجه ابوالمکارم الشهید بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره بدین موجب است که خواجه

ابوالمکارم بن خواجه ابوالفتح بن خواجه ابوالمکارم بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب الدین محمد

بن خواجه رضی الدین احمد المتولی هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام

قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره

در بیان اولاد خواجه ابوالمکارم شهید و همشیره عالیه وی که در عقد خواجه شهاب الدین

احمد بن خواجه عیسی استادی بود والده وی بنت خواجه شهاب الدین بن خواجه علاء الدین

محمد بود جد خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی جامی و لهذا اولاد وی دو قبیله میشوند

قبیله اول اولاد خواجه ابوالمکارم شهید و قبیله دویم اولاد همشیره وی است والله اعلم

پس

قبیله اول در بیان اولاد نامی خواجه ابوالمکارم شهید وی را خلف صدق دو پسر بعرصه وجود آمده یکی

خواجه ابوالفتح سمی جد بزرگوار خود و دیگری خواجه محمد اصغر و از هر یک اولاد و اعقاب

مانده و لهذا اولاد وی دو طبقه میشوند طبقه اول در بیان اولاد خواجه ابوالفتح وی را خلف صدق

دو پسر و یک دختر بعرصه آمده یکی خواجه ابوالمکارم و دیگری خواجه حسین و دختر در عقد

شیخ مظفر زرپسکی جامی است و هر یک را اولاد و اعقاب هست و لهذا اولاد

وی البته طبقه منقسم میشوند طائفه اول در بیان اولاد خواجه ابوالمکارم بن خواجه ابوالفتح

زوجه صبیه جمیله امیر شهاب الدین اسمعیل عشقاوی است و والده زوجه وی

ریحانه سیکم خانزاده بیکم بنت شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد بن خواجه

صفی الدین محمود جامی است و در این انساب رفیعه و انتساب شریفه هست همه سادات

عظام و مشایخ کرام و سلاطین ذوی الاحترام چنانچه در ذکر پدر وی مذکور شد و خواجه

ابوالمکارم را خلف صدق یک پسر بود خواجه قطب الدین محمد مشهور بمیر مقبل و میر مقبل

مدت مدید در هندوستان بود و از امراء مقرب پادشاه وقت جلال الدین اکبر شاه

و بیرون جهان گیرشاه و بعد از خراسان از اقربا و غیره هر کس بوی التجا نموده انواع

انعام و اکرام و التفات یافتی با فخار از حال فقر بحال غنی منتقل شد و فوت وی

بقرار است بعضی گویند در هندوستان از وی جمعی اولاد و اعقاب مانده طائفه دوم

در بیان اولاد عالیجناب خواجه ...

بن خواجه ابو الفتح ویرا چهار پسر بوده یکی خواجه
اصغر و دیگری خواجه ابو المکارم و دیگری خواجه ابو الفتح و دیگری خواجه محمد تقی اما خواجه
ابو الفتح در هندوستان فوت شده و از وی عقب نمانده و جناب خواجه
اصغر و خواجه ابو المکارم الحال در بلاد هندوستان از امراء مقرب پادشاه و
جهانگیر شاه هند و صاحب جاه و جلال و مال بسیار و ملازم بیشمار و گویند که
در آن دیار اولاد و اعقاب دارند اما جناب خواجه محمد صغر قبل از آنکه بهندوستان
روند بنت شیخ الاسلام خواجه علا اصغر بن شیخ الاسلام خواجه احمد ...
نموده بوده اند دو پسر و یکدختر عقب مانده یکی خواجه حسین که الحال بهندوستان رفته اند
و دیگری خواجه محسن که بنت شیخ الاسلام خواجه غیاث الدین احمد بن شیخ الاسلام
خواجه صفی الدین محمود الجامی را بعقد زوجیت در آورده یک صبیه تولد یافته
که در پرده عصمت مکتوم و مستور است اما صبیه خواجه محمد اصغر که در عقد خواجه شهاب الدین
بن شیخ مظفر زرنیکی الجامی بوده یکدختر تولد یافته که در پرده عصمت مستور است
اما جناب خواجه محمد تقی بن خواجه حسین که در ولایت جام تشریف دارند قائم
مقام آبا و اجداد و اقربای اند و جد بسیار و آبادانی مینمایند صبیه جناب
سیادت پناهی میر قطب الدین عشقباری در نکاح ویست و دو پسر بعرصه وجود آمده

یکی خواجه

یکی خواجه میر مقبل و دیگری خواجه جلال الدین محمد باقر حالا هر دو در صغر سن اند طول الله تعالی عمرهما
طایفه اولی در بیان اولاد خواجه محمد ابدال بکوی زرنیکی مشهور بخواجه قرشی و اولاد خواجه کلان خطیب
و از هر یک اولاد بسیار دلهذا منقسم بدو فرقه میشوند فرقه اولی سابقا در ذکر
خواجهای مشرف مذکور شد خواجه محمد ابدال بنت شیخ الاسلام خواجه صدر الدین خواجه
عبد العباس ... را بنکاح در آورده یک پسر تولد یافته مجذوب ربانی و محبوب سبحانی شیخ الاسلام
خواجه عبد الحق الجامی که مشهور و معروف عالمند و گویند که آنچه بلفظ مبارک حضرت
شیخ الاسلام احمد رفته است که در هر چهار صد سال دیگر رسد و در هر یک صد سال
چون احمد شخصی پدید آید که همه را خراج لوی باید داد و در سر چهار صد بوده که حضرت
مخدومی شیخ الاسلامی خواجه عبد اللطیف الخارزمی ظهور نموده اند و آثار غریبه و حالات
غریبه از وی بظهور آمده و در سر یکصد بوده که حضرت شیخ الاسلامی خواجه عبد الحق ...
بعرصه وجود آمده اند بریاضات شاقه و مجاهدات لایقه کشیده اند تمامی قطع تعلقات
نفسانی نموده اند و از وی همه خلایق را کرامات ظاهر شده همه ممالک و هر کس
از ملوک و سلاطین و اهالی و اکابر و اشرف عالم بصحبت شریف وی رسیده و یرا تصرف
نمودی و جذب کردی و جمیع مرید و معتقد وی گشته و در قصبه و شیخ در زنده جان
من ولایت غورنات ساکن بوده و در همان ولایت متوطن گشته اند و مدفن وی انجایست

طالب شاه و برادر خلف صدق دو پسر بعرصه وجود آمده یکی خواجه زنده فیل و دیگری خواجه
عبد الحق اما خواجه زنده فیل را یک پسر بود حاجی احمد بن الشریفین کهف الحاج والمعتمرین
خواجه اسحق که در قصبه زنده جان متوطن اند و در آن ولایت اولاد و اعقاب دارند
اما جناب خواجه محمد ابدال را دو دختر نیز بود یکی در عقد خواجه زین العابدین مسجد نوری
بود و دیگری در عقد خواجه غیاث الدین و هر یک را اولاد و اعقاب مانده چنانچه سابقا
در قبیله دویم انجوجه در ذکر شیخ مشرف و شیخ مسجد نوری مفصل نموده ایم
چنین استماع افتاده که والده شیخ حسن لاهوری که در دیار هند و سلطان شیخزاده که
شهرت یافته معروف و مشهور است از خویشان خواجه عبد الحق بود والعلم عند الله
و اما والده شیخ الشیخ العظام خواجه محمد صالح رزه البافوزی و هی المسماة خانزاده خانم
نیز از این بود و همانا نسب عالی خواجه عبد الحق بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره
از جانب پدر بدین وجه است که خواجه عبد الحق بن خواجه محمد ابدال و هو ابن خواجه شرف الدین
بن خواجه مختار قاضی بن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه شرف الدین
بن خواجه ابن یامین بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی
قدس سره اما انتهاء **نسب عالی** خواجه عبد الحق از جانب والده بحضرت شیخ الاسلام بدین
وجه است که خواجه عبد الحق بن المسماة بنت خواجه صدر الدین بن خواجه عبد العلی

بکلیه

بکلیه هو ابن خواجه عبد اللطیف بن خواجه عبد العلی بن خواجه غیاث الدین شرف
هو ابن شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره
طایفه اول در بیان اولاد جناب سالک مجذوب شیخ الاسلام خواجه عبد الحق الجامی و برا خلف صدق دو پسر
بعرصه وجود آمده یکی خواجه زنده فیل و دیگری خواجه عبد الحق که بهندوستان رفته
و در آن دیار ساکن است اما خواجه زنده فیل را یک پسر عقب مانده خواجه اسحق که در قریه
زنده جان متوطن اند و اولاد دارند **طایفه دویم در بیان** اولاد دختر خواجه محمد ابدال
که در عقد خواجه زین العابدین مسجد نوری بود و هی المسماة بانیده سلطان را دو پسر
و چند دختر بعرصه آمده یکی خواجه قطب الدین محمد و دیگری خواجه محمود و یکدختر در عقد
خواجه محمد صالح و شیخی بود و از هر یک اولاد مانده تفصیل در ذکر شیخ مسجد نوری
مفصل شده است **طایفه سیم در بیان** اولاد دختر خواجه محمد ابدال که در عقد
خواجه غیاث الدین بود خلف صدق وی دو پسر و یکدختر تولد شده یکی خواجه لطیف و دیگری
خواجه حمید اما خواجه لطیف را اولاد و اعقاب مانده بعد از این در قبیله هشتم
که اولاد شیخ سراج و شیخ زرشک را تفصیل داده مبین شده است **طبقه دویم**
در بیان اولاد دختر خواجه ابو الفتح که در نکاح جناب شیخ الاسلام خواجه مظفر

تا شود رباغ آمد رسید از نخل دعو رشه
زبان دیغ خوش و شه بر دل دعو رشه

ای مرتبه خلف صدق وی را دو پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه شهاب الدین
و دیگری خواجه ضیاء الدین یوسف و دختر در عقد خواجه محمد اکبر بن خواجه ابو الفتح
بوده و هر یک را اولاد هست تفصیل آن در ذکر نسب والده ایشان جناب
شیخ مظفر مذکور شود انشاء الله تعالی **طبقه دویم در بیان** اولاد خواجه محمد صغر بن
خواجه ابو المکارم شهید وی را دو پسر بعرصه وجود آمده یکی خواجه جلال الدین محمد المشهور
بخواجه جلال الدین محمد ملک و دیگری خواجه علا صغر و هر یک را اولاد مانده و لهذا
اولاد وی بدو فرقه منقسم میشوند **فرقه اول در بیان اولاد عالیجناب خواجه جلال الدین محمد**
گویند که وی در هندوستان متاهل شده بود و از وی دو دختر عقب مانده
یکی در عقد خواجه محمد زمان بوده است که از نبایر ارشاد پناهی خواجه محمد زور آباد بوده
و از وی در آن بلاد اولاد هست و یکدختر دیگر در عقد برادر زاده وی است
در بلاد هندوستان خواجه محمد صغر بن خواجه علا صغر اجابت و اولاد وی در
همان بلاد هند تولد یافته **فرقه دویم در بیان اولاد عالیجناب خواجه علا صغر** بن خواجه
محمد صغر بنت خواجه ظهیر الدین عیسی بن خواجه ابو الحسن بابا سیکو در عقد وی
بود وی را سه پسر بعرصه وجود آمده یکی خواجه ابو الفتح و دیگری خواجه شهاب الدین
و دیگری خواجه محمد اصغر اما از وجه خواجه شهاب الدین عقب نمانده و از خواجه

محمد

محمد صغر در هندوستان اولاد هست از بنت عم خود خواجه جلال الدین محمد
چنانکه مذکور شد اما خواجه ابو الفتح را دو زوجه بوده یکی بنت شیخ الاسلام
خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی و از وی یک پسر تولد یافته خواجه محمد اکبر و بنت
شیخ الاسلام خواجه مظفر در عقد وی است یکدختر از خواجه ابو الفتح تولد یافته در پرده
عصمت مستور اما زوجه دویم خواجه ابو الفتح بنت خالوی وی خواجه
ابو المعالی بن خواجه ظهیر الدین است و یک پسر تولد یافته خواجه محمد امین که در صغر سن است
طول الله عمره و خواجه ابو الفتح در هندوستان مدتی است طاب ثراه و جعل الجنة
مثواه **قبیله سیم در بیان اولاد همشیره عالیجناب خواجه ابو المکارم شهید** که در عقد خواجه
شهاب الدین احمد بن خواجه عیسی ستایی بوده و از وی اولاد و اعقاب بسیار مانده
جناب خواجه ابراهیم غوریانی از جانب والده از جمله آن اولاد اند و اولاد پدر ستایی که
که اولاد زوجه خواجه ظهیر الدین علا بن خواجه ابو الحسن بابا سیکو باشد نیز از جمله این اولاد اند
چنانکه بعد از این مذکور شود انشاء الله تعالی **طبقه ششم در بیان نسب عالیجناب شیخ الاسلام**
خواجه مظفر بن کیلانی و بیان نسبت عالیجناب برادری شیخ الاسلام بن کیلانی و عم وی خواجه
محمد مومن کیلانی و ولایت ایشان که بعد از تحریر انساب قدیم تولد یافته اند و متاصل
فرموده اند و این طبقه بسه جماعت اتفاق افتاده و جماعت سیم بدو فرقه منقسم گشته

واین طبقه نیز از اولاد خواجه ظهیر الدین عیسی بن خواجه رضی الدین احمد المتولی است

واشارتنسب عالیه وی بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی در ین وجه است که جناب شیخ

مظفر و شیخ اسلم هر دو برادران خواجه محمد امین بن خواجه مظفر بن خواجه عبد الحمید

بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ظهیر الدین

عیسی بن خواجه رضی الدین احمد المتولی هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل

بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام

احمد جامی النامقی قدس سره و در بحر الانساب قدیم مذکور است که جناب خواجه

ضیاء الدین یوسف که جد اعلای جناب شیخ الاسلام مظفر است صبیه

جلیله جمیله شیخ الاسلام خواجه ابو المعالی را که وی المسماة خانزاده عروس

تزویج نموده دو پسر و یک دختر تولد یافته دختر المسماة خانزاده عروس عایشه خاتون

که در عقد نبیره المشایخ العظام خواجه محمد عقیل بوده از وی اولاد مانده چنانکه بعد

ازین در ذکر خواجه ابو المکارم بن خواجه عماد الدین بن خواجه محمد عقیل مذکور شود ان شاء الله تعالی

اما یک پسر مسماة خانزاده عروس خواجه قطب الدین بوده و برادر بوده خواجه ابو الحسن

الملقب بابا ککو و از وی اولاد مانده چنانکه بعد ازین بیاید و یک پسر دیگر وی

مسماة خانزاده عروس خواجه عبد الحمید بوده که جد جناب شیخ مظفر زر سکی الجامی است

و جناب

وجناب شیخ مظفر مذکور را از جانب جده وی المسماة خانزاده عروس مذکوره سلسله

نسبت بسادات بزرگوار حسینیه ترمذیه وی المسماة خانزاده فخر الملک

بنت سید ممالک اسلام سید علاء الملک ترمذی و نیز نسبت است بجناب شیخ الاسلام

ابو المناقب خواجه مودود چشتی چنانچه مادر خواجه ابو المعالی وی المسماة ماه نسب از

اولاد خواجه مودود چشتی است و نسبت خواجه مودود بسادات عظام حسینیه نیز

میباید چنانچه در ذکر نسب شیخ الاسلام خواجه قطب الدین بن خواجه صفی الدین محمود

الجامی مذکور شد دیگر مکرر اذکور نمی نماید اما جناب شیخ مظفر زر سکی

الجامی و عموی وی خواجه مومن فضل و برادر وی شیخ اسلم اولاد مانده ولهذا

اولاد ایشان به سه جماعت منقسم میشود جماعت اول در بیان اولاد جناب خواجه مومن نسائی

وی مدت مدید بواسطه ملازمت جناب ارشاد پناهی حضرت شیخ محمد شیخ صوفی

الجامی در ولایت نساء متوطن بوده و در آن دیار فرزندان شده اند و از وی چند

دختر عقب مانده یک دختر وی در عقد نبیره المشایخ العظام خواجه مومن بن خواجه عبد الحمید

بن شیخ سراج الدین مظفر زر سکی الجامی بوده و یک دختر عقب مانده در ولایت نسا و ارز ولد

مخدومه است جماعت دویم در بیان اولاد حضرت شیخ اسلم زر سکی برادر وی شیخ مظفر

زر سکی الجامی مدت در بلاد هندوستان سیار بوده و بزیارت حرمین الشریفین مشرف شده

و باز بهندوستان مراجعت نموده و در آن دیار مدفون شد طاب ثراه و الجنة مأواه
و از وی در آن دیار خلف صدق یک پسر مانده خواجه میرزا باقر و وی را در آن دیار
اولاد هست **جماعت سیم در بیان اولاد جناب شیخ مظفر زرسکی الجامی** وی را بنا بر سنت
سنیه نبویه دو حره در نکاح داشته و وی را دو زوجه بوده و از هر یک اولاد و اعقاب
مانده و لهذا اولاد وی به دو فرقه منقسم میشوند **فرقه اول در بیان** اولاد
جناب شیخ مظفر را از زوجه اول دو پسر و یک دختر بوجود آمده یکی خواجه محمد امین
که بهندوستان رفته و دیگری خواجه ملک‌شاه و دختر وی را در نکاح داشته اول
در نکاح خواجه ابو القاسم بن خواجه علی اکبر عمو بوده و یک پسر تولد یافته خواجه عبد الحمید
که با عم خود خواجه محمد صالح در هندوستان است اما مرتبه دویم در نکاح خواجه
غیاث الدین بن خواجه صفی الدین محمود الجامی بوده دو پسر بوجود آمده یکی خواجه
احمد دیگری خواجه ابراهیم که در صغر سن اند چنانکه در ذکر نسبت پدر ایشان خواجه
غیاث الدین قبل از این مذکور شد **فرقه دویم در بیان** اولاد جناب
شیخ مظفر زرسکی الجامی که از زوجه دویم تولد یافته این زوجه وی صبیه جلیله
جمیله جناب شیخ الاسلامی خواجه ابو الفتح بن خواجه ابو المکارم شهید جادوی الجامی است
که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و در انساب رفیعه و اعتبا

شریفه هست از جانب پدر بزرگوار خود خواجه ابو الفتح جادوی الجامی بسمت سادات
بزرگوار حسنیه زیدیه و هم سادات موسویه و هم سادات عظام حسینیه و هم نسبت
بمشایخ عظام چون برگزیده حضرت باری شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری
و شیخ المشایخ ابو المناقب خواجه مودود چشتی بتفصیل هر یک در ذکر نسبت جد
وی خواجه ابو المکارم شهید جادوی الجامی مذکور شد مکرر ذکر نمیکند اما جناب
شیخ مظفر را از صبیه جلیله جمیله خواجه ابو الفتح جادوی خلف صدق دو پسر و یک دختر
بوجود آمده یکی خواجه شهاب الدین احمد و دیگری خواجه ضیاء الدین یوسف
و دختر که در عقد خواجه محمد اکبر بن خواجه ابو الفتح جادوی الجامی است چنانکه قبل
از این مذکور شد اما خواجه شهاب الدین احمد صبیه جناب خواجه محمد صغر بن خواجه حسین
جادوی الجامی را بنکاح در آورده و یک دختر تولد یافته که پرده نشین عصمت و عفت است و
و بعد از آنکه فرصتی زوجه وی فوت شده و به بلاد هندوستان رفته و چند وقت است
که در آن بلاد است و موفق بمنصب وزارت اقربا و خویشان خود بوده به نیک‌نامی
و حسن خلق اشتهار یافته و تجرید اختیار نموده و انعام و اکرام وی با قربا و عشیره
آخر زمان مجدداً رسیده امید که یوماً فیوماً در ترقی و تزاید بوده باشند اما خواجه ضیاء الدین
ابن شیخ مظفر زرسکی الجامی بنت خواجه ابو المکارم بن خواجه علاء الدین را عقد نموده

و خلف صدق در پسر بوجه وجود آمده یکی خواجه مظفر و دیگری خواجه رشید که در صغر
سن ایشان طول الله تعالی عمره طبقهٔ هفتم در بیان نسبت عالی از سبط عالی اولاد خواجه ابوالحسن بن خواجه ظهیرالدین عیسی
که مشهور بخواجه ابوالحسن باباسنکو که بعد از تألیف بحر الانساب قدیم بوجه وجود آمده اند این
طبقه به پنج طایفه انشقاق یافته و طایفه اول پنج فرقه منقسم شده اند و وی
از اولاد خواجه ظهیرالدین عیسی بن خواجه رضی الملة والدین احمد المتولی است و انتساب
عالم وی تا [illegible] بن شیخ الاسلام احمد [illegible] خواجه ابوالحسن بن خواجه
ظهیرالدین عیسی بن خواجه قطب الدین بن خواجه [illegible] بن خواجه
قطب الدین محمد بن خواجه ظهیرالدین عیسی بن خواجه رضی الملة والدین احمد المتولی
هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام [illegible] الدین محمد
بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره قبل از این
در ذکر نسب جناب شیخ مظفر ز سکه الجامی مذکور شد که الممتاز خانزاده عروس
بنت شیخ الاسلامی خواجه ابوالمعالی که در عقد خواجه ضیاء الدین یوسف بود
در پسر و یک دختر تولد یافته دختر عایشه خواتون که در عقد شیخ الشیخ العظام خواجه محمد
عقیل بود و یک پسر خواجه عبدالحمید که جد شیخ مظفر ز سکه الجامی بود و پسر دیگر خواجه قطب الدین محمد
که جد خواجه ابوالحسن باباسنکو مذکور شد و بهذا خواجه ابوالحسن را از جانب جده مادری که المسماة

فاز اعروس بنت شیخ الاسلامی خواجه ابوالمعالی نسبت شد بسادات بزرگوار حسینیه
زنده بالمسماة خانزاده فخر الملک بنت سید ممالک اسلام سید علاء الملک ترمذی و نیز
نسبت شد بسادات عظام حسینیه بواسطه آنکه مادر شیخ الاسلامی خواجه
ابوالمعالی که از اولاد ابوالمناقب خواجه مودود چشتی است و انتهاء نسب خواجه مودود
بسادات حسنیه میکشد و نیز نسبت است بشیخ الاسلامی خواجه عبدالله انصاری
تفصیل هر یک [illegible] اولاد شیخ خواجه ابوالمعالی مذکور شد مکرر اذکر می آید
کرد فاما جناب [illegible] ابوالحسن باباسنکو را خلف صدق بر سه پسر و سه
دختر بوجه وجود آمده یکی خواجه ظهیرالدین عیسی و دیگری خواجه قطب الدین و دیگری خواجه
مظفر اما دختران یکی در عقد خواجه عماد الدین زور آبادی بود و دختر دیگر در عقد خواجه
ابوالحسن بن شیخ سراج الدین فلورزنی بود و دختر دیگر در عقد خواجه عبدالله مسجد نوری
بود و از هر یک اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد وی بشش طایفه منقسم شد
طایفه اول در بیان اولاد خواجه ظهیرالدین عیسی زوجه وی المسماة خانزاده خان
بنت خواجه محمد بن خواجه شهاب الدین احمد استاد است و دو الله خواجه محمد بنت خواجه
ابوالفتح شیخ الجادونی الجامی است به بیبیه استانه مشهور که خواهر بیبیه هند ستانه میشود
دختر دختران خواجه ابوالمکارم شهید الجادونی میشوند اما از بیبیه هند ستانه

[illegible]

اولاد نمانده و از بنات پنج است و اولاد پسری وی خواجه ابراهیم غوریانیست و اولاد

خواهری وی که در عقد شیخ الاسلامی خواجه کلان اجامی بوده است بجه میشوند و اولاد دختر

پنج است و اولاد پنج خانزاده سلطان زوجه خواجه ظهیر الدین عیسیست پس از این

جهت اولاد خواجه ظهیر الدین عیسی را از جانب والده پنج خانزاده سلطان باشد

و اما نسبت دختر خواجه ابو الفتح جامی را نسبت بسادات بزرگوار حسینیه

زندیه المسماة خانزاده فخر الملک بنت سید ممالک سلام سید علاء الملک بن سید

و نیز نسبت بسادات موسویه که المسماة خانزاده بنت خانزاده سیده بنت امیر سلطان

حسین مشهدی و نیز نسبت بشیخ الاسلامی خواجه مودود چشتی و بواسطه خواجه

مودود نسبت بسادات حسنیه و نیز نسبت بشیخ الاسلامی خواجه عبد الله

انصاری و تفصیل هر یک در ذکر نسب شیخ الاسلامی خواجه ابو الفتح جامی

اجامی که جد مادری اولاد خواجه ظهیر الدین عیسیست مذکور شد مکرر از ذکر عنان نماید

فاما جناب خواجه ظهیر الدین عیسی را از مسماة پنج خانزاده سلطان نبیره خواجه

ابو الفتح اجامی دو پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه ابو المعالی و دیگری حضرت

ما خواجه ابو الحسن و یکی دختر در عقد شیخ الاسلامی خواجه علاء اصغر اجامی بود که او نیز

از نبایر شیخ الاسلامی خواجه ابو المکارم شهیدست و یکی دختر دیگر در عقد

بر عبد القادر

بر عبد القادر بوده که از سادات عظام کرام ملبه فاخره هرات بنده و از هر یک اولاد مانده

و الحمد اولاد خواجه ظهیر الدین عیسی بچهار فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان اولاد

عالیحضرت خواجه ابو المعالی بن خواجه ظهیر الدین عیسی جامی خلف صدق وی را یک پسر و سه دختر

بعرصه آمده پسر خواجه حسین و یکی دختر در عقد شیخ الاسلامی خواجه ابو الفتح بن خواجه علاء

الصغر اجامی است چنانکه سابقا نیز گذشت و یک پسر تولد فته خواجه محمد امین که در صغر است

طول الله تعالی عمره و دو دختر دیگر رده نشین عصمت و عفت اند فرقه ثانی در بیان اولاد شیخ

الاسلام هدایت مآب خواجه ابو الحسن بن خواجه ظهیر الدین عیسی جامی وی بزیور تقوی و ورع مزین است

و در اربعینات و خلوات با طایفه صوفیه کبرویه فتحیه نطنزیه همدانیه مشغول بود و بآن عزیزی

که دست ارادت داده بود از جانب وی نیز بشارت رخصت یافته و جمعی بارادت

وی در آمده اند صبیه جلیله جمیله عمه وی خواجه مظفر در عقد ویست و از وی خلف

صدق یک پسر بعرصه آمده مسمی بجد بزرگوار خود خواجه ظهیر الدین که در صغر سن است

طول الله تعالی عمره و این خواجه ظهیر الدین عیسی را از جانب والده نسبت بخواجه جهانی

استاد زور آباد است چنانکه جد مادری وی خواجه جلال الدین بن خواجه هاشم استاد است و نیز

نسبت است بخواجه جهانی مسجد نوری چنانچه جد مادری وی دهی المسماة پنج خانزاده

کلمه المسیر خواجه عبد الله مسجد نوریست و خواجه جهانی مسجد نوری را نسبت بحضرت

زبدة المنور عین مولانا و مخدوم مساز بن الله والدین زین الدین ابو بکر التایبادی الباخرزی
و نیز نسبت بملک کرت الغوری که بانی مسجد جامع هرات اند تفصیل آن
در ذکر نسب خواجهای مسجد نوری جایداشت و نقل رجا واثقست که از خزانه غیب خواجه
خواجه ابوالحسن برادر سبحانه و تعالی چند پسر دیگر کرامت فرماید بالنبی و آله و سلم فرقه
ثالثه در بیان اولاد دختر خواجه ظهیر الدین عیسی و هی المستمات بی بی پاینده سلطان
که در عقد شیخ الاسلامی خواجه عبد الصغر اجاودی اجامی بوده و خلف صدق سه پسر بوجود
وجود آمده یکی خواجه ابوالفتح و دیگری خواجه شهاب الدین از وی عقب نمانده
و دیگری خواجه محمد اصغر و از هر دو پسر اولاد مانده چنانچه در ذکر مشایخ اجاودی گذشت
مکرر ذکر نمی نماید فرقه چهارم در بیان اولاد دختر دیگر خواجه ظهیر الدین عیسی جامی
که در بلده هرات در عقد سالار شاه میر عبد القادر بوده و از وی دو دختر بعرصه آمده
هر یک را در آن دیار باکفاء خود داده اند و اولاد و اعقاب دارند طایفه دوم در
بیان اولاد خواجه قطب الدین بن خواجه ابوالحسن باباسنکو و برادر زوجه بوده یکی از ولایت جام
دختر مهتر مشایخ العظام خواجه محمد عقیل و هی المستمات خانزاده خورشید و دیگری از ولایت
هرات بوده و از هر دو زوجه وی را اولاد مانده اما از دختر خواجه محمد عقیل یک دختر عقب مانده
بوده در قصبه مبارکه مهنه بجناب خواجه میر محمد که از اولاد حضرت شیخ الاسلام شاه

سبک پسر سلطان ابوسعید ابوالخیر قدس سره بوده بعقد زوجیت داده بوده اند
و در آن دیار متوطن بوده اند و آنجا اولاد و اعقاب مانده اما از زوجه که از بلده هرات
بوده یک دختر عقب مانده در قریه سیاوشان هرات بیکی از اکفاء خود داده اند
و در آن دیار اولاد دارند طایفه سیم در بیان اولاد جناب خواجه مظفر
بن خواجه ابوالحسن باباسنکو و برادر زوجه بوده یکی از ولایت جام بنت خواجه جلال الدین
که از خواجهای سنادزور آباد است و دیگری از ولایت غوریان بنت خواجه ابراهیم
غوریانی اما از زوجه اول دو دختر بعرصه وجود آمده یکی در عقد برادرزاده وی
خواجه ابوالحسن است چنانچه قبل ازین مذکور شد و دختر دیگر در عقد خواجه
ابوالحسن بن خواجه جلال الدین محمد نوکاریز اجامی است و اولاد بعرصه آمد چنانچه
قبل ازین در ذکر نسب اولاد خواجه جلال الدین محمد گذشت اما خواجه مظفر را
از صبیه خواجه ابراهیم غوریانی یک پسر و سه دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه محمد
ایمن که در غوریانست طول الله عمره و یک دختر دیگر در عقد خواجه اصغر بن خواجه
ابوالفتح کوسوی اجامیست و یک دختر در عقد شیخ ابوالفضل بن میر ابوالحسن
غوریانی است و یک دختر دیگر در پرده عفت مستور است و اما اولاد خواجه مظفر که
از صبیه خواجه ابراهیم تولد یافته از جانب والده نسبت دارند بخواجه شمس الدین محمد

الکوسوی جهت آنکه والده خواجه ابراهیم دختر خواجه ابو الفتح کوسوی است که از نبایر
خواجه شمس الدین محمد کوسوی اند و وی از اولاد شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف
و شیخ الاسلام برهان الدین نصر اند که ما ابناء شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره
طایفه چهارم در بیان اولاد دختر خواجه ابو المحسن بن سنکو که در عقد خواجه ابو الحسن بن شیخ سراج
الدین الموزن بوده یک پسر عقب مانده شیخ صوفی و وی بنت خواجه عبد الله مسجد نوری را
عقد نموده بوده و هی المسماة خان زاده عروس و خلف صدق یک پسر مانده خواجه ابو الحسن
و وی بنت خواجه عزیز یزدی است که از مشایخ مسجد نور است عقد نموده و یک پسر دارد
شیخ صوفی نام که در قریه بزد جام ساکن است طایفه دیگر پنجم در بیان اولاد دختر دیگر خواجه
ابو المحسن بن سنکو که در عقد خواجه عبد الله مسجد نوری است یکدختر عقب مانده بود
خان زاده عروس و برادر عقد آقا که اول مرتبه در عقد پسر خاله خود شیخ صوفی بوده
چنانکه مذکور شد و اولاد ماند مرتبه دویم در عقد خواجه کلان بن خواجه قطب الدین
مسجد نوری بوده و یکدختر تولد یافته که پرده نشین عصمت و عفت است طایفه ششم در بیان
دختر دیگر خواجه ابو المحسن سنکو که در عقد سلالة المشایخ العظام خواجه عماد الدین زورآبادی بوده
که از مشایخ عظام ولایت زورآباد اند خلف صدق دو پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده
یکی خواجه عبید الله و دیگری خواجه عبد العلی و هر یک را اولاد هست چنانچه بعد از این

درذکر

درذکر مشایخ زورآباد مفصل شود ان شاء الله تعالی اما جناب خواجه عبید الله در ولایت
جام در تربت مقدسه در سر مزار فیض آثار جد بزرگوار خود تحصیل نموده اند و نشو
و نما یافته اند و از قواعد علمیه و مسایل دینیه آنچه ضروریه است مطالعه فرموده اند و در
فن معما بغایت ماهرست بسیار خوش طبع و ظریف واقع شده اند و باشعار عربیه
و نکات دقیقه کماهو حقه میرسد و از مشایخ زورآباد مستثنی و ممتاز است سلمه الله تعالی
الی البقاء و زاد قدره فی الدارین اما جناب عالیحضرت خواجه عماد الدین زورآبادی را از
زوجات دیگر اولاد و اعقاب مانده که در ذکر مشایخ زورآباد بعد از این مذکور شود
ان شاء الله تعالی بدان که اعلمک الله تعالی بحقایق الامور آنچه رسید بنده داعی از اولاد
امجاد و احفاد کرام خواجه رضی الله والدین احمد المتولی تحقیق کرده در این صحیفه
مفصل نمود جمعی دیگر نیز بوده اند که در ازمنه سابقه بطبقات مشایخ دیگر
منسوبت نموده اند و جمعی دیگر باطراف و اکناف عالم مستغرق شده اند که کیفیت
احوال ایشان بواقعی معلوم نگردید و ازیشان جمعی اولاد شیخ الاسلام اکابر بلاد
خواجه معز الدین علی اکبر الجامی که از اکابر اولاد حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی
بوده اند و مقدم جمیع طبقات مشایخ وقت خود بوده و بر اثبات سیادات
بزرگوار زندیه حسینیه و سیادات عظام موسویه مشهدیه و مشایخ عظام کرام نیز

بنزنابت لهم و اولاد جمعی ببلاد متفرق شده اند و جمعی جهت مواصلت بطبقات
دیگر خروج گشته اند لهذا تجسس بسیار از اولاد نامی وی از ذکور و اناث چهار
فرقه محقق گردید باین صحیفه ملحق گردد فرقه اول در بیان اولاد خواجه علی اکبر که
خیابان کوی مصنف قدیم که در ولایت بلخ معبر خواجه خورد دران ولایت در قریه حیوة الله
که منسوب باین طبقه اند و در همان دیار اولاد و اعقاب دارند و انتساب علی
خواجه خورد ساکن بلده بلخ بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی بدین موجب است که خواجه
خورد بن خواجه علی اکبر بن خواجه کمال الدین حسین بن خواجه ضیاء الملک بن خواجه
معز الدین علی اکبر بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الملة
والدین احمد المتوفا هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد النامقی
الجامی قدس سره و جمعی دیگر که بخواجه معز الدین علی اکبر منسوب اند از اولاد دختری
ویند و مشهور است که خواجه معز الدین علی اکبر از جناب ارشاد پناهی مخدومی خواجه
عبد العزیز الجامی که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد جام اند در کبر سن
نموده بوده اند که تیمنا و تبرکا بایشان مواصلت نمایند وصیه خود را بعقد وی
در آورند حضرت مخدومی تقبل اراده ایشان نموده و این رباعی را املا فرموده اند

کبرم که فلک نان دهدم دندان کو ؛ در خور بهشتی بدهم همدان کو ؛ و این
دهد آن دهد آن دگر ؛ ایام جوانی و لب خندان کو ؛ اما از این صبیه جلیله
جمیله حضرت عقب نمانده و یک دختر خواجه معز الدین علی اکبر در عقد خواجه سلطان
بایزید بن خواجه ابو الحسن جورفانی بوده مشایخ که اکال در قریه کهنجه با فرزند ارجمند
جده بوی نسبت دارند و یک دختر دیگر خواجه معز الدین علی اکبر در عقد خواجه غیاث
الدین محمد البهشتی بوده و خواجهای بهشتی را باین جهت نسبت بوی
و یک دختر دیگر در عقد خواجه معین الدین عبد الاول تایبادی الباخرزی بوده
که از اولاد حضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر تایبادی الباخرزی
و اکال در تایباد باخرز از ایشان جمعی هستند فرقه دویم در بیان جماعه که من جمله
اولاد خواجه معز الدین علی اکبر اند خواجه عبد العلی تایبادی و اولاد وی خواجه محمد اکبر جناب
خواجه عبد العلی تایبادی الباخرزی پدر ایشان از جانب مادر از اولاد حضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی اند قدس سره و از جانب پدر از اولاد حضرت مولانا و مخدومنا مولانا زین الملة
والدین زین الدین ابوبکر تایبادی و انتساب خواجه عبد العلی بحضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی قدس سره بدین وجه است که خواجه عبد العلی بن خواجه زین الدین علی بن خواجه
المظفر بن خواجه علی اکبر المشتهر به بدیع عادل ماه نسب بشیخ الاسلام خواجه معز الدین

علی اکبر بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الدین احمد المتوفی
هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد
بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره
اما انتماء نسب خواجه عبد الله الناپیادی الباخرزی از جانب پدر بحضرت مولانا
ناپیادی بدین وجه است که خواجه عبد الله بن خواجه زین الدین علی بن خواجه علی [illegible] بن
خواجه علی اکبر بن خواجه معین الدین عبد الاول بن مولانا شمس الدین محمد [illegible]
جلال الدین بن ابو سعید بن مولانا صدر الدین ابراهیم بن حضرت [illegible]
محمد و منا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر الناپیادی الباخرزی قدس سره [illegible]
حافظ محمد علی در عقب خواجه عبد الله بوده است و جمعی اولاد و اعقاب دارند
بوجه وجیه آمده و از عمزادهای خواجه محمد اکبر نیز جمعی اولاد در قریه ناپیاد باخرز [illegible]
چون ملا خواجه جان که در قریه کاریز باخرز توطن دارند نیز ابن عم خواجه عبد الله اند [illegible]
ایشان از مشایخ عظام فرامند الا [illegible] است و اما ملا خواجه جان خواجه محمد اکبر نام
داشته اند هو ابن خواجه علی اصغر المذکور فرقه سیم در بیان اولاد خواجه
معز الدین علی اکبر الجامی دیگر از نبایر خواجه معز الدین علی اکبر الجامی در عقب مشایخ
العظام خواجه سلطان بایزید بوده که جد خواجه علاء الملک و خواجه محمد اکبر الکوسوی الجامی [illegible]

چنانچه بعد از این در ذکر نسب پدری ایشان مذکور شود و یکی دیگر از نبایر خواجه معز الدین
علی اکبر الجامی در عقب مشایخ العظام خواجه محمد فلورزنی الجامی بوده و دو پسر بوجه وجیه
آمده یکی خواجه فضل که جد مادری خواجه فضل [illegible] زندی الجامی است و دیگری خواجه عبد السلام
که جد مادری خواجه عبد السلام بن خواجه محمد اکبر الجامی بوده و تفصیل آن در ذکر خواجه [illegible]
معز الدین آبادی در قبیله [illegible] که بیان اولاد طیبه طاهره بنت شیخ الاسلام خواجه قطب الدین
[illegible] خواهیم نمود انشاء الله تعالی فرقه چهارم در بیان اولاد خواجه معز الدین علی اکبر الجامی
و والد [illegible] پادشاه هندوستان اکبر شاه نیز از نبایر خواجه معز الدین علی اکبر است
چنانچه قبل ازین مذکور شد در ذکر نسب میرزا جعفر بن میرزا محمود الجامی بتفصیل
[illegible] ذکر نماید و یکی از نبایر خواجه معز الدین علی اکبر خواجه امیر سلطان علی معز بوده
که در بلاد هندوستان بخواجه کلان شهرت یافته بوده و وی را یک پسر تولد یافته خواجه
ابو القاسم و وی را نیز یک دختر بوده به پدر محمد [illegible] دوم آقا که در بلاد هندوستان و ما وراء النهر
[illegible] بوده اند و وی را یک پسر بود خواجه فتح الله نام و این خواجه فتح الله قبل از تحریر این تاریخ
[illegible] به بیست سال از هندوستان بخراسان بطوف روضه متبرکه جد بزرگوار خود آمده
[illegible] خود را از جانب والده بخواجه معز الدین علی اکبر میرسانیدند و شجره
[illegible] مشایخ وقت گذشته باز مراجعت نمودند و بعد ازین کیفیت احوال اولاد وی

معلوم نیست و نسبت وی بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی بدین وجه است که خواجه شیخ
بن المستمانی مخدوم آقا است خواجه ابو القاسم بن خواجه امیر سلطان صغر المشهور
بخواجه کلان بن امیر سلطان حسین بن خواجه معز الدین علی اکبر بن خواجه علاء الملک بن
خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الدین احمد المتولی هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر
بن شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس سره سابقا مذکور شد که حضرت شیخ الاسلام
شهاب الدین اسمعیل و نهد اسنش پسر بوده یکی از آن جمله خواجه رضی الدین احمد المتولی
بوده و تفصیل اولاد نامی وی انچه محقق شد و بنظر در آمد مفصل مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی احوال اولاد فرزندان دیگر شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل
انچه محقق شود مفصل خواهد بود و از آن جمله یکی خواجه شمس الدین مطهر است
دیگر خواجه قطب الدین محمد و دیگری خواجه محمد بزرگ و دیگری خواجه محمد کارغنی
هر یک بترتیب مفصل مینمایند قبیله دویم تفصیل اولاد نامی و حضرت خواجه
شمس الدین محمد مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل الواقف قدس سره
بعد از تالیف بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده اند و این قبیله چهار طبقه
اتفاق افتاده در بیان نسب عالی و نسبت متعالی عالیحضرت ارشاد پناهی

خواجه عبد المؤمن

عبد المؤمن المشهور بشیخ صوفی علی بزدی الجامی و این طبقه عالیه بدو طبقه دیگر منقسم شده
طبقه اول اصحاب طبقه و خرقه دویم بدو شعبه انقسام یافته عالیحضرت شیخ الاسلامی
حضرت شیخ علی صوفی بزدی الجامی از اولاد شیخ الاسلام شمس الدین مطهر
بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل واقف اند قدس سره و وی از اهل
معنی و پیشوا و مقتدای خلق بوده و تعبیر و نفحات طبقه صوفیه صافیه کبرویه
نفحات خوب مینموده و از جمله اجله خلفاء شیخ الشیوخ مقتدای
اهل ملت و سراج امت شیخ حاجی محمد الخبوشانی بوده و انتساب عالی
و نسبت متعالی وی بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره بدین وجه است
که خواجه عبد المؤمن المشهور بشیخ صوفی علی المدفون بقریه بزدجام هو ابن خواجه
حسن بن خواجه مؤید بن خواجه شهاب الدین اسمعیل خواجه ابو المجد بن شیخ الاسلام
شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد الجامی
النامقی قدس سره و جناب شیخ صوفی علی بزدی والده وی از خواهرهای شرفت آ
اخلف صدق یک پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده پس حضرت مخدومی ارشاد
پناهی شیخ الاسلامی شیخ عبد اللطیف الخوارزمی که اظهر من الشمس اند و دختر در عقد

جناب ارشاد پناهی شیخ سراج الدین فلوزنی اجامی بوده و از هر یک اولاد و اعقاب باقی ماند
و لهذا اولاد نامی وی به دو طبقه منقسم میشوند تفصیل در بیان نسب عالی حضرت شیخ
ارشاد پناهی خواجه عبد المؤمن المشتهر بشیخ مسعود ... اجامی و مشهور است که آنچه بر لفظ مبارک
حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره گذشته که در هر چهار صد سال چون احمد ...
پدید آید که همه عالم خراج بوی باید داد و این حواله بحضرت شیخ الاسلامی شیخ عبد اللطیف
اجامی میشود و آن شخص وی است زیرا که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی
است و آثار و علامات و حالات و کرامات که از حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره
بظهور آمده اکثری از وی نیز بظهور آمده چنانچه همه خلایق مشاهده فرموده اند
بما رسیده و نیز در مقامات که جمعی فرموده اند مذکور است مدت مدید در دیار ماوراء النهر
در ولایت خوارزم متوطن بوده اند و همه خواص و عوام و سلاطین و حکام و قضات
و اکابر و اهالی آن دیار تشریف قدوم مسرت لزوم وی را با آن دیار از مغتنمات شمرده اند
و مرید و مخلص و معتقد وی شده اند و کرامات و حالات از وی مشاهده فرموده اند
و مستفید و مستفیض می گشته اند و از آنجا متوجه حرمین الشریفین زادهما الله تعالی شرفاً
و تکریماً شده اند و عبور وی به دیار روم افتاده و پادشاه وقت بسیار اخلاص و اعتقاد
بوی آورده و مرید و مخلص وی شده و نیز مشهور است که در آن دیار مرده زنده نموده اند

طبقه اول از جانب اولاد ... ارشاد پناهی مخدومی ... شیخ عبد اللطیف ... اجامی

و دیگر آثار عجیبه و حالات غریبه از وی بظهور آمده که درین مجموعه گنجایش آن نیست و چون
بشرف زیارت حرمین الشریفین مشرف شده اند و انواع نوازش یافته بوده اند و چند
وقت دیگر هم در آنجا اقامت نموده اند و از شرفاء آن دیار تاهل اختیار نموده اند
و از خلف صدق یک پسر بعرصهٔ وجود آمده و آن پسر با والدهٔ خود در همان دیار مانده
و حضرت ایشان باز بولایت خوارزم مراجعت نموده اند و مدفن شریف وی در شهر
و ارگنج است نزدیک بروضهٔ منورهٔ حضرت مخدومی اعظم شیخ المشایخ حاجی
محمد خبوشانی رحمة الله علیه و زوجهٔ وی صبیهٔ جلیله جمیله کریمه حضرت مخدومی اعظم
بوده و مادری زوجه وی ... المستمات زینب سلطان ... حضرت شیخ المشایخ العظام
خواجه قطب الدین محمد فلوزنی اجامی بوده که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد
جام اند ... انشاء الله تعالی در ذکر نسب طیبه طاهرهٔ شیخ الاسلام قطب الدین محمد
که در عقد مولانا تاج الدین محمود بن قاضی اوحد البوزجانی اجامی بوده که در سلک
... خواهد آمد انشاء الله تعالی جناب شیخ الاسلامی شیخ عبد اللطیف ... اجامی را از زوجه که از شرفاء
مکهٔ معظمه بود یک پسر تولد شده حضرت شیخ حاجی محمد نام محدث و مفسر و فقیه بوده نجابت
... و متورع بوده و تاهل اختیار نفرموده و درین ولا استماع رفته که از
دار غرور بدار سرور رحلت فرموده و در مکه معظمه مدفون گشته طاب ثراه و جعل الجنة مثواه

اما حضرت مخدومی شیخ الاسلامی شیخ عبد اللطیف از صبیه ساجده عابده
کریمه حضرت مخدومی اعظم سه پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده دختر در عقد جناب
ارشاد پناهی شیخ صوفی علا بن شیخ ابو احمد بود و عقب نمانده و پسر اول
خواجه عبد المؤمن که مجذوب بود مشهور عالم شده و از وی نیز عقب نمانده و پسر
دیگر شیخ بهاء الدین عالم بود و نیز عقب نمانده و یک پسر دیگر شیخ مختار و از وی
چهار صبیه بود و از هر یک اولاد مانده و لهذا اولاد نامی شیخ مختار بچهار فرقه
منقسم میشود فرقه اول در بیان اولاد دختر اول شیخ مختار بن شیخ الاسلام مخدومی شیخ
عبد اللطیف بزرگوار و هی المسماة بیبی زین سلطان که در عقد جناب خواجه محمد
بن ارشاد پناهی شیخ ابو احمد اجامی بوده و از وی خلف صدق سه پسر و یک صبیه
بعرصه وجود آمده یک پسر همنام جد بزرگوار خود شیخ عبد اللطیف المشهور بیاشیخ
و یک پسر دیگر شیخ مختار و دیگری خواجه ابو الفتح که در هندوستان تشریف
دارند و دختر در عقد ابن عم خود بابا شیخ بن ارشاد پناهی شیخ صوفی علا بود
و از هر یک اولاد مانده تفصیل آن در ذکر نسب صدیقیان خواجه محمد مؤمن
مذکور شود انشاء الله تعالی فرقه دویم در بیان اولاد دختر دیگر اما جناب
شیخ مختار بن مخدومی شیخ عبد اللطیف الخوارزمی بود و هی المسماة بیبی ...

در عقد جناب خواجه ابو الوفاء خوارزمی بود که از اولاد شیخ عباس خیوقی اند از وی
در ولایت خوارزم اولاد موجود است فرقه سیم در بیان اولاد دختری دیگر اما جناب
شیخ مختار بن مخدومی شیخ عبد اللطیف الخوارزمی در عقد جناب خواجه مختار قتال
خوارزمی بود که از اولاد شیخ مختار خیوقی است و از وی نیز در ولایت خوارزم اولاد
و احفاد هست فرقه چهارم در بیان اولاد دختر دیگر اما جناب شیخ مختار بن مخدومی
شیخ عبد اللطیف الخوارزمی در عقد یکی از سادات که بسادات سید عطا اشتهار
دارند بود در ولایت خوارزم و دران دیار از وی اولاد هست طایفه دویم در بیان
اولاد صبیه مخدومی جناب ارشاد پناهی شیخ صوفی علا بن ذی الجاه همشیره
مخدومی شیخ عبد اللطیف الخوارزمی که در عقد جناب هدایت مآب شیخ سراج الدین
خوارزمی اجامی بود و خلف صدق یک پسر مانده خواجه ابو الحسن و یک دختر در
عقد ارشاد پناهی خواجه ابو احمد اجامی بود و از هر یک اولاد و اعقاب مانده
و لهذا اولاد وی به دو شعبه منقسم میشوند شعبه اول در بیان اولاد خواجه ابو الحسن
بن ارشاد پناهی شیخ سراج الدین خوارزمی اجامی وی را دو زوجه بود یکی بنت خواجه
ارکان بن خواجه جلال الدین محمود که از اولاد شیخ الاسلام ضیاء الدین
که شیخ الاسلامی احمد الناصر الجامی اند و والده زوجه وی بنت اعلم العلماء و الفضلاء

مولانا محمود بن عمدة العلماء والفقهاء مولانا احمد سنجوراست که در علم و فضل
وقت خود بوده اند و خلف صدق یک پسر بعرصه وجود آمده شیخ عبد اللطیف [illegible]
قریه بزدجام بقاه الله اما یک زوجه دیگر خواجه ابوالحسن بنت خواجه ابوالحسن بابا سنکو
بود و چنانکه قبل ازین گذشت و ازا یک پسر بعرصه وجود آمده شیخ صوند و [illegible]
از بنت خاله وی خانزاده و سر یک پسر تولد یافته سمی جد بزرگوار خود خواجه [illegible]
که با عمه خود در قریه بزدجام متوطن است و وی بنت خواجه عزیز بزدی اجا[illegible]
جانب والده از خواجهای مسجد نورست عقد نموده و از وی یک پسر بعر[illegible]
آمده سمی جد بزرگوار خود شیخ صوند که در صغر سن است طول الله تعالی عمر[illegible]
در بیان اولاد دختر هدایت مآب شیخ سراج الدین فلورزنی [illegible]
ارشاد پناهی خواجه ابو احمد اجامی بوده و از وی خلف صدق [illegible]
بعرصه وجود آمده یکی محمد و دیگری ارشاد پناهی شیخ صوند علا و [illegible]
موش سلمه الله و ابقاه و دختر در عقد خواجه محمد [illegible]
فلورزنی بود و شیخ جلال و خواجه ابوالحسن [illegible]
بعرصه آمده و هر یک را اولاد و اعقاب [illegible]
خواجه ابو احمد مذکور شود ان شاء الله تعالی تفصیل بیان [illegible]

مخدومی اعظم

[illegible] اعظم شیخ المشایخ الوقت شیخ حاجی محمد الجنوشانی واله که مقتدای سلسله علیه
[illegible]نیه کبرویه بوده اند که بمشایخ جام مواصلت واقع شده و بیان اولاد نامی
[illegible]ساو گرامی و ذریه علیه و سخه طیبه طاهره وی قدس سره و حضرت مخدومی
[illegible]طم تیمنا و تبرکا صبیه جلیله جمیله ساجده جناب خواجه قطب الدین محمد
[illegible] اجامی را بعقد مناکحت در آورده اند و همشیره [illegible] پدر زینب سلطان ابن
[illegible]ب الدین محمد از مشایخ و اولاد حضرت شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن
[illegible]سلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد اجامی [illegible] قدس سره
[illegible]م العلماء والفضلاء مولانا تاج الدین محمود بن قاضی اوحد البوزجانی
[illegible] اند که از اکابر و اشراف زمان خود بوده اند تفصیل ایشان بعد
[illegible]هم در ذکر مشایخ فلورزنی اجامی یاد شد ان شاء الله تعالی تا با جناب مخدومی اعظم را
[illegible]ه جمیله کریمه عابده ساجده خواجه قطب الدین محمد یک پسر و سه دختر
[illegible] الدین شهید از وی اولاد نمانده اما از بنات
[illegible]ته او فرقه منقسم میشوند فرقه اولی در بیان اولاد
[illegible] مخدومی اعظم شیخ حاجی محمد قدس سره
[illegible]طیف ای زمی بوده و از وی اولاد و اعقاب بسیار

[illegible]

بعرصه وجود آمده چنانکه در ذکر نسب علما و نسبت متعلقات شیخ عبد اللطیف مذکور شد
حسب الطلب رعایت نموده عنان قلم مصروف میدارد و مکرر از ذکر نمی‌نماید
فرقه ثانیه در بیان اولاد صبیه سابعه دیگر حضرت مخدومی اعظم شیخ حاجی محمد
قدس سره که در عقد جناب مخدوم زاده شیخ شاه احمد بن حضرت ارشاد پناهی
شیخ شاه سبزواری علیه قدس سره که از معتقدان سلسله شریفه [illegible]
کبرویه بوده اند اما حضرت مخدوم زاده مذکور را از صبیه علیه حمیده عاقبت
کریمه حضرت مخدومی اعظم سه پسر بعرصه وجود یکی خواجه کلان و دیگری خواجه محمد
زاهد و دیگری محمد طاهر اما از خواجه محمد زاهد عقب نمانده و از آن دو پسر دیگر
اولاد و اعقاب مانده ولهذا اولاد نامی وی به دو گروه منقسم میشوند
گروه اول در بیان اولاد خواجه کلان در اخلف صدق سه پسر بوده یکی شیخ نور الدین
و دیگری شیخ کلان و دیگری خواجه محمد قاسم نساجی چنین گویند که جناب خواجه
محمد مومن بن شیخ ابو احمد جامی که از آن سه پسر مذکور در ولایت نسا اولاد
و اعقاب بسیار است گروه ثانی در بیان اولاد عمدة العلماء والفضلاء خواجه
محمد طاهر مدرس مدرسه فاخره بخارا است مدتی در بلده فاخره معظمه بخارا به منصب
تدریس علیه الرحمه در فضل و علم همه صنادید عصر و زمان خود بوده و در آن دیار اشتهار

تام

تام داشته و دو پسر خلف صدق وی بوده یکی خواجه محمد زاهد و دیگری خواجه محمد جان
در آن دیار اولاد و اعقاب دارند فرقه سیم در بیان اولاد دختر سیم حضرت
مخدومی اعظم شیخ حاجی محمد الخبوشانی قدس سره که در عقد جناب خواجه
سعد الدین محمد سمرقندی علیه چنین گویند که در بلده سمرقند اولاد و اعقاب
دارند بتقریر اولاد و بنات صالحات ثلثه حضرت مخدومی اعظم شیخ حاجی محمد الخبوشانی
[illegible] از جناب خواجه مومن بن ارشاد پناهی خواجه ابو احمد جامی استماع افتاده
[illegible] که ایشان مدت مدید در ولایت نسا وطن داشته اند و احوال اولاد بعضی
تفصیل می دانند و به قول ایشان اعتماد و وثوق تمام است و قبل از این
اولاد حضرت مخدومی شیخ عبد اللطیف الخوارزمی از تقریر خواجه محمد مومن مفصل شد
[illegible] در بیان نسب عالی حضرت ارشاد پناهی مخدومی خواجه ابو احمد روحی الجامی
و همشیره علیه وی و بیان انتساب ایشان که در عقد خواجه برهان روحی الجامی که ابن
عم وی علیه و بیان تفصیل اولاد نامی و احفاد گرامی هر یک و این جامع اوراق
خواجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل وقف اند و این طبقه
نامی به دو طبقه دیگر انقسام یافته اول اولاد گرامی حضرت ارشاد پناهی خواجه ابو احمد رحمه الله
دوم طبقه منقسم میشوند و طبقه اول به سه فرقه قسمت می یابد و فرقه دوم به دو جماعت

[illegible]

مشهور شود جماعت اولاد سه گروه و فرقه سیم نیز به گروه دیگر منقسم میشوند لکن
طایفه دویم از اولاد نامی و احفاد گرامی خواجه ابو احمد نه بد و شعبه انقسام یافته
اما طبقه دویم که اولاد همشیره خواجه ابو احمد اند که در عقد ابن عم وی خواجه
برهان
رونجی الجامی بوده به سه فرقه منقسم شده اند و تفصیل هر یک مذکور میگردد
و انتهاء نسب علا این طبقه شریفه تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره
که خواجه ابو احمد بن خواجه علاء الدین علی بن خواجه ابو احمد بن خواجه علاء الدین علی
بن خواجه مؤید بن خواجه احمد بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه ابو المعالی حسن خواجه شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل الواقف هو ابن شیخ الاسلام قطب الدین محمد
بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد الجامی النامقی قدس سره
اما جناب ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی مدت در دیار خراسان بر سجاده شیخوخیت
و ارشاد و اهدای خلق مستقیم بوده اند و عموم این ولایت را بهدایت در راه حق رهنما
مینموده اند و از برکت وجود شریف ایشان جمعی در این ولایت بهدایت رسیده اند
رسیده اند و خود را از نفس دنی رخصت میدانسته اند و الحال در کوشه نشینان
هستند که سلسله شریفه فتحیه کبرویه در این چند ولایت قیام و دوام می یابند
از جمله خلف و مریدان و معتقدان و بندگان جناب ارشاد پناهی خواجه ابو احمد را جمیع اولاد

اولاد و احفاد گرامی و اعقاب سامی بعرصه وجود آمده اند و از همشیره عزیز وی
که در عقد ابن عم وی خواجه برهان رونجی الجامی بوده نیز جمعی اولاد مانده اند و لهذا
اولاد وی بدو طبقه منقسم میشوند طبقه اول اولاد گرامی خواجه ابو احمد و طبقه
دویم اولاد همشیره وی که با اولاد ابن عم وی خواجه برهان رونجی حکم یک طبقه گرفته اند
چنانکه مذکور میشود طبقه اول در بیان اولاد نامی و احفاد گرامی ارشاد پناهی قدوة الحق
خواجه ابو احمد رونجی الجامی و بر اساس آیه کریمه که قال الله تعالی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی
و ثلاث و رباع و بسبب سنت سنیه نبویه مصطفویه بتعدد مر نکاح واقع شده
و بیوتات ازواج بوده یکی صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه جناب ارشاد
پناهی شیخ سراج الدین فلورزنی بوده که از خواجهای فلورزنی الجامی است چنانکه
در تفصیل اهتمام این مجموعه نسبت وی مذکور میشود و مادر زوجه کریمه وی دختر عالی
قدر آن سالکین و زبیده المنور عین شیخ صوفی علی البزدی الجامی است که از اولاد
کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی است و بسیار بزرگ بوده و صاحب
کشف و کرامات بود همشیره جناب قدوه شیخ عبد اللطیف الجامی از رحم میشود
چنانکه نسبت ... مطلق در اوایل همین قسمه دویم مذکور شد اما زوجه دویم جناب
ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی بنت مکرمه عابده خواجه محمد قاضی بر دوی الجامی

که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی اند نسبت عالی ایشان در شیخ
مجموعه مذکور میکرد داشت الله تعالی از هر دو زوجه وی را اولاد کرامی و خلفای نامی
بعرصه وجود آمد ازین جهت اولاد وی بدو طایفه منقسم میشوند طایفه اولی
در بیان اولاد کرامی خواجه نامدار پناه خواجه ابو محمد جامی که از صبیه جلیله حمیده
شیخ سراج الدین فلورزنی جامی بعرصه وجود آمده خلف صدق دو پسر
و یک دختر تولد نموده یکی ارشاد پناهی مخدومی شیخ صوفی عثمان رحمه الله و دیگری
خواجه شیخ محمد مومن سلمه الله و ابقاه و دو دختر در عقد خواجه محمد حسین روحی که از مشایخ
فلورزنی جامی بود و هر یک را اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد کرامی که از صبیه
ساجده عابده شیخ سراج الدین فلورزنی است سه فرقه میشوند فرقه اول در
بیان اولاد جناب هدایت مآب ارشاد پناه مخدومی شیخ صوفی عثمان جامی المدفون
الف وی مدت مدید بر سجاده هدایت و مشیخت قایم مقام آبا و اجداد بزرگوار
خود بوده و خراسان از وجود شریف وی سرسبز و خرم و ریاض و گلستان
والحق که در عصر وی در میان اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی بحسن خلق و صفای
صورت و حسن سیرت کم کسی بود هماناکه دنشان علامت که در کتب مشایخ
جهت اولیای عظام مقرر نموده اند مجموع در ناصیه وی نمایان و هویدا

تو بوده زیرا که هر کس بمجلس شریف وی آمده و چشمش بر منظره نظر وی افتادی
از اهل مرید و معتقد وی گشتی بر صدق و باطن و پاکیزگی طینت و صفای
سیرت وی گواهی دادی که الظاهر عنوان الباطن وی را بنابر سنت سنیه نبویه
و طریقه مرضیه احمدیه بعقد در نکاح در آورده شد چنانکه سابقا مذکور شد که صبیه
ساجده مکرمه عابده عالمه حضرت مخدومی شیخ عبد اللطیف خوارزمی در نکاح
وی بوده اما اولاد نماند اما از زوجه حرم وی که از بزرگ زادگان ولایت جام بود
وی را خلف صدق یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده بود و دختر در عقد خواهر
زاده وی شیخ جلال الدین بود و اولاد دارند چنانکه بیاید اما پسر مسمی است بشیخ
ابو احمد المشهور ببابا شیخ که داماد خود عم شیخ محمد مومن بود بسیار بسفر
هند و ترکستان رفته و در آن دیار وفات یافته اما در خراسان در ولایت جام
از صبیه جلیله حمیده کریمه عم خود یک پسر و یک دختر عقب گذاشته پسر خواجه عبد الرشید
که در صغر سن است اطال الله تعالی عمره و دختر پرده نشین عصمت و عفت است
فرقه دویم در بیان اولاد و احفاد کرامی جناب مخدوم زاده که عالیحضرت خواجه محمد
مومن بن خواجه ابو احمد جامی است وی بطریق آبا و اجداد آناء اللیل و اطراف النهار
اوقات شریفه و ادعیه ماثوره اوقات شریف را مصروف میدارد و بحلیه تقوی

و ورع مزین و محلی است و وجود شریف وی از مغتنمات متع الله بطول بقائه دیرا
بنا بر سنت نبویه و طریقه مرضیه احمدیه اباء کرام و اجداد عظام نکاح انعقاد
واقع شده دیراد و زوجه لهم اما زوجه اول وی المستات صبیه عابده ساجده
کریمه جناب مخدوم زاده که شیخ مختار بن مخدومی شیخ عبد اللطیف الخارزمی لهم
قدس سره و زوجه دوم وی بنت خواجه [illegible] سیل و تجی الجامی بوده که بنت عم وی است
و از هر یک اولاد و اعقاب بعرصه وجود آمده و لهذا اولاد کرام وی بدو طبقه
منقسم میشوند جماعت اول در بیان اولاد که جناب شیخ محمد مؤمن را از صبیه
جلیله جمیله ساجده عابده کریمه مخدوم زاده که خواجه مختار بعرصه وجود آمده
سه پسر و یکدختر تولد یافته یک پسر شیخ عبد اللطیف المشهور بباباشیخ و پسر
دیگر خواجه مختار سمی جد بزرگوار خود و یکی دیگر خواجه ابو الفتح [illegible] دختر که سابقا مذکور شد
که در عقد پسر عم وی ارشاد پناهی شیخ صوفی عا[illegible] بوده و یک پسر خواجه عبد الشیخ
و یکدختر تولد یافته اما ابناء ثلثه را نیز اولاد و اعقاب هست و لهذا ابتدا کرده منقسم میشوند
کروه اول در بیان اولاد جناب خواجه بابا شیخ ابن خواجه محمد مؤمن رنجی که زوجه بنت عم وی
شیخ رشید کوسوی است و زوجه شیخ رشید بنت خواجه جوزو الکوسوی است
که از او اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و خواجه برهان الدین نصر الکاریزی

الباخرزی

الباخرزی هما ابنان شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی است قدس سره اما جناب باباشیخ را
از بنت عم خود خلف صد[illegible]ق دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یک پسر خواجه عبد القادر
و دیگری خواجه ابو سعید که در صغر سن اند طول الله عمرهما و دختران پرده نشین عصمت
و عفت اند کروه دوم در بیان اولاد جناب خواجه مختار بن خواجه محمد مؤمن رنجی الجامی
در ابنا بر سنت نبویه مصطفویه و طریقه مرضیه احمدیه و بر سنن اجداد [illegible] نکاح و انعقاد
زوجه اول بنت شیخ الاسلام خواجه جلکی کلان کوسوی الجامی لهم که از [illegible] خواجه
شمس الدین محمد الکوسوی اند انساب رفیعه وی بعد از این در قبیله هشتم
ان شاء الله تعالی در ذکر اولاد خواجه ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام احمد الجامی
النامقی قدس سره مذکور شود ان شاء الله تعالی اما از صبیه جلیله جمیله ساجده عابده
کریمه خواجه جلکی کلان [illegible] خلف صدق یک پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه
ابو الحسن طول الله عمره و دختر در پرده عصمت و عفت مستوره است اما زوجه دوم
خواجه مختار صبیه جلیله [illegible] جناب شهریار [illegible] میرزا قاسم الباخرزیست یکدختر
تولد یافته در پرده عصمت مکتوم است کروه سیوم در بیان اولاد جناب خواجه [illegible]
[illegible] ابن شیخ محمد مؤمن رنجی [illegible] که بنت شیخ جلال در عقد وی لهم
که از خواجهای [illegible] زنی الجامی است لیک جهت سفر هند و سنان رفته و در خراسان یکدختر

اولاد دارد که در پرده عفت مستور است فرقه سیم در بیان اولاد [illegible]

هدایت مآب ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی که در عقد خواجه [illegible] حسین روبجی

که از مشایخ فلوزرق است دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی شیخ جلال [illegible] و دیگری

ابوالحسن نام داشت و دختر در عقد شیخ سراج الدین بن خواجه عب[illegible] که برادر

مشایخ فلوزرقی الجامی است و هر یک را اولاد و اعقاب مانده و لهذا [illegible] اولاد وی

به سه گروه منقسم میشوند گروه اول در بیان اولاد عالیحضرت [illegible]

وی فصیح اللسان بوده و حکایات و روایات و سیر و تواریخ را در مجالس [illegible]

بیان می فرموده اند و اهل مجلس را از نغمه مقالات و حکایات خود [illegible] نموده و همه کس

خواهان صحبت شریف وی می بوده اند اکثر اوقات بسیاری [illegible]

بغز هندوستان رفته بوده اند و از آنجا متوجه حرمین شریفین [illegible]

چنین استماع افتاده که در راه حرمین شریف ما مکه معظمه وفات یافته [illegible] و راه واجبه ما و او

که آن موضع میسر شده بجده که مدفن شریف حوا آنجا واقع [illegible]

جمیله هدایت ملکه شیخ صوفی علاء کبیر و یک دختر بعرصه وجود آمده [illegible] علاء اکبر [illegible]

در عقد خواجه ابوالفتح بن شیخ محمد مومن بوده حالکه قبل از این [illegible] علاء اکبر

بنت عم خود خواجه ابوالحسن نامی را عقد نموده و یک دختر تولد یافته که در همان [illegible]

[illegible] بوده است و خواجه علاء اکبر بسفر هندوستان بسیاری رفته اند

[illegible] و خواجه ابوالحسن بن خواجه محمد حسین روبجی جامی که زوجه وی

[illegible] است و در همان ولایت توطن دارند و برادر صبیه جلیله

[illegible] پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه محمود و دیگری خواجه اشرف

و دیگری [illegible] و یک دختر سابقا مذکور شد که در عقد برادر زاده وی خواجه علاء اکبر

است و یک دختر دیگر در پرده عصمت و عفت مستور است گروه سیم در بیان

[illegible] خواجه محمد حسین روبجی جامی که در عقد شیخ سراج است که از مشایخ

[illegible] الجامی است دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه محمد اکبر که نبیره شیخ المشایخ

[illegible] از زده الباخرزی در عقد وی است و دیگری شیخ حسن و دختر

[illegible] اند طایفه دویم در بیان اولاد کرامی و اعتقاد جمعیت آثار آ[illegible]

[illegible] جامی [illegible] که از زوجه ثانیه خود داشته اند که مشیخه المشایخ

العظیم خواجه محمد [illegible] البرزدی الجامی بوده یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده پسر جناب

[illegible] اند وی شیخ رشید و دختر در عقد خواجه احمد القاضی البرزنی

الجامی [illegible] اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد کرامی وی به دو شعبه منقسم

میشوند [illegible] در بیان اولاد جناب شیخ رشید بن خواجه ابو احمد روبجی الجامی

جهت درد سر یازده دانه [illegible]
جهت درد [illegible] زنجفیل [illegible]
[illegible]

جهت درد دل چهار دانه [illegible]

جهت [illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] مجرب است

وی بغایت متورع و متدین بوده و بی‌نظیر از قواعد علمیه و مسائل شریفه شرعیه
و در رسایل صوفیه بقدر احتیاج مطالعه فرموده بوده و استحضار داشته زوجه جلیله
حمیدوی بنت خواجکی خورد الکوسوی الجامی است که از نبایر خواجه علاء کوسوی اند که سلسله
انساب علاء ایشان بعد ازاین در قبیله هشتم مذکور گردد ان شاء الله تعالی
و ازو پسر دو دختر بعرصه وجود آمده یک پسر خواجه پارسا که داماد خالوی خود خواجه
ابوالمکارم الله یک پسر بعرصه وجود آمده بجد بزرگوار خود خواجه ابواحمد که در ضعف است
طول الله تعالی عمر ما[...] خواجه خورد و اما یکدختر در عقد ابن عم و نسبت بابا شیخ
بن خواجه محمد مومن و اولاد تولد نیافته چنانکه سابقا مذکور شد و دختر دیگر در عقد خواجه احمد
بن شیخ الاسلام خواجکی کلان کوسوی است و دختر دیگر در عقد ابن خالوی و نسبت خواجه
جلال بن خواجه ابوالمکارم الکوسوی است و هر یک را اولاد بعرصه وجود آمده چنانکه
بعد ازاین در قبیله هشتم این مجموعه مذکور میگردد ان شاء الله تعالی **شعبه**
دویم در بیان اولاد و خبر جناب ارشاد پناهی خواجه ابواحمد روبخی الجامی که در عقد شیخه المشایخ
العظام خواجه احمد الفقیهی البرهی الجامی بود و خواجه احمد صحبت داشته روزگار مع متعلقات
بولایت هندوستان رفته اند و از انجا متوجه حرمین شریفین زادهما الله شرفا گردیده
و چند وقت در مدینه منوره متوطن بوده اند و جناب خواجه احمد با والده و فرزندان

در بقعه مبارکه شریفه فوت شده اند و در گورستان بقیع مدفون گشته اند طاب ثراه
والجنة ماواه و جمعی دیگر از اولاد ایشان در هندوستان هستند که بعد ازاین در قبیله
ششم این مجموعه که مخصوص باب مشایخ زنده‌پیل الجامی نموده باشد کیفیت احوال اولاد
کرام ایشان انچه معلوم شود بتفصیل خواهد نمود ان شاء الله **طبقه ثالثه در بیان**
اولاد و خبر جناب فخر خواجه ابواحمد الجامی و هی المسماة بی بی جان که در عقد ابن عم
وی بوده و هو خواجه برهان روبخی الجامی و اولاد ازوی بعرصه وجود آمده حکم بطبقه
گرفته اند و اتمام نسب مسمات مذکوره از نسب برادر بزرگوار وی که مذکور شد محقق
میگردد **اما نسب عالی** خواجه برهان تا بحضرت شیخ الاسلامی بدین وجه است
که خواجه برهان بن خواجه اسمعیل بن خواجه برهان بن خواجه احمد بن خواجه ابواحمد بن خواجه
علاء الدین بن خواجه مؤید بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه ابوالمجد بن خواجه
شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین
محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره
اما جناب خواجه برهان روبخی از همشیره علیه خواجه ابواحمد الجامی سه پسر
و یکدختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه عبدالله گویند که وی ابدال بود و اکثر اوقات
مغلوب و مجذوب عمر بوده گویند فرزند اختیار ننموده بود و با مردم مجلس نمینموده

صحبت شریف وی بغایت مغتنم و عزیز و متبرک بوده و پسر دیگر خواجه احمد وی بغایت
متدین و متورع بود و از این هر دو پسر عقب نمانده اما پسر دیگر که خواجه اسمعیل بود
از وی دو همشیره اولاد مانده و لهذا اولاد کرام وی به دو فرقه منقسم میشوند
فرقه اول اولاد خواجه اسمعیل و فرقه دویم اولاد همشیره وی **فرقه اول در بیان**
اولاد خواجه اسمعیل بن خواجه برهان بن خواجه جار زوجه مکرمه وی و اسمها حافظه خاتون بنت
خواجه غیاث الدین کلاه است که از خواجهای مشرفند چنانچه بعد از این در همین طبقه
دویم و در طبقه چهارم تفصیل ایشان نسب عالی ایشان بیان و مفصل شود
ان شاء الله تعالی که نیز نسبت دارند بحضرت مخدومنا و مولانا زین الملة والدین زین الدین
ابوبکر التایبادی الباخرزی و نیز نسبت دارند بملکان کرت الغوری که بانی مسجد جامع
دار السلطنه هرات‌اند و وی را یک پسر است محمد بزرگوار خود خواجه برهان و یک
دختر است اما خواجه برهان صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه سیادت پناهی
میر عبدالله بن جناب سیادت و نجابت پناه زبدة المتورعین و عمدة الکاملین ارشاد
پناهی مخدومی میر محمد مالانی الباخرزی که از جمله خلفای حضرت شیخ الاسلامی مخدومی
شیخ عبداللطیف الخارزمی است که خواجه ابواحمد روحی الجامی باشد بعقد نکاح
در آورده و پراحیند دختر بعرصه وجود آمده که در پرده عصمت و عفت مستور است اما دختر

خواجه اسمعیل

خواجه اسمعیل در عقد مخدومی شیخ محمد مومن بن ارشاد پناهی خواجه ابواحمد الجامی است
و اولاد بعرصه وجود آمده چنانکه سابقا در ذکر تفصیل اولاد نتیجة المشایخ العظام خواجه
محمد مومن مذکور شد اما یک دختر دیگر خواجه اسمعیل که در عقد خواجه غیاث الدین است که
از خواجهای عقلند و اولاد تولد یافته چنانکه بعد از این در قبیله عم در ذکر خواجهای
عقل مذکور گردد ان شاء الله تعالی اما دختر دیگر خواجه اسمعیل در عقد سیادت پناهی میرکی
بن میر عبدالله بن جناب ارشاد پناهی میر محمد مالانی الباخرزی است و اولاد بعرصه وجود
آمده **فرقه دویم در بیان اولاد دختر عالیحضرت خواجه برهان بن خواجه جار الجامی** یکی در عقد
خواجه عبدالرحیم بن خواجه غیاث الدین عقل است و یکی دختر دیگر هم در عقد خواجه
درویش محمد بن خواجه غیاث الدین عقل است و از هر یک اولاد و اعقاب تولد یافته
که ذکر نسب اولاد ایشان در خواجهای عقل بعد از این مبین و مفصل شود ان شاء الله تعالی
طبقه سیم در بیان نسب عالی خواجهای بهشتی الجامی و حالا
کسی که از این طبقه علیه عالیه مشایخ بهشتی الجامی در قید حیات است جناب شیخ الاسلام
هدایت مآبا زبدة المتورعین صاحب الریاضات والواردات المخصوص بفیوضات
الملک الباری الغنی خواجه غیاث الدین احمد البزدی الجامی نفع الله المسلمین بطول
حیاته و از عم بزرگوار وی خواجه نور الدین محمد نیز اولاد و بنات مانده است و از عم

دیگری وی خواجگی خورد خلف صدق خوجه مختار را اولاد نمانده است واز برادر دوی خوجه
محمد صالح نیز یک پسر عقب مانده ولهذا این طبقه کرامی بسه طبقه دیگر انقسام یافته
طبقه اول در بیان اولاد مجد آبا خوجه غیاث الدین احمد و برادر دوی خوجه
محمد صالح باشد بدو فرقه منقسم شده اند فرقه اول بدو گروه قسمت یافته و طبقه ثانی
که اولاد بنات خوجه نور الدین محمد باشد بدو طایفه منتهی میشوند وتفصیل هر یک
بعد ازین مذکور خواهد شد ان شاء الله طبقه خواجهای بهشتی که از اولاد خوجه شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل الواقف اند واین طبقه را انساب ثمینه
وانساب شریفه از یک جانب واقع است بسادات بزرگوار حسنیه ترمذیه که
خانزاده فخر الملک بنت سید علاء الملک ترمذی ونیز نسبت است طبقه خواجهای بهشتی را
بشیخ الاسلام خوجه عبد الله انصاری قدس سره ونیز نسبت است بشیخ الاسلام
ابو المناقب خوجه مودود چشتی وبواسطه خوجه مودود نسبت است بسادات عظام
حسنیه ونیز نسبت است بملوک وسلاطین عالی مقدار که متصدی امور سلطنت وجهانداری
بوده اند اما انساب عالیه خواجهای بهشتی الجامی بسادات بزرگوار حسنیه ترمذیه
بدین وجه است که خوجه رضی الدین احمد که جد خواجهای بهشتی الجامی است مادر وی خانزاده
خورشید بیگم بنت خوجه علی اکبر بن خوجه علاء الملک بن المستی خانزاده فخر الملک بنت سید

علاء الملک

علاء الملک بن ابو المکارم بن محمد بن شمس الدین طاهر بن حسین بن محمد بن طاهر
بن محمد حسین بن علی بن محمد بن عبد الله بن علی بن حسین بن حسن بن جعفر بن عبد الله
بن حسین بن امام زین العابدین بن امیر المؤمنین حسین بن امیر المؤمنین علی المرتضی وفاطمه
الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم واما انساب عالیه طبقه خواجهای بهشتی
الجامی بحضرت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی بدین موجب است که جناب ارشاد پناهی
خوجه غیاث الدین احمد بن خوجه قطب الدین محمد وبرادر وی خوجه نور الدین محمد وخواجه
محمود وهم ابنای خوجه هاشم بن خوجه نور الدین محمد بن خوجه احمد بن خوجه غیاث الدین
محمد بن خوجه رضی الدین احمد بن خوجه ضیاء الدین یوسف بن خوجه معین الدین
بن خوجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد النامقی
الجامی قدس سره واما انساب عالیه طبقه خواجهای بهشتی الجامی بحضرت شیخ الاسلام
خوجه عبد الله انصاری قدس سره بدین نوع است که خوجه غیاث الدین احمد که جد ایشانست
مادر وی المستماة پاینده سلطان بیگه که بنت خوجه خلیل الله بن خوجه محمود بن خوجه
برهان الدین بن پاینده خواتون بنت نظام الدین محمود بن محیی الدین بن اسمعیل
بن نظام الدین بن شیخ جابر بن شیخ الاسلام خوجه عبد الله انصاری قدس سره واما انساب عالیه

طبقه خواجهای بهشتی اجامی حضرت شیخ الاسلام ابوالمناقب خواجه مودود چشتی چون آن
که جده خواجه غیاث الدین محمد که جد ایشانست بنت خواجه قطب الدین [illegible]
عم اصغرست که از اولاد خواجه رضی الملة والدین احمد المتوفی اند و ایشان را نسبت
بخواجه مودود چشتی و انتهاء نسب عالی خواجه مودود و سادات بزرگوار حسنیه اتصال است
و تفصیل این در ذکر نسب خواجه قطب الدین محمد بن خواجه صفی الدین محمود اجامی
در قبیله اول مذکور شد دیگر مکرر ذکر نمی نماید اما نسبت عالی طبقه خواجهای بهشتی اجامی
بملوک و سلاطین جهت آنست که مادر خواجه غیاث الدین محمد که جد این طبقه است
المسمات پاینده سلطان بنت خانزاده خانست و وی بنت خانزاده ملکه است و وی بنت
خانزاده فاطمه و وی بنت ملک شمس الدین محمد الکرت است و مادر خانزاده ملکه بنت خانزاده
ترکان بنت شاه محمود ملک ناصر الدین سنجانیست از ملوک نیمروز و این خانزاده
ترکان خواهر ملک عز الدین است که وی پسر شاه محمود بن ملک ناصر الدین محمد
بن ابوالفتح مسعود بن خلف سجستانیست و نسب وی بباهان بن کیخسرو
بن قباد بن خسرو پرویز میرسد والعلم عند الله اما نسبت بچنگیزخان و سلطان سنجر
ماضی است جهت آنست که نسب خواجه غیاث الدین محمد از جانب والده بملکان کرت
میرسد چنانکه مذکور شد و ملکان را نسبت بخانان ترک چنانکه مادر ملک

غیاث الدین کرت مسمات سلطان خانم بنت طغای تیمور خانست بوده چنین آورده
[illegible] و ملکان کرت را نیز نسبت بسلطان سنجر ماضی چنانکه در روضه
فرخجهان داور روز سپاه : نازش نام و نسب کرت شاه : واسطه ملک سکندر تو نیز
تا عده دوده سنجر تو نیز : ملک سکندر بتو در رد امید : دوده سنجر ز تو در ره نوید
اما آنچه امال در این مجموعه از اولاد خواجهای بهشتی اجامی مذکور میشود سه طبقات
اول اولاد خواجه غیاث الدین احمد و برادر وی خواجه محمد صالح و دویم اولاد بنات عم
وی خواجه نور الدین محمد سیم اولاد عم دیگر وی خواجه [illegible] خوزد و مادر این هر سه
برادر صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه علیه حضرت شیخ المشایخ العظام خواجه
حبیب الله بزدی اجامی است که از اولاد شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف
و خواجه برهان الدین نصر الکریزی اند هما ابنان شیخ الاسلام احمد اجامی النامقی
قدس سره طبقه اول در بیان اولاد نامی و خلفاء گرامی شیخ الاسلام خواجه غیاث الدین
احمد البزدی اجامی و اولاد برادر وی خواجه محمد صالح و این طبقه بدو فرقه منقسم شود
فرقه اول در بیان اولاد نامی و خلفاء کرام علیحضرت خواجه محمد صالح بزدی اجامی که وی برادر اکبر
[illegible] مشایخ العظام خواجه غیاث الدین احمدست که زوجه وی از سپاه [illegible]
[illegible] است و مادر زوجه وی خانزاده فخر النساء بیگم بنت شیخ الاسلام جامی

که نکاح [illegible] مبارک و تعالی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع
و بنا بر سنت سنیه نبویه و طریقه مرضیه احمدیه تعدد در نکاح و تعدد است
در اول زوجه بعد زوجه اولی وی صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه جناب
خوجه ملک شاه بزدی الجامی است که از نبایر خوجه عطاء الله اند که در ایام پادشاه
مرحوم سلطان حسین میرزا بمنصب وزارت در خراسان موفق بوده اند و زوجه
ثانیه وی وهی المستماة بی بی فخر النساء بیگم بنت حضرت شیخ الاسلامی خواجه
احمد الجامی است که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی است و از اولاد
خوجه رضی الدین احمد المتوفی اند و انساب رفیعه و انتساب شریفه دارد اهم سادات
عظام و هم مشایخ کرام و هم ملوک عالیمقام چنانکه در ذکر آبا و اجداد که
ایشان در سلسله اولی مذکور گشت مکرر ذکر نمی نماید و جناب ارشاد
پناهی خوجه غیاث الدین احمد بزدی را از هر دو زوجه اولاد بعرصه وجود آمده
و لیکن اولاد نامی و خلفاء گرامی وی بدو گروه منقسم میشوند گروه اول
میان اولاد که عالیحضرت ارشاد پناهی خواجه غیاث الدین احمد الحسنی الجامی را از زوجه اولی
دو دختر بعرصه وجود آمده یکی در عقد خوجه محمد بن محمد مخدوم زاده که خواجه احمد
بن ارشاد پناهی خوجه محمد زور آبادی است که از مشایخ عظام زور آباد اند که در سلسله

خوجه احمد جامی است که از اولاد خوجه رضی الدین احمد المتوفی است و این [illegible]
انساب رفیعه و انتساب شریفه هست اهم سادات عظام و هم مشایخ کرام
چنانچه قبل از این در سلسله اول در ذکر نسب آبا و اجداد وی مذکور شد
و خوجه محمد صالح را از این زوجه یک پسر بعرصه وجود آمده خوجه ابراهیم که وی هم
از جانب پدر بانساب رفیعه مزین است و هم از جانب مادر بانتساب شریفه
محلی است فرقه دویم در بیان اولاد کرام و خلفای عظام حضرت عمدة المتورعین و زبدة السالکین ارشاد پناهی
خواجه غیاث الدین احمد الحسنی الزور آبادی الجامی ادام الله تعالی برکات وجوده علی مفارق
الطالبین امروز مقتدا و پیشوا است در میانه اولاد نامی و خلفای گرامی
حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره و لیست و چراغ این سلسله
شریفه احمدیه را وی روشن دارد و جهت آنکه مسجد نور که در توابع قریه بزد جام
میباشد که مسکن و ماوای حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی بوده هرسال بطریق
طایفه صوفیه صافیه با جمعی از مریدان و مخلصان و معتقدان اربعین می نشسته
اند و اوقات شریف را با وراد و اذکار و ورد شریفه متبرکه میگذرانیده اند
و جمعی از صحبت وی مستفیض و مستفید میگردیده اند امید که نظام این سلسله
شریفه علیه ببرکت وجود شریف وی الی یوم القیام مستدام بادا بر ابنا آید که

هشتم این مجموعه بیان نسب با وجد او ایشان مذکور میکرد و انشاء الله تعالی برا
از صبیه مکرمه عابده خواجه یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه عبد الرحیم
که در صغر سن است طول الله عمرها و دختر در پرده عصمت مستورست اما دختر که در عقد
خواجه محمد شریف بن خواجه غیاث الدین کلان بوده است که از خواجهای مشرف بیک پسر
تولد شده خواجه ابو سعید که در صغر سن است طول الله عمره گروه دویم در بیان اولاد کرام
و احفاد نامی عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه غیاث الدین احمد المشتهر البزرگ جار که از صبیه
جلیله حمیده ساجده عابده کریمه جناب شیخ الاسلامی خواجه احمد اجامی بعرصه وجود
آمده و هی المستماة بیبی فخر النسا بیگم وی را یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه نعمت الله
رفع الله تعالی شانه وطول الله عمره اما این خواجه نعمت الله را زیاده بر نسب
رفیعه پدر بزرگوار خود از جانب والده مکرمه جلیله انتساب شریفه هست هم بسادات
بزرگوار حسینیه ترمذیه و هم بسادات عظام حسنیه و از یکجانب بحضرت شیخ الاسلامی
احمد اجامی و از یکطرف بحضرت شیخ الاسلامی و آن برگزیده درگاه باری خواجه
عبد الله انصاری و از یکجانب بحضرت شیخ الاسلامی ابو احمد قطب خواجه مودود چشتی
و انتما به نسب علا خواجه مودود چشتی بسادات حسنیه منتهی میشود و از یکجانب بحکام
و سلاطین عالیمقام و تفصیل هر یک در قبیله اول در ذکر آبا و اجداد ایشان

که از اولاد خواجه رضی الدین احمد المتولی اند مذکور شد مکرر اذکر نماید طبقه ثانیه
در بیان اولاد جناب شیخ الاسلامی خواجه نور الدین محمد المشتهر البزرگ جار و وی بکلیه فضل
و کمال آراسته بوده در زمان خود در میان اولاد حضرت شیخ الاسلامی احمد
اجامی ممتاز و مستثنی بود وی را دو زوجه بود یکی از نبایر عمدة الفضلاء و العلماء
مولانا احمد سنجور که از فضلاء وقت بود و گویند که قبیله سنجوریه را نسبت
بملوک و سلاطین هست زوجه دوم بیم وی صبیه جلیله جمیله عابده عالیجناب
شیخ الاسلامی خواجه احمد الجامی بوده که از اولاد خواجه رضی الدین احمد المتولی اند
و هی المستماة بیبی فخر جهان بیگم وی را از هر دو زوجه اولاد بعرصه وجود آمده اند
و لهذا اولاد گرامی وی بدو طایفه منقسم میشوند طایفه اول در بیان اولاد نامدار
و احفاد گرامی عالیحضرت خواجه نور الدین محمد المشتهر البزرگ جار که از زوجه اول
بعرصه وجود آمده وی را یک دختر بود که در عقد جناب خواجه عبد الحمید بن ارشاد
پناه شیخ سراج الدین فلورزی اجامی بود که از اولاد بنت طیبه طاهره شیخ الاسلام
قطب الدین محمد اند چنانچه در قبیله هفتم تفصیل آن بیان و مفصل خواهد شد
تولد شده یکی همنام جد بزرگوار خود شیخ سراج الدین و دیگری خواجه محمد مومن و هر یک را
اولاد هست و لهذا اولاد وی بدو فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان اولاد

شیخ سراج الدین بن بنت عالیحضرت خواجه نورالدین محمد البهشتی الجامی که وی را دو زوجه
بوده از زوجه اولی دو پسر تولد نموده یکی خواجه عبدالحمید و دیگری خواجه محمد بنت خواجه قطب الدین
عرائة البزوی الجامی که در عقد خواجه عبدالحمید است و اولاد دارند اما زوجه دویم شیخ
سراج الدین بنت همشیره مکرمه حضرت شیخ جلال است که وی نیز از مشایخ فلوززنت(?)
و وی را از این زوجه دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده و یکی خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه
حسین و دختر در پرده عصمت مستور است فرقه دویم در بیان اولاد خواجه محمد بن
خواجه نورالدین محمد البهشتی جامی که زوجه وی صبیه جلیله جمیله خواجه محمد مومن نسائی است
که عم شیخ مظفر زرسکی(?) طبعه بشد یک دختر تولد نموده که با والده خود در همان ولایت نسا
توطن دارند طایفه ثانیه در بیان اولاد خواجه نورالدین محمد البهشتی البزوی الجامی که از زوجه
دویم المسماة فخر جهان بیگم که صبیه جلیله جمیله جناب شیخ الاسلامی خواجه احمد است
سه دختر بعرصه وجود آمده یکی در عقد خواجه محمد مومن بن شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین
محمد نوکاریزی الجامی است که سه پسر و چند دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه نورالدین
محمد و دیگری خواجه قطب الدین محمد و دیگری خواجه نظام الدین محمود و دو دختر در پرده
عصمت مستور است اما دختر دیگری خواجه نورالدین محمد البهشتی در عقد شهریاری
جام و ناظر اوقاف معارف پناه خواجه میر معین روحی الجامی طبعه و دو دختر تولد نمود که ایشان

درعقد

درعقد برادرزاده وی خواجه محمد مومن بن خواجه معزالدین روحی الجامی است اما دختر
دیگر در عقد سیادت پناهی میر محمد شریف بن میرو(?) است زد وی الجامی است و اولاد
دارند طبقه سیوم در بیان اولاد جناب خواجگی خورد بهشتی البزوی روح(?) جامی
و وی را یک پسر مانده خواجه مختار که المشهور بخواجه لنگ و وی را دو دختر و دو پسر از صبیه
جلیله جمیله عابده شیخه المشایخ العظامی خواجه معین البزوی الجامی بعرصه وجود آمده
پسر یکی خواجگی خورد و دیگری خواجه قطب الدین و دختران در پرده عصمت مستورند
و انتما نسب عالی وی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره بدین
وجه است که خواجه مختار بن خواجگی خورد بن خواجه هاشم بن خواجه نورالدین محمد بن خواجه
احمد بن خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه رضی الدین احمد بن خواجه ضیاء الدین
یوسف بن خواجه معین الدین بن خواجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام
احمد الجامی قدس سره طبقه چهارم در تفصیل و بیان انتساب عالی و نسب متعالی خواجه
...مشرف الجامی که بعد از ترتیب و تالیف بحر الانساب قدم
تولد و تناسل یافته اند چنین گویند که چون شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل
وقف تولیت اوقاف را بنام پسر خود خواجه رضی الملة والدین احمد المتولی نوشت و عشر

[illegible]

محصولات را جهت او قرار داد و اشرف داوقاف را بنام نبیرهٔ خود خواجه غیاث الدین محمد
بن خواجه شمس الدین مطهر که پسر کلان شرودی بود کرده و ده نیم محصولات را جهت او مقرر
نموده و وی در این باب سعی بسیار و جد بکمال مینموده و جمعی اولاد و اعقاب از خواجه
غیاث الدین محمد مشرف بعرصهٔ وجود آمده اند و الحال چند طبقه اند که از اولاد
نامی و احفاد کرامی وی موجودند یک طایفه اولاد جناب خواجه محمد مالانی الباخرزیست
و طایفهٔ دیگر اولاد جناب خواجه غیاث الدین کلانست و از این طایفه دیگر اولاد بنات
خواجه صدر الدین فیل بچه که یک بنت وی در عقد خواجه محمد ابدال بچه که از اولاد
کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد جامی است قدس سره
چنانکه در طبقه هشتم این مجموعه بعد از این مبین و مفصل خواهد شد ان شاء الله
و لهذا اولاد نامی و احفاد کرامی طبقه خواجهای مشرف الجه در عرصهٔ وجودند سه
طایفه منقسم میشوند و هر طایفه بچند فرقه و چند شعبه منقسم میشوند و طبقه مشایخ
مشرف را نیز بحضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر اتابادکی
الباخوری نسبت است و بملکان کرت الغوری که بانی مسجد جامع دار السلطنه هرات اند
نیز نسبت است طبقهٔ اول در بیان نسب عالی اولاد خواجه محمد مالانی الباخرزی
و انتها و نسب عالی ای بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره بدین وجه است که خواجه محمد

بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه عبد العزیز بیل بچه هو ابن خواجه عبد اللطیف
بن خواجه عبد العلی بن خواجه غیاث الدین محمد المشرف هو ابن خواجه شمس الدین محمد
المشرف مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد
بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره اما نسب عالی
عالیحضرت خواجه محمد مالانی الباخرزی بحضرت مولانای تایبادی جهت آنست که جدهٔ مادری
وی که مادر خواجه عبد العلی باشد دختر مولانا اعظم مولانا ارزق واعظ تایبادی الباخرزیست
که از اولاد حضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر التایبادی الباخرزی
علیه الرحمة والرضوان اما نسب عالی وی بسلاطین جهت آنست که در بعضی از شجرها
بنظر در آمده که مادر خواجه غیاث الدین محمد المشرف و هی المستمات فاطمه خاتون بنت
ملک غیاث الدین محمد ابو بکر کرت الغوری بوده بسبب بدین جهت طبقه خواجهای
مشرف را بملوک عالیمقدار و سلاطین نامدار نسبت باشد جناب خواجه محمد مالانی را
خلف صدق کبیر دو پسر و دختر بعرصهٔ وجود آمده پسر خواجه کلان و یکدختر در عقد
جناب شیخ الاسلامی خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی الباخرزی و نعم الجامی بوده که از اولاد
کبار حضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره چنانکه در طبقهٔ اول این مجموعه
بیان نسب عالی وی گذشت دیگر مکرر ذکر نمی نماید و یکدختر دیگر در عقد

میر محمد ایمن رزه الباخرزی بوده است و از هر یک اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد
نامی وی به سه فرقه منقسم میشوند فرقهٔ اول در بیان اولاد خواجه کلان بن خواجه محمد
المالانی و نجم الجامی که وی را خلف صدق یک پسر بوده خواجه سلطان میرک و یک دختر
در عقد خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی الجامی است یک دختر تولد یافته که در پردهٔ عصمت
مستور است اما خواجه سلطان میرک در قریهٔ مالان باخرز متوطن است خلف صدق
وی را سه پسر و سه دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه محمد دیگری خواجه محمد اکبر و دیگری
خواجه کلان و دختران در پردهٔ عفت و عصمت مستورند فرقهٔ دویم در بیان
اولاد دختر عالیقدر خواجه محمد مالانی که در عقد خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی الجامی
بوده است خلف صدق دو پسر و یک دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه محمد مؤمن و دیگری
خواجه ابو الحسن و دختر در عقد خواجه ابو الفتح جاوی الجامی بوده است و از هر یک اولاد
و اعقاب مانده چنانکه تفصیل آن قبل ازین در ذکر جد ایشان خواجه جلال الدین محمد
نوکاریزی الجامی مذکور شده مکرر اذکر نمی نماید فرقهٔ سیم در بیان نسب عالی
اولاد دختر خواجه محمد مالانی که در عقد سیادت پناه میر محمد ایمن رزه الباخرزی
بوده است وی را خلف صدق دو دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی در عقد خواجه سلطان میرک
بن خواجه کلان مالانی است و اولاد بعرصه آمده چنانکه مذکور شد و دختر دیگر در عقد خواجه شهاب

[illegible]

الدین

الدین بن خواجه علاء اکبر البزدی الجامی است یک پسر تولد یافته خواجه علاء اکبر طایفهٔ دویم در بیان
نسب عالی اولاد خواجه اسمعیل کله که وی از اولاد بنات مشیخه المشایخ العظام خواجه غیاث
الدین مشرف است و اتمام نسب عالی وی با حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره بدین
وجه است که خواجه غیاث الدین کله هو بن خواجه محسن بن خواجه سمیع بن یحیی بن خواجه
اسمعیل بن خواجه عبد العلی بن خواجه عبد اللطیف بن خواجه عبد العلی بن خواجه
غیاث الدین المشرف هو ابن خواجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر
بن شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره و جناب خواجه غیاث الدین کله را نیز
نسبت است بسادات عظام کرام ذوی الاحترام قریهٔ رزه الباخرز و جناب خواجه
محمد شریف سجل مهر و خطوط ثقات و عدول بنظر در آورند که جد پدری ایشان که
زوجهٔ خواجه محسن باشد بنت سیادت پناه میر وجیه ابن امیر صانعی رزه الباخرزی
بوده است که موجود بوزارت پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا و از جملهٔ سادات
مشاهیر وقت خود بوده اند و الحال جمعی از اولاد ذکور وی در قریهٔ رزه الباخرز
متوطن اند و از آن جمله یکی میرزا عرب است و یکی میرزا ابو القاسم که از مشاهیر ولایت
خود اند و نسبت قرابت بمشایخ دارند و نسبت بحضرت مولانا و محمد منازین المله

والدین زین الدین ابوبکر التایبادی اند و نیز نسبت به ملکان الکرت الغوری
چنانکه تفصیل آن در ذکر ابن عم وی خواجه محمد مالانی الباخرزی مذکور شده
مکرر آن ذکر نمی نماید و جناب خواجه غیاث الدین کلان را دو زوجه بوده یکی بنت شیخ المشایخ
العظام خواجه عماد الدین بن خواجه محمد عقیل و زوجهٔ ثانی وی بنت سیادت پناهی ارشاد مآب
میر محمد مالانی الباخرزی و از هر دو زوجه وی را اولاد بعرصه آمده و لهذا اولاد
نامی وی بدو شعبه منقسم **شعبهٔ اول در بیان اولاد حضرت خواجه غیاث الدین کلان**
که از بنت شیخ المشایخ العظام خواجه عماد الدین بن خواجه محمد عقیل بعرصهٔ وجود آمده
یکدختر عقب مانده المسماة بی بی خانزاده خانم که در عقد خواجه اسمعیل بن خواجه
برهان روبنجی الجامی بوده است یک پسر و سه دختر بعرصهٔ وجود آمده پسر خواجه برهان
و یکدختر در عقد شیخ محمد مومن بن ارشاد پناهی خواجه ابو احمد است و دختر دیگر
در عقد خواجه غیاث الدین بن خواجه درویش محمد است و دختر دیگر در عقد سیادت
پناهی میر یحیی بن میر عبد الله بن ارشاد پناهی میر محمد الحسینی مالانی الباخرزیست
و هر یک را اولاد هست چنانکه قبل ازین در ذکر اولاد شیخ المشایخ العظام خواجه برهان
روبنجی الجامی مذکور شده مکرر ذکر نمی نماید **شعبهٔ دویم در بیان اولاد خواجه غیاث الدین کلان**
که از بنت سیادت پناهی ارشاد مآب میر محمد الحسینی مالانی الباخرزی بعرصه آمده وی را

چهار پسر و دو دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه شریف که بنت شیخ الاسلامی خواجه غیاث
الدین احمد البهشتی الجامی در عقد وی بوده است که یک پسر تولد یافته خواجه ابوطالب و یکی
دیگر خواجه ابوالحسن و دیگری خواجه عبد اللطیف و دیگری خواجه محمد شفیع و یکدختر در عقد
خواجه سلطان میرک بن خواجه کلان مالانی است و دختر دیگر در پردهٔ عفت و عصمت
مستور است دامت عصمتها **طایفهٔ سیم در بیان اولاد و بنات عالیحضرت خواجه صدر الدین**
ابن خواجه عبد العلی پیل بچه و یک صبیهٔ جلیله جمیله ساجده عابده کریمهٔ عالیحضرت
شیخ الاسلامی خواجه صدر الدین در عقد خواجه محمد ابدال بوده است که المشهور بخواجه
قریشی و این خواجه محمد ابدال پسر خواجه شرف الدین خطیب است که از اولاد کبار شیخ
ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی اند چنانکه ذکر شان بعد
ازین در سلسلهٔ هشتم این مجموعه مبین و مفصل خواهد شد ان شاء الله تعالی و این
خواجه محمد ابدال از صبیهٔ جلیله جمیله ساجدهٔ عابده شیخ المشایخ العظام خواجه
صدر الدین پیل بچه یک پسر و دو دختر بعرصهٔ وجود آمده پسر جناب مجذوب
ربانی و محبوب حقانی ارشاد پناهی خواجه عبد الحق الجامی که مشهور و معروف عالم است
و بعضی گفته اند که این سخن که حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره فرموده اند
که در هر پانصد سال دو یک زود است در هر چهار صد سال در میان اولاد ما چون

احد شخصی بدید آید که همه عالم فراح بوی باید دادن آنشخص جناب شیخ الاسلامی خواجه
عبدالحق الجامی بوده اند زیرا که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی اند
و بسی حالات غریبه و کرامات عجیبه از وی مشاهده فرموده چنانچه بابن الانام اشتهار تمام دارد
و بسیار بزرگ بوده و ریاضات شاقه میکشیده و کاشف اسرار بوده و اکثر اوقات در دامان
غزنین در قصبه نوشنج و زنده جان جامی بوده اند و مدفن شریف وی در قریه زنده
جان است طاب ثراه و جعل الجنة مثواه و اولاد نامی از وی مانده اما یک صبیه خواجه محمد
ابدال که همشیره خواجه عبدالحق باشد و هی المسمات خانزاده بیگم که در عقد حضرت شیخ
العظام خواجه زین العابدین مسجد نوری بوده است دیگر دختر دیگر خواجه محمد ابدال در عقد
خواجه غیاث الدین بن شیخ سراج بوده است و از هر یک اولاد و اعقاب مانده و لله الحمد
اولاد نامی وی بسه طایفه منقسم میشوند طایفه اول در بیان اولاد جناب سالک
ربانی و محبوب حقانی خواجه عبدالحق الجامی و وی را خلف صدق دو پسر بعرصه وجود آمده
یکی خواجه زنده فیل و دیگری خواجه عبدالحق که بهندوستان رفته و در آن دیار ساکن است
اما از خواجه زنده فیل یک پسر عقب مانده خواجه اسحق که در قریه زنده جان متوطن است
و اولاد دارند طایفه دوم در بیان اولاد دختر اول خواجه محمد ابدال کوچبیگی نور [illegible]
که در عقد خواجه زین العابدین مسجد نوری بوده است و هی المسمات پاینده سلطان [illegible]

دختر مذکور

و چند دختر بعرصه وجود آمده یک پسر خواجه قطب الدین محمد و دیگری خواجه محمود و یک دختر
در عقد خواجه محمد صالح نوشنجی بوده است و از هر یک اولاد مانده که تفصیل آن در ذکر
شیخ مسجد نوری مفصل و مبین شود انشاء الله تعالی طایفه سوم در بیان اولاد دختر ثانی
خواجه محمد ابدال کوچبیگی که در عقد خواجه غیاث الدین بوده است دو پسر و یک دختر تولد
یافته یکی خواجه لطیف و دیگری خواجه حمید اما از خواجه لطیف اولاد بنات مانده و تفصیل
آن در قبیله هشتم که اولاد شیخ سراج واقف زرشتک است تفصیل داده
و مبین شود انشاء الله تعالی قبیله سیوم تفصیل اولاد شیخ الاسلام خواجه قطب
الدین ابن شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل واقف قدس سره که بعد
از ترتیب و تالیف بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده و این قبیله بسه طبقه اتفاق دارد
طبقه اول در بیان نسب عالی و حسب متعالی خواجهای مسجد نوری اما طبقه خواجهای مسجد نوری
از اولاد خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل واقف اند قدس سره
و این طبقه بسه طایفه انشقاق یافته و هر یک بچند فرقه و شعبه انقسام می یابد و حالا
کسی که از طبقه خواجهای مسجد نوری بعرصه آمده اند و در قید حیوة اند اولاد خواجه
قطب الدین اند و برادر وی خواجه محمود الجامی را اولاد [illegible] خواجه شهاب الدین
اسمعیل و خواجه عرب که در بلده بلخ متوطن اند و اولاد همشیره خواجه عبدالله المسمات بیگه زاده

[illegible]

و اولاد خواجه عزیز زادی اجامی که از جانب والده خواجه عزیز از خواجهای مسجد نوری است
اما نسب ایشان طبقهٔ خواجهای مسجد نوری بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره
بدین وجه است که خواجه قطب الدین و برادر وی خواجه محمود هر دو پسران خواجه زین العابدین
بن خواجه قطب الدین احمد بن خواجه محمد بن خواجه خلیل بن خواجه محمود بن خواجه قطب الدین
احمد بن خواجه خلیل بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام [illegible]
مطهر بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد جامی النامقی قدس سره اما والده خواجه قطب الدین
و برادر وی خواجه محمود و هی المسماة بانو سلطان که صبیه جلیله حضرت [illegible]
خواجه محمد ابدال است و ذریه خواجه محمد ابدال است خواجه صدر الدین [illegible] است
خواجهای شرف است و خواجهای شرف را نسبت است بحضرت مولانا [illegible]
زین الملة والدین زین الدین ابوبکر التایبادی الباخرزی و نیز نسبت است [illegible]
کرت الغوری که بانی مسجد جامع هرات است چنانکه قبل ازین در ذکر خواجهای شرف
مذکور شد دیگر مکرر ذکر نمی نماید اما طبقهٔ خواجهای مسجد نوری اجامی آنچه اولاد
و اعقاب ایشان موجود و محقق اند سه طایفه اند یک طایفه اولاد خواجه قطب الدین
و برادر وی خواجه محمود و اولاد همشیره وی ایشان و لهذا این طایفه بسه [illegible]

منقسم می

منقسم میشوند و طایفه دویم اولاد خواجه عرب ساکن بلدهٔ بلخ و اولاد بنات خواجه شهاب
الدین اسمعیل و این طایفه بدو شعبه منقسم میشوند و طایفهٔ سیم اولاد خواجه عبد الله و همشیره
وی پادشاه خانزاده که در عقد خواجه جلال بوده است که از مشایخ نهارات(?) و اولاد خواجه عزیز
زادی اجامی بسه گروه منقسم میشوند طایفهٔ اول در بیان اولاد عالیحضرت خواجه
[illegible] الدین مسجد نوری و بیان اولاد برادر وی خواجه محمود و بیان اولاد همشیره وی
و این [illegible] بسه فرقه منقسم شده اند فرقهٔ اول در بیان اولاد نامدار و خلفاء کرام عالیحضرت
[illegible] الدین مسجد نوری زوجهٔ وی بنت عم وی بوده است که خواجه شهاب الدین
[illegible] مسجد نوری باشد و وی را خلف صدق چهار پسر و چهار دختر بعرصهٔ وجود آمده
[illegible] لان و دیگری سمی جد بزرگوار خود خواجه زین العابدین و دیگری خواجه خلیل
[illegible] خواجه خورد که در صغر سن اند اما سه پسر و چهار دختر دیگر اولاد و اعقاب بعرصه آمده
[illegible] اولاد خواجه قطب الدین مسجد نوری بدو شعبه منقسم میشوند یک شعبه اولاد
[illegible] و یک شعبه اولاد دختری وی شعبهٔ اول در بیان اولاد پسر عالیحضرت
خواجه قطب الدین مسجد نوری که وی را چهار پسر بوده است و ازان جمله چهار پسر یکی خواجه
[illegible] لان است که بنت خواجه عبد الله مسجد نوری و هی المسماة خانزاده عروس در عقد وی بوده است
[illegible] صبیه تولد نموده که در پردهٔ عفت مستوره است و والدهٔ خانزاده عروس بنت شیخ الاسلام [illegible]

خواجه ابوالحسن بابا سنکوست که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی اند قدس سره چنانچه

قبل ازین مذکور شد در ذکر نسب ایشان مکرر ذکر نمینماید اما یک پسر دیگر خواجه قطب الدین

مسجد نوری خواجه زین العابدین است که وی را دو پسر و چهار دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه

قطب الدین دوم دیگری خواجه یوسف که در صغر سن اند طوّل الله تعالی عمره و دختران پرده نشین

عصمت و عفت اند اما یک پسر دیگری خواجه قطب الدین مسجد نوری خواجه خلیل است که صبیهٔ

خواجه عبد القادر در عقد وی بوده است و یک پسر تولد یافته خواجه لطیف که در صغر سن است

طوّل الله تعالی عمره اما پسر دیگری خواجه قطب الدین مسجد نوری خواجه کوچک خورد که در صغر سن

شعبهٔ دویم در بیان اولاد و دختر عالیحضرت خواجه قطب الدین مسجد نوری که وی را چهار دختر

بوده است اما دختر خواجه قطب الدین را بعد از وفات آن خواجه کلان بن خواجه غیاث

الدین بعقد و نکاح در آورده از دختر اول دو پسر و دو دختر تولد یافته یکی خواجه عبد الکریم دیگری

خواجه غیاث الدین هر دو در صغر سن اند طوّل الله تعالی عمرهما اما از دختر دویم خواجه قطب الدین

مسجد نوری خواجه کلان را یک پسر بود خواجه محمد امین که در صغر سن است طوّل الله عمره اما

دختر دیگر خواجه قطب الدین مسجد نوری در عقد خواجه عبد السلام بن خواجه محمد اکبر است دو پسر تولد

یافته یکی خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه محمد مؤمن که هر دو در صغر سن اند طوّل الله عمرهما اما دختر

دیگری خواجه قطب الدین مسجد نوری در عقد خواجه محمد تقی بن خواجه محمد صالح فوشنجی الغوریانی است

و والدهٔ خواجه محمد تقی همشیرهٔ خواجه قطب الدین است و والدهٔ خواجه محمد صالح که جدهٔ خواجه محمد تقی

باشد نبیره و نبیرهٔ شیخ العظام خواجه حبیب الله بزدی جامی است و نسبت خواجه حبیب الله

بزدی بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی در قبیلهٔ هشتم مذکور شد اما خواجه محمد تقی را از صبیهٔ

خالوی خود یک دختر تولد یافته که در پردهٔ عفت مستورست فرقهٔ دویم در بیان اولاد نامی

خواجه محمود برادر خواجه قطب الدین مسجد نوری که وی را دو پسر و یک دختر بعرصهٔ وجود آمده

یکی خواجه مظفر و پسر دیگر خواجه غیاث الدین اما خواجه مظفر را دو زوجه بوده است از زوجهٔ اول

یک پسر تولد یافته خواجه محمد و چند دختر که در پردهٔ عصمت مستورست اما زوجهٔ دویم وی

بنت شیخ المشایخ العظام خواجه محمد صالح فوشنجی الغوریانی است دو پسر و یک دختر تولد یافته یکی

خواجه محمد صالح و دیگری خواجه شمس الدین محمد اما دختر خواجه مظفر محمود در عقد سیادت پناه

میر جمال الدین ملا نادر الباخرزی است و چند دختر تولد یافته فرقهٔ سیم در بیان اولاد

همشیرهٔ عالیحضرت خواجه قطب الدین بن خواجه زین العابدین مسجد نوری یک همشیره

ای در عقد شیخ المشایخ العظام خواجه محمد صالح فوشنجی بوده است که از نبایر دختر خواجه

حبیب الله بزدی جامی است یک پسر و یک دختر تولد یافته پسر خواجه محمد تقی که داماد خالوی

خود خواجه قطب الدین اند چنانچه قبل ازین مذکور شد و یک دختر دارند اما دختر خواجه محمد صالح

در عقد خواجه مظفر بن خواجه محمود است و اولاد دارند چنانکه قبل ازین مذکور شد اما همشیره

ای بیت یارب شیخ الاسلام در کار است

یارب شیخ الاسلام در کار است

یارب یارب شیخ الاسلام در کار است

دل بغم یارب یارب جان عشق محبت یارب

یارب یارب شیخ الاسلام جهان

یارب یارب شیخ الاسلام در کار است

فضل احمد یارب یارب شیخ الاسلام در کار است

سنجر یارب یارب شیخ الاسلام در کار است

مدت عمر یارب یارب شیخ الاسلام در کار است

دیگر خواجه قطب الدین مسجد نوری در عهد سلطان ابراهیم برادر زادی ایجامی بوده است یک پسر تولد
یافته درویش حاجی مشهور است که حاجی سلطان ابراهیم که در تربت مقدسه متبرکه اولاد دارد
طایفه دویم در بیان اولاد عالیحضرت خواجه عرب مسجد نوری رحمه الله که ساکن
بلده بلخ اند و بیان اولاد بنات خواجه شهاب الدین اسمعیل مسجد نوری و لهذا ابتدا به شعبه
انقسام می یابند شعبه اول در بیان تفصیل اولاد خواجه عرب مسجد نوری متوطن بلده
بلخ من اعمال ترکستان که از ابناء عم خواجه قطب الدین مسجد نوری است و نسبت وی
بحضرت شیخ الاسلامی بنوعیست که در ذکر خواجه قطب الدین مذکور و مفصل گردیده و
وی دختر خواجه زین العابدین بلخی بوده است که نیز از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام احمد
ایجامی بنابر تقدیر الهی بدان دیار رفته بوده اند و چنین گویند که در بلده بلخ
اولاد و اعقاب دارند که غیبت احوال ایشان معلوم نیست بعد از این هر کس
که از مشایخ بلده بلخ نسبت خود را بخواجه عرب بلخی رساند از جمله طبقه خواجهای مسجد نوری
ایجامی خواهد بود شعبه دویم در بیان اولاد بنات خواجه اسمعیل مسجد نوری رحمه
که وی ابن عم خواجه قطب الدین مسجد نوریست و نسبت وی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الکبیر
بدستوریست که قبل از این در ذکر خواجه قطب الدین مذکور شد والده خواجه شهاب الدین
اسمعیل دختر خواجه کلان خطیب بوده است که از اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف

بن شیخ الاسلامی احمد ایجامیست چنانکه در تکمله نوشتیم این مجموعه با این مضمون بشارت شده و او را
دو دختر بوده است یکی در نکاح ابن عم وی خواجه قطب الدین مسجد نوری بوده است
و اولاد و اعقاب بسیار به عرصۀ وجود آمده چنانچه قبل از این در ذکر خواجه قطب الدین مسجد
نوری مفصل و مذکور شد اما یک دختر دیگر در عقد ورع آثاری مولانا عبد الغفور را
که خادم مزار فایض الانوار حضرت شیخ الاسلامی احمد ایجامی بوده است وی را چهار پسر و یک دختر
در وجود آمده یکی ملا صالح که پدر خواجه عبد الله در در عقد وی است و اولاد دارد
و یکی دیگر ملا میر احمد و دیگری خواجه شهاب الدین اسمعیل و دیگری ملا عبد الخالق و دختر
در عقد ملا حسین است که از ابنای اعلم العلماء مولانا درویش علی است و اولاد دارد
طایفه سیم در بیان اولاد نامی و خواجه کرام خواجه عبد الله مسجد نوری و اولاد همشیره
وی بدیع خانزاده که در عقد حضرت شیخ العظام خواجه جلال بوده که از خواجهای سیاه
بند ... است و بیان اولاد خواجه عزیز برادر زادی ایجامی و لهذا اولاد ایشان و وی به سه
شعبه انقسام میشوند شعبه اول در بیان اولاد عالیقدر خواجه عبد الله مسجد نوری رحمه
که وی از ابناء عم خود خواجه قطب الدین مسجد نوریست نسبت وی بحضرت شیخ الاسلام احمد
احمد ایجامی از نسبت خواجه قطب الدین مسجد نوری که قبل از این تفصیل معلوم
معلوم میشود و زوجۀ وی بنت حضرت شیخ العظام خواجه ابو الحسن بابا سنگو بوده است

چنانکه قبل ازین گذشت دیگر مکرر ذکر نمینماید و یرا یکدختر بعرصه وجود آمده بی بی خانزاده که
که ویرا در نکاح واقع شده مرتبه اولی درعقد ابن خال خود شیخ صوفی بن خواجه
ابوالحسن بن شیخ سراج فلورزی الجامی بوده است یک پسر تولد یافته خواجه ابوالحسن که در زنده
جام متوطن است و صبیه بحواشی الشیخ العظم خواجه عزیز درعقد وی است و یک پسر دارد
شیخ صوفی و مرتبه دویم بی بی خانزاده مذکوره درعقد خواجه کلان بن خواجه
قطب الدین مسجد نوری بوده است و یرا یکدختر تولد یافته که در حباله عصمت مستوره است

شعبه دویم در بیان اولاد [illegible] خواجه عبد الله مسجدی و هی المستماة بی بی جان زاده که در
عقد خواجه جلال است که از مشایخ [illegible] است و یکدختر تولد یافته که درعقد
خواجه مظفر بن خواجه ابوالحسن بابا سنکو است و از وی دو دختر متولد شده یکدختر درعقد
خواجه ابوالحسن بن خواجه جلال الدین محمد نوکاریزی الجامی است و اولاد بعرصه وجود آمده
چنانکه قبل ازین در وقیعهٔ اولی این مجموعه مذکور شد مکرر ذکر نمینماید و یکدختر دیگر
درعقد خواجه ابوالحسن بن خواجه ظهیر الدین عیسی بن خواجه ابوالحسن بابا سنکو است و یک پسر
تولد یافته خواجه ظهیر الدین عیسی که در صغر سن است طول الله تعالی عمره شعبه
اولاد [illegible] خواجه عزیز جامی وی از جانب والده از طبقه خواجه های مسجد نوریست
والده وی و هی المستماة بی بی خانزاده ملکه بنت خواجه قطب الدین مسجد نوریست

خواجه زین العابدین مسجد نوری و پدر وی خواجه عبد الله نام داشته است و کیفیت پدر
وی مخصوص است عثمان قلم مصروف میدارد و یرا دو صبیه است یکی درعقد
ملا خواجه بن خواجه محمد صالح فوشنجی است و اولاد دارد و یکی دیگر درعقد خواجه ابوالحسن
بن شیخ صوفی است و او نیز اولاد و اعقاب دارد چنانچه قبل ازین مذکور شد تفصیل
وقیعهٔ سیم در بیان نسب متعالی جناب عالی الحضرات
شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک برادر وی خواجه محمد اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه از
جانب پدر که بعد از ترتیب و تالیف بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده اند که از اولاد
کبار شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل و تقی اند
ایشان بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره بدین
وجه است که مشار الیه ابان خواجه محمد ابان بن خواجه سلطان بایزید بن خواجه علاء الملک بن خواجه
سلطان بایزید بن خواجه ابوالحسن بن خواجه احمد بن خواجه قطب الدین المعروف بشیخ
پیر ابن احمد هو ابن خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلامی شهاب الدین اسمعیل بن
شیخ الاسلامی قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی
قطب الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره و ایضا جناب شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک
برادر وی خواجه محمد اکبر الجامی را از جانب جده اعلا که زوجه خواجه سلطان بایزید باشد نسبت

بجناب علیحضرت شیخ الاسلامی خوجه معز الدین علی اکبر الجامی ست که از اولاد کبار خوجه رضی الله
والدین احمد المتوکل است که مقدم جمیع مشایخ وقت خود بوده است چنانکه یک پسر خوجه
معز الدین علی اکبر بن خوجه سلطان میر حسین بوده است و دیگر پسری بجه امیر سلطان علی اصغر
و دختر نیز بوده است یکی در عقد صبیه الشیخ المعظم خوجه محمد بن خوجه عبد السلام
و اولاد ماند پسران خوجه محمد اکبر در تربت مقدسه اند از آن اولاد در قصبه معظم
این مجموعه نیز این مضمون شهرت شده و یکی دختر دیگر وی در عقد شیخ الاسلامی
خوجه سلطان بایزید بوده است که جده پدری علیحضرت شیخ الاسلامی خوجه علاء الملک
و برادر وی خوجه محمد اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه است و ایشان را باین واسطه نسبت
بسادات بزرگوار حسینیه ترمذیه و از یکجانب نسبت است بسادات عظام موسویه
مشهدیه **اما نسب عالی** خوجه علاء الملک و برادر وی خوجه محمد اکبر الجامی بسادات
بزرگوار حسینیه ترمذیه بدین وجه است که هما ابنان خوجه محمد ایاس بن بنت امیر سلطان
علی اصغر بن امیر سلطان حسین بن خوجه معز الدین علی اکبر بن خوجه علاء الملک بن السیمات
خانزاده فخر الملک بنت سید حاکم اسلام سید علاء الملک ترمذی هو ابن ابو المکارم
بن محمد بن شمس الدین طاهر بن حسن بن محمد بن محمد بن طاهر بن محمد بن حسین بن علی
بن محمد بن عبد الله بن علی بن حسین بن حسن بن جعفر بن عبد الله بن حسین بن امام زین العابدین

ابن علی بن

بن امیر المومنین حسین بن امیر المومنین و امام المتقین علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت
محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم **اما نسب عالی** خوجه علاء الملک و برادر وی خوجه محمد
اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه بسادات موسویه مشهدیه مقدسه متبرکه بدین وجه است
که هما ابنان خوجه محمد ایاس بن بنت امیر سلطان علی بن امیر سلطان حسین است بن بنت السیمات
خانزاده شاه اسلم بن امیر سلطان حسین بن طاهر بن حسین علی بن محمد بن بدر الدین
بن طاهر بن محمد شاه بن حسن بن طاهر بن حسن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد
بن اسمعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن قاسم بن حمزه بن امام موسی الکاظم بن امام
جعفر الصادق بن امام محمد الباقر بن امام زین العابدین بن امیر المومنین حسین علی بن
امیر المومنین و امام المتقین اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی
صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم **اما نسب عالی** خوجه علاء الملک و برادر وی خوجه
محمد اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه از جانب جده علیا بحضرت شیخ الاسلامی قطب الاناسی
احمد الجامی انار الله مرقده بدین وجه است که هما ابنان خوجه محمد ایاس بن بنت امیر سلطان علی
اصغر بن خوجه امیر سلطان حسین بن شیخ الاسلامی سلالة الاکابر و الاماجد نتیجه المشایخ العظام
خوجه معز الدین علی اکبر بن خوجه علاء الملک بن خوجه قطب الدین محمد بن سلطان المشایخ
خوجه رضی الله والدین احمد المتوکل و هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام

قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی قطب الانامی احمد الجامی
النامقی قدس سره اما نسب عالی خواجه علاء الملک و برادر وی خواجه محمد اکبر الجامی
ساکن قصبه کوسویه از جانب والده مکرمه به شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد کوسوی میکشد
چنانچه والده ایشان صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه شیخه الشیخ العظام خواجه
ابوالمکارم است و خواجه ابوالمکارم پسر خواجه علاء است و خواجه علاء پسر خواجه احمد بوده است
که از مشایخ قصبه کوسویه اند و این خواجه علاء از جانب پدر اولاد شیخ الاسلام ضیاء
الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی است اما از جانب والده مکرمه خواجه علاء از
نبایر دختر خواجه شمس الدین محمد الکوسوی است چنانکه مادر وی و هی المسماة بی بی مریم خاتون
بنت شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد کوسوی بوده است اما نسب عالی خواجه علاء
از جانب پدر بزرگوار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی بدین وجه است که خواجه علاء بن خواجه
احمد بن خواجه ابراهیم بن خواجه عیسی بن خواجه نصر الله بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه
ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام
ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد الجامی قدس سره و جناب خواجه سراج
الدین احمد مادر وی بی بی هبة الرحمن بوده است و هبة الرحمن بنت شیخ الاسلام برهان الدین
نصر الکبار بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد الجامی قدس سره اما نسب جده مادر خواجه محمد اکبر

مادر خواجه اکبر

ساکن قصبه کوسویه و هی المسماة بی بی صفیه خاتون بوده است مسماة مذکوره هم
از جانب پدر بانساب رفیعه مزین است و هم از جانب مادر اما از جانب پدر بدین وجه است
که بنت خواجه صاعد بن خواجه مطهر بن خواجه صاعد بن خواجه یوسف بن خواجه صاعد بن خواجه
قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن
خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی
احمد الجامی النامقی قدس سره اما از جانب مادر المسماة صفیه خاتون بنت مهران شاه
بنت صفیه خاتون بنت نقیه خاتون بنت خواجه شمس الدین محمد الکوسوی و بنت
خواجه شمس الدین محمد قبل از این مذکور شد دیگر مکرر ذکر نمی نماید اما جده مادر صفیه
خاتون خواجه یحیی است که وی نیز از مشایخ قصبه کوسویه است اما پدر بی بی
صفیه خاتون و هم خواجه برهان الدین است که وی پسر خواجه علاء کلان است و نسبت
وی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی بدین وجه است که خواجه علاء بن خواجه برهان الدین بن
نصر بن خواجه صاعد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن
خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف
بن شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره اما جناب عمیده الخواص شیخ الاسلامی خواجه
علاء الملک ملک بوده اند که بصورت بشر متصور شده بودند و باخلاق حمیده و اوصاف

پسندیده متصف بوده اند و بحلیه ورع و تقوی مزین و محلات نسبی فضیلت اهل بیت
از وی ساطع می افتاده از دار فنا بدار بقا رحلت فرموده اند طاب ثراه
و الجنة ماواه بتجرید و تفرید اختیار کرده اند و هرگز تاهل اختیار نفرموده اند
چو عیسی تا توانی خفته بی جفت : مده نقد تجرد از کف مفت : بگلخن گر نشستی خاکستر
گرم : به از پهلوی زن بر بستر نرم : اما برادر وی خواجه محمد اکبر بنا بر آیه و فحوای آیه
فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع و بسبب سنت سنیه نبویه مصطفویه
و طریقه مرضیه احمدیه رفته اند و نکاح اختیار کرده اند زوجه وی از مشایخ
کوسویه است از نبایر خواجه شمس الدین محمد الکوسوی چنانکه در قبیله هشتم این
مجموعه بعد از این بان مضمون اشارت خواهد نمود و مبین و مفصل خواهد شد
ان شاء الله تعالی و از وی اخلاف صدق یک پسر و چهار دختر بعرصه وجود آمده پسر
بزرگوار خواجه علاء الملک که در صغر سن است طول الله تعالی عمره و رزقه علماً نافعاً
و دختران پرده نشین عصمت و عفت اند دامت عصمتها اما طبقه سیم
و انتساب عالی جناب شیخ الاسلامی اکابر ملاذ شیخ المشایخ العظام خواجه
میرزا خلیل کهجه البخاری و شیخ الاسلامی که بعد از تالیف و ترتیب شجرة الانساب قدیم بعرصه
وجود آمده و درین طبقه جز فرقه مذکوره شجره جناب میرزا خلیل الله هم از جانب پدر با

رفیعه

رفیعه متزین است و هم از جانب مادر بانساب شریفه محلی است و نسب عالی وی
از جانب پدر بزرگوار بحضرت شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
شهاب الدین واقف میرسد و از جانب مادر از اولاد شیخ الاسلامی خواجه رضی الملة
والدین احمد المتوطی است و هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل واقف قدس سره
اما نسب عالی وی از جانب پدر بحضرت شیخ الاسلامی بدین وجه است که جناب
شیخ الاسلامی میرزا خلیل بن خواجه ابوالحسن بن خواجه سلطان بایزید بن خواجه ابوالحسن
بن خواجه احمد بن خواجه قطب الدین المعروف بشیخ پیر و هو ابن خواجه قطب الدین
بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ
الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره اما انتساب عالی
جناب شیخ الاسلامی خواجه میرزا خلیل کهجه البخاری از جانب والده مکرمه بحضرت شیخ
الاسلامی احمد الجامی بدین وجه است که والده وی همشیره سلالة الاکابر و الاماثل
شیخ الاسلامی خواجه ابو القاسم الجامی است که مشهور عالمست و خواهر سلطان المشایخ
خواجه رضی الملة والدین احمد الجامی که مدفون است بدرون حجره جد بزرگوار خود حضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره و اما نسب عالی وی جنابست که میرزا خلیل

بن بنت سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه قطب
الدین محمد بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه رضی الله و الدین احمد المتولی هو ابن
شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی
احمد الجامی النامقی قدس سره اما نقیب در ذکر جناب شیخ الاسلامی اکابر ملاذی
میرزا جعفر بن میرزا محسن الجامی مذکور شد که بکدخدا شیخ الاسلامی خواجه رضی
والدین احمد را باستصواب پادشاه وقت سلطان حسین میرزا بعقد مناکحت
نقابت پناه میرزا محمد رضوی المشهدی داده بودند و جناب نقابت پناه میرزا ابو
کلان از دختر خواجه رضی الدین احمد تولد شده و بعرصه آمده اند و نسبت
میرزا خلیل کنیجه الباخرزی بحضرت نقابت پناه میرزا ابوطالب کلان از دختر خواجه است که به
خالو یکدیگر می شوند اما جناب شیخ الاسلامی خواجه میرزا خلیل کنیجه الباخرزی را از جانب والده که
که بنت سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد است به انساب رفیعه و نسبت شریفه ایست
عالی حسینیه ترمذیه که بزرگوار حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس سره و هم بملوک عالیمقدار
و سلاطین نامدار در دار السلطنه هرات که بملکان کرت الغوری مشهور بوده اند و هم
بخانان چنگیز خانی و بخاقان اعظم امیر تیمور و بسلطان سنجر ماضی نسبت
دارند اما نسبت عالی خواجه میرزا خلیل به سادات حسنیه ترمذیه

میرزا خلیل بن الممات بنت سلطان المشایخ خواجه رضی الدین احمد بن خواجه جلال الدین محمد
بن خواجه قطب الدین محمد بن الممات خانزاده قرا الملک بنت سید علاء الملک امام سید
علاء الملک ترمذی هو ابن ابو المکارم بن محمد شمس الدین بن طاهر بن حسن بن محمد
بن طاهر بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن عبد الله بن علی بن علی بن حسین بن حسن
بن جعفر بن عبد الله بن حسین بن امام زین العابدین علی بن امیر المؤمنین حسین
بن امیر المؤمنین علی المرتضی و فاطمة الزهرا بنت محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم و اما
نسبت عالی خواجه میرزا خلیل کنیجه الباخرزی بشیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری
بر این وجه است که میرزا خلیل بن بنت خواجه رضی الدین احمد بن خواجه جلال الدین محمد بن الممات
بی بی خانزاده بنت خواجه خلیل بن خواجه محمود بن خواجه برهان الدین بن الممات
نظام الدین بن محیی الدین بن اسمعیل بن نظام الدین بن جابر بن شیخ الاسلام
اسمعیل خواجه عبد الله انصاری قدس سره و نسبت خواجه عبد الله انصاری به کبار ابو ایوب
انصاری میکشد چنانچه وهو ابن محمد بن علی بن محمد بن احمد بن علی بن جعفر بن ابو ایوب
انصاری رضی الله عنه اما نسبت عالی میرزا خلیل بحکام و سلاطین جهت آنست که مادر
خواجه رضی الدین احمد که جد اعلای ویست وهی الممات بی بی خانزاده که از اولاد ملکان
کرت الغوری است چنانکه میرزا خلیل بن الممات مریم سلطان بنت ملک علاء الدین

بن پیر علی بن ابو الحسن بن ملک معز الدین محمد بن ملک غیاث الدین محمد بن ملک شمس الدین محمد
بن ملک فخر الدین محمد الکرت الغوری رحمة الله و اما مادر ملک غیاث الدین بن پیر علی که
وی را مسمات سلطان خاتون بنت طغان تیمور خان بوده که از خانان عالیشان
چنگیز خانی است و ملک غیاث الدین محمد کرت را نیز نسبت به سلطان سنجر ماضی
چنانکه مدح وی نموده اند بیت فخر جهان داور روز سپاه ۞ تازه ز نام و نسب کرتشاه
شاه جهان خسرو روی زمین ۞ وارث جمشید ملک فخر الدین ۞ قاعده دوده سنجر نو است
واسطه ملک سکندر تو است ۞ ملک سکندر به تو دارد امید ۞ دوده سنجر ز تو خواهد نوید
اما جناب خواجه محمد مومن که برادر خواجه خلیل الله است وی را یک پسر بود خواجه علی اکبر که در بلده بلخ
توطن داشته و وی را یک پسر در خراسان بوده خواجه اسمعیل و صبیه جلیله جمیله خواجه
زاده الباخرزی در نکاح وی بوده و دو دختر تولد یافته یکی در عقد میرزا ابو المظفر است
دیگر دختر دیگر در پرده عصمت مستور است و اما خواجه علی اکبر را در بلده بلخ یک دختر تولد یافته که در عقد
خواهرزاده میرزا عرب خوافیست که نسبت نجابت دارند و اولاد بعرصه وجود آمده
اما جناب شیخ الاسلامی اکابر ملاذی خواجه میرزا خلیل کهنه الباخرزی و ثم الجامی را خلف صدق
سه پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه محمد قاسم و دیگری خواجه مظفر و دیگری خواجه ابو الحسن
و از هر یک اولاد نامی و خلفای گرامی مانده و لهذا اولاد نامی چهار فرقه منقسم شدند

زداد

فرقه اول در بیان اولاد شیخ الاسلام خواجه محمد قاسم بن میرزا خلیل کهنه الباخرزی
را سه پسر بعرصه آمده یکی سمی جد بزرگوار خود میرزا خلیل و دیگری خواجه ابو القاسم و دیگری خواجه
رفیع الدین حسین و هر یک را اولاد بعرصه آمده فرقه دویم در بیان اولاد خواجه مظفر بن حاجی میرزا
خلیل کهنه الباخرزی وی را دو دختر بوده است یکی در عقد میرزا خلیل بن خواجه محمد قاسم
برادر عم وی است و دختر دیگر در عقد ایالت و عدالت پناه عالیجاه حاکم دوانی ولایت کرمان
بوده است و ملک قندهار است و جمیع اولاد و اعقاب تولد یافته است فرقه سیم در بیان
اولاد شیخ الاسلام خواجه ابو الحسن بن خواجه میرزا خلیل کهنه الباخرزی و ثم الجامی
وی را خلف صدق یک پسر بعرصه وجود آمده جناب میرزا احمد سلمه الله و ابقاه وی را نیز
اولاد بعرصه آمده یک پسر میرزا محمود و یکی دیگر خواجه ابو الحسن و دیگری میرزا ابو طالب
و دیگری میرزا رجب که در صغر سن اند حفظهم الله تعالی عمره و یک دختر که در پرده عصمت و عفت
مستور است فرقه چهارم در بیان اولاد دختر عالیقدر شیخ الاسلام خواجه میرزا خلیل کهنه الباخرزی
و ثم الجامی که در عقد شیخ المشایخ العظام خواجه محمد اصغر بن خواجه عطاء الله کلان بوده است
که از خواجهای قریه کاریز باخرز است چنانچه در قبیله هشتم این مجموعه مذکور خواهد
شد که وی را یک دختر تولد یافته در عقد نجابت و فضیلت و ... شهریاری الملک خواجه محمد صالح
خوافی بوده است و اولاد و اعقاب بعرصه آمده قبیله چهارم در بیان نسب عالیه اولاد

[illegible]

شیخ الاسلامی خواجه محمد زرک هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین و اتفع انه که بعد از تألیف و ترتیب
بحر الانساب قدیم بعرصه وجود آمده و این قبیله بدو وقوف تمام نیافته [illegible]
جناب شیخ الاسلامی خواجه ضیاء الدین محمد و برادر وی خواجه محمد و هر دو ابن عم شان
خواجه ابراهیم و خواجه محمد صالح فرمندابادی الباخرزی و ثم الجامی که از اولاد کبار
خواجه محمد زرک هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل وقف اند قدس سره
و اما نسب عالی خواجهای فرمندابادی الباخرزی از جانب پدر بحضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره بدین موجب است که خواجه ضیاء الدین محمد
و خواجه عبد العزیز پسران شیخ الاسلامی خواجه زین الدین محمد اند و خواجه ابراهیم و خواجه
محمد صالح پسران شیخ الاسلامی خواجه نور الدین محمد اند و هما ابنان شیخ الاسلامی خواجه
رکن الدین محمد بن خواجه محمود بن خواجه احمد بن خواجه محمود بن خواجه مطهر بن خواجه
محمد زرک هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین
محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره و اما
از جانب مادر بدین موجب است که خواجه ضیاء الدین محمد بن المسماة بیچه خانم بنت خواجه
عبد العزیز ابن خواجه عبد الحق المشهور بخواجه جان ابن خواجه احمدی و اما مادر الجناب
بیچه خانم بنت بی بی مهربانو بنت خواجه عطاء کلان کاریزی الباخرزی که از اولاد کبار

حضرت

[illegible]

حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی است اما جناب
خواجه تمکین الدین محمد که جد اعلای خواجههای فرمندآباد است
بخواجه کلان مشهور بوده از قول ثقاة چنین استماع افتاده
که والده مکرمه خواجه تمکین الدین محمد از سادات عظام قصبه
سلومد ولایت خواف بوده است و اما جده مادری خواجه
تمکین الدین محمد مولانا و مخدومنا میر عبد الله نام داشته اند و
مشهور است از لفظ گروه علمای قریه تایباد که عالیحضرت
سیادت پناه میر عبد الله از قریه فرمندآباد هر روز بتحصیل
علوم شرعیه و قواعد دینیه و خواندن تفسیر و آثار و مسائل
فقه بقصبه تایباد نزد حضرت مولانا و مخدومنا زین الملة
و الدین شیخ زین الدین ابو بکر التایبادی از فرمندآباد بتایباد
می آمده اند بدرس خواندن و بعضی اوقات در بیرون منزل
حضرت معلای تایباد انتظار کشیده می بوده اند تا یکنوبت
حضرت میر عبد الله بارواح حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
عرض نموده اند حضرت معلای ارواح حضرت رسول را صلی الله علیه و سلم

[illegible]

در واقعه دیده اند حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند که فرزندی
ما را بعد ازین در بیرون منزل انتظار نباید داد علما فرمودند که
بعد ازان حضرت مولانا متوجه به تایباد و در راه پشته
بر آمدند و در همان سر پشته بوده اند و می نشسته اند
انتظار می برده اند تا حضرت میر عبد الله از قریهٔ فرمند آباد می رسیده
و در همان سر تپهٔ خاک یکدیگر را ملاقات می نموده اند و درس
می خوانده اند و باز هر یک بمکان و منزل خود مراجعت می نموده اند
قصه بتفصیل در مقامات حضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدنیا والدین
شیخ زین الدین ابوبکر التایبادی الباخرزی مذکور است و لهذا اولاد نامدار و احفاد
کرام قبیله خواجه ها در فرمند آبادی الباخرزی بدو طایفه منقسم میشوند یک طایفه
اولاد خواجه زین الدین محمد و طایفه دیگر اولاد خواجه نور الدین محمد فرمند آبادی
الباخرزی ثم الجامی طایفه اول در بیان اولاد خواجه زین الدین محمد فرمند آبادی
وی را دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه ضیاء الدین محمد و دیگری
دیگری خواجه عبد العزیز و دختر در عقد ابن عم وی خواجه ابراهیم بوده و دیگری در
عقد شیخ الاسلام خواجه فخر الدین علی که از مشایخ کاریز باخرز است و هر یک را اولاد و

و اعقاب ایست

و اعقاب هست اما زوجه عالیحضرت خواجه ضیاء الدین محمد صبیه جلیله جمیله
پسا جده عابده کریمه جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسویی است
که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی خواجه شمس الدین محمد کوسوی است
که انتساب عالی وی از جانب پدر بشیخ الاسلام خواجه برهان الدین
نصر الکاریزی و شیخ الاسلام خواجه ضیاء الدین یوسف میکشد و همانا
ابنان شیخ الاسلام قطب الانام احمد النامقی ثم الجامی قدس سرهما
این خواجه ضیاء الدین محمد فرمند آبادی را از صبیه مکرمه شیخ الاسلام خواجگی
کلان کوسوی دو پسر بعرصه وجود آمده یکی خواجه شمس الدین محمد و پسر دیگر
مسمی بجد بزرگوار خود خواجه زین الدین محمد و داماد ختران یکی در عقد جناب
شیخ الاسلام خواجه ابو الحسن بن شیخ الاسلام ابو المیامن خواجه ابو المکارم
کوسوی الجاملیتی که از اولاد کبار و احفاد بزرگوار شیخ الاسلام خواجه شمس الدین
محمد کوسوی اند که صاحب خرقه مبارکه حضرت شیخ الاسلام احمد الجاملیتی و دیگری
و او را اولاد بعرصه وجود آمده و اما دیگری در عقد جناب شیخ الاسلام خواجگی
کلان بن خواجه احمد الکوسویی است که آن نیز از اولاد کبار شیخ الاسلام خواجه
شمس الدین محمد کوسوی است و اولاد ازان بعرصه وجود آمده و اما دختر

[illegible]

در بیان نسب عالی حضرت خواجه محمد عقل که از اولاد شیخ الاسلام خواجه [illegible]
برادر خواجه [illegible] الدین [illegible]

سیم خواجه زین الدین محمد در عقد عالیحضرت شیخ پناه خواجه ابو الفتح ابن شیخ الاسلام
خواجه عطاء الله کازرونیست که ازوی اولاد نمانده اما عالیحضرت خواجه عبد العزیز
بن خواجه زین الدین محمد فومندابادی که برادر خواجه ضیاء الدین محمد بوده باشد وجود
بوده هرگز تا اهل اختیار نکرده است **طایفهٔ دویم در بیان اولاد خواجه نور الدین
محمد فومندابادی** الباخرزی دو پسر بعرصه وجود آمده یکی خواجه ابراهیم که
داماد عم خود خواجه زین الدین محمد بوده است که وی را اولاد نمانده دوم پسر دیگر
عالیحضرت خواجه محمد صالح که نبیره شیخ المشایخ الوعظام خواجه محمد صالح زرده الباخرزی
دختر دیگر در عقد بوده و اولاد دو دختر او بعرصه وجود آمده **قبیلهٔ پنجم تفصیل اولاد
عالیحضرت خواجه عبد الرحیم بن شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل
رحمه الله قدس سره** که بعد از تالیف و ترتیب بحر الانساب قدیم بعرصه
وجود آمده و توالد و تناسل فرموده اند و این قبیله بدو طایفه اتفاق افتاده
و طایفهٔ اول بچند فرقه و شعبه انقسام یافته و الحال کسی که ازین قبیله خواجهای
عقل در قید حیوة است اند و اولاد خواجه عبد الرحیم برادر وی خواجه محمد عقل
اما چون این قبیله بخوبی ذات و سیادت و نسب متصف و مشهور بوده اند
و انکه و مکرر جمیع اوصاف ذمیمه معرا و مبرا و باوصاف اهل بهشت موصوف

بدین واسطه

بدین واسطه در السنه انام بخواجهایی عقل مشهور شده اند و اما جناب خواجه عبد الرحیم
بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل رحمه الله که این قبیله خواجه‌هایی از اولاد وی‌اند
در مقامات الاولاد مذکور است که حافظ کلام الله و از اهل معنی بوده اند چون از قریه صانم
متوجه تربت مقدسه شدی در راه ختم قرآن باتمام رسانیدی و اولاد و اعقاب وی
جمله بزیور تقوی و ورع مزین اند و از ایشان آثار صلاح و تقوی مشاهده می افتد بقرائت
کلام مجید اوقات خود را مصروف میداشته اند و میدارند و هر روز تا جزوی از کلام
ملک علام در روضه منوره احمدیه قرائت نفرمایند بامر دیگر اشتغال نمی‌نمایند
و نسب عالی ایشان را در بحر الانساب قدیم تا بحضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی قدس سره بدین دستور مفصل نموده اند که عالیحضرت خواجه عبد الرحیم
برادر وی خواجه محمد عقل رحمهما الله ابنان خواجه عماد الدین بن خواجه عبد الرحیم
بن خواجه رکن الدین بن خواجه اسمعیل بن خواجه عبد الرحیم بن شیخ الاسلام شهاب
الدین اسمعیل رحمه الله بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره و اما این قبیله مذکوره بدو طایفه
منقسم میشوند طایفهٔ اول اولاد خواجه عبد الرحیم و طایفهٔ دویم اولاد خواجه محمد
عقل **طایفهٔ اول** در بیان اولاد خواجه عبد الرحیم وی را یک پسر بود خواجه غیاث الدین

ذروهٔ علیهٔ وی و هم المسمات آنکه کریمه از جملهٔ نسآء عابدات بوده و از جملهٔ ذخیرهٔ علمای
نامی و وزیر عظیم فضلای کرامی که ابقای دین و ملت نبوی و رواج شریعت و سنت
مصطفوی علیه السلام از ایشان است کما قال علیه السلام که العلمآء ورثة الانبیاء
و عنه علیه السلام علمآء امتی کانبیآء بنی اسرائیل صدق رسول الله و اما این مسمات کری
جلیله عابده ساجده کریمهٔ عالیحضرت اعلم العلمآء الجمهور مرکز دایره فضل و دانش
محیط فنون العالم بقواعد اهل التصوف صاحب تصانیف العالیه المدفون
بتربت الاحمدیه المستریح جوار الملک الجامی ابوالفیض مولانا و مخدومنا ملا درویش
علی البوزجانی الجامی بوده طاب ثراه و الجنة مأواه و وی از افضل روزگار خود بوده
و در جمیع علوم نظیر نداشته و مفتی وقت بوده در ولایت جام و غیرها صاحب تصانیف
عالیه بوده و موازی بیست و چهار کتاب بعدد ساعات لیل و نهار از عربی و فارسی
و نظم و نثر تالیف نموده و شرح کرده که اکثر را باشارت روحانیت روح حضرت
شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره بوده چنانچه در خطبه بعضی از آن کتب اشارت
فرموده و از آن جمله یکی کتاب روضة الریاحین است که اشتهار تمام دارد که در ذکر احوال
مقامات و کرامات حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی ثم الجامی قدس سره و اولاد نامی
وی نوشته و دیگر بحر الانساب است قدیم را هم از مضمون بحر الانساب که عالیحضرت

شیخ الاسلام

شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین محمد بن شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلام احمد جام است قدس سره بیان اولاد نامی و احفاد کرامی و ذریات ذکور
و اناث خورد و بزرگ حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی را قدس سره تصنیف کرده بود و حضرت
ملا درویش علی البوزجانی بحر الانساب قدیم را از مضمون آن تصنیف کرده بود و یک مقصد است
از مقاصد روضة الریاحین چنانچه این ذرهٔ حقیر در خطبهٔ این مجموعه اشارت باین مضمون
نموده و مرنامیه و از اول شباب ریعان جوانی الی آخر العمر تحصیل و درس روضه
متبرکه علیه عالیه احمدیه حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره می نموده و بعد از آن
بمنصب تدریس مدت در آن روضه متبرکه احمدیه موفق بود با اولاد کرامی و احفاد نامی حضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره تقدیم می نموده و بعد از وی جمیع اولاد و احفاد مانده اند که در آن
روضه متبرکه بمذاکره و مکالمه علوم دینیه و متصوفه قیام و اقدام می نمایند و به برکت آن مزار
فیض آثار و بحرمت آن بزرگوار دنیا و دین از همه محال و ولایات و امصار و قرای دیگر
رجوع باین سر مزار فایض الانوار حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره می نمایند
و از هر علوم مستفید و مستفیض میگردند امید که بر این فیوض دایم و مزاید و ترقی بوده باشند و بس
اما جناب خواجه غیاث الدین بن خواجه عبدالرحیم را از صبیه ساجده عابده کریمهٔ
اعظم العلمآء ابوالفیض مولانا درویش علی بوزجانی الجامی خلف صدق سه پسر و یک دختر

بعرصهٔ وجود آمده یکی سمی جد بزرگوار خواجه عبدالرحیم و دیگری خواجه جلال الدین محمود و دیگر
خواجه درویش محمد فاما از هر سه پسر و دختر اولاد و اعقاب بسیار بعرصه وجود آمده و لهذا اولاد
نامی وی به سه فرقه منقسم میشوند **فرقهٔ اول** در بیان اولاد خواجه عبدالرحیم بن خواجه غیاث الدین
زوجه وی بنت نتیجة المشایخ العظام خواجه برهان الدین نجیب جامی بوده است که از اولاد کبار حضرت
شیخ الاسلام احمد الجامی اند قدس سره چنانکه تفصیل این در قسم دوم ازین مجموعه مذکور شد خلف صدق
وی را دو پسر و دو دختر تولد یافته یکی خواجه محمد صالح و دیگری خواجه احمد و یک صبیه در عقد ابن عم وی
خواجه نور الدین بوده است و صبیه دیگر در پردهٔ عصمت مستور است اما زوجه خواجه محمد صالح بنت عم خود
بوده است سه پسر بعرصه وجود آمده اند یکی خواجه محمد امین و دیگری خواجه ضیاء الدین یوسف
و دیگر خواجه قطب الدین محمد که در صغر سن انتقال نموده اند عمرهما اما خواجه احمد زوجه وی بنت عم خود
خواجه درویش محمد بوده است که وی را دو صبیه بعرصه وجود آمده اند که در پردهٔ عصمت مکتوم اند **فرقهٔ دوم**
در بیان اولاد خواجه درویش محمد بن خواجه غیاث الدین که مردی متورع و متدین است و با طایفه
صوفیه صافیه فخیمه کبرویه در اربعینات و خلوات مواظبت می نموده و در نهایه بفیوضات
مستفید و مستفیض بکرده و احیانا او را داعیه اظهار کرامت میشود فاما در اخفا و کتمان می
کوشد و زوجه وی بنت خواجه برهان الدین نجیب الجامیست چنانکه در ذکر برادر وی مذکور شد که
خلف صدق یک پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده پسر سمی جد بزرگوار خود خواجه غیاث الدین و

صبیه یکی

صبیه یکی در عقد ابن عم وی است خواجه احمد چنانکه مذکور شد و یک صبیه دیگر در پردهٔ عصمت مستور است
اما زوجه خواجه غیاث الدین بنت خالهٔ وی خواجه سعید بن خواجه برهان الدین نجیب الجامیست
دو پسر تولد یافته یکی سمی جد بزرگوار خود خواجه سعید و دیگری خواجه ضیاء الدین یوسف که هر دو در صغر
سن اند طول الله عمرهما **فرقهٔ سیم** در بیان اولاد دختر خواجه غیاث الدین که المسماة
بی بی آتون خانزاده وی از جمله نساء عابدات است و سنین عمر و اوقات شریف را
تلاوت قرآن و نماز و روزه و صلوات و اذکار ماثوره مصروف میدارد و از جمله
عورات مشایخ ممتاز و مستثنی است و در عقد خواجه ابوالمکارم بن خواجه
علاء الدین بن خواجه محمد عقیل بوده است و وی را خلف صدق دو پسر و یک
دختر بعرصه وجود آمده یکی پسر خواجه عماد الدین و دیگری خواجه نور الدین و دختر
در عقد خواجه محمد صالح بن خواجه عبدالرحیم بوده است و اولاد تولد
یافته است چنانکه مذکور شد **طایفهٔ دوم** در بیان اولاد
خواجه محمد عقیل برادر خواجه عبدالرحیم وی را دو پسر و یک دختر بعرصه وجود
آمده یک خواجه عماد الدین و دیگر خواجه احمد اما از ایشان عقب نمانده
و دختر المسماة خانزاده خورشید که در عقد خواجه قطب الدین بن خواجه الیاس
بابا یکه بوده است اما از خواجه عماد الدین دختر او اولاد مانده و لهذا به دو شعبه

منقسم می‌شوند و اما در بحر الانساب قدیم چنین مذکور است که زوجهٔ شیخ المشایخ اعظم
خواجه محمد عقیل که المسماة بیبی عایشه خاتون بنت المسماة خانزاده عروس بیگم است
که وی دختر شیخ الاسلامی خواجه ابوالمعالی آلمه بوده است که از اولاد خواجه فخر الدین احمد المتولی است
که نیز نسبت دارند با سادات بزرگوار حسینیهٔ ترمذیه و بعد از آن بخواجه
مودود چشتی و بوساطت مواصلت خواجه مودود نسبت با سادات
حسینیه چنانچه در قبیلهٔ اول این مجموعه مفصل و مبین شد مکرر ذکر نماید و اما
این خانزاده عروس مذکوره در عقد خواجه ضیاء الدین یوسف بوده که از اولاد کبار
حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و ازو دو پسر و یک دختر بوده یکی خواجه
عبد الحمید که جد جناب عالیحضرت مشیخت‌پناه شیخ مظفر زرسکی الجامی است
و دیگری خواجه قطب الدین محمد که جد عالیحضرت خواجه ابوالحسن بابا سنکو است
و دختر عایشه خاتون که در عقد شیخ المشایخ خواجه محمد عقیل بوده است و یک پسر
تولد یافته خواجه عماد الدین و دو دختر خانزاده خورشید تولد یافته که بدو شعبه اولاد آن
منقسم شده **شعبه اول** در بیان اولاد خواجه عماد الدین بن خواجه محمد عقیل
که وی را یک پسر بوده خواجه ابوالمکارم و یک دختر که در عقد خواجه غیاث الدین
کله بوده است که از طبقهٔ خواجهای مرشد نیست و یک دختر تولد یافته المسماة

خانزاده آغا

خانزاده عروس نام که در عقد عالیحضرت مشیخت‌پناه خواجه اسمعیل رنجی الجامی بوده است
و اولاد بعرصهٔ وجود آمده چنانکه در ذکر خواجه اسمعیل رنجی جامی مذکور شد اما خواجه ابوالمکارم
بن خواجه عماد الدین را دو زوجه بوده است یکی مسماة خانزاده بنت خواجه غیاث الدین
را دو پسر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه عماد الدین و دیگری خواجه نور و یک دختر در عقد خواجه محمد
صالح بن خواجه عبد الرحیم بوده و اولاد مانده چنانکه مذکور شد فاما زوجهٔ دوم خواجه ابوالمکارم
مسماة بنت امیر مقصود زرسکی الجامی بوده است که دو پسر و یک دختر تولد یافته
یکی میر مقصود و دیگری خواجه ابوالحسن و دختر هم نیز بوده یکی در عقد خواجه ضیاء الدین
بن شیخ مظفر زرسکی بوده است که دو پسر تولد یافته یکی خواجه مظفر و دیگری خواجه رشید
و دیگر دختر در پردهٔ عصمت و عفت مستور است **شعبه دوم** در بیان اولاد دختر خواجه
محمد عقیل که وی المسماة خانزاده خورشید که در عقد عالیحضرت خواجه قطب الدین بن
خواجه ابوالحسن بابا سنکو بوده یک دختر تولد یافته که در عقد خواجه میر محمد بوده است که
از اولاد حضرت شاهباز سپهر سلطان ابوسعید ابوالخیر رحمة الله علیه
بوده که در قصبهٔ مبارکهٔ میهنه از وی اولاد مانده تمام شد اولاد شیخ الاسلام شهاب الدین
اسمعیل و قف آنچه از ذکور و اناث بعرصهٔ وجود آمده بود تماما نسب عالی و نسبت
متعالی ایشان را در تحریر در آوردیم و بعد از این به بیان اولاد برادران

شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل قدس سره شروع نمایم والله تعالی اعلم بالصواب

[illegible]

بیان اولاد شیخ الاسلام خواجه شرف الدین و شیخ الاسلام خواجه

برهان الدین همامان شیخ الاسلام خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
خواجه شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس الله سرهم
اما بدانکه اسعدک الله فی الدارین آنچه درین مجموعه مذکور شد جمعی هستند که
نسبت ایشان از اولاد شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل قدس سره اند و اولاد
وی بدین جماعت محصور نیست و غیر ازین میتواند بود لیکن جماعتی که اسامی آبا و
اجداد ایشان از بحر الانساب قدیم و دوایر و شجره و نسبت نامه های قدیم
الایام که محقق گردید مبین و مفصل نمودیم و بعد ازین آنچه اولاد و اعقاب
فرزندان دیگر شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن
شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره محقق گردد از ذکور و اناث شروع
می نمایم ان شاء الله تعالی فاما سابقا در ابتدای بحر الانساب مذکور شد
که شیخ الاسلام قطب الدین محمد را نه فرزند بعرصه وجود آمده چهار پسر
و پنج دختر از جمله یکی شیخ الاسلام شهاب الدین قدس سره که اولاد و اعقاب وی
مبین و مفصل شد تماما از ذکور و اناث دیگیر دیگر در سن صغر فوت نموده

دیگر پسر

دیگر پسر دیگر خواجه شرف الدین نام داشته اند و یکی دیگر خواجه برهان الدین و ازین
دو پسر هم اولاد و اعقاب جانبه از ذکور و اناث که درین مجموعه مبین و مفصل میشود
ان شاء الله تعالی فاما بعد از اولاد پسرها از چهار دختر شیخ الاسلام قطب الدین محمد
اولاد مانده که یکی در عقد مولانا نظام الدین هروی بوده است و دیگری در عقد قاضی زند آباد بوده است
و یک دختر دیگر در عقد میر حسام الدین زرنشتگی بوده است و همین مقدار معلوم است که با اولاد
شیخ الاسلام مواصلت نموده اند اما نام هیچ آبا و اجداد ایشان معلوم نیست و درین مجموعه
از اولاد این سه دختر چیزی مذکور نشده است که اولاد معین نمانده فاما یک دختر دیگر که در عقد صدر العلا و الدین
تاج الدین محمود ولد قاضی اوحد الدین جانب بوده که از اکابر و اشراف زمان خود بوده اولاد بسیار مانده
درین مجموعه جماعه که ازان طبقه اند در محل خود اشارت خواهد شد ان شاء الله تعالی
فاما چون از اولاد شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن
شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس سرهم از ذکور و اناث فارغ میشود شروع
در اولاد کبار و احفاد بزرگوار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلام
برهان الدین نصر الکانی برادران شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سرهم که حکم
طبقه گرفته اند خواهد نمودن ان شاء الله تعالی قبیله ششم در بیان اولاد نامی و احفاد گرامی
شیخ الاسلام خواجه شرف الدین و خواجه برهان الدین همامان شیخ الاسلام

[illegible]

قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام اعظم الامام الاکرم احمد النامقی ثم الجامی قدس سره که بعد از تالیف و ترتیب بحر الانساب قدیم بعرصهٔ وجود آمده و این قبیله بطبقهٔ اتفاق افتاده و هر طبقه بچند طایفه و فرقه منقسم گردیده

طبقهٔ اول در بیان اولاد جناب شیخ الاسلامی خواجه محمد قاضی البرص بن الجامی که وی از اولاد شیخ الاسلامی خواجه شرف الدین بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد جایست و انتمای سلسلهٔ وی تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی بدین وجه که خواجه محمد بن خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه محمد بن خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه محمد بن خواجه احمد بن خواجه برهان الدین نصر بن شیخ الاسلام شرف الدین بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد النامقی ثم الجامی قدس سره اما جناب خواجه محمد القاضی بردوی الجامی را خلف صدق سه پسر و یکدختر بعرصه وجود آمده یک پسر خواجه علی اکبر و دیگر خواجه جلال الدین و دیگر خواجه یحیی و دختر در عقد ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی بوده است و از این ابنای ثلاثه و بنت جلیله شریفه اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد جامی وی بچهار طایفه منقسم می‌شوند طایفهٔ اول در بیان اولاد خواجه علی اکبر بردوی الجامی وی را خلف صدق یک پسر مانده خواجه احمد و بنت جلیله جمیله ارشاد پناهی خواجه

ابو احمد که در عقد خواجه احمد بوده و جهت حادثه که در هرات بحکم تقدیر الهی ظهور شده مع متعلقان و متوسلان به بلاد هندوستان رفتند و از آنجا متوجه حرمین الشریفین زادهم الله تعالی تشریفاً و تکریماً شدانه و در مدینه منوره طیبه مع فرزندان در جوار امام بقا رحلت فرموده اند و در گورستان بقیع مدفون گشته تا پسرانها و جده‌ها امام اینها گویند که در همان بلاد هندوستان پنج پسر و یکدختر عقب مانده یکی خواجه ابو احمد دیگر خواجه محمد اصغر و دیگر خواجه ابو سعید و دختر در عقد خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام بوده است و هر یک برادران دیار اولاد و اعقاب است

طایفهٔ دویم در بیان اولاد خواجه جلال الدین محمد بردوی الجامی وی به بلاد هندوستان رفته و مدت دران دیار بوده بتوفیق الله تعالی بزیارت حرمین الشریفین زادهم الله تعالی نیز مشرف شده او را خلف صدق دیرا یک پسر در هندوستان بوده است خواجه محمد تقی و دران دیار اولاد و اعقاب دارد و همان خواجه جلال الدین محمد بهرات آورده از بلاد هندوستان چند جلد کتاب وقف روضه منوره متبرکه جد بزرگوار حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره نموده و بخراسان فرستاده و از آن جمله یکجلد کتاب تصنیف شیخ شهاب الدین سهروردی عوارف المعارف و دیگر فصل الخطاب و دیگر کتاب کشف الاسرار و چند کتابها در کتابخانه حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره موجود است

سهروردی

و در پشت همان کتاب نسب عالی خود را تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی
قدس سره بانوان که مذکور شد تعبیر نموده و مهر کرده همه مخادیم و طلبه استفاده
میکردند و صواب بروح واقف عاید میکردند و می بخشند **طایفه سیم در بیان**
اولاد خواجگی بن خواجه محمد قاضی برودی الجامی وی را دو پسر بوده یکی خواجه محسن دوم
خواجه ابو القاسم اما خواجه محسن یک پسر بعرصه وجود آمده که بهند و هندوستان رفته و خواجه
ابو القاسم در قریه صوفیان هرات همشیره جناب سیادت پناه هدایت معالی
میرزا محمد بن میر نصر الدین صوفیانی را عقد نموده یک پسر و یک دختر بعرصه وجود
آمده پسر خواجه ابو الحسن که بهند و هندوستان رفته و کیفیت احوال وی معلوم نیست
اما صبیه جلیله کریمه خواجه ابو القاسم در عقد فصاحت شعاری خواجه عبید الله
بن خواجه علاء الدین در زرآباد است چنانکه در نسبه هشتم این مجموعه مذکور
خواهد شد ان شاء الله تعالی و ازو دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه
علاء الدین و دیگری خواجه محمد تقی و دختر پرده نشین عصمت عفت است
طایفه چهارم در بیان اولاد و دختران خواجه محمد قاضی برودی الجامی
که در عقد جناب ارشاد دستگاهی خواجه ابو احمد رود بخی الجامی بوده است خلف
صدق یک پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده پر صلاحیت تقوی ورع آثاری شیخ [illegible]

دو دختر

دو دختر در عقد خواجه ابو احمد برودی الجامی بوده که در بلاد هند و هندوستان اولاد
مانده چنانکه مذکور شد و دختر دیگر در عقد السعید الشهید شیخ حبیب الله بوده است
اما از وی عقب نمانده و اولاد ندارد و مدفن شریف وی در مدینه طیبه در گورستان
بقیع مدفون قریب بقعه همشیره و بیت [illegible] اما جناب شیخ رشید کم
[illegible] پسر است و بنت نتیجة المشایخ العظام خواجگی خود را عقد نموده اند
اولاد و اعقاب از ایشان بظهور آمده چنانکه تفصیل او قبل از این در نسبه دویم
این مجموعه و ذکر نسبه جدایشان ارشاد پناهی خواجه ابو احمد مذکور شد
مکرر ذکر نمی نماید **طبقه دویم در بیان تفصیل نسب عالی نسبت متعالی**
جناب شیخ الاسلامی خواجه ابراهیم غوریانی و ثم الجامی و همشیره علیه وی اهل المستورات
ماه بیگم که در عقد شیخ الاسلام خواجگی کلان کوسویه بوده اند و همشیره دیگر
الاعلی نتیجة المشایخ العظام خواجه عیسی [illegible] است و اهل المستورات خانزاده
المعظم جناب خواجه ابراهیم **و انتهای نسب عالی** وی از جانب آبای بزرگوار
بشیخ الاسلام شرف الدین بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر
ابن شیخ الاسلامی احمد [illegible] و ثم الجامی قدس سره اتصال یابد و اما از جانب
مادر بزرگوار که زوجه خواجه شهاب الدین احمد کلان بوده باشد و خواجه

[illegible]

ابو الفتح جادو دی مرید که از اولاد شیخ الاسلام خواجه رضی الدین احمد
المتوی ان دانا این خواجه ابو الفتح که جد مادری وی است و انتما نیز نسبت با
بسادات بزرگوار چشتی ترمذیه که المسادات فازاده فخر الملک ترمذی رشد
و نیز نسبت عالی وی با و بسادات عظام موسویه مشهدیه میکشد و نیز نسبت عالی
وی ابه برگزیده باری شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری میرسد و نیز نسبت عالی وی
بخواجه مودود چشتی میرسد و خواجه مودود را نسبت است بسادات عظام حسینی
و تفصیل این یک در قبیلهٔ اول در ذکر نسب عالی خواجها جادو دی ایام رقم کرده شد
دیگر مکرر ذکر می نماید و ایضا جناب خواجه ابراهیم غوریانی ثم الجامی را از جانب
والده مکرمه که از مستورات بنت خواجه ابو الفتح بن خواجه علاء کو پونه است کردی
نسبت دارد و شیخ الاسلام شمس الدین محمد کو پونه که در کوشه بسیم مع ارت
آسوده اند که از اولاد و کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلام برهان
الدین نصر اکار بزرگ بند همه ابنان شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره
اما نسب عالی اما خواجه ابراهیم غوریانی ثم الجامی از جانب پدر بحضرت
شیخ الاسلام احمد الجامی بدین وجه است که خواجه ابراهیم بن شهاب الدین احمد
بن خواجه محمد بن خواجه شهاب الدین محمد بن خواجه عیسی بن خواجه احمد

ابن خواجه محمد المشهور بخواجه خالو هو ابن خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه
محمد بن خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه برهان الدین بن خواجه شرف الدین بن
شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد
الجامی النامقی قدس سره اما نسب عالی خواجه ابراهیم غوریانی ثم الجامی از جانب جده
پدری بحضرت شیخ الاسلام احمد الجامی قدس سره بدین وجه است که خواجه ابراهیم بن
خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه محمد بن بنت خواجه ابو الفتح جادو دی هو ابن خواجه ابو المکارم
بن خواجه علاء الملک بن قطب الدین محمد بن خواجه رضی الملة و الدین احمد المتوی
ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل واقف بن الشیخ الاسلام قطب الدین محمد
بن الشیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن الشیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره
اما جناب خواجه ابراهیم غوریانی از جانب جده مادری نسبت است بحضرت
شیخ المشایخ زبدة العارفین و اسوة المحققین حضرت شیخ جلال الدین
ابو زید پورانی که از کبار مشایخ تخت خود بوده اند و ذکر شریف ایشان
در نفحات الانس مذکور است و انتما نسب عالی خواجه ابراهیم غوریانی ثم
الجامی از جانب والده مکرمه و حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره
بدین وجه است که مادر وی صبیه جلیله جمیله عابده پارسا جده کریمه شریفه عالی حضرت

[illegible]

نتیجة المشایخ العظام خواجه ابو الفتح کو بوده است و خواجه ابو الفتح
پسر خواجه علاء است و خواجه علاء هم از جانب پدر از اولاد کبار شیخ الاسلامی
احمد الجامی اند و هم از جانب مادر و پدر وی خواجه احمد دیوانه است نسب عالی
خواجه احمد دیوانه از جانب پدر بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره بدین وجه
که خواجه احمد دیوانه بن خواجه ابراهیم بن خواجه عیسی بن بشر الله بن قطب الدین
محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه
سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام قطب الاسلام
هست باوریه الحام شیخ الاسلام احمد النامقی ثم الجامی و مادر خواجه علاء کو بوده
دهی المستات مریم خاتون بنت شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد کو بوده است
وانتها نسب عالی خواجه علاء دیوانه از جانب مادر بحضرت شیخ الاسلامی احمد
الجامی قدس سره بدین وجه است که خواجه علاء بن المستات مریم خاتون بنت شیخ الاسلام
خواجه شمس الدین محمد کو بوده او ابن خواجه احمد بن خواجه برهان الدین نصر
بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین
محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن
شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس سره ان خواجه سراج الدین احمد کو

داران المستات قدوة العارفین بی بی دهیة الرحمان بنت شیخ الاسلام برهان
الدین نصر الکاریزی او ابن شیخ الاسلامی احمد النامقی ثم الجامی قدس سره اما این طبقه
الی ابد و طایفه انقسام یافته اند یک طایفه اولاد خواجه ابراهیم و اولاد همشیره
ای خانزاده اعظم که بعد از مواصلت حکم یک طبقه گرفته اند و طایفه دویم
همشیره علیه وی که در عقد شیخ الاسلام خواجگی کلان کو بوده بوده است طایفه
اول در بیان اولاد خواجه ابراهیم غوریانی وی را خلف صدق یک پسر و دو
دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه ابو الفتح و از هر یک اولاد عقاب مانده و
اولاد او لاد نامی و احفاد گرامی وی بسه فرقه منقسم می شوند فرقه اول در بیان
اولاد خواجه ابو الفتح بن خواجه ابراهیم غوریانی ثم الجامی زوجه وی بنت نتیجة
المشایخ العظام خواجه عیسی بن خواجه هاشم است که از خواجهای بستان
سرا بوده است و مادر زوجه وی اهل المستات خانزاده اعظم عمه خواجه ابو الفتح
است و لهذا اولاد عمه وی را حکم یک فرقه گرفته اند و خلف صدق وی را شش پسر
یک دختر بعرصه وجود آمد اول خواجه ضیاء الدین یوسف و دیگر خواجه محمد صغیر
دیگر خواجه شهاب الدین احمد دیگر خواجه حسن و دیگر الغ خواجه و دیگر خواجه ابو القاسم
دختر پرده نشین عصمت و عفت است فرقه دویم در بیان اولاد دختر خواجه ابراهیم

الغوربانیه ثم الجامی که در عقد سیادت پناه میرزا ابوالحسن غوربانیه بوده بین
دو پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یک پسر شیخ میره دیگر شیخ ابوالفضل و دختر
شهربانو که در عقد عالیحضرت خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه ابوالفتح کروک
بوده است یک صبیه بعرصه وجود آمده عایشه بیگم که در پرده عصمت و عفت مستور است
فرقه سیم در بیان اولاد دختر خواجه ابراهیم غوربانیه که در عقد خواجه مظفر
بن خواجه ابوالحسن بابا بیگو بوده است و ازایشان سه پسر و سه دختر بعرصه وجود آمده
پسر خواجه محمد امین که در صغر سن است طال الله تعالی عمره و یک دختر در عقد
پسر خال وی است شیخ ابوالفضل و اولاد بظهور آمده و دو دختر دیگر در عقد خواجه
محمد اصغر بن خواجه ابوالفتح است و دختر دیگر در پرده عصمت و عفت مستور است
اما طبقه خواجه مظفر بسفر مکه معظمه رفته اند زادها الله تعالی تشریفا و تکریما و بعد
از فراغ حج بیت الله متوجه مدینه طیبه بوده اند و در سه منزلی مدینه منوره
قریب الموت شدند و در همان منزل مدفون گردیدند و الحال زوجه وی که بنت
خواجه ابراهیم است در عقد ابن عم خود خواجه احمد بن شیخ الاسلام خواجگی کلان کوکوی
طایفه دویم در بیان اولاد همشیره عمه خواجه ابراهیم غوربانیه که در عقد شیخ الاسلامی
خواجگی کلان کوکوی بوده است و از اخلاف صدق دو پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده

یکی خواجه

یکی خواجه احمد و دیگری خواجه علاء و دختر در عقد ابن عم خود شیخ الاسلامی خواجه ابوالمکارم
کوکوی است که ویرا هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبت است بشیخ الاسلامی خواجه
ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلامی خواجه برهان الدین نصر الکاریزی بما انبائهما شیخ
الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره و یک دختر دیگر در عقد شیخ المشایخ العظام خواجه ضیاء الدین محمد
الوامندا باوی البا خوانیست و هر یک را اولاد بعرصه وجود آمده چنانکه بعد ازین تفصیل آن
در فصل هشتم این مجموعه در ذکر نسب شیخ الاسلام خواجگی کلان الکوسویی مفصل
مبین میشود ان شاء الله تعالی طبقه سیم در بیان اعالی اولاد دختر خواجه معز الدین
المشتهر بخواجه معز الدین کروک که بعد از تالیف بحر الانساب قدیم بعرصه
وجود آمده اند اما وی از اولاد خواجه برهان الدین بن شیخ الاسلام قطب الدین
محمد است پدران آن در زمان وقت خود بزرگ و معتبر بوده اند چنانکه از مضمون بحر الانساب
و از جلگی سجلات و رقیمه جات و تعلیقه جات حکام و سلاطین ماضی و شهها
الملکان و وقف که بدست وی است مفهوم میشود که سکنا و واقف مزرعه نظاره بر معتبره
المشهور بسراجه و اقعست بتربت مقدسه پدران این طبقه علیه عالیه رحمهم
الله ساکن گشته اند و انساب اعالی ایشان از جانب پدر تا بحضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره که خواجه معز الدین بن خواجه هاشم بن خواجه

جلال الدین محمود بن خواجه شمس الدین مطهر بن خواجه جلال الدین محمود
بن خواجه شمس الدین مطهر بن خواجه جلال الدین محمود بن خواجه رکن الدین بن
شیخ الاسلام خواجه برهان الدین بن خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن
شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی قدس سره اما جناب عالیحضرت خواجه معز الدین
را دو دختر بوده یکی در عقد خواجه ابن خواجه عبد الله عراقی البروجنی الجامی بود است و دیگر دختر
بعرصه وجود آمده که بمیرقرایی زاده بوده و اولاد او در والی [illegible] در عقد عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه
جلال الدین محمد نوکار زیست اما اولاد ازان بعرصه وجود نیامده و یکی دختر دیگر خواجه
معز الدین در عقد خواجه قطب الدین عراقی بوده است که یک پسر و سه دختر بعرصه
وجود آمده پسر خواجه ابو الحسن اما یک دختر دیگر در عقد خواجه ابو الحسن بن خواجه جلال
الدین محمد نوکار زیست دو دختر دیگر در عقد خواجه عبد الحمید بن شیخ سراج بوده است دختر دیگر
در عقد عالیحضرت خواجه محمد برادر خواجه عبد الحمید بوده است و چنین می‌گویند که خواجه معز الدین را
یک خواهر زاده بوده است در قصبه سرخ اما مرد معیوب و مجهول است نمی‌دانند سبحان الله
و در قریات از پیران ایشان است در مانده است و اولاد قبیله اعظم و بیان
تفصیل اولاد بنت طیبه طاهره جلیله جمیله شاجده عابده کریمه
شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی

احمد النامقی

احمد النامقی الجامی مدظله که در عقد جناب اعلم العلماء صدر العلامه مولانا تاج الدین
محمود بن اعلم العلماء الوقت فاضل اوحد البوزجانی الجامی بوده است که از جمله اکابر و اشراف
زمان وقت خود بوده اند و مرتبه وزارت نیز داشته اند و در نگار انساب قدیم چنین مسطور است
از بعضی دو از پیر نظر مطالعه در آمده است که حضرت صدر العلامه تاج الدین محمود بن فاضل
اوحد البوزجانی از بنت طیبه طاهره حضرت شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد
برادر خلف صدق سه پسر بعرصه وجود آمده یکی شیخ الاسلام خواجه قطب الدین یحیی بن بور
و دیگری خواجه عیسی و دیگری خواجه محمد در یکجا بنظر آمد که احمد فاماده گرخواجه قطب الدین یحیی
بن بور در کتاب نفحات الانس مولوی جامی مذکور است که در غایت بزرگی بوده است
و از اعاظم مسلمانان هم بوده و بعلوم ظاهری و باطنی موصوف بوده و در علم حدیث
اشتهار تمام داشته و در خراسان و عراق و حرمین شریفین مردمان از وی حدیث
استماع نموده اند و اجازه حدیث گرفته اند و اجازت نامها بجهت ایشان نوشته اند
و چنین گویند که از جمله ابدال بوده اند و هفت مرتبه حج گذارده اند چنانکه مشهور است
و روزی بجانب صحرا بسر مرد که خود رفته بوده اند و دیر از آنجا بجا داعیه زیارت بیت الله
بسیار شده و از آنجا بخارا روانه حج بیت الله شده اند و رقعه باصحاب نوشته اند عینا
و آن رقعه اثر او درین مجموعه ثبت نموده اند که هذه الرقعه درین بار طایفه بنیت

از تیاج و تهاج بطرف صحرا و تماج کذری فنهاد بیت باد دست بوستان نندم
رهکذری • بر کل نظری مکندم از بیخبری • ولدار بطعنه کفت شرمت باد ا
رخسار من اینجا و تو در کل نکری • پس ناکاه غیرت الله از کمینکاه لاتدع مع الله
سوی تاخت و کمند جذبه من جذبات الحق در کردن دل متمکن انداخت مصراع
کرنیاید بکوشش سوی کشانش آرند • بوطن نارفته و ندیده و تفکر را کذاشته هم
از همان طرف صحرا باشارت غیبی که و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا بر
طرف خانه کعبه معظم معلا روان کشت مصراع چون نزد او از پی صاحب
کمند آهوی بیچاره بکردن اسیر • که والسلام و الاکرام و چنین کویند که در عهد
سلطان محمد خدای بنده انار الله برهانه چهارصد کس از علما و فضلا و بعض اولیاء الله
حاضر بودند همه اتفاق بران کردند که اعلیحضرت خواجه قطب الدین یحیی در مجلس
وعظ فرمایند چون ایشان شروع بوعظ نمودند دران مجلس همه کس از علما بیان
و تحسین نموده اند و شیفته و فریفته وی شده اند و قبر وی در بیرون دروازه
فیروزآباد است ببلده هرات و از وی عقب نمانده اصلا و قطعا اولاد
و جماعتی که باولاده دختری منسوب اند از نسل اولاد همان دختر شیخ الاسلام
قطب الدین محمد اند که در عقد صدر العلماء مولانا تاج الدین محمود بن اخ العلاء

قاضی اوحد

[illegible]

قاضی اوحد البوزباغی الجامی بوده است و در بحر الانساب قدیم چنین مذکورست که
از همین قبیله است حضرت حقایق پناه زبده السالکین مخدومی خواجه عبد العزیز
جامی که کنک شیخ معدآباد مشهورند و پدر ایشان خواجه محمد زاهد بوده است و پدر وی
خواجه ابو المعالی و ایضا از حضرت مخدومی خواجه عبد العزیز جامی اولاد و اعقاب مانده
از ذکور و اناث و از ذکور کویند که وی عالم بوده بعلوم ظاهری و باطنی و بغایت متقی و متورع
بوده و آداب شریعه و سنن سنیه نبویه علیه افضل التحیه باقصی الغایت و الامکان
میکوشیده اند و صایم الدهر و قایم اللیل بوده اند و بسیار سریع الوجد بوده که بانک
جهری خواندن بسیار متأثر و مغلوب میشده اند و در حالت نعره و فریاد میکردند
که اثر ذوق بهمه مستمعان میرسیده و چنین کویند که کاشف اسرار بوده و از ما فی
الضمیر همه خلق خبر داشتی و هر کس که بمجلس شریف وی آمدی هر چه بر خاطر وی کذشتی فی
الحال اظهار نمودی و اکثر اوقات از ابنای زمان محترز بودی خصوصا از صحبت ارباب
دنیا و اصحاب جاه و جلال و پیوسته ازین طایفه کریزان بودی و کاه یکهفته
و کاه دو هفته و کاه یکماه ترک اختلاط و صحبت نمودی و بیشتر اوقات در خانقاه
معدآباد تنها بسر بردی و کویند که بعض املاک موروثه خود را وقف خانقاه معدآباد
کرده اند و مرقد شریف ایشان انجا در اندرون خانقاه و قبه است که وقف نموده اند

وخواهرزاده خود را جناب شیخ الاسلامی خواجه عبد العلی که منظور نظر ایشان

بوده و بوی توجهی و التفات بسیار می داشته اند متولی همین اوقاف نموده اند

وشروط متعینه مقرر فرموده اند فاما از خواهرزاده ایشان اولاد و اعقاب

تولد یافته و پدر خواجه عبد العلی از مشائخ روزآباد است چنانکه در قبیله هشتم

این مجموعه بیان انساب شریف ایشان مفصل مبین می شود انشاء الله تعالی

فاما اولاد جناب شیخ الاسلامی ارشاد پناهی مخدومی خواجه محمد روزآبادی

اولاد خواجه عبد العلی اند فاما از جانب جده علیا ایشان را نسبت قرابت

بحضرت مخدومی شیخ الاسلامی خواجه عبد العزیز الجامی فاما از جانب

خواجه های روزآباد چنانکه بعد ازین مذکور شود انشاء الله تعالی فاما در

بحر الانساب قدیم و ایضا در بعضی دیگر هم مرقوم است که از همین قبیله

قاضی محمود معدآبادی و بعد از آن خواجه قطب الدین محمد فلور زنده دار

پناه شیخ سراج الدین فلور زنده و از هر یک ازین جماعت که باولاد دختر

اولاد و اعقاب بسیار مانده و لهذا آنچه محقق می شود بدو طبقه چنین طائفه

منقسم می شوند طبقه اول اولاد قاضی محمود معدآبادی و طبقه دویم اولاد

شیخ سراج فلور زنده الجامی

بیان اولاد قاضی محمود معدآبادی طبقه اول

بیان نسب عالی خواجه های معدآبادی الجامی که باولاد دختری منسوبند

وازهمین

واز همین طبقه است خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام معدآبادی و انتساب عالی

ایشان از جانب آبا کرام به بنت طیبه طاهره حضرت شیخ الاسلامی خواجه قطب

الدین محمد که در عقد صدر العلامه مولانا تاج الدین محمود بن علم العلماء قاضی احمد

الپوزجانی الجامی بوده است منتهی می شود و از جانب جده علیا که جده کلان ایشان

بوده باشند بعالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه معز الدین علی اکبر ترمذی می کشد که

از اعاظم و اکابر اولاد خواجه رضی الدین احمد متولی است فاما نسبت دارد

عالیحضرت خواجه رضی الدین احمد المتولی بسادات بزرگوار حسینیه ترمذیه

چنانچه خواجه فخر الملک بنت سید علاء الملک الترمذی و نیز نسبت دارند

بسادات عظام موسویه چنانکه قبل ازین در ذکر نسب عالی شیخ الاسلام

خواجه علاء الملک مهر اوردی خواجه محمد اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه که قرابت

نزدیک دارند و از نبایر خواجه معز الدین علی اکبر اند و بتفصیل در قبیله هیچ

در طبقه دویم این مجموعه مبین نموده دیگر مکرر اذکر نمی نماید اما نسب عالی

خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام معدآبادی از جانب پدری بدین وجه است

خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام بن خواجه محمد بن خواجه عبد السلام بن خواجه

ابراهیم بن خواجه یوسف بن خواجه قاضی محمود معدآبادی و دو پسر خواجه احمد

بن صدر العلامه تاج الدین محمود و بنت طیبه طاهره حضرت شیخ الاسلام
خواجه قطب الدین محمد بن الشیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی
احمد النامقی ثم الجامی قدس سره و اما نسب علیا خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام
جده علیا ی این و چنین است که خواجه محمد اکبر بن خواجه عبد السلام بن خواجه محمد بن المسماة
بی بی بنت امیر سلطان اصغر بن خواجه امیر سلطان حسین بن سلالة الاکابر خواجه معز الدین
علا اکبر بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه رضی الحق و الدین احمد المتوفی
هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره اما خواجه محمد اکبر را دو زوجه
بوده است از یکی سه پسر تولد یافته یکی خواجه عبد السلام و دیگری خواجه ابو الحسن و دیگری خواجه
علا اکبر اما خواجه عبد السلام را از بنت خواجه قطب الدین مسیح پوزی دو پسر تولد یافت
یکی خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه محمد مومن اما زوجه دیگر خواجه محمد اکبر که در هندوستان عقد نموده
بنت خواجه احمد بزدوی الجامی است و در آن دیار اولاد دارند و در همین طبقه اند اما خواجه
فضل بن خواجه ابرهیم بزدی الجامی از جانب پدری نسب وی به بنت طیبه طاهره
شیخ الاسلام قطب الدین محمد که در عقد صدر العلامه مولانا تاج الدین محمود بن قاضی
اوحد البوزجانی الجامی بوده است میرسد و اما از جانب جده علیا شیخ الاسلامی

او معز الدین علا اکبر الجامی میکشد اما از جانب پدری سه نوع است که خواجه فضل بن خواجه
ابرهیم بن خواجه فضل بن خواجه محمد بن خواجه عبد السلام بن خواجه ابرهیم بن خواجه یوسف بن خواجه
محمود محمد اباذری هو ابن خواجه محمد بن مولانا تاج الدین محمود و بنت طیبه
شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی
احمد النامقی قدس سره اما از جانب جده علیا بدین وجه است که خواجه فضل بن خواجه ابرهیم
بن خواجه فضل بن خواجه محمد بن بنت المسماة بی بی بنت خواجه معز الدین سلطان اصغر
بن خواجه سلطان حسین بن خواجه معز الدین علا اکبر بن خواجه علاء الملک بن خواجه قطب
الدین محمد بن خواجه احمد المتوفی هو ابن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد النامقی
الجامی قدس سره اما خواجه فضل مذکور از همان جانب جده علیا نسبت است
سیادت بزرگوار حسینیه زمزمیه و نسبت خطام موسویه چنانچه در ذکر نسب عالی
شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک برادر وی خواجه محمد اکبر الجامی ساکن قصبه کوسویه که از آن است
... دارند مبین و مفصل شد که زوجه وی بنت خواجه حمید است و خواجه حمید
از جانب پدر از ابنای شیخ سراج الدین ... است و از جانب والده مکرمه
از خواجهای مشرف است چنانچه در طبقه خواجهای مشرف مذکور شد که دیر ... است

حضرت سلطان
... بن ... سلطان ...
اما باید با ...

خواجه ابراهیم که در صغر سن است و در قریه بزد جام متوطن اند طبقه دویم در بیان نسب
بن خواجه ابراهیم فلوزنی جامی خواجه های فلوزنی جامی و از همین طبقه بوده است خلیفه قطب الدین محمد و ارشاد پناهی شیخ سراج
الدین فلوزنی الجامی و برادر وی شیخ جلال هما ابنان خواجه علی بن خواجه ابراهیم فلوزنی
الجامی در بحر الانساب قدیم چنین مذکور است و در بعضی دواوین نیز بنظر در آمده که این جماعت
طایفه از ذریه طیبه طاهره دختر شیخ قطب الدین محمد اند که در عقد صدر العلماء
تاج الدین محمود بن اعلم العلماء قاضی اوحد البوزجانی الجامی بوده است و
این جماعت بسه طایفه منقسم میشوند طایفه اول در بیان اولاد خواجه قطب الدین
فلوزنی و طایفه دویم اولاد ارشاد پناهی شیخ سراج الدین فلوزنی و طایفه سیم اولاد
خواجه جلال الدین فلوزنی اما طایفه اول در بیان اولاد نامی خواجه قطب الدین
فلوزنی جامی که دختر ایشان صبیه بوده که در عقد حضرت شیخ المشایخ مخدوم اعظم شیخ
حاجی محمد الخبوشانی بوده است چنانچه در فصل هشتم این مجموعه بعد از ذکر مخدومی شیخ عبداللطیف
خارزمی بیان نموده اینجا بر سبیل اجمال میگوید اما مخدومی اعظم را از صبیه جلیله جمیله
ساجده عابده کریمه خواجه قطب الدین محمد فلوزنی خلف صدق یک پسر و سه دختر بعرصه
وجود آمده پسر خواجه مجد الدین شهید و از وی عقب نمانده اما یک دختر مخدومی اعظم در عقد
حضرت مخدومی شیخ عبداللطیف الخارزمی بوده است و اولاد و اعقاب بسیار بعرصه وجود آمد

بیان نسب خواجه های فلوزنی جامی
که با اولاد و دختر مخدومی اعظم

چنانکه

چنانکه در ذکر نسب علما حضرت مخدومی شیخ عبداللطیف الخارزمی بیان مفصل شد دیگر مکرر
ذکر نماید و یک دختر دیگر مخدومی اعظم در عقد مخدوم زاده شیخ شاه احمد بوده که مقتدای
سلسله زبده فقیه کبرویه بوده سه پسر و یک دختر بعرصه آمده یکی خواجه کلان و دیگری خواجه محمد طاهر
مدرس و دیگری خواجه محمد زاهد اما از این پسر عقب نمانده و از پسر اول و دختر اولاد مانده
و از پسر اول که خواجه کلان است سه پسر مانده یکی خواجه شیخ شرف الدین و دیگری
خواجه کلان و دیگری خواجه محمد قاسم [illegible] و از این هر سه پسر در ولایت نشاء اولاد
مانده اما از خواجه محمد طاهر که مدرس بوده فاخره بخارا بوده اعلم العلماء و برادر پسر خواجه
خواجه محمد زاهد و دیگری خواجه عابد و در [illegible] بسیار اولاد و اعقاب در رفته اما دختر مخدوم
مخدوم زاده شیخ شاه در عقد خواجه محمودی خواجه عبد العلی بوده است که از مشایخ
[illegible] بوده است و یک پسر بوده خواجه محمد شفیع و دیگر یک پسر بوده خواجه محمود و الحال در
[illegible] است خواجه محمد شفیع اما دختر دیگر مخدومی اعظم در عقد جناب سعد الدین محمد
[illegible] بوده است و چنین گویند که در بلده سمرقند اولاد و اعقاب در رفته
طایفه دویم در بیان اولاد جناب ارشاد پناهی شیخ سراج الدین محمد
[illegible] خواجه علی فلوزنی الجامی و وی از جمله خلفای مخدومی اعظم بوده و بغایت متورع و متدین
[illegible] و بحلیه علم و ورع مزین و بجد و تعبدات و توجهات راغب می نموده [illegible] مقتدای

سر بر از فایض الانوار جد بزرگوار خود بوده وجملهٔ خلق از صحبت شریف وی مستفید و منتفع
می بوده اند و اما ذکر عیال وی به بنت طیبه طاهره جلیله جمیله ساجده عابده کریمهٔ
حضرت شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام
الجامی الاحمدی رسیده که در عقد صدر العلماء مولانا تاج الدین محمود بن اعلم العلماء قاضی
اوحد الدین جامی الجامی بوده است که از اکابر و اشراف زمان خود بوده و منصب وزارت
نیز داشته اند و اما والده شیخ سراج الدین فلورزنی دختر شیخ سراج و شیخ زین الدین
چنانکه بعد از این در قبیله پنجم این مجموعه مذکور شود ان شاء الله تعالی و ویرا بنابر آیهٔ
کریمهٔ قال الله تعالی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع وسبب سنت
سنیهٔ نبویه تعدد در حرم نکاح واقع شده است زوجه اول وی بنت شیخ الاسلامی
خواجه عبد المؤمن که المشهور بشیخ صوفه علاء بزدی الجامی بوده که همشیره محمد جد شیخ
عبد اللطیف الجامی میشود که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی اند چنانکه
در قبیله دویم این مجموعه مبین و مفصل شده مکرر ذکر نمی باید و زوجه دویم وی بنت
اعلم العلماء مولانا محمود بن قدوة العلماء والفضلاء مولانا احمد سنجور که فضلای زمان
خود بوده اند و از هر دو زوجه اولاد و اعقاب بوجه آمده و لهذا اولاد اعلم
وی بدو فرقه منقسم میشوند فرقهٔ اول در بیان اولاد امجاد شیخ سراج الدین فلورزنی الجامی

که از بنت

که از بنت طیبه شیخ صوفه علاء بزدی الجامی بوده است یک پسر و یک دختر تولد یافته
پسر خواجه ابوالحسن و دختر در عقد شیخ الاسلام پناهی خواجه ابو احمد الجامی بوده است و اولاد
بسیار بوجه آمده چنانچه قبل از این در قبیله دویم این مجموعه مبین و مفصل شده
اما خواجه ابوالحسن را نیز دو زوجه بوده است یکی بنت خواجه برهان الدین بن خواجه جلال
الدین محمود که از اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام
احمد الجامیست وی را یک پسر بوجه آمده شیخ عبد اللطیف سلمه الله و ابقاه که در قریه
بزجام متوطن اند اما زوجه دویم خواجه ابوالحسن بنت شیخ الشیوخ العظام خواجه
ابوالحسن بابا سنگو بوده است و ویرا یک پسر تولد یافته شیخ صوفه و زوجه دیگر وی بنت
خواجه عبد الله مسجد نوریست و یک پسر تولد یافته خواجه ابوالحسن و زوجه وی بنت خواجه
عزیز بزدی الجامیست که از جانب والده از مشایخ مسجد نوریست و ویرا یک
پسر است شیخ صوفه که در صغر سن است طول الله تعالی عمره فرقهٔ دویم در بیان اولاد امجاد
جناب شیخ سراج الدین فلورزنی الجامی که از بنت افضل العلماء مولانا محمود
بن مولانا احمد سنجور تولد یافته و ویرا یک پسر بوجه آمده خواجه عبد الحمید وی حافظ
کلام الله بوده و بغایت خوش آواز بوده و مردم شیفته و فریفته وی بوده اند و در علم
قراءت متبحر بوده و ویرا تعدد در حرم نکاح واقع شده است زوجهٔ اول وی بنت

جلیله جمیله ساجده عابده که به علیحضرت شیخ الاسلام خواجه نور الدین محمد البهشتی الکرمی
بوده است که از اولاد کبار شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و طبقه خواجهای بهشتی را انساب
رفیعه و انتساب شریفه هست سیادات عظام و مشایخ کرام و حکام و سلاطین
عالیمقام چنانچه در قبیله دویم این مجموعه مذکور شده مکرر اذکر نمی نماید اما خواجه عبد المجید را
از صبیه ساجده خواجه نور الدین محمد بهشتی خلف صدق دو پسر بوجه وجود آمد یکی
شیخ سراج و دیگری خواجه مؤمن که در ولایت فنا و از وی یک دختر عقب مانده
اما شیخ سراج اوقات را بورد شریفه و ادعیه ماثوره می گذرانیده و بخواندن خوب
الجزم مخصص اند و هر روز مداومت می نماید و صدر حفاظ مزار فیض الانوار بنده
وی را نیز دو زوجه اتفاق افتاده از زوجه اول دو پسر تولد یافته یکی خواجه عبد المجید
و دیگری خواجه محمد و هر دو داماد خواجه قطب الدین عم تاج البزدوی الجامی اند اما از زوجه
دویم شیخ سراج بنت خواجه محمد حسین بن شیخ جلال فلورزنی الجامی یک پسر و دو
دیگر دختر تولد یافته یکی خواجه محمد اکبر که داماد خواجه ابو القاسم بن خواجه محمد صالح درزه
البا فوزی بوده است و یکی پسر دیگر شیخ حسن مانده است طایفه سیم در بیان اولاد
شیخ جلال بن خواجه علی فلورزنی الجامی و انشاء نسب عالی وی به بنت طیبه طاهره
شیخ الاسلامی قطب الدین محمد مرسید که در عقد صدر العلامه مولانا تاج الدین محمود

[illegible]

بن عمدة العلماء قاضی اوحد الدین جان الجامی بوده است منتهی میشود و وی را یک پسر بوده است
خواجه محمد حسین و دختری الجامی زوجه خواجه محمد حسین همشیره ارشاد پناهی خواجه ابو احمد
الجامی بوده است که از کبار اولاد حضرت شیخ الاسلام احمد الجامی اند چنانچه در قبیله
اولی این مجموعه مبین و مفصل شد که وی را از همشیره ارشاد پناهی خواجه ابو احمد
دو پسر و یک دختر بوجه وجود آمده یکی شیخ جلال و دیگری خواجه ابو الحسن بنائی و دختر
در عقد شیخ سراج است و از هر یک اولاد و اعقاب مانده اما شیخ جلال بغایت
عارف و فصیح اللسان بوده است و در هر مجلس که واقع شدی همه شگفته و فریفته
وی شدی زیرا که حکایات و روایات و تواریخ را بغایت مستحضر بود و بدین واسطه
طالبان و خواهان صحبت شریف وی بودند و زوجه وی بنت خال وی ارشاد پناهی شیخ
... بود عالی نسب بوده است که یک پسر و یک دختر تولد یافته پسر خواجه علاء اکبر که بنت عم
وی در عقد وی است و یک دختر تولد یافته و اما دختر در عقد خواجه ابو الفتح بن شیخ محمد بن
... است چنانکه در قبیله سابقا قبل از این مذکور شد و یک دختر تولد یافته اما خواجه ابو الحسن
که در ولایت فنا متوطن است زوجه وی از ملکان همان ولایت است و وی را
دو پسر و دو دختر بوجه وجود آمده یکی خواجه محمود و دیگری خواجه اشرف دیگری
خواجه عرب و یک دختر در عقد خواجه علاء اکبر پسر عم وی است چنانکه مذکور شد و یک دختر

دیگر در پرده عفت مستور است اما دختر خواجه محمد حسین که در عقد شیخ سراج الدین
بوجود آمد یکی خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه شیخ حسن و دختر در پرده عفت مستور است
و اما آنچه از اولاد کبار شیخ الاسلام قطب الدین محمد مذکور و اناث محقق گردید
و سجل و شجره بنظر در آمد بوجه وضوح مبین و مفصل نمود و آنچه معلوم نشد عنان قلم
مصروف داشت والله اعلم بالصواب و بعد ازین آنچه از اولاد کبار شیخ الاسلام
ضیاء الدین یوسف و شیخ برهان الدین نصر الکاریزی هما ابنان شیخ الاسلام
احمد الجام که حکم یکفرقه گرفته اند محقق شد مفصل خواهد نمود انشاء الله بعون الله
و حسن توفیقه **قبیله ششم تفصیل و بیان اولاد نامدار و خلفاء گرامی شیخ الاسلام**
خواجه برهان الدین نصر الکاریزی و شیخ الاسلام خواجه ضیاء الدین یوسف
و هما ابنان شیخ الاسلامی قطب الانامی احمد النامقی الجامی قدس سرهما السامی که بعد از
تالیف و ترتیب بحر الانساب بتقدیم تولد و تناسل و نموده اند و اما این
قبیله ششم بسه قبیله دیگر میشود قبیله اول بسه طایفه اتفاق افتاده و قبیله دوم
بدو طبقه و قبیله سیم به پنج طایفه و هر یک چند گروه و شعبه چنانکه مذکور می گردد
ان شاء الله تعالی و اما سابقا در اول المقصد سیم مذکور شد که شیخ الاسلام خواجه برهان
الدین نصر الکاریزی را یکدختر بوده است که زوجه [illegible] عارفان بوده و هیچ اعقاب

در بیان انساب اعلی خواجه ها که از اولاد
خواجه برهان الدین نصر الکاریزی و از اولاد
ضیاء الدین یوسف و ما ابنان
شیخ الاسلام اند رضی الله عنهما

بابا هبة الرحمان و شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف را یک پسر بوده است خواجه سراج
الدین احمد و وی دختر عم خود بابا هبة الرحمن مذکور را در نکاح نموده و دو پسر از وی
بوجود آمده یکی خواجه صفی الدین محمود و دیگری خواجه سراج الدین ابن یامین
و از این هر دو پسر اولاد و اعقاب بسیار بوجود آمده و چنین گویند که
خواجه صفی الدین محمود را نیز دو پسر بوده است یکی خواجه ضیاء الدین یوسف
که مشایخ که در قصبه کوسویه اند از اولاد وی اند و دیگری خواجه سراج الدین احمد که
مشایخ که در قریه کاریز باخرزند و بعضی مشایخ دیگر که در بلده بلخ و ولایت جام و زورآباد
از اولاد وی میدانند و لیکن اولاد این جماعت آنچه در قید حیوة اند حقیقت
احوال ایشان محقق و معلوم میگردد به سه قبیله منقسم میشوند **قبیله اول**
جماعتی که در قصبه کوسویه واقع و متوطن اند و انتساب شریف ایشان از یکجانب
بشیخ الاسلام شمس الدین محمد کوسوی اتصال می یابد که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی اند **قبیله دویم** جماعتی که در قریه کاریز باخرزند و بعضی از آن قبیله به بلده
بلخ افتاده اند **قبیله سیم** جماعتی که در ولایت جام و زورآباد و غیره واقع است و نسبت
نامی آباء و امهات خود را باین طبقه منسوب میدارند و اما آنچه از بحر الانساب
قدیم شجره و سجل و نسب نامه که بنظر در آمده فی الجمله حقیقت آن معلوم و مفهوم میشود

عیسی نفسی [illegible]
[illegible]

انشاء الله تعالی طایفهٔ اول در بیان اولاد نامور و احفاد گرامی مشایخ عظام که در قصبهٔ کوسویه توطن ورزیده‌اند و اما نسب عالی

ایشان از یک جانب بحضرت شیخ الاسلامی شمس الدین محمد الکوسوی میکشد که از اولاد کبار حضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و ذکر شریف ایشان در نفحات الانس مذکور است و اما
قبیله کبار طایفهٔ دیگر در مقام بیاید و اما آنچه محقق است همین طوایف اربعه را
نسبت از جانب والدهٔ مکرمه بحضرت شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد الکوسوی اتصال
می‌یابد و یکی از آن طوایف اربعه اولاد نامی شیخ الاسلام خواجگی کلان کوسوی است
و اولاد گرامی شیخ الاسلام خواجگی خورد که برادر وی است و طایفهٔ دیگر اولاد شیخ الاسلام
خواجه ابراهیم عزیز اند که از جانب والدهٔ مکرمه که صبیهٔ جلیله حمیده شیخ الاسلام خواجه
ابو الفتح بن شیخ مشایخ کوسویه نسبت دارند و از جانب پدر بمشایخ جام اتصال می‌یابند
چنانکه سابقاً گذشت و طایفهٔ دیگر اولاد شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک و برادر وی خواجه
محمد اکبر نیز از جانب والدهٔ مکرمه بمشایخ کوسویه نسبت دارند از نسل حضرت خواجه ابو المکارم
کوسوی اند برادر خواجه ابو الفتح و هما ابنان خواجه علاء کوسوی اند اما نسبت پدر ایشان
بمشایخ جام میرسد چنانکه سابقاً مذکور شد مکرر از ذکر عین نماید و طایفهٔ دیگر اولاد خواجه
شمس الدین محمد بن خواجه علاء المذکور و این خواجه علاء که پدر خواجه ابو الفتح و خواجه ابو المکارم
و خواجه شمس الدین محمد است که پسر خواجه احمد دیونه است که از مشایخ قصبهٔ کوسویه اند

در بیان نسب عالی بعضی خواجه‌زادهای کوسویه که از اولاد کبار شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکابلی و خواجه ضیاء الدین [illegible] جامی اند و اما بعضی از اولاد شیخ الاسلام خواجه شمس الدین مطهر اند مانند خواجه [illegible]

و اما نسب عالی خواجه احمد دیونه از جانب پدر نیز بشیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف
بن شیخ الاسلامی احمد الجامی میکشد چنانکه مذکور شد اما مادر خواجه علاء و همشیرهٔ [illegible]
بی بی مریم خاتون بنت شیخ الاسلامی خواجه شمس الدین محمد الکوسوی بوده است پس خواجه
علاء مذکور هم از جانب پدر و هم از جانب مادر از اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین
یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی اند قدس سره اما خواجه علاء را خلف صدق و صبیهٔ
مکرمه بوجود آمده یکی امة‌الله پدر خورد که در عقد و نکاح جناب خواجه ظهیر
کوسوی بوده است که ابا عن جد وی را نسبت بوزراء نامدار و ملوک عالی‌مقدار
چنانچه بعد ازین مبین شود و جناب حضرت شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی
و برادر وی شیخ الاسلامی خواجگی خورد کوسوی از جانب مکرمه از نتیجه طیبه همان حضرت
خواجه علاء اند اما یک حضرت دیگر خواجه علاء که در عقد قدوة العلماء و الفضلاء قاضی القضاة
مولانا عماد الدین قاضی بوده است و از وی اولاد مانده است و زوجه خواجه محمد اکبر
کوسوی از نتیجه طیبه همان حضرت خواجه علاء است چنانکه بعد ازین مفصل شود
انشاء الله تعالی بعضی ازین انساب را از کتب الانساب قدیم اخذ نمود و بعضی را از قول
عدول و ثقات و بعضی را از خطوط ثقه که معتمد علیه بود استخراج نمود طایفهٔ اول
در بیان اولاد نامی و احفاد گرامی حضرت شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی [illegible]

و برادر وی شیخ الاسلامی خواجگی جوزه الکوسوی و عم امی اما جناب شیخ الاسلامی
خواجگی کلان الکوسوی مدت متولی مزار فایض الانوار حضرت بزرگوار حضرت شیخ
الاسلامی احمد جامی بوده است و تمام سرکار معارف پناه مفوض برای عالی او بوده است
و نسق و زراعت آن سرکار و رواج و رونق آن مزار فایض الانوار کما هو المقصود در
بظهور می آمده و تعمیر معموری و آبادانی از وی آثار مانده که ظاهر و هویدا و عیان
و هویداست و مؤلف این نسخه نامی در ایام تولیت وی در آن بقعه منوره بتحصیل
و در هر چند روز از جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان بجهت دیدن و طلب
حاضر میشدند و چون بنده بخود هم اشتغال مینمود انواع تفقدات و نوازش مبذول
بحضرت مخدومی سنهاری ابوی جامع علیه الرحمه که در آن روضه منوره موفق بمنصب پدری
بودند بجهت درین بنده سفارش و مبالغه میفرمودند آنچه افاده و استفاده نموده
بهمین توجه عالی بزرگوار میدانند زیرا که بی توجه ارباب معانی بمقصد عالی و مطالب
متعالی نتوان رسید و وی بزیور تقوی و ورع مزین بود و محلی بوده است و در جمله
مشاهیر اکابر خراسان در وقت خود ممتاز و مستثنی بوده است و بانساب رفیعه
و نسبت شریفه هم از جانب پدر و هم از جانب مادر محلی و مزین است و اما
والده مکرمه معظمه از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی قطب الانامی احمد جامی است

چنانچه

چنانچه در این صحیفه بعد از این مذکور شود ان شاء الله تعالی اما از جانب پدر بحفظ الله که متعمه علیه
الظاهر در آمده است که آبا و اجداد وی بر این نسبت است از یکطرف بوزرا و عالیمقدار که انوار
عدل و کرم از کوکب قسم و قلم ایشان تافته است و آثار عطا و بخشش از دفتر سعادت آثار
ایشان است و دیگر از نسبت بسلاطین مملکت که مستند امور مملکت و ایالت
الکوسی بوده اند اما نسب عالی وی بوزراء عالیمقدار بواسطه آنست که محقق است
که خواجه ظهیر کوسوی که جد پدری اوست از جانب پدر آبا و اجداد نسبت وی بابو الحسن عمید
الملک میرساند که مدت موفق بمنصب وزارت در ایام پادشاه مرحوم مغفور المستریح
الی جوار الملک العلی سلطان سنجر ماضی بوده که صیت عدل و نصفت و کوکبه انصاف
و عدالت وی باطراف و اکناف عالم رسیده اما نسب عالی وی بسلاطین و حکام
ممالک بجهت آنست که بصحت رسیده و بشهرت انجامیده که والده وی از اسباط
ملوک اباعید سلطان جنت شیخ الملوک ملک مطهر کار زیست و نسبت عالی وی
بشمس الحکومت و عدالت پناه المؤید المنصور شجاع الدین ابوالقاسم زور
الجامی میکشد وی مدت چند سال بر سریر حکومت و سلطنت و مملکت و دار الملک کرمان
و بعضی از ولایت قهستان چون ولایت خواف و باخرز و قهستانات نشسته کمال
انواع عدالت و رعیت پروری و ضبط از وی بصدور می آمده و بعضی از آثار

حضرت و تربت وی هنوز در آن ولایات ظاهر و هویداست و در آنجمله در روز ...
فاف مسجد جامع ساخته است که بغایت بصفا و هوا آمده است و بی‌نظیر و عدیل در
ایوان نام گرامی وی را ثبت نموده اند و در کتابه نام خود ملکه سلطانه نوشته اند این
شعر بعظمت و شأن و شاهد احوال خیر مآل کیست اما از جانب وی از جانب والد
مکرمه بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره بدین نوع است که جناب شیخ الاسلام خواجگی
کلان کوسوی و برادر وی خواجگی خورد هر دو ابنان المسمات به بیبی حور دختر خواجه علاء
الکوسوی است و اما ابن خواجه علاء هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبت وی
بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی میرسد و اما از جانب خواجه علاء الکوسوی از جانب پدر
بحضرت شیخ الاسلام احمد جامی بدین نوع است که خواجه علاء بن خواجه محمد بن خواجه ابراهیم
بن خواجه عیسی بن خواجه بشر بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف
بن خواجه محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف
بن شیخ الاسلام قطب الانام احمد جامی النامقی قدس سره اما از جانب خواجه علاء
الکوسوی از جانب مادر بدین نوع است که خواجه علاء ابن المسمات به بیبی مریم خاتون
بنت شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد الکوسوی هو ابن خواجه محمد بن خواجه برهان الدین
نصر بن خواجه قطب الدین بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین

محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام
احمد جامی قدس سره جناب شیخ سراج الدین مادر وی بیبی هبة الرحمان است
دختر شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی هو ابن شیخ الاسلام احمد جامی
النامقی قدس سره و اما هر یک از جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی
و برادر وی خواجگی خورد کوسوی را اولاد و احفاد کرام بعرصه وجود آمده
و لهذا اولاد نامی و احفاد کرام وی به دو فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان
اولاد شیخ الاسلامی خواجگی کلان الکوسوی ... زوجه جلیله جمیله ساجده عابده
مکرمه وی بنت خواجه شهاب الدین احمد است که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام
احمد جامی اند و هی المسمات به بیبی ماه بیگم همشیره جناب شیخ الاسلام خواجه ابراهیم
کوریانی میشود و جناب بیبی مذکوره را انساب رفیعه و انتساب شریفه است
هم از جانب پدر و هم از جانب مادر از جانب پدر و انتساب از جانب وی شیخ الاسلام
شرف الدین بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر
بن شیخ الاسلام احمد جامی النامقی میرسد و از جانب جده پدری که زوجه
خواجه شهاب الدین احمد کلان باشد بخواجه ابو الفتح جامی و بنی اجامی میگشت که از اولاد
کبار خواجه رضی الدین ... احمد المتوفی اند و اما این خواجه ابو الفتح را نسبت

بپادشت بزرگوار حسنیه ترمذیه که دختر الحسیبات خانزاده فخر الملک ترمذی دختر بنت

سید ممالک اسلام سید علاء الملک ترمذی و نیز نسبت است بپادشاه اعظام مرحوم

مشهدیه و نیز نسبت است ببرگزیده باری شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری

و نیز نسبت است بخواجه مودود چشتی و بواسطه خواجه مودود و نیز نسبت است بپادشاه

بزرگوار حسنه و تفصیل هر یک ازینها مذکوره و ذکر جد اعلای جناب بی بی

مکرمه خواجه ابو الفتح جا دینی اجامی مفصل شده عنان قلم را مصروف سید [illegible] ذکر

ذکر عزی نماید و ایضا جناب بی بی مکرمه را از جانب والدهٔ مکرمه که صبیه جلیله جیده خواجه

ابو الفتح کوسوی است نسبت است بشیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام

احمد جامی قدس سره چنانکه خواجه ابو الفتح پسر خواجه علاء کوسوی اند و خواجه علاء [illegible]

از جانب پدر از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی اند چنانکه مذکور شد

و هم از جانب مادر از نبایر خواجه شمس الدین محمد الکوسوی اند که از اولاد کبار حضرت

شیخ الاسلامی احمد جامی اند قدس سره و انما ذکر عالی نتیجه المشایخ العظام خواجه

شمس الدین محمد الکوسوی قبل ازین مذکور شد مکرر ذکر نماید اما جناب

شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی را از جناب بی بی معظمه مکرمه المسماة [illegible] بیگم

مذکوره خلف صدق دو پسر و دو دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه احمد سلمه الله تعالی

والبقاه

والبقاه و دیگری خواجه علاء و یکدختر در عقد برادرزادهٔ ویست و هو جناب شیخ الاسلام

خواجه ابو المکارم کوسوی و یکدختر دیگر در عقد نتیجه المشایخ العظام خواجه ضیاء الدین

ابراهیمست که از مشایخ فرسند آباد باخرزست چنانکه در ذکر نسب ایشان قبل ازین

مذکور شد و اما هر یک اولاد بعرصهٔ وجود آمده و لهذا اولاد نامی جناب کرام

وی بیکبار گروه منقسم میشوند گروه اول در بیان اولاد جناب خواجه احمد بن شیخ الاسلامی خواجگی کلان

الکوسوی و نعم اجامی و دوی جوانیست بغایت رشید و وجیه و صاحب همت

عالی و ملاذ و ملجاء آن ولایت که وجود شریف ایشان آنجا واقعست و زوجهٔ

عفیفهٔ مستوره وی بنت صلاحیت آثاری زبده المتورعین شیخ رشید الدین

بن شیخ الاسلامی ارشاد پناهی مخدومی خواجه ابو احمد اجامیست که از اعاظم

و اکابر اولاد حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی اند و خلف صدق وی را سه پسر و دو

دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه بشیر احمد و دیگری خواجه علی اکبر و دیگری مسمی

به جد بزرگوار خود خواجگی کلان و دختر پرده نشین عصمت و عفت گروه دویم

در بیان اولاد خواجه علاء بن خواجگی کلان الکوسوی و نعم اجامی زوجه وی صبیه جلیله جیده جناب شیخ الاسلام

خواجه فخر الدین علیست که از مشایخ کاریز باخرز اند و مادر زوجهٔ وی از مشایخ

فرسند آباد باخرزست و خلف صدق وی را یک پسر و یکدختر بعرصهٔ وجود آمده

پسر خواجه محمد صغیر و دختر در پردهٔ عفت مستورست گروه سیم در بیان اولاد
جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی و تتم اجامی که در عقد برادرزادهٔ وی شیخ
الاسلامی خواجه ابوالمکارم است و اولاد و اعقاب بعرصهٔ وجود آمده چنانکه بعد از این
در ذکر پدر بزرگوار ایشان مذکور گردد ان شاء الله تعالی گروه چهارم در بیان اولاد دختر
دیگر جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی و تتم اجامی که در عقد جناب خواجه ضیاء الدین
فرمندآبادی است که از شیخ فرمندآباد با فرزند وی را اولاد بعرصهٔ وجود
آمده چنانکه قبل از این در ذکر خواجهای فرمندآبادی الباخرزی مذکور شد ان شاء الله
جناب شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی را از زوجهٔ دیگر وی یک دختر تولد
یافته که در عقد جناب خواجه مختار بن شیخ محمد مومن بن ارشادپناهی خواجه ابو
اجامی است یک پسر و یک دختر تولد یافته پسر خواجه ابوالحسن و دو دختر در پردهٔ عفت
مستورست فرقهٔ دویم در بیان اولاد امجاد و احفاد کرام شیخ الاسلامی خواجگی خرد و
برادر شیخ الاسلامی خواجگی کلان کوسوی و تتم اجامی که وی را هم از جانب پدر نسب
رفیعه و هم جناب شریفه هست و هم از جانب مادر اما از جانب پدر نسب [illegible]
وی از یکی از سلاطین و حکام عالیمقام و وزراء ذوی الاحترام منتهی میشود
چنانکه قبل از این در ذکر برادر وی مذکور شد اما نسب شریف وی از جانب

والده

والدهٔ مکرمه بخواجه علاء کوسوی میرسد و خواجه علاء از جانب پدر نسب عالی وی بحضرت
شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد جامی میکشد و از جانب
والدهٔ مکرمه از نبایر حضرت سید المشایخ العظام خواجه شمس الدین محمد الکوسوی اینکه
والانتساب [illegible] وی نیز به شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلام
برهان الدین نصر الکارزی میرسد چنانچه آبا شیخ الاسلامی احمد جامی و انساب علی
قدس سره و تفصیل هر یک در ذکر برادر وی خواجگی کلان الکوسوی گذشته
شد مکرر اذکر نمینماید و اما والدهٔ مکرمهٔ وی نیز بنت خواجه ابوالمکارم بن خواجه
علاء الکوسویست که خواجه ابوالمکارم مذکور از نبایر خواجه شمس الدین محمد الکوسویست
چنانکه بعد از این مذکور شود ان شاء الله تعالی و جناب شیخ الاسلامی خواجگی خورد را از صبیهٔ
جلیلهٔ جمیلهٔ ساجدهٔ عابدهٔ کریمهٔ خواجه ابوالمکارم کوسوی خلف صدق وی را یک پسر
و یک دختر بعرصهٔ وجود آمده پسر سمی جد بزرگوار خود خواجه ابوالمکارم و دختر در عقد
جناب شیخ رشید الدین بن ارشادپناهی خواجه ابواحمد اجامی است و از هر یک
اولاد و اعقاب بعرصه آمده و لهذا اولاد ذکور و احفاد گرامی وی به دو شعبه منقسم
میشوند شعبهٔ اول در بیان اولاد جناب شیخ الاسلامی ابوالمکارم خواجه
ابوالمکارم کوسوی و تتم اجامی وی در میانهٔ اولاد حضرت شیخ الاسلامی ممتاز و متشخص است

زیرا که بحسن صورت و صفای سیرت آراسته و پیراسته است و صاحب همم علیه و نزد علوم و فضل مزین و بحلیه ورع و تقوی محلی است و از علوم نقلیه و قواعد عقلیه و مسائل ربعیه شرعیه بر خی مطالعه فرموده اند و همواره جمعی از نفایس نفیسه و صحبت شریف وی مستفیض و مستفید میشوند و افاده و استفاده میکیرند و از انجمله کتاب فصل الخطاب را که تصنیف حضرت قدوة العلماء و الفضلاء خواجه محمد پارسا علیه التحیة و الثناء است و اکثر تبیان ارباب معنی و معارف اصحاب یقین است که بالتماس و استدعاء علیحضرت نصفت و قهال پناه آصفجاهی جلالا للرفعة و الدنیاء و الدین اکبر الغوریانی که منسوب بولایت خراسان است موجود بوده و قریب بده دوازده هزار بیت انتخاب فرموده و کلمات عربی از العبارت و ضحه و الفاظ لایحه ترجمه کرده که کل شیء من الملیح ملیح و جناب خواجه ابو المکارم المذکور هم از جانب آباء عظام بانساب رفیعه مزین است و هم از جانب امهات کرام بانتساب شریفه محلی است چنانچه نسب عالی جده پدری وی از یکجانب آباء و اجداد بملوک و سلاطین عالیمقدار و وزراء ذوی الاقتدار منتهی میشود چنانکه قبل از این در ذکر عم بزرگوار وی شیخ الاسلامی خواجه کلان قطب کوسوی مفصل و مبین شد اما نسب عالی جده پدری وی بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی میرسد چنانچه خواجه ابو المکارم بن خواجه خورد بن الحسام بابا

بابا بنت شیخ الاسلام خواجه علاء الکوسوی و انتما نسب عالی خواجه علاء از جانب پدر بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی بدینوجه است که خواجه علاء بن خواجه احمد بن خواجه ابراهیم بن خواجه عیسی بن خواجه بشر الله بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره اما جانب خواجه علاء از جانب مادر از نبایر شیخ الاسلام شمس الدین محمد الکوسوی است که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلامی احمد جامی اند و چنانچه ذکر وی در نفحات الانس مذکور است و انتما نسب عالی وی بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی بدینوجه است که خواجه علاء الدین الحسام بابا بی بی مریم خواتون بنت شیخ الاسلام شمس الدین محمد بن خواجه محمد بن خواجه برهان الدین نصر بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد جامی و خواجه سراج الدین احمد المذکور که مادر وی بی بی هبة الرحمان است بنت شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکریزی نصبا هو ابن الشیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره اما انتما نسب عالی خواجه ابو المکارم از جانب جده مادری که خواجه الکریم کلان کوسوی باشد نیز بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی منتهی میشود چنانچه خواجه ابو المکارم

رفته بنا بر شیخ الاسلامی خواجه شمس الدین محمد الکوسوی است و اشتهار عالی خواجه شمس الدین
محمد الکوسوی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی منتهی است که قبل ازین مذکور شد
اما اشتهار عالی خواجه ابو المکارم از جانب جده مادری بحضرت قدوة الاتقیاء
والاصفیاء سالک مسالک طریق الحقیقة و ناطق حقایق توحید المؤید بنور الله
الملک الرحمن حافظ عمر ابو بکر الطوسی منتهی میشود که از اجله مشایخ است که ذکر او
در نفحات الانس مذکور است که بغایت بزرگ بوده و خدمت بسیار از مشایخ کرده
بوده و تربیت یافته کاشف اسرار بوده اما جده مادری خواجه ابو المکارم مذکور
سیادت پناهی میر جلال الدین محمد نام داشته اند و از سندهای سجلات و یرلیغ های
ملوک و سلاطین ماضی نسب عالی میر جلال الدین محمد بحضرت حافظ عمر ابو بکر الطوسی
مفهوم میشود و چنین گویند که وی از سادات حسینی میشده و اولاد خود را منسوب
باین عزیز میدارند و در سجلات و مکتوبات حسینی مینویسند اما زوجه مکرمه وی دختر
عم وی خواجه کلان الکوسوی است و وی را هم از جانب پدر و هم از جانب مادر
انساب رفیعه و انتساب شریفه هست اما از جانب پدر بدستوریست که در ذکر پدر وی
مذکور شد اما از جانب مادر که امشیره بی بی ماه بیگم که همشیره نتیجة المشایخ العظام
خواجه ابراهیم عوریانی است که یک دست بزرگوار ترند به میکشد که وی امشیره خانزاده

فخر الملک

فخر الملک بنت سیده ممالک اسلام سیده علاء الملک ترمذی و نیز نسبت سیادت
عظام سورویه شهدیه و نیز نسبت بخبر گزیده باری شیخ الاسلام خواجه عبد الله
انصاری قدس سره و نسب خواجه عبد الله نصبی بکبار ابو ایوب انصاری میکشد چنانکه
بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن جعفر بن ابو اسمعیل عبد الله انصاری قدس سره و نیز
نسبت بقدوة السالکین ابو المناقب خواجه مودود چشتی و بواسطه خواجه مودود
نسبت با سادات بزرگوار حسنیه و تفصیل هر یک در ذکر جده مادری وی
خواجه ابو المکارم شهید ابجاوزی الجامی در طبقه چهارم از قبیله اول این مجموعه
مذکور شده دیگر مکرر ذکر نمیباید و جناب شیخ الاسلامی خواجه ابو المکارم را از صبیه
جلیله جمیله عابده ساجده کریمه عم بزرگوار خود خلف صدق و برادر وسیه دو
دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه جلال و دیگری خواجه ابو الحسن که در صغر سن بطول الله
لقاء عمر ایها و صبیه وی در عقد خواجه پارسا است که از نبایر ارشاد پناهی خواجه
ابو احمد است و وی را الکیه عقب مانده سمی جد بزرگوار خود خواجه ابو احمد و دو صبیه ان
دیگر در پرده عصمت و عفت اند اما خواجه جلال بنت جناب شیخ رشید بن ارشاد
پناهی خواجه ابو احمد الجامی در عقد وی است یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه ابو طاهر
و سه دختر که در پرده عفت مستور است شعبه دویم در بیان اولاد دختر جناب خواجه خورد کوسوی

وششم اجامی که در عقد شیخ رشید بن ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی بوده است که هم
از جانب پدر و هم از جانب مادر به انساب رفیعه و انتساب شریفه مزین است چنانکه
تفصیل آن در ذکر برادر وی جناب شیخ الاسلامی خواجه ابو المکارم مبین و مفصل
شد و خلف صدق وی را دو پسر و سه دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه پارسا
چنانکه سابقا مذکور شد و دیگر خواجه خورد و اما یک دختر وی در عقد خواجه احمد بن
شیخ الاسلامی خواجه [illegible] کلان کوسوی بوده است و دختر دیگر در عقد بابا شیخ بن خواجه
محمد مؤمن بن ارشاد پناهی خواجه ابو احمد الجامی بوده است و دختر دیگر در عقد خواجه
جلال بن شیخ الاسلامی خواجه ابو المکارم الجامی بوده است و هر یک از بنات ثلثه را
اولاد هست چنانکه تفصیل آن سابقا در ذکر آبا و اجداد ایشان مذکور شد
طایفه دوم در بیان نسب عالی شیخ الاسلام اکابر علماء خواجه ابراهیم الغوریانی وششم اجامی که
از جانب والده مکرمه بحضرت شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی
احمد الجامی قدس سره میرسد فاما نسب عالی خواجه ابراهیم غوریانی از جانب پدر
بحضرت شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام احمد
الجامی میرسد و نیز نسبت بسادات عظام و مشایخ کرام میکشد چنانکه سابقا مذکور شد
در قبیله ششم و در طبقه دویم این مجموعه مفصل نموده ایم که والده مکرمه وی بنت

خواجه ابو الفتح

خواجه ابو الفتح کوسوی است و وی پسر خواجه علاء کوسوی است و اما نسب عالی
خواجه علاء از جانب پدر بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی بدین وجه است که خواجه
علاء بن خواجه احمد بن خواجه ابراهیم بن خواجه عیسی بن خواجه نصر [illegible] خواجه
قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود
بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام خواجه ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام
احمد الجامی قدس سره فاما نسب عالی خواجه علاء از جانب والده مکرمه از جانب
شیخ الاسلام خواجه شمس الدین محمد الکوسوی است و نسبت خواجه شمس الدین محمد
سابقا مذکور شد ذکر مکرر را ذکر نمی نماید و جناب خواجه ابراهیم غوریانی را خلف
صدق یک پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه ابو الفتح و یک دختر وی
در عقد میرزا ابو الحسن غوریانی بوده است و یک دختر دیگر در عقد خواجه مظفر
الجامی بوده است و هر یک را اولاد و اعقاب هست چنانکه قبل از این در ذکر آبا و
اجداد ایشان در قبیله ششم این مجموعه تفصیل نموده ایم طایفه سیم در
بیان نسب عالی و نسب متعالی شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک بادری و خواجه محمد ارجمند ساکن قصبه کوسویه
که از جانب والده مکرمه بحضرت شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ
الاسلامی احمد الجامی قدس سره میرسد فاما نسب عالی شریف ایشان از جانب

بهر که حضرت شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی اند منتهی میگشد
و بزیب وحدت عظام و مشایخ کرام و سلاطین و ملوک رفیع مقام نیز نسبت دارند
چنانکه قبل ازین در قبیله سیم و طبقه دوم این مجموعه مذکور شده مکرر اذکر
نمی نماید و جناب شیخ الاسلامی خواجه علاء الملک و برادر وی خواجه محمد اکبر الکوسوی
و تمم الجامی از جانب والده مکرمه نبیره خواجه ابوالملک رحمه بن خواجه علاء الکوسوی اند
و اما این خواجه علاء هم از جانب پدر و هم از جانب مادر از اولاد کبار حضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی اند چنانکه تفصیل آن در طبقات سابقا مذکور شده مکررا
ذکر نمی نماید و اما زوجه خواجه محمد اکبر نیز از نبایر خواجه علاء کوسوی است چنانکه
زوجهٔ وی بنت خواجه علی اکبر تایبادی الباخرزیست و این خواجه علی اکبر از جانب
پدر از اولاد حضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر التایبادی
الباخرزیست و اما از جانب مادر از اولاد شیخ الاسلامی احمد الجامی اند و زوجه
خواجه علی اکبر بنت خواجه ابوسعید بن خواجه ضیاء الدین یوسف کاریزی الباخرزی است
برادر خواجه عطار کلان و زوجه خواجه ابوسعید بنت اقضی القضاة مولانا عماد الدین
قاضی است و زوجه قاضی عماد الدین بنت خواجه علاء کوسوی است که از
نبایر خواجه شمس الدین محمد الکوسوی است و جناب خواجه محمد اکبر یک پسر و چهار دختر

بعرصه وجود آمده پسر مسمی بعم بزرگوار خود خواجه علاء الملک و دختران پرده
نشین عفت و عصمت اند طایفه چهارم در بیان نسب عالی اولاد لیسری خواجه شمس الدین
محمد بن خواجه عبدالله کوسوی و تمم الجامی و برادر دختری است که در عقد خواجه کلان زرنکاهی
بوده که از اولاد عمدة المتورعین و زبدة السالکین مولانا کلان زیارتگاهی است
اما خواجه کلان مذکور را از صبیه جلیله جمیله خواجه شمس الدین محمد بن خواجه عبدالوهاب
دیرابکی پسر و یک دختر بعرصه آمده پسر خواجه عیسی محمد و دختر اسمات خانزاخان و اما
این خانزاخان مذکوره والده مکرمه جناب هدایت مآب ارشاد پناهی میر محسن است
که الحال در بلده هرات و ولایت غوریان و قصبه کوسویه بر جاده شریعت مستقیم است
و جناب خواجه عیسی محمد را دو دختر است یکی در عقد خواهرزادهٔ وی جناب ارشاد
پناهی میر محسن مذکور است که یک پسر و چند دختر تولد شده پسر مسمی بمیرخواجه که
ای محبوب و مجذوب است این جماعت در شهر هرات بعنوان شیخزادگی مشهورند
و چون از زمره اهل صلاح خود مردم آنجا یار را بایشان اخلاص و ارادت
تمام است این جماعت از نبایر خواجه شمس الدین محمد کلان کوسوی است و نسبت خواجه
شمس الدین محمد تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قبل ازین در طبقات سابقا مذکور
شد قبیله دویم در بیان نسب عالی اولاد نامی و احفاد کرام مشایخ کوه قصبه

کاریز باخرز متوطن بوده اند و بعضی از این قبیله ببلده بلخ افتاده اند و اما این
جماعت از اولاد شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی و شیخ الاسلام صائن الدین
یوسف اند هما ابنان شیخ الاسلامی احمد الجامی اند قدس سره چنانچه بی بی امة
الرحمان که صبیه جلیله جمیله ساجده عابده کریمه شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی
بوده است بعقد زوجیت بخواجه سراج الدین احمد که پسر خواجه ضیاء الدین یوسف
بن شیخ الاسلام احمد الجامی اند داده بوده اند و اولاد نامی و جهاد کرام بوجود
وجود آمده و از آن جمله اند اولاد خواجهای کاریز باخرز و اما آنچه حالا از آن
طبقه موجودند در عرصه وجودند اولاد خواجه عطاء کلانست که وی را دو پسر بود
یکی خواجه ضیاء الدین یوسف و دیگری خواجه محمد اصغر و هر یک را اولاد
مانده و لهذا نامی وی بدو طبقه منقسم میشوند طبقه اولی در بیان اولاد ۲
خواجه ضیاء الدین یوسف کاریزی الباخرزی و ثم الجامی خلف صدق وی را اکبر و بکر فرزند
تولد یافته پسر خواجه عطاء و اما خواجه عطاء از بنت خواجه مظفر کاریزی در عقد وی
بوده است خلف صدق وی را دو پسر تولد یافته یکی خواجه ابو الفتح و دیگری خواجه
عبد الواسع که در صغر سن اند طول الله تعالی عمرهما که جد مادری ایشان حضانت
و محافظت احوال می نماید و جزوی زراعت موروثه که مانده است حاصل از آن

مرو

از معیشت ایشان مینماید اما صبیه خواجه ضیاء الدین یوسف کاریزی که امهات
بی بی مریم در عقد خواجه قاسم بوده است که وی را از جانب والده بمشایخ نیز نسبت است
او را پسر خواجه مریم است و وی پسر خواجه میرک لنگ است و انتهاء نسب خواجه میرک
لنگ به نوعی است که خواجه میرک بن امهات بی بی خواتون بنت خواجه ظهیر الدین عیسی
بن خواجه مختار قاضی بن خواجه شرف الدین بن خواجه ابی یامن بن خواجه سراج الدین احمد
بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره و اما والده
او بی بی مریم امهات خانزاده اصغر بوده است که از خویشان خواجه عبد الحی جامی است و نسب
خانزاده اصغر بشیخ الاسلامی احمد الجامی بدین نوع است که امهات بنت خواجه احمد بن امهات
خانزاده جمیله بنت خانزاده فاطمه خواتون بنت خواجه قطب الدین بن خواجه ابو الحسن بن
خواجه احمد بن خواجه قطب الدین بن خواجه شیخ پیر بن خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام
شهاب الدین اسمعیل بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره و اما این خانزاده اصغر اول مرتبه در عقد
خواجه حوزد بوده است که این خواجه محمد صالح زرده الباخرزیست که از خواجهای خلوتیه
و اما خواجه قاسم مذکور را از صبیه جلیله جمیله خواجه ضیاء الدین یوسف دو دختر بوجود
آمده و از هر یک اولاد و اعقاب باشند و لهذا اولاد نامی وی بدو گروه منقسم میشوند

گروه اول در بیان اولاد بنت عالیحضرت خواجه قاسم که در عقد خواجه ابوالقاسم
بن خواجه محمد صالح زرده الباخرزی بوده است دو پسر و سه دختر تولد یافته یکی خواجه بابا و دیگری
خواجه محمد صالح و یک دختر در عقد خواجه اکبر بن شیخ سراج الدین الجامی است و دختر دیگر در عقد
خواجه محمد صالح که از خواجهای فرسنده آباد باخرز بوده است و دختر دیگر در پرده عفت مستور است
گروه دویم در بیان اولاد دختر مشار الیه خواجه قاسم که در عقد حافظ محمد تقی
کاریزی الباخرزی بوده است چهار پسر و یک دختر تولد یافته یکی خواجه محمد یوسف و دیگری
خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه میرزا محمد و دیگری خواجه عتیق الله و دختر در پرده عصمت مکتوم است
فاما انتساب عالی خواجه عطا کاریزی الباخرزی و همشیره علیه وی تا بحضرت
شیخ الاسلامی احمد الجامی بدین موجب است که خواجه عطا بن خواجه ضیاء الدین یوسف
بن خواجه عطا بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه برهان الدین بن خواجه سراج الدین
احمد بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین
یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره طبقه ثانی در بیان اولاد خواجه
محمد اصغر بن خواجه عطاء الکاریزی الباخرزی و برا خلف صدق یک پسر تولد یافته
خواجه فخر الدین علی که در بلده بلخ متوطن بوده اند و بشیخ کاتب شهرت دارند و مدتی
بمنصب وزارت موفق بوده اند و برادر حرمان در ولایت باخرز رونق بوده است

ازخواجهای

از خواجهای فرسنده آباد که بنت شیخ الاسلامی خواجه زین الدین محمد فرسنده آبادی بوده
خلف صدق و یک دختر تولد یافته که در عقد خواجه علاء بن شیخ الاسلامی خواجه حاجی
... الکوسوی بوده است و اولاد بعرصه آمده چنانکه سابقا مذکور شد و اما خواجه
... فخر الدین علی نیز در بلده بلخ تاهل اختیار نموده و چنین گویند که در آن دیار
اولاد دارند و انتساب عالی خواجه فخر الدین علی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی
بدین موجب است که خواجه فخر الدین علی بن خواجه محمد اصغر بن خواجه عطاء بن خواجه ضیاء الدین
یوسف بن خواجه برهان الدین بن خواجه سراج الدین احمد بن خواجه صفی الدین محمود
بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی
احمد الجامی قدس سره و خواجه سراج الدین احمد المذکور هو ابن العصمات بی بی ...
الرحمان بنت شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی بن شیخ الاسلام احمد الجامی
النامقی قدس سره قبیله سیم در بیان اولاد شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی
که در ولایت جام و قصبه کوسویه و زورآباد و بلخ وغیره که متوطن شده و اما آنچه از جراید انساب قدیم و از
ملفات و سجلات و شجره و نسبنامها که بنظر در آمد مفهوم و معلوم شد که جمعی در تربت
مقدسه احمدیه و جمعی دیگر در ولایت زورآباد مسکن داشته اند و از انجمله خواجه حسن در بلخ
محمد ابدال و خواجه کلان خطیب و خواجه حبیب الله بزدوی الجامی و خواجه جلال الدین

محمود و شیخ سراج وقف زرشکی من ولایات جام و پسر عم وی خواجه محمد اکبر بن
خواجه عبد الرحیم زورآبادی و هر یک را اولاد و اعقاب مانده و لیکن اولاد نامی
و جهانه کرامی این قصبه به پنج طایفه منقسم میشوند طایفه اول اولاد خواجه محمد ابدال
و خواجه کلان خطیب و طایفه دویم اولاد خواجه حبیب الله بزدی الجامی و طایفه سیم
اولاد خواجه جلال الدین محمود و طایفه چهارم اولاد شیخ سراج وقف زرشک من ولایات
جام و طایفه پنجم اولاد خواجه محمد بن خواجه عبد الرحیم زورآبادی ثم الجامی طایفه اول
اولاد شیخ الاسلام خواجه محمد ابدال المشهور بخواجه ... ثم الجامی
و اولاد خواجه کلان خطیب و از هر یک
اولاد مانده و لیکن اولاد نامی و جهانه کرامی وی بدو فرقه منقسم میشوند فرقه اول
سابقا در ذکر خواجهای مشرف مذکور شده که خواجه محمد ابدال بنت خواجه صدر الدین
بن خواجه عبد العلی ... را نکاح نموده یک پسر بعرصه وجود آمده مجذوب ربانی
و محبوب حقانی خواجه عبد الحی الجامی که مشهور و معروف عالمند و چنین گویند
که آنچه بلفظ مبارک حضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی رفته است که در هر چهار صد
و یک دویست در هر پانصد سال در میان اولاد ما چون احمد شخصی پدید آید که
عالم خراج بوی باید داد و آثار عنایت ایزد تعالی در باب او این باشد که همه خلایق
ببینند که هذا من فضل ربی و در سنه چهار صد ... است که حضرت شیخ الاسلامی

الکوسوی ثم الجامی

در بیان ... خواجه عبد الحی ... اولاد شیخ الاسلام ... خواجه ... زنده جان ...

محمد ر

...اری شیخ عبد اللطیف الجامی ظهور نموده اند و بسی آثار عجیبه و حالات غریبه
...ی بظهور آمده و در سنه پانصد ... است که حضرت شیخ الاسلامی خواجه عبد الحق
...ه وجود آمده اند که ریاضات شاقه و مجاهدات لایقه میکشیده اند و چنین
...بند که بتمامی قطع خطوطات نفسانی نموده اند و از وی همه خلایق را کرامات
...ظاهر دمت همه افتاده و هر کس از ملوک و سلاطین و اهالی و اکابر و اشراف
...بت شریف وی رسیده و یر التصرف نموده و جذب کردی و جمله مرید و معتقد
...کشتی و در قصبه فوشنج و زنده جان از ولایت غوریان ساکن بوده اند و در میان
...یت مدفون گشته اند طاب ثراه و الجنة ماواه و خلف صدق و یرا دو پسر
...بعرصه وجود آمده یکی خواجه زنده فیل و دیگری خواجه عبد الحق اما خواجه زنده فیل
...پسر بعرصه وجود آمده و جناب حاجی الحرمین الشریفین و کهف الحاج المعتمرین
خواجه اسحق که در قریه زنده جان متوطن اند و در آن ولایت اولاد و اعقاب
...دارند اما خواجه محمد ابدال را دو دختر بوده است یکی در عقد خواجه زین العابدین
مسجد نوری بوده است و یکی در عقد خواجه غیاث الدین بوده است و هر یک را اولاد
و احفاد مانده چنانکه سابقا در ذکر قبیله حریم این مجموعه در ذکر خواجهای مشرف
و خواجهای مسجد نوری مفصل و مبین شد و اما چنانکه استماع افتاده که والده

شیخ حسن لاهوری که در دیار هند و ستان بشهزاد که شهرت یافته و معروف بوده‌اند

از خویشان خواجه عبد الحی الجامی است والعلم عند الله واما والده خواجه محمد صالح

زره الله خوری ذی المنان خازن المنعم نیز از این طبقه اند واما نسب عالی

خواجه عبد الحی الجامی بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی از جانب پدر به نوع است که

خواجه عبد الحی بن خواجه محمد ابدال و هو ابن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین

بن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه شرف الدین بن خواجه ابن یامین

بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام

احمد الجامی النامقی قدس سره فاما انتساب عالی خواجه عبد الحی از جانب والده مکرمه بحضرت

شیخ الاسلامی احمد الجامی به نوع است که خواجه عبد الحی بن الست بنت خواجه صدر الدین

بن خواجه عبد الجلیل که هو ابن خواجه عبد اللطیف بن خواجه عبد الجلیل بن خواجه عین الدین

المشرف هو ابن خواجه شمس الدین مطهر بن الشیخ الامام شهاب الدین اسمعیل بن شیخ

الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد الجامی

النامقی قدس سره فرقه دویم در بیان اولاد خواجه کلان خطیب خلف صدق و بزرگ ۲

بوده است خواجه زین الدین الجامی و یکی دیگر نیز بوده است که والده خواجه شهاب الدین

اسمعیل مسجد نور است و خواجه شهاب الدین اسمعیل را اولاد مانده چنانچه سابقا در ذکر

مشایخ مسجد نوری گذشت اما جناب خواجه زین الدین را دو پسر و

یک دختر بوده است یکی خواجه عبد الرحیم که بهندوستان رفته و در آن

دیار اولاد دارند و پسر دیگر خواجه سلطان میرک که در ولایت خواف متوطن است

و اولاد دارد فاما صبیه خواجه زین الدین الجامی در عقد یکی از سادات ولایت

خاف بوده است و اولاد مانده و از جمله اولاد وی یکی است خواجه میر مختار که

مدت چندین سال منصب وزارت ولایت جام و خاف و باخرز مرحله است

فاما انتساب عالی خواجه کلان خطیب بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی

به این وجه است که خواجه کلان بن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه

شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه شرف الدین بن خواجه ابن

یامین بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف

بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره طایفه دویم در بیان اولاد خواجه حبیب الله

واما انتساب عالی خواجه حبیب الله نور الجامی بحضرت شیخ الاسلامی

احمد الجامی قدس سره به این وجه است که خواجه حبیب الله بن خواجه ظهیر الدین بن خواجه

مختار الدین محمد بن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه

شرف الدین بن خواجه ابن یامین بن خواجه سراج الدین احمد بن شیخ الاسلام

ضیاء الدین یوسف شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره اما جناب
خواجه حبیب الله برزی را سه دختر بوده است یکی در عقد خواجه هاشم
بشتی الجامی بوده است و اولاد عالیحضرت ملجاء المشایخ العظام خواجه
غیاث الدین احمد البشتی و اولاد عم وی خواجه نور نور الدین محمد البشتی الجامی
از نسل ایشان دخترند اما دختری دیگری خواجه حبیب الله برزی در عقد نتیجة العلماء
الفضلاء السعید الشهید مولانا محمود بن اعلم العلماء والفضلاء مولانا
احمد سنجور بوده است و یکدختر دیگر در عقد واقی القضاة قاضی زاده قاضی
یوسف بهرام بوده است و اولاد خواجه جلال الدین برزی و اولاد برادران وی
و اولاد خواجه محمد صالح و شیخی از نسل ایشان دخترند اما دختر که در عقد مولانا محمود
سنجور بوده است چند دختر دیگر تولد یافته است یکی در عقد ارشاد پناهی
شیخ سراج الدین فلورزنی الجامی بوده است و اولاد بعرصه آمده
چنانکه سابقا در قبیله مختتم در ذکر خواجهای فلورزنی الجامی مفصل
و مبین شد یکدختر دیگر مولانا محمود سنجور بوده و یکی دیگر در عقد خواجه برهان
بن خواجه جلال الدین محمود بوده است که از اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین
یوسف بن شیخ الاسلامی احمد النامقی و ثم الجامی از و دو دختر تولد یافته چنانچه

تفصیل او

تفصیل او مذکور میشود ان شاء الله تعالی طبقه سیم در بیان اولاد خواجه جلال الدین محمود
بن خواجه شرف الدین الجامی که وی از اولاد کبار شیخ الاسلام ضیاء الدین
یوسف و شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی است و هما ابنان شیخ الاسلام
احمد الجامی النامقی قدس سره اما زوجه خواجه جلال الدین محمود همشیره خواجه حبیب الله
برزی الجامی بوده است و خلف صدق وی اینکه بعرصه وجود آمده است خواجه
برهان و زوجه خواجه برهان صبیه جلیله اعلم العلماء الفضلاء مولانا محمود
بن اعلم العلماء والفضلاء مولانا احمد سنجور بوده است که وی المسمات
بیاپاخانزا کلکون و از وی دو دختر بعرصه وجود آمده یکدختر المسمات بپاپاخانزاده
واحده و مسمات مذکوره را دو نکاح واقع شده است اول مرتبه در نکاح
خواجه عبد السلام بوده است که از خواجهای معلآبادی اند و مرتبه دوم
در عقد شیخ الاسلامی ارشاد پناهی مخدومی ملاذی خواجه محمد نورآبادی لنگر
دختر دیگر خواجه برهان در عقد خواجه ابو الحسن بن شیخ سراج الدین فلورزنی
الجامی بوده است و هر یک را اولاد و اعقاب مانده و لهذا اولاد نامی وی چنانچه
گرامی وی بدو شعبه منقسم میشوند شعبه اول در بیان اولاد دختر عالیحضرت خواجه برهان
وی المسمات پاپاخانزا واحده مرتبه اول که در عقد عبد السلام

بن خواجه محمد بوده است که از ابنای قاضی محمود معدآبادی اند و خلف صدق
وی را یک پسر بعرصهٔ وجود آمد خواجه محمد اکبر و از وی اولاد و اعقاب هستند
چنانکه قبل ازین در قبیل اختتام این مجموعه در ذکر خواجهٔ معدآبادی مفصل
مبین شد مکرر ذکر نمی نماید اما جناب پدر مکرمه در مرتبه ثانیه که در
عقد زبدة المتورعین و خلاصة السالکین شیخ الاسلامی ارشاد و پناهی مخدومی
خواجه محمد زورآبادی بوده است که از مشایخ العظام ولایت زورآباد اند
و ذکر آباء و اجداد بزرگوار ایشان بعد ازین در طبقه پنجم این مجموعه مذکور میشود
ان شاء الله تعالی اما جناب پدر معظمه را از حضرت ارشاد پناهی مخدومی
خواجه محمد زورآبادی در اخلف صدق یک پسر بعرصهٔ وجود آمده که مسمی
میشود بخواجه احمد سلمه الله و ابقاه که وی بحسن صورت و صفای سیرت آراسته
و پیراسته است باخلاق حمیده و اوصاف پسندیده متصف صاحب طبع
سلیم و ذهن مستقیم باشعار لطیفه و نکات دقیقه کما هو حقه میرسد
و بورود و رات شریفه و اذکار ماثوره آناء اللیل و اطراف النهار اوقات شریفه را
مصروف میدارد و همه اکابر و اهالی تعظیم و تکریم وی را بجا می آورند و ممتاز
و مستثنی میدارند اما وی را انتساب رفیعه است هم از جانب مادر و هم از

[illegible marginal verses]

پدر اگر در ذکر مشایخ زورآباد بیاید ان شاء الله تعالی اما انتساب که
وی را از جانب مادر است اولا بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی النامقی قدس سره
القاب یه بابه بدین وجه است که خواجه احمد بن الممسات پدر پدر خارزا واحده
بنت خواجه برهان بن خواجه جلال الدین محمود بن خواجه شرف الدین بن
خواجه مختار الدین قاضی بن خواجه شرف الدین بن خواجه مختار الدین بن خواجه شرف الدین
بن خواجه ابن یامین بن خواجه سلاح الدین احمد بن شیخ الاسلام ضیاء الدین بن
بن شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره و خواجه ابن یامین المذکور در خواجه ابن الممسات
پدر پدر هبة الرحمن بنت شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی ابا قرری و هولیس
شیخ الاسلامی احمد جامی النامقی قدس سره اما از یک جانب انتقال الانساب علی
خواجه احمد از جانب والدهٔ مکرمه بسادات عظام و علمای اسلام که ابقاء دین
و ملت در رواج شرع و سنت از ایشانست کما قال علیه السلام علماء امتی کانبیاء
بنی اسرائیل صدق نبی الله و جهت آنست که جد مادری وی الممسات پدر
خارزا مکلون بنت اعلم العلماء و الفضلاء مولانا محمود بن اعلم العلماء الجمهور مولانا
احمد مشهور بوده است که از افضل زمان و علمای اوان خود بوده اند و منصب
تدریس و قضا در بین چند ولایت که از جام و خاف و باخرز و موقف بوده اند در ب

انا انتساب که از جا
نب پدر است

مشکلات و دقایق که روی می داده ازیشان استفتی و استفساری نموده اند
وبسی از برکت وجود ایشان افاده واستفاده بخلق الله میرسیده که
قال علیه السلام خیر الناس ما ینفع الناس وقال النبی صلی الله علیه وسلم الناس عالم
ومتعلم وسایر الهمج و آثار و کتب متداوله بسی مانده که انتفاع از بهر مستقلان
و غیره میرسید و از آنجمله سواد مکتوب که از انفاس نفیس متبرک مولانا محمود پشخور
منظور داده که یکی از اعزه وقت نوشته بوده اند بعبارات واضحه والفاظ
لایحه که معاینه محرره تمنا و تبرکا باین مجموعه ملحق نموده اند هذا سواد مکتوب
آن بزرگوار است بیت بدان خدای که در باغ صنع او هردم ؛ گلی وجود ز خار عدم
شکفته شود ؛ که ذوق من بجنابت زیاده است از آن ؛ که شرح آن بتصاویر
خامه گفته شود بعد از تبلیغ دعا و ارسال ثنا عرضه میدارد که بر ضمیر منیر ناقدان
بصیر و خاطر خطیر ناظران بی نظیر پوشیده نماناد که بر همه کس فرض عین و عین
فرض است که نقش نفس خود را مهما امکن بزیور علوم دینی و معارف یقینی
تجلی و مزین نماید تا خود را باتش مجاهده در بوته علم شریعت و معرفت
نگداخته و بهیچ شغل دیگر نپردازد و ظاهر است که کسب این کمالات در همه حال کما
ینبغی دست نمیدهد چه باید که پیش از ان که در اطراف بستان جوانی شکوفه

پیری و ناتوانی سر زند و قبل از انکه سبزه زار بهار شباب شوکت را
غبار شیب و شخوخت بر عارض نشیند جهد تمام و سعی مالا کلام در تحصیل
این مرام متوقف ملک علام تقدیم رسانند و مشهور است و معروف وظاهر
و مکشوف که ترک وطن مالوف از شرایط تحصیل کمالات کما اشار الیه
اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب رضی الله عنه حیث قال
شعر تغرب عن الاوطان فی طلب العلی ؛ وسافر ففی الاسفار خمس فوائد
تفرج هم واکتساب معیشه ؛ وعلم وآداب وصحبت ماجد ؛ وایضا حضرت
رسالت پناهی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که اکمل مخلوقات اند از
وطن اصلی خود بیرون نهاده اند و از مکه معظمه بمدینه منوره هجرت نموده اند
جبرئیل امین علیه السلام از حضرت رب العالمین علم علیم نبوت و ارسال لوای
عرش قریب بجاه جلال بر در حقیقت خانه ملت ایشان نزده و نیز اگر کسی
بدیده بصیرت نظر کند یقین بداند که اگر کمال بی انتقال و ارتحال از
مقام اصلی ممکن بودی ارکز نفوس انسانی که اشرف ممکنات اند
از جهت ابراز وجود علمی که عبارت است از عالم عدم بمحنت خانه وجود عینی که عبارت است
از عالم حدوث منتها دندی پس بنابرین مقدمات التماس از کرم مرضی الصفات

آنست که برادر اعز ارشد ارجمند مولانا وجیه الدین درویش محمد را بدین جانب
فرستند شاید بسیاری نوشتن باری عزیز است و بیمن همت آن جناب و اهتمام
این کمینه فقیر چنان شود که مسائل از کتاب استخراج تواند نمود از طریق معیشت
او صلاح و عیاله بخاطر راه ندهند که من یتوکل علی الله فهو حسبه و نیز اولاد درویش
که آنجا باشند ما و او را کافی خواهد بود و چون بکرم آن جناب اعتماد کلی داشت
این گستاخی نمود والسلام علی من اتبع الهدی و اما چنین شهرت پیوسته که
این طبقه را سنجور ملقب میدانند جهت آنست که آباء و اجداد این جماعت را
بملوک و سلاطین نسبت میدانند و نیز از السنه ثقات استماع افتاده که
مولانا احمد سنجور را نسبت سیادت هست جهت آنکه از بنابر سیادت
پناه ورع آثاری میر عبدالله فرمند آبادی ایشان را خویش اند که و را از سادات
عظام سلسله ولایت خاوریست و ایضا در مقامات حضرت شیخ عین المنور
قدوة العلماء مولانا ابو محمد معاذ زین الملة والدین زین الدین ابوبکر التایبادی
الباخرزی مذکور است که جناب سیادت پناه میر عبدالله از قریه فرمند آباد بتحصیل
علوم شرعیه و مسائل دینیه اکثر روز از فرمند آباد نزد حضرت مولانا بقریه تایباد
می آمده اند و بعضی اوقات در پیرامون منزل بقدر انتظار می برده اند تا یکنوبت

حضرت

حضرت مولانا در واقعه دیده اند که ارواح حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم
حاضر شده اند و فرموده اند آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرزند ما را در بیرون بسیار
انتظار نباید داد و چون حضرت مولانا حاضر شده اند و بیرون آمدن و انواع
نوازش و التفات بسیار نموده و عذرخواهی فرموده اند و بعد از آن هر روز حضرت
مولانا از قریه تایباد و سیادت پناه میر عبدالله از قریه فرمند آباد متوجه
میشده اند و در راه پشته ایست که اتفاقا هر روز در آن پشته بیکدیگر مجلس
میکرده اند و ملاقات میفرموده اند و درس و سبق میخوانده اند و باز هر یک بمکان خود
رجعت میکرده اند و جناب مخدوم زاده یکی خواجه احمد را نیز اولاد و اعقاب
بعرصه وجود آمده که تفصیل او را العدد زین بذکر آباء و اجداد بزرگوار ایشان
که از جمله مشایخ زورآباد اند مفصل و مبین خواهد نمود ان شاء الله تعالی
... اولاد شیخ خواجه برهان الدین بن خواجه جلال الدین محمود ... که در عقد خواجه ابوالحسن
بن شیخ سراج الدین فلور... فی ایامی بوده است و براخلف صدق یک پسر
بعرصه وجود آمده خواجه عبداللطیف که در قریه برد جام در سر مزار فیض آثار
حضرت شیخ صوفی علی که جد جده پدری ویست متوطن اند و اوقات را بدعا
و اذکار ماثوره میگذرانیده اند و از عالم و عالمیان فارق بوده اند و توکل

بکرم منان وارند والتجا بابنا دهر نمیکنند بیت نان خشک قناعت کن

بجامهٔ دلق ∴ که بار منت خود به که بار منت خلق ∴ واما انساب رفیعه

وی از جانب پدر و خواجهای بلوزنی اجامی میکشد چنانکه در تفصیل سیم این

مجموعه مذکور شد دیگر مکرر ذکر نمی نماید و تفصیل اولاد خواجه حبیب الله یزدی الکانی

و اولاد خواجه جلال الدین محمود و مولانا احمد سنجوری را از تقریر ورع آثاری خواجه

عبد اللطیف بن خواجه ابو الحسن مفصل نمود زیرا که بر قول وی اعتماد و وثوق

تمام بود و وی را از جمله رجال عقل و ثقه می دانستند فاما نسب عالی ایشان تا

بحضرت شیخ الاسلامی احمد جامی قدس سره از کتاب بحر الانساب قدیم نقل

نموده و مفصل فرموده طایفه چهارم در بیان اولاد جناب سلالة المشایخ العظام

خواجه سراج الدین احمد واعظ زرشتک خواجهای جام و وی از مشاهیر مشایخ وقت خود بوده است

در زیور تقوی و ورع فرید و مجلی بود و صاحب ورد بوده و بر ادعیه ماثوره

مواظبت میکرده حزب البحر و دعاء سیفی همواره می خوانده و از وی آثار عجیبه

بظهور می آمده و وی را املاک و زراعت بسیار بوده است بعضی در ولایت جام و بعضی

در ولایت زور آباد چنانچه از وقفیات و سجلات وا می یابند و احکام

حکام ماضی که بدست جماعتیست که باولاد وی منسوب اند مفهوم میشود و شجره

در بیان نسب عالی خواجه زین الدین یوسف که از اولاد خلف ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام احمد جامی قدس سره

ونسبنامه

و نسبت نامه آباء و اجداد وی را بنظر در آورده اند نسبت وی را تا بحضرت شیخ

الاسلامی احمد جامی النامقی قدس سره بدین نسبت نموده بوده اند که شیخ سراج

احمد بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه عماد الدین

محمد بن خواجه برهان الدین نصر بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء

الدین یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن

شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد النامقی ژنده پیل الجامی قدس سره

و جناب خواجه سراج الدین احمد المذکور را دو ابن المسمات به بی بی ستی

الحرم بنت شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکارزیری هو ابن شیخ الاسلامی

احمد جامی النامقی قدس سره و اما جناب شیخ سراج الدین احمد واعظ زرشتکی را

یک پسر و یک دختر تولد یافته است اما دختر در عقد خواجه علی بلوزنی جامی بوده است

که از خواجهای بلوزن جام اند و اما اولاد شیخ سراج بلوزنی و شیخ جلال

بلوزنی از جانب والده مکرمه از این طبقه مشایخ زرشتک اند اما پسر

وی خواجه زین الدین بوده است و وی را پسر بوده شیخ سراج و اما جناب

شیخ سراج را دو پسر بوده است یکی خواجه زین الدین و دیگر خواجه غیاث

الدین اما از خواجه زین الدین یک دختر مانده بی بی خانزاده خورد و اولاد دارد

واما از خواجه غیاث الدین اولاد بسیار مانده وی را دو زوجه بوده است
زوجه اول بنت نتیجة المشایخ العظام خواجه محمد ابدال کوسوئی بوده و
زوجه خواجه محمد ابدال بنت خواجه ضیاء الدین فیل پا بوده است که از خواجهای
شرفی اند چنانچه در سلسله دویم این مجموعه مفصل نموده ایم که از بنت خواجه
محمد ابدال وی را یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه لطیف و دیگری
خواجه [illegible] اما از خواجه [illegible] اعقاب نمانده و از خواجه لطیف دختر
مانده که در عقد خواجه فضیل یزدی الحاجی بوده است که اصلا از خواجهای
سعد آباد است چنانچه در فصل هشتم این مجموعه موضح و مرقوم نموده ایم
اما از زوجه دویم خواجه غیاث الدین را دو پسر تولد یافته است یکی خواجه
عبد الغفار و دیگری خواجه کلان و هر یک را ازین دو برادر اولاد است
ولهذا اولاد وی به دو فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان اولاد خواجه عبد الغفار
بن خواجه غیاث الدین
وی را دو ولد بوده است زوجه اول وی بنت خواجه بهاء الدین
مسعود نوری است وی را یک دختر تولد یافته و در پرده عفت و عصمت مکتوم است
و از زوجه دیگر وی را شش دختر عقب مانده است یکی در عقد ملا صلاح بن مولانا

عبدالغفور

عبدالغفور خادم بوده است که والده وی از خواجهای مسعود نوری است و
یک دختر دیگری وی در عقد خواجه غیاث الدین بن خواجه محمود مسعود بوده است و
دختر دیگر در عقد خواجه خلیل بن خواجه قطب الدین [illegible] بوده است
و هر یک نیز اولاد است چونکه در ذکر پسرپیشان در جمله خواجهای
مسعود نوری مذکور شده مکرر ذکر نمی نماید و سه دختر دیگری وی در پرده
عفت و عصمت مستور است
کردی بزیور عقل و تمیز فرزیست مزین و محلی بود و از جمله قران مرحوم ممتاز و مستثنی
بوده است و دختر خواجه قطب الدین مسعود نوری بعقد وی در آورده و دختر
اول و پسر و دو دختر تولد یافته یکی خواجه عرب و یکی خواجه زین الدین و اما هر
دو دختر در پرده عفت و عصمت مکتوم اند اما جناب خواجه کلان را از زوجه دویم خواجه
قطب الدین مسعود نوری یک پسر بعرصه وجود آمده خواجه محمد امین اما اولاد
خواجه کلان را از جانب والده مکرمه نسبت است [illegible] مسعود نوری و نیز
نسبت است بخواجهای شرفی بواسطه خواجهای [illegible] مشرفی میرسد
بحضرت مولانا و مخدومنا زین الملة والدین زین الدین ابوبکر تایبادی الباخرزی
و نیز نسبت است بملکان کرة الغوری که بانی مسجد جامع دار السلطنه هرات اند
مسجد

تفصیل هر یک در تبیلهٔ دویم این مجموعه سابقا در ذکر خواجهای ترشیز مفصل نموده ایم فاما انتساب عالیها خواجه عرب و خواجه کلان از جانب

والده مکرمه که از مشایخ مسجد نو نسبت تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی

النامقی قدس سره میرسد چنین است که خواجه عرب بن المسمات به بی بی بیگم

بنت خواجه قطب الدین بن خواجه زین العابدین بن خواجه قطب الدین

بن خواجه شهاب الدین اسمعیل بن خواجه محمد بن خواجه خلیل بن خواجه

محمود بن خواجه قطب الدین احمد بن خواجه خلیل بن خواجه شهاب الدین

اسمعیل بن خواجه قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل بن

بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلام

احمد الجامی النامقی قدس سره طایفهٔ پنجم در بیان اولاد و احفاد کرام سلالة المشایخ الکرام

خواجه محمد بن خواجه عبد الرحیم زورآبادی و تم جامی اما این طبقه بدو طایفه انقسام

افتاده طایفهٔ اول اولاد خواجه عبد العلی و طایفه دویم اولاد برادر وی خواجه

عبد الرحیم اما اولاد خواجه عبد العلی بدو فرقه انقسام یافته یک فرقه اولاد

خواجه محمود و دیگری اولاد ارشاد پناهی خواجه محمد و اما این هر دو فرقه

باز بچند شعبه و جماعت و گروه منقسم شده اند و طبقهٔ دویم که اولاد

و جماعت

در بیان نسب عالی خواجهای زورآبادی و تم جامی که از اولاد خواجه ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلام احمد جامی اند

اما خواجه عبد الرحیم

خواجه

خواجه عبد الرحیم اند این هم بچند فرقه و شعبه منقسم شده اند و اما چنین

روایت نموده اند از اینجاست جماعت خواجهای زورآبادی و تم جامی

که پیر و معتمر شده بوده اند و از آبای و اجداد خود را یاد میداده اند

که خواجه محمد بن خواجه عبد الرحیم پسر خواجه غیاث الدین محمد بوده است

که باز و برادر پسر بوده است یکی خواجه عبد الرحیم و دیگر خواجه قطب الدین

محمد که پدر خواجه سراج الدین احمد و دختر زرشک است و اما ایشان از تحقیقات

و تدقیقات که بنظر در آمده چنان معلوم شد که خواجه غیاث الدین محمد

پسر خواجه عماد الدین بن خواجه برهان الدین نصر بوده اند و در بحر

الانساب قدیم نسب عالی خواجه برهان الدین نصر را

تا بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره چنین ایراد نموده اند

که خواجه برهان الدین نصر بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ضیاء الدین

یوسف بن خواجه صفی الدین محمود بن خواجه سراج الدین احمد بن

شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف بن شیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره

و جناب خواجه سراج الدین احمد المذکور ابن المسمات به بی بی ست الحرمین

بنت شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی ابن شیخ الاسلامی

احمد جامی النامقی قدس سره اما جناب خواجه محمد بن خواجه عبدالرحیم را
خلف صدق دو پسر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه عبدالعلی و دیگری
سمی جد بزرگوار خود خواجه عبدالرحیم و اما والدهٔ خواجه عبدالعلی
و خواجه عبدالرحیم بنت جلیله جمیله پا جده عابده کریمهٔ شیخ المشایخ
العظام خواجه محمد زاهد بن خواجه ابوالمعالی بوده است که از خواجهای
سعدآبادی از ذخیرهٔ جناب ارشاد پناهی مخدومی خواجه عبدالعزیز جامی الله
فاما انما نسب عالی خواجه عبدالعلی و برادر وی خواجه عبدالرحیم از جانب
پدری بوجه است که مسطور و مرقوم شد اما نسب عالی آن خواجه عبدالعلی
و برادر وی خواجه عبدالرحیم از جانب والدهٔ مکرمه که همشیرهٔ مخدومی خواجه
عبدالعزیز جامی باشد اتصال می یابد به بنت طیبه طاهرهٔ حضرت شیخ الاسلامی
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن شیخ الاسلامی احمد
جامی النامقی قدس سره که در عقد یکی از علماء اسلام بوده است که ابقاء
دین ملت و رواج اسلام و شریعت بایشانست که قال النبی صلی الله علیه و سلم
العلماء ورثة الانبیاء و هو علامة العلماء المتبحرین و زبدة الفضلاء
الکاملین صدر العلماء مولانا ابوالفضل تاج الملة والدین مولانا تاج الدین

آنحضرت آدم من التراب [illegible]
[illegible] من [illegible] والعوج
والنوبه من الملح [illegible]
والزبد من [illegible] والملح [illegible]
من الماء والتین [illegible]
والذره [illegible]
[illegible] الله تعالی [illegible]

محمود بن اعلم العلماء قاضی اوحد بوزجانی الجامی رحمة الله علیه که
آباء و اجداد ایشان از اشراف و اکابر وقت خود بوده اند و مرتبه
وزارت نیز داشته اند و حضرت شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین یحیی نشابوری
از نبایر قاضی اوحد البوزجانی اند که از بنت طیبه طاهرهٔ حضرت شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین
مطهر بن شیخ الاسلام احمد جامی بعرصهٔ آمده که این شعر منسوب بایشانست که
در تعریف آباء کرام خود فرموده اند بیت لنا اشراف آباء کرام بشد مد
کرام نسل فتسل اذا ما استلی بجمع المال قوم فنحن بنیه لمار هو فتبلوا
اما نسب عالی مخدومی خواجه عبدالعزیز جامی و بعضی فضایل و شمایل وی در تکمله
متمم این مجموعه مذکور شده که دیر انجواجه عبدالعلی که خواهرزادهٔ ویست توجه و
نظر و التفات بسیار بوده است بعنوان که جزوی املاک که وقف خانقاه معلا
زاده که مدفن شریف وی آنجاست متولیت آنرا در بعهده خواجه عبدالعلی
خواهرزاده خود نموده اند زیرا که منظور نظر و مقبول بصر وی بوده است و چنین گویند
که خواجه عبدالعلی دست ارادت بحضرت شیخ المشایخ مخدومی اعظم شیخ حاجی
الخبوشانی داده بوده اند و از عنایات شامله و عواطف کامله نسبت

بوی میسر نموده اند و در اربعینات و خلوات با طائفهٔ صوفیه صاحبه و دیرا ریاضات
شاقه فرموده اند و ببشارت اجازت نیز مشرف و مفتخر گشته اند چنانچه در
رسالهٔ شریفه که اسامی خلفائی خود را بنظم در آورده اند چند بیت که
بخواجه عبد العلی التفات نموده شعر باین مضمون است ۞ آن یکی دیگر که شیخ تاج دین
روح شیخ جام و پیر جامی است ۞ چاشنی خیریه پس از جام اوست ۞ جام از دا
جش بکر ز انعام اوست ۞ جذبه اوش موافق با سلوک ۞ باشد از اهل یقین
او با سلوک ۞ پس سریع السیر نیکو سیر است ۞ هم بدیع القدر نیکو طایر است
در تجلیها فنا شد فی الفنا ۞ لاجرم شد محرم بحر لقا ۞ شیخ واصل تاج دین عبد العلی
انه قد صار من قدر الجلی ۞ و اما همشیره خواجه عبد العلی برادر وی خواجه عبد الرحیم
را اولاد و اعقاب و ذریه نتیجه بسیار بعرصه آمده و اکثری در ولایت زور آباد
متوطن اند و لهذا اولاد و اعقاب نامی این جماعت بدو طبقه منقسم میشوند
اول خواجه عبد العلی طبقه دویم اولاد خواجه عبد الرحیم طبقه اول در بیان اولاد و احفاد
خواجه عبد العلی بن خواجه محمد زور آبادی قدس سره خلف صدق وی دو پسر دیگر
بعرصه آمده یکی در ورع آثاری خواجه محمود و دیگری ارشاد پناهی خواجه محمد دیگر دختر
در عقد خواجه مرکب خورد زور آبادی بوده است و جمع اولاد از وی دران ولایت

هستند اما در یک اما از خواجه محمود ارشاد پناهی خواجه را اولاد و اعقاب
مانده و لهذا اولاد نامی وی بدو فرقه منقسم میشوند فرقه اول در بیان ورع آثاری
خواجه محمود زور آبادی قدس سره بن شیخ الاسلام خواجه عبد العلی زور آبادی قدس سره
جناب خواجه محمود در زمان خود از مشایخ زور آباد ممتاز و مستثنی بوده اند
و از قواعد علمیه و مسایل فقهیه بقدر احتیاج مطالعه فرموده اند و اهل سلوک
بوده اند و ارادت ایشان نیز بشیخ المشایخ شیخ حاجی محمد الخبوشانی بوده
و دیگر از جمله اجله خلفاء آن بزرگوار میدانند زیرا که اشارت باجازت نموده اند
و زوجه مکرمه وی بنت مخدوم زاده کی شیخ شاه بوده و مقتداء سلسله
شریفه نتیجه کبرویه بوده اند و والده زوجه وی بنت جلیله جله مخدومی اعظم
شیخ المشایخ حاجی محمد الخبوشانی بوده اند که از صبیهٔ مکرمه خواجه قطب الدین محمد اند
که از خواجهای بلورز [illegible] بعرصه در آمده نام نسب عالی خواجهای [illegible]
الجامی در سلسله هفتم این مجموعه مذکور شد جناب خواجه محمود را ازین زوجه
یک پسر بوده است خواجه محمد شفیع اما جناب خواجه محمود را یک دختر نیز
بوده است که در عقد خواجه درویش محمد زور آبادی بوده است دران ولایت
بعضی اولاد مانده است فرقه ثانی در بیان اولاد و احفاد گرامی ارشاد پناهی خواجه محمد زور آبادی قدس سره

روح الله وروحه وزاد فی حظایر القدس فتحه فتوحه وچنین گویند که وی درایام
درایام شباب در دکان جولاهگی دست ارادت بعالیحضرت شیخ الاسلام مخدومی ارشاد
پناهی شیخ عبداللطیف الخوارزمی قدس سره داده بودند وانواع توجه والتفات بسیار
بسبت بوی اظهار آمده که دال بر تخصیص وی بوده اما بعد از مدت دیگر ارادت
وی بزبده اهل سالکین شیخ درویش محمد واشکر بوده است که از جمله اجله خلفای
مخدومی اعظم بوده اند واقع شده ومدت در خلوت وار بعینات بادی
بسر می برده اند وانواع ریاضت شاقه ومجاهدت لایقه برده اند ودر صحبت
تمام از تزروی یافته اند ودرین چند ولایت از جام وزورآباد وباخرز مدت جلا
شیوخیت ومقتدائی وپیشوائی مستقیم بوده اند وعامه مردم را از طریق
ضلالت جهالت ترغیب میفرمایند وچون کسی بمجلس شریف وی درآمدی
وچشمش بر نظر بی نظیر وی افتادی فی الحال مرید ومعتقد وی گشتی وستفیض
ومستفیض شدی بمضمون حدیث صحیح شاهد حال ویست که هم الذین
اذا رأوا ذکر الله وجناب هدایت مآب بنابر آیه کریمه که فانکحوا ما طاب لکم
من النساء مثنی وثلاث ورباع وبسبب سنت سنیه نبویه علیه الصلوة و
والتحیه بعقد ودر نکاح واقع شده است یک زوجه وی از همان ولایت زورآباد

ودیگری از مشایخ جام بوده است اما چون کثرت اولاد واحفاد سنت
انبیاء واولیا است از هر یک ازین زوجات اولاد واعقاب بسیار بعرصه
وجود آمده ولهذا اولاد نامی واحفاد گرامی وی بدو جماعت منقسم میشوند جماعتی
که از زوجه اول تولد یافته اند وجمعی که از زوجه ثانیه تناسل فرموده اند جماعت
اول در بیان اولاد نامدار واحفاد عالی مقدار از ذریه پناه خواجه محمد زورآبادی وشیخ الجامی که از
زوجه اول که بنت قاضی یوسف زورآبادی است که از نتایج علماء وفضلاء
است بعرصه وجود آمده وخلف صدق وی را سه پسر ویک دختر تولد یافته یکی خواجه
عبدالعزیز ودیگری خواجه عبدالسلام ودیگری خواجه احمد واما دختر در عقد خواجه
شادی محمد زورآبادی بوده است واز هر یک اولاد مانده ولهذا اولاد نامی

شعبه اول

واحفاد گرامی وی بچهار شعبه منقسم میشوند جماعت ثانیه در بیان اولاد خواجه عبدالعزیز
بن ارشاد پناهی خواجه محمد زورآبادی وشیخ الجامی خلف صدق وی را دو پسر
ودو دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه عبداللطیف ودیگری خواجه محمد زاهد واز
هر یک پسران ودختران اولاد مانده ولهذا اولاد ایشان بچهار گروه منقسم
میشوند [illegible] اولاد خواجه عبداللطیف بن خواجه عبدالعزیز زورآبادی وشیخ الجامی
خلف صدق وی را پنج پسر ویک دختر بعرصه آمده یکی خواجه عبدالغفور ودیگری خواجه

محمد زمان و دیگری محمد اکبر و دیگری شیخ صوفی و دیگری خواجه عبد السلام اما
از چهار پسر اولاد مانده و از آنجمله خواجه عبد الغفور که در ولاد هندوستان
بنت شیخ الاسلام خواجه جلال الدین محمد کلنک را بعقد مناکحت در آورده اند
که از نبایر شیخ الاسلام خواجه ابو المکارم شهید است که از اولاد خواجه رضی
الملة والدین احمد المتوکلی اند که نسبت دارند بسادات بزرگوار چنانچه تربیة
که الیمسات خانزاده فخر الملک بنت سید علاء الملک ترمذی و نیز نسبت
دارند بخواجه عبد الله انصاری و نیز نسبت دارند بخواجه مودود چشتی و بواسطه خواجه
مودود نسبت دارند بسادات چنانچه در ذکر خواجهای جاودی اجامی
در فصله این مجموعه مبین و مفصل شد اما جناب خواجه عبد الغفور را از بنت
خواجه جلال الدین محمد کلنک دو پسر بعرصه آمده یکی خواجه محمد زمان و دیگری
خواجه ضیاء الدین یوسف اما خواجه محمد زمان بن خواجه عبد اللطیف در هندوستان
از دختر برادر خود را بعقد کاح خود کرده اند و در آن دیار اولاد دارند اما خواجه محمد اکبر
بن خواجه عبد اللطیف را سه پسر بوده است یکی خواجه عبد اللطیف و دیگری
خواجه علی اکبر و دیگری خواجه عبد القادر اما شیخ صوفی بن خواجه عبد اللطیف زوجه
وی بنت سیادت پناه میر معین روزآبادیست که یک دختر بعرصه آمده که در پرده

عصمت

کبار

عصمت مکتوم است اما دختر خواجه عبد اللطیف بن خواجه عبد العزیز
روزآبادی و ثم اجاری که در عقد خواجه شهاب الدین بن خواجه عماد الدین
لجهرست و یک دختر تولد یافته که در پرده عفت مستورست گروه دویم
در بیان اولاد خواجه محمد زاهد بن خواجه عبد العزیز روزآبادی و ثم اجاری که زوجه وی بنت میر
عبد الحق است که از سادات موسویه مشهور اند و خلف صدق و برادر پسر و یک دختر
بعرصه وجود آمده یکی خواجه محمد و دیگری خواجه عبد الحق و دختر در عقد ابن عم وی
خواجه ضیاء الدین یوسف بوده است و یک پسر تولد یافته خواجه عبد السلام گروه سیم در بیان اولاد
خواجه عبد العزیز روزآبادی و ثم اجامی که در عقد یکی از امیران جغتای
بوده است دو پسر و دو دختر تولد یافته یکی یوسف بیگ و دیگری جعفر بیگ و از هر
یک پسران اولاد مانده گروه چهارم در بیان اولاد بنت خواجه عبد العزیز روزآبادی و ثم اجامی و این
سه نکاح واقع شده مرتبه اول در عقد ملا خواجه محمد الیاس بن خواجه محمد مؤ
من است و اولاد دارند و مرتبه دویم در عقد میر عبد اللطیف بن میرزا باقی بوده است
که از اولاد زبدة الواصلین و عمدة المتورعین بابا حاجی توکل اند که از جمله سادات
موسویه اند و مرتبه سیم در عقد خواجه نور الدین محمد مؤمن روزآبادی است
و برای یک دختر تولد یافته است که در پرده عصمت مکتوم اند شعبه دویم در بیان اولاد

بزرگ

خواجه عبدالسلام از خواجه محمد زور آبادی و ثم اجابی خلف صدق وی را یک پسر

و یک دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه ضیاء الدین یوسف و از یک زوجه دیگر

که بنت خواجه محمد زاهد است یک پسر تولد یافته خواجه عبدالسلام و از زوجه

دیگر که بنت خواجه احمد است یک پسر تولد یافته خواجه عبید العلی و از زوجه دیگر

یک دختر بعرصه وجود آمده لیکن در عقد خواجه محمد زمان لیکن است اما دختر

خواجه عبدالسلام در عقد شیخ میر محمد بن حاجی اجابی بوده است یک پسر و یک دختر

تولد یافته شعبه سیم در بیان اولاد خواجه احمد زاهد بن خواجه محمد زور آبادی و ثم الجابی

خلف صدق وی را یک پسر و یک دختر بعرصه آمده پسر خواجه غیاث الدین و دختر

در عقد سیادت پناه میرزا یعقوب بوده است و احفاد و اولاد وی بدو گروه

منقسم میشوند گروه اول در بیان خواجه غیاث الدین احمد خلف صدق وی را یک دختر

بعرصه وجود آمده که در عقد میرزا محمد بن خواجه مظفر زور آبادی است و اولاد

دارند گروه دوم در بیان اولاد دختر خواجه احمد که در عقد سیادت پناه

میرزا یعقوب بوده است که از نبایر زبدة المجذوبین بابا توکل اند که از سلسله

موسویه شبهه یافته اند و خلف صدق وی را یک پسر و یک دختر بعرصه وجود آمده

پسر میرزا حسین که در بلده بلخ متوطن اند و از علوم شرعیه بهره [illegible]

اما دختر در عقد ابن عم وی سیادت پناه میر عبد المطلب بوده است

و اولاد دارند شعبه چهارم در بیان اولاد دختر راستی پناهی خواجه محمد زور آبادی و ثم اجابی

که در عقد خواجه شادی محمد زور آبادی لیکن است و خلف صدق وی را سه پسر

بعرصه وجود آمده یکی خواجه کلان و دیگری خواجه احمد و دیگری خواجه ابراهیم

و هر یک را اولاد مانده جماعت ثانیه در بیان اولاد و احفاد گرامی ارشاد پناهی خواجه محمد

زور آبادی و ثم اجابی که از زوجه که از خواجهای تربت جام بعقد زوجیت در آورده

بعرصه وجود آمده سابقا مذکور شد که زوجه مکرمه وی دختر سیادت پناه خانزاده بنت

خواجه برهان بن خواجه جلال الدین محمود بوده است که انتساب علیه آبا و کرام ایشان بحضرت

شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلام برهان الدین نصر الکاریزی میرسد

و ایشان بشیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره و اما والده زوجه وی دختر

بابا کلکون که از مشایخ علماء اسلام که انصار شرع ملت و مروج اسلام بوده است

که از نبایر مولانا اعظم الاکرم المشتهر بین الجمهور والانام مولانا احمد سنجور بوده است

و مولانا احمد المذکور از نبایر علیحضرت سیادت پناه مدرس آثاری میر عبدالله قدس سره

الباخرزی بوده است که وی از سلسله سادات ولایت خاف اند چنانچه قبل از این در ذکر

خواجه برهان الدین بتفصیل مذکور شد اما جناب ارشاد پناهی خواجه محمد را [illegible]

مذکوره خلف صدق یکی پسر بعرصه وجود آمده که مسمی میشود بخواجه احمد که وی هم از جانب پدر و هم

از جانب مادر بانساب رفیعه و انتساب شریفه مزین است چنانکه تفصیل آن به بقا

مذکور شد که وی در ولایت جام متوطن است و متولی اوقاف عرفان پناه مخدومی خواجه

عبد العزیز الجامی بوده اند و احیانا بولایت زور آباد که وطن اصلی آبا من حقیقی آبا و اعظام

و اجداد کرام دولت تشریف میبرند و اهل آن دیار را مبتهج و مسرور میسازند

هر جا که نهد پای صفا در قدم اوست   مرهم مردمان وی را کما هو حقه

تعظیم و تکریم می نمایند و وی را اولاد نجیبه است یکی دختر که وی بنت خواجه

محمد مؤمن بن ابو احمد است و والده وی از بنات حضرت مخدومی ارشاد

پناهی شیخ عبد اللطیف الجامی الخوارزمی است و خلف صدق وی را یک

پسر و دو دختر بعرصه وجود آمده یکی خواجه عبد المؤمن که در صغر سن است و دختران

پرده نشین عصمت و عفت اند و اما یک دختر خواجه احمد از ولایت زور آباد است بنت

خواجه جلال الدین محمود بن میر قطب الدین محمد است و چنین گویند که والده میر قطب

الدین را نسبت است بسادات عظام حسینیه و وی را خلف صدق سه پسر و دو دختر

بعرصه وجود آمده یکی مسمی بجد بزرگوار خود خواجه محمد دیگر خواجه محمد امین و دیگری

خواجه عبد العزیز که در صغر سن اند طول الله تعالی عمرهم اما زوجه خواجه محمد

جلیله

جلیله جمیله ساجده عابده کریمه عالیه حضرت شیخ المشایخ العظام ارشاد

کبار

پناهی خواجه غیاث الدین احمد البهشتی بزرگ ترین ایجابی بوده است که از او و اولاد

حضرت شیخ الاسلامی احمد النامقی الجامی اند قدس سرهما و خلف صدق وی را یک

پسر یکی دختر بعرصه وجود آمده پسر خواجه عبد الرحیم که در صغر سن است

و دختر در پرده عفت مستور است اما اولاد جناب خواجه محمد از جانب

والده مکرمه که بنت خواجه غیاث الدین احمد البهشتی ایجابی است نیز

انساب رفیعه و انتساب شریفه هست تمام بسادات بزرگوار

حسینیه ترمذیه که خانزاده فخر الملک بنت ممالک اسلام سید

علاء الملک ترمذی است و نیز نسبت است بشیخ الاسلام خواجه

عبد الله انصاری رحمه الله و نیز نسبت است بخواجه مودود چشتی

و بواسطه خواجه مودود نسبت است بسادات عظام

حسینیه و نیز نسبت است بملوک عالیمقدار و سلاطین نامدار

مانند پادشاهان سجستان که قباد بن خسرو و میر و میرزو بخانان

چنگیز خان و سلطان دین سلطان سنجر ماضی و بخانان تیمور خانی

و ملکان الکرت الغوری که بانی مسجد جامع هراة اند و تفصیل

هر یک در دیگر کتب عالی خواجهای بزرگ نقشبندی بجای مفصل و مبین شده مکرر

ذکر نمی نماید طبقه ثانی در بیان اولاد و احفاد خواجه کرام خواجه عبد الرحیم بن خواجه محمد زور آبادی ثم جامی

سابقا در ذکر برادری خواجه عبد العلی مذکور شد که انساب شریفه این طبقه از جانب
پدر بحضرت شیخ الاسلام ضیاء الدین یوسف و شیخ الاسلام برهان الدین
نصر الکاریزی پسر بزرگ اما ابناء شیخ الاسلام احمد الجامی النامقی قدس سره
اما جناب خواجه عبد الرحیم را از بطن طیبه شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد
خلف صدق یک پسر بوده است و زوجه خواجه قطب الدین محمد بنت سیادت
پناه میر عبد الله فرزند آمیر الباخرزی بوده است چنانچه او یک پسر خواجه عبد الرحیم
مسمی میشود بخواجه عبد الکریم و خواجه عبد الکریم مذکور را خلف صدق سه پسر
بعرصه وجود آمده یکی خواجه عماد الدین دیگر مسمی جد بزرگوار خود خواجه عبد الرحیم دیگری
خواجه عبد المؤمن و هر دیگر را اولاد و اعقاب ماند و لهذا اولاد این سه برادر
به سه فرقه منقسم میشود فرقه اول در بیان اولاد خواجه عماد الدین بن خواجه عبد الکریم زور
آبادی ثم جامی وی بغایت خلیق و متدین بوده است و بزیور تقوی
ورع مزین و محلی است و از قواعد علمیه و رسایل صوفیه بقدر احتیاج مطالعه فرموده
و استحضار تمام داشته اند و در عنفوان جوانی بهمان ولایت بوده است و بخارا آمده یک پسر

فانکحوا

زور آبادی ثم جامی

فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع و بعده موافق
سنت سنیه نبویه مصطفویه و طریقه مرضیه احمدیه بعد از ارکان طبایع
عالم ویرا چهار نکاح واقع شده مرة بعد اخری و اما چون کثرت اولاد و اعقاب
و احفاد سنت انبیاء و اولیاست و برا از چهار زوجه اخلاق صادقه بعرصه وجود
آمده و لهذا اولاد نامی وی بچهار شعبه منقسم میشوند شعبه اول در بیان اولاد خواجه نظام الدین
و برا زوجه مکرمه عابده نتیجة المشایخ العظام خواجه ابو الحسن بابا خلف صدق هم
شده دیگر بعرصه وجود آمده یکی خواجه عبید الله سلمه الله و ابقاه و دیگری خواجه عبد العلی
و دختر در عقد ابن عم و لیت خواجه محمد امین و از هر یک اولاد و احفاد و تناسل یافته
و لهذا اولاد نامی و احفاد گرامی وی به سه گروه منقسم میشوند گروه اول در بیان اولاد نعمت
... آبادی محبوب دلها و منظور نظرها و مقبول نظرها خواجه عبید الله بن
خواجه عماد الدین زور آبادی ثم جامی وی از قواعد علمیه در علوم نقلیه و مسایل
فقه و آثار نبویه و سیر روضه منوره احمدیه بر حق مطالعه فرموده اند و
استحضار تمام داشته و اما در فن معما بغایت ماهر و خوش طبع و ظریف
بوده است و با شعار عربیه و نکات دقیقه کما ینبغی میرسد و در
در ایام تحصیل علم با وی هم درس بوده است و از انفاس شریف وی بسی افاده
و استفاده میرسیده است و مستفیض و مستفید می بوده است
... از جانب پدر و هم از جانب مادر با نساب رفیعه انتساب دارد

شریفه منیفه است نا ما از جانب پدر چنانچه سابقا مذکور شده و اما از جانب مادر
که بنت جلیله جمیله خواجه ابو الحسن بابا سنکو است کما انتماء عالی وی از جانب والده
مکرمه بحضرت شیخ الاسلامی احمد الجامی قدس سره بدین وجه است که خواجه عبید الله بن المسماة
بیبه خاتون بنت خواجه ابو الحسن بن خواجه ظهیر الدین عیسی بن خواجه قطب الدین محمد
بن خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه قطب الدین محمد بن خواجه ظهیر الدین عیسی
بن خواجه رضی الملة والدین احمد المنتوطی بهرا بن شیخ الاسلام شهاب الدین اسمعیل
واقف بن الشیخ الاسلام قطب الدین محمد بن شیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن
الشیخ الاسلامی احمد الجامی النامقی قدس سره و اما خواجه عبید الله مذکور از جانب والده
مکرمه نسب است به سادات عظام و مشایخ کرام چنانکه خواجه قطب الدین محمد که
جد مادری ولیست والده المسماة خانزاده عروس بنت شیخ الاسلام خواجه ابو المعالی الجامی
است که از اولاد خواجه رضی الملة والدین احمد المنتوطی اند و اما خواجه ابو المعالی را نسب است
به سادات بزرگوار جنید ترمذیه خانزاده فخر الملک بنت سید علاء الملک ترمذی
و نیز نسبت است به شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری و نیز نسبت بخواجه مودود
چشتی و ابو بسطه خواجه مودود بسادات عظام حسنیه تفصیل این نسبت در جلد
اول این مجموعه در ذکر اولاد خواجه ابو المعالی مفصل و مبین شد مکرر ذکر نمی نماید
اما زوجه جلیله جمیله وی بنت شیخ الاسلام خواجه ابو القاسم الجامی است

از بنابر شیخ الاسلامی خواجه محمد قاضی بر دو نیمی الجامی است که از اولاد کبار حضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی است قدس سره و والده زوجه وی از سادات بلده هرات است بنت عالیحضرت
سیادت و نجابت و معالی پناه هدایت مآلی میر نصر الدین صوفیانی بوده است مشهور بمحمود
ارشد ابنای میر سید ازام محمد صوفیانی بوده است و خلف صدق و یادگار ولی نسب یکی سمی
جد بزرگوار خود خواجه عماد الدین که در صغر سن است طول الله تعالی عمره و رزقه علما و
نافعا و دیگری خواجه محمد تقی و سه دختر نیز تولد یافته که پرده نشین عصمت و عفت اند اما انتماء عالی
خواجه عماد الدین بن خواجه عبید الله از جانب والده مکرمه بحضرت شیخ الاسلام
احمد الجامی قدس سره بدین وجه است که خواجه عماد الدین بن المسماة بیبه خانزاده خانم
بنت خواجه ابو القاسم بن خواجگی بن خواجه محمد تاج بن خواجه شهاب
الدین احمد بن خواجه محمد بن خواجه شهاب الدین احمد بن خواجه محمد بن خواجه
احمد بن خواجه برهان الدین نصر بن خواجه شرف الدین بن شیخ الاسلام
قطب الدین محمد بن الشیخ الاسلام شمس الدین مطهر بن الشیخ الاسلام
احمد النامقی ثم الجامی قدس سره گروه دویم در بیان اولاد خواجه عبد العلی بن خواجه عماد الدین ابو بکر
که وی هم از جانب پدر و هم از جانب مادر بانساب شریفه منیفه است
چنانکه بیشتر برادر وی مذکور شد و زوجه وی دختر عم ولیست و خواجه عبد الرحیم را از بطن

تولد یافته که در پردهٔ عصمت مستور است گزیدهٔ سیم در بیان اولاد خواجه عماد الدین که در عقد برادرزاده
ولیست دو پسر و دو دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه محمد اکبر و دیگری خواجه محمد اصغر و دختران
پرده نشین عصمت و عفت اند شعبهٔ ثانی در بیان اولاد خواجه عماد الدین زور آبادی و ثم الجامی که از صبیه جلیله جمیله ارشاد پناه
شیخ درویش محمد ماشکر تولد یافته یک پسر خواجه شهاب و دیگر دختر بعرصه آمده و اولاد دارند
شعبهٔ سیم در بیان اولاد خواجه عماد الدین زور آبادی و ثم الجامی که از زوجهٔ سیم که از ولایت زور آباد
بوده است یک دختر بعرصهٔ وجود آمده که با عالیحضرت میرزا بایزید زور آبادی داده بوده اند یک پسر
تولد یافته خواجه غیاث الدین شعبهٔ چهارم در بیان اولاد خواجه عماد الدین زور آبادی و ثم الجامی که از صبیه جلیله جمیله
ساجده عابده کریمه مکرمه عالیحضرت سیادت و نجابت و معالی پناه ورع آثاری میر نصیر الدین
صوفیانی تولد یافته که همشیره جناب ارشاد پناهی میرزا محمد صوفیانی بوده است یک پسر
بعرصهٔ وجود آمده خواجه محمد صادق ولد از جانب پدر بنسب شیخ المحققین متعالی
وی بحضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره اتصال دارد و از جانب مادر بسادات
عظام گزیدهٔ سیم در بیان اولاد خواجه عبد الرحیم برادر خواجه عبد الکریم زور آبادی و ثم الجامی که وی
بصفت اهل تقوی متصف است و در زمرهٔ اهل قناعت منتظم است و اوقات
شریفه را بادعیهٔ ماثوره و دروس شریفه میگذراند و اهل آن دیار را بوی خلافت
ولایت است و خلف صدق وی را یک پسر بعرصهٔ وجود آمده خواجه محمد امین و دختر

عم دی

... تربیت وی و در نکاح وی است و خلف صدق وی را دو پسر و یک دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه
محمد اکبر و دیگری خواجه محمد اصغر و آن یک دختر در پردهٔ عفت مکتوم است گزیدهٔ سیم در بیان اولاد
ورع آثاری خواجه عبد المؤمن بن خواجه عبد الکریم زور آبادی و ثم الجامی که وی بحلیهٔ ورع و تقوی مزین است و باوراد
و ادعیهٔ ماثوره و طریقهٔ مشایخ نقشبندیه قدس الله ارواحهم آناء اللیل و اطراف النهار مداوم
... و در علم قرائت ماهر است و قرائت سبعه را مستحضر ... و انتفاع وی
بهمه مسلمانان میرسد و مستفیض و مستفید میگردند که خیر الناس من ینفع الناس
... واثق است که بنا بر مضمون آیه کلام ربانی که ما ینفع الناس فیمکث فی
الارض که ذات فایض البرکات وی تا قیام الساعة پاینده و مستدام باد و ...
... زوجه مکرمه وی بنت جلیله جمیله میر عطاء الله است که آبا و اجداد ایشان منسوب
... میدانستند و خلف صدق وی را سه پسر و دو دختر بعرصهٔ وجود آمده یکی خواجه
نور الدین محمد و دیگر خواجه محمد امین و پسر دیگر خواجه ابو المکارم و یک دختر در عقد ابن عم وی است
خواجه عبد العلی بن خواجه عماد الدین و دیگر در عقد خواجه محمد امین بن خواجه محمد زاهد
... ارشاد پناهی خواجه محمد زور آبادی است و هر یک را از ...
... نقاب ... و هذا اولاد نامی و احفاد گرامی بچهار گروه منقسم میشوند گزیدهٔ
... نور الدین محمد بن خواجه عبد المؤمن زور آبادی و ثم الجامی زوجهٔ وی بنت جلیله جمیله

خواجه عبد العزیز بن ارشاد پناهی خواجه محمد زور آبادی است و یکی دختر تولد یافته که در
پرده عصمت و عفت مستور است گروه دویم در بیان اولاد خلف محمد امین بن خواجه عبد المؤمن زور آبادی
و خلف صدق وی پسر اکبر بعرصه وجود آمده خواجه محمد طاهر که در صغر سن است طول الله تعالی
عمره و بیان اولاد دختر خلف عبد المؤمن است که در عقد خواجه عبد العلی بن خواجه عماد الدین است
و خلف صدق وی یکی دختر تولد یافته که در پرده عفت مکتوم است گروه سیوم در بیان اولاد دختر
خواجه عبد المؤمن که در عقد خواجه محمد بن خواجه محمد زاهد است که از نبایر هدایت مآب خواجه محمد
زور آبادی است و یکی دختر تولد یافته که در پرده عصمت و عفت مکتوم است والصبایا
دو پسر هم تولد یافته یکی خواجه عبد العزیز و دیگری خواجه محمد زاهد چون از قدیم الایام اکثر
مشایخ زور آباد اهل سلوک و طریق بوده اند و بزیور تقوی و ورع مزین و محلی بوده اند
داعی بقدر الوسع والاهتمام در توضیح انساب عالی ایشان و تفصیل
اولاد و احفاد گرامی ایشان کوشیده و آنچه محقق گردید درین صحیفه مسطور و مرقوم
نموده باید که مخصوص برین ندانسته و چون جماعتی دیگر که احیانا خود را منسوب باین
جماعت دارند می توانند بود اما التماس از کرم و فضل الصفات میدارد و عذر تقصیر و خلل
حقیقی ضمیر خود را خواجگان مشار الیه به عاد فاتحه در حال حیوة و اخلاص تکبیر [illegible]
همات التفات فرمایند الاعتذار آنانکه خاک را بنظر کیمیا کنند

آیا بود

که گوشه چشمی با کنند بیان فی الاختصار و بیان ارشد که الله تعالی
[illegible] آبادین که آنچه از انساب رفیعه و انتساب شریفه اولاد نامی و احفاد گرامی شجره
طیبه و ذریه کامله حضرت شیخ الاسلامی قطب الانامی احمد الجامی النامقی قدس الله
سره السامی که درین نسخه شریفه مذکوره مسطور و مرقوم شد باید که مخصوص
برین ندانسته زیرا که اولاد آنحضرت بزرگوار و احفاد عالیمقدار وی چون نجوم سماوی
و طبقات آب سماء بسیار و بیشمارند که باطراف و اکناف کل عالم متفرق شده اند
و هیچ بلاد و دیار نیست و شهر و امصاری نیست که ازین طبقه علیه عالیه و ذریه نجیبه
طیبه احمدیه جمع نباشند ولیکن جماعتی که آبا می نام آبا و اجداد و بزرگوار ایشان
از بحر الانساب قدیم یا از نسب نامه و شجره و سجلات بتفصیل بنظر
بنده فقیر حقیر در آمده و استدعای جمع و تالیف نموده لهذا نسب عالی
و نسبت متعالی ایشان را درین صحیفه مذبوره مسطور و مرقوم نموده تا معنی
از خواجها که نسب عالی ایشان از بحر الانساب قدیم مفهوم نبود به نسب ایشان
اشارت نشده بود و سجل و شجره و نسب نامه های قدیم بنظر در نیامده بود
فی نحن فقیر بقدر الوسع والاهتمام در تفتیش و تحقیق انساب ایشان نیز سعی
تمام نموده و تفحص و تجسس بسیار فرموده آنچه که مفهوم و محقق گردید درین اوراق

مرقوم نموده اما اگر بعد ازین جمعی ظاهر شوند که اسامی آباء و اجداد بزرگوار ایشان

نشود مع

درین صحیفه مذکور نبوده توهم آن که در نسب عالی ایشان قصوری و فتوری

هست زیرا که در هر بلاد و دیار و امصاری که آباء و اجداد بزرگوار ایشان

متوطن بوده اند بارشاد و شیخیت و شیخ زاده که اشتهار تمام دارند

و داشته اند و بتواتر صحیح از یکدیگر استماع فرموده اند اما چون نسب نامه

و سجل و شجره قدیم الایام بنظر داعی در نیامده ازان جهت در این نسخه ذکر ایشان

نرفته رجا واثق هست که انتظام سلسلهٔ نامی و اولاد گرامی و احفاد عالی

حضرت شیخ الاسلام قطب الانام احمد الجام النامقی قدس الله سره الی یوم

تا دامان قیامت پاینده و باقی نماند بالنبی و آله الامجاد ترصد و ترقب

و التماس و مستدعی از مکارم و اخلاق مرضیه و اوصاف پسندیده نکته

شناسان و مطالعه کنندگان این نسخه شریفه خصوصا جمعی که اسامی

شریفه و انساب رفیعه و انتساب شریفه آباء کرام و اجداد عظام ایشان

درین نسخه شریفه مذکور شده استدعا آنست که اگر تقصیری یا سهوی

رفته باشد بذیل عفو بپوشند و در تقویم آن کوشند که فبشر عبادی

الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَه

والحمد

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا وَاٰخِرًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَیِّدِنَا

وَنَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِهٖ وَعِتْرَتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ

وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ اِلٰى یَوْمِ الدِّیْنِ تمت الکتاب بعون

الملک الوهاب تحریرا بتاریخ غره شهر ربیع الثانی

١١٧١

سنه احدی و سبعین و مائه بعد الالف

من الهجرة النبویة علیه افضل التحیة و الثنا

[illegible]

ذکر اولاد و فرزندان حضرت شیخ الاسلام احمد النامقی ثم الجامی قدس الله

[illegible] در مقامات بزرگ حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس سره

[illegible] صحیح از خلفاء و فرزندان بزرگ که حضرت شیخ الاسلام

[illegible] و فرزند او سی و نه پسر و سه دختر بود آن وقت که در کوه نامق

من ولایت ترشیز بریاضت مشغول بود کاهش شهوت ویرا رنجه میداد و فراوان
روزی قصد کرد که آلت شهوت را قطع کند هاتف غیبی آواز داد که یا احمد خود را چرا
ولا راور کردن میکنی ما که پروردگاریم از پشت تو سی و نه ولد کامل مکمل و جمعی خواهیم
آورد و ازین جهت بود که شیخ الاسلام احمد تا آخر عمر زنان میخواست چون سی و نه
پسر و چهل دختر آمد دیگر زن نخواست فاما در کتاب رموز الحقایق آورده که حضرت
شیخ الاسلام احمد را بعد از وفات چهارده پسر مانده بود که هیچ یک در جده عوام
الناس ظاهر نبودند بلکه پشت هم صاحب علم لدنی و صاحب علم ظاهری
و باطنی بودند صاحب ولایت و فراست ذو العلم النافع و العمل الرافع ملاذ الجمهور و شفاء
الصدور صفوة و قدوة العلماء و العرفا رافع اعلام السنة قامع اضالیل
البدعة ناهج مناهج الحقیقة سالک مسالک الطریقة و المعرفة و الشریعة الداعی
الی الله سبحانه علی طریق الیقین جامع بوده اند میان علوم ظاهری و باطنی و از اول
عمر الی آخر توفیق استقامت بر جادهٔ شریعت و متابعت سنت آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مستقیم بوده اند **در بیان اسامی فرزندان شیخ الاسلام احمد قدس سره**
اول ذکر خواجه برهان الدین نصر قدس سره چون خبر ولادت برهان الدین بشیخ الاسلام
آوردند گفت که خدای تعالی ما را و شیخ الاسلام کرامت کرد و همچنین هر پسر را خدای تعالی

نام و لقب

نام و لقب معین میگذاشت و بعد از ان شیخ الاسلام احمد نام میگذاشتند فاما
مرقد معطر وی در قریه کاریز صاعد است من ولایت باخرز **پسر ۲ دوم** عالیحضرت
شیخ الاسلامی خواجه عبد الرشید قدس سره که وی فرزند مهتر شیخ الاسلام احمد جامست
عالم و عامل و عارف کامل و مکمل بوده صاحب ولایت و کرامت و فراست در زمان
حیات شیخ در محله معد آباد می بوده و بعد از ان در قریه ازغند ساکن شده و بر دست ملاحده
خذلهم الله شهادت یافته مرقد معطر وی در ازغند است در پایین و میزوا آنجا بغایت مشهور است
پسر ۳ سیوم عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه جمال الدین ابو الفتح قدس سره وی نیز فرزند
صلبی شیخ الاسلام احمد است در علوم طریقت و حقیقت صاحب مقامات عالیه
بوده و هفت مرتبه زیارت حرمین الشریفین را دریافته و همراه پدر بزرگوار سفر حجاز کرده
و از آنجا بعنوان سیر و سیاحت بمغرب زمین رفت و آنجا ساکن شده مدفن وی
آنجاست اما معین ندیده **پسر ۴ چهارم** عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه صفی الدین
محمود قدس سره وی نیز فرزند صلبی شیخ الاسلام احمد است عالم بوده بعلوم ظاهری و باطنی
و اینهم بسیاحت و سیر بروم رفت و آنجا بماند و مدفن وی آنجاست و این هم
بسبب مفقود الاثر ماند و مرقد مبارک آنها معیّنا ظاهر نیست بقدر در مقامات
تحریر شده که با آنجا رفته اند **پسر ۵ پنجم** عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه قطب الدین محمد قدس سره

وی فرزند صلبی شیخ الاسلام احمد است عالم و عامل و صاحب ولایت و کرامت و فراست
بوده و تحصیل علوم ظاهر در شهر سرخس کرده بوده اند فاما در ده بزرس و کت کن از ولایت
رخ ساکن شده اند و تا اجل آنجا اختیار نموده و مرقد مبارک وی آنجاست معتقد اهل آن
ولایت بود و صحبت حال شیخ الاسلام احمد یافته **پسر ششم** عالیحضرت شیخ الاسلام
خواجه فخر الدین ابو الحسن رحمه الله وی نیز فرزند صلبی شیخ الاسلام احمد است رحمه الله صاحب
کشف و کرامت عالیه بود و در صغر سن از وی عجایب و غرایب بسیار بظهور آمده
مزار متبرک وی در دیه غزاباد است از ولایت جام در حوالی قصبه زرشک تربت یک
بکوه جام **پسر هفتم** عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه نجم الدین ابو بکر قدس سره
وی نیز از فرزندان صلبی شیخ الاسلام احمد جامیست رحمه الله بسیار بزرگ بود و بزیور علم
آراسته و صاحب کرامت و فراست بوده است مرقد مطهر وی در بیابان کرمان است
پسر هشتم عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه ضیاء الدین یوسف رحمه الله وی نیز
فرزند صلبی شیخ الاسلام احمد است رحمه الله وی را کرامات و مقامات عالیه بوده فقر و ناداری
اختیار کرده چون خبر ولادت وی بشیخ آوردند فرمودند که خدای تعالی ما را فقیری داده وی
خرقه پوش مرد بوده در تمام عمر و خرقه از میان اولاد شیخ بوی رسیده در همان قصبه کوسویه
در دست اولاد ویست بر زبان مبارک شیخ الاسلام احمد جام بسیار میگذشت

که یوسف من

که یوسف من و تاج سر من و وصیت کرده شیخ الاسلام احمد قدس سره که چون وی را وفات
رسد در بالایی سر ما دفن کنید که او تاج سر ماست مرقد مطهر مبارک وی در بالای
سر شیخ الاسلام است قریب بدیوار مسجد شیخ **پسر نهم** عالیحضرت شیخ الاسلامی
خواجه عماد الدین عبد الرحیم است قدس سره که وی پسر صلبی شیخ الاسلام احمد است رحمه الله
در علوم شریعت و طریقت کامل و مکمل و صاحب مرتبه ولایت و کرامت و فراست بوده است
روایت محمود زکی که صاحب کشف ارواح و باقی کشفیات دیگر هم بود او گفته است که بارها ارواح
حضرت شیخ الاسلام احمد جام را مشاهده کرده ام فرمودند که عماد الدین عبد الرحیم حاجب ماست
پس هر کس که مهمی بشیخ داشته باشد نخست از بر وی عرضه دارد که زودتر آن حاجت روا شود
مرقد معطر وی در پایان قبر پدر بزرگوار است قریب بدیوار مسجد **پسر دهم** عالیحضرت
شیخ الاسلامی خواجه شمس الدین مطهر قدس سره وی نیز فرزند صلبی حضرت شیخ الاسلام احمد است
و کنیت وی ابو المعالیست بسیار بزرگ بود در علوم شریعت و طریقت و حقیقت و
معرفت کامل و مکمل و نجیب بن نجیب بود زهد و ورع تمام داشته و در یافت بغایت مرکشیده
و اوقات شریف خود را در ایام شباب و باقی بطریق صواب بتحصیل شغل طریقت
مصروف میداشته مانند زاهدان پاک طینت و متورعان پاکیزه سیرت
صاحب نفس قدسیه جامع الاوصاف الانسیه قطب فلک الکرامة و الآیه و محیط

مرکز الهدایة والاستقامة کاشف رموز الاولیاء المتقدمین و قدوة الاصفیاء المتأخرین
و وارث الانبیاء والمرسلین قدوة المکاشفین قبلة الواصلین الاحباب رب العالمین
الواصل لمقاصد الحق الیقین و اعلم العلماء العالمین عز شمس الدین مطهر قدس سره
چون خبر ولادت وی شیخ الاسلام احمد آوردند که خدا تعالی ما را شمار البشری داد و فرمودند
که خدای تعالی ما را سلطانه داد و گفته اند که این معنی در اولاد وی ظهور تمام دارد که اکثر
اولاد شیخ الاسلام احمد که در تمام اقلیمات و بلاد و دیات موجود است از نسل وی اند
که اکثر آنها مظهر الطاف ربانی و مظهر آیات سبحانی و کاشف الاسرار الطریقة و مهبط
الانوار الحقیقة بوده اند چون شیخ شهاب الدین اسمعیل و فخر الدین [illegible] او و بعد از آن چون
خواجه عبد اللطیف بن خواجه ابو الحسن بزوجامی و غیرهم مدفن متبرک وی در دیه قطمران است از انفاس
او بهره وری بسیار ظاهرات **پسر ۱۱ یازدهم** عالیحضرت شیخ الاسلام خواجه بدر الدین صاعد
فرزند وی پسر صلبی شیخ الاسلام احمد است عالم و عامل و عارف بوده صاحب کرامت و ولایت
بوده مرقد معطر وی در قریه بزوجام در مسجد نور است در قبله مسجد و خانقاه و خلوت شیخ الاسلام
احمد قدس سره **پسر ۱۲ دوازدهم** عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه حمید الدین عبد الله قدس سره فرزند
فرزند صلبی شیخ الاسلام احمد است اما مدفن شریف وی در تمام کتب اولاد شیخ الاسلام مطالعه کرده آمد
بنظر نرسید که مدفن او کجاست **پسر ۱۳ سیزدهم** عالیحضرت شیخ الاسلامی خواجه

ظهیر الدین

ظهیر الدین عیسی قدس سره وی نیز فرزند صلبی حضرت شیخ الاسلام احمد است قدس سره
و کنیت وی ابو المفاخر است صاحب ولایت و فراست و کرامت است عالم بوده
بانواع علوم ظاهری و باطنی در حکمت اشهر و ریاضی کامل بود چون خبر ولادت وی را بشیخ رسانیدند
فرمودند که خدای تعالی ما را حکیم داد و ویرا تصانیف بسیار است چون رموز الحقایق و سر البدایع
و صراط السالکین و رساله حاتم و مستعد و غیرها تحصیل علم ظاهری بطرف شام و حجاز کرده
و از آنجا مراجعت نموده بهرات آمده بعد از برادر خود خواجه شمس الدین مطهر در آنجا سکنا گرفته
و مقبره وی در پیش قبر برادر ولیست در همان قریه قطمران و با امام فخر الدین رازی معاصر بود
پسر ۱۴ چهاردهم عالیحضرت شیخ الاسلام خواجه شهاب الدین اسمعیل قدس سره وی پسر
اکبر شیخ الاسلام احمد است قدس سره و کنیت وی ابو المؤید است بسیار بزرگ بوده بعلوم ظاهری
و باطنی و صاحب کرامت و ولایت و از کوه بزوجام اراده تربت پدر بزرگوار خود احمد کرده
در همان سر روضه منوره احمدیه بجوار رحمت حق پیوسته مدفن مطهر وی در قبله تربت شیخ
در میان رهگذر و رواق و گنبد سفید است بدر خلوت وی را تصانیف و اشعار لطیف
بسیار است از حد و حصر بیرون است

تاریخ وفات والده [illegible]
۷ عمر [illegible] روز جمعه [illegible]
[illegible] جمادی الاول [illegible] ۱۲۸۹
[illegible] بود

[illegible] ازرسول
[illegible]
[illegible] مصطفی [illegible]
که محمد خواب [illegible] بنیت
[illegible] اندازم [illegible] ازعام خاص
چون شنید این قصه نوخیر البشر
عاقبت روز سیم بعد از نماز
چون ببر سیدن زام المومنین
چونکه این آیت بگوشش او رسید
جمله یاران ناله وزاری کنان
بند او رفتند پرسیدن ازان
شدو سه روز که ما گردیدیم
آمدیم اکنون بجیست حال او
گفت من کی مصطفی را دیده ام
یک دو سه روزست که آوازوش
میرسد بگوشم من هر ساعتی
من نمی دانم که این آواز کیست
جانوران از ناله او خسته اند

باد مقبول همه اهل قبول
ای برادر یکزمان گوش دار
اتفاقا یک شبی خوابش ربود
هر که در خدمت نباشد بنده
یک تن از ایشان نکرد اخلاص
شد از آن جا آخر گو یا بدر
جمله بیش عایشه رفتند باز
داد ایشان را جواب این چنین
شد بیرون از حجره از اکس
رو بمسجد آوردند آن زمان
گر خبر دارد زمنع بگو
از فراغش خون دل خوردیم ما
نیست هار از زنده که چه بود کار او
بلکه او بلال گریه شنیده ام
از میان کوه می آید بگوش
ناله با آمین با آه محبت
این همه ناله نیش مقصود
از جگر کردن دهان البسته اند

تا که معلوم تو گردد حال [illegible]
تا چه جد سبب امیر [illegible]
بعد اندر خواب تا وقت نماز
نا گهان آمد خطاب از بی نیاز
آفریدم من ترا از بهر آن
تا نبوت بنیت نباه امتان
رفت آنجا و ندیدش در مجلس
داند او را عالم الاسرار بس
گفت در شب رسید از حق عطا
امتانند که کنم قید و عذاب
انبیا را بر خواست از یاران غریو
لرزه افتاد اندر جن و دیو
نا گهان دیدن یکی چوپان ز دور
گفت بیا در دل ایشان سرور
هر زمان از دیده بارند آب
بسته انداز دیده راه خواب
چون شنیدن این سخن بلا کرده
روی آوردن جمله سوی کوی
اندرون غار او صدر کبار
بر سجده مانده بیش [illegible] بی نیاز

هر زمان

مشتغل خلیفه در تلا[illegible]
خلافتش گشته [illegible]
آنگاه مهاجران [illegible]
جامه بقدر عالی [illegible]
و اسم ابن [illegible]
بدان حضرت [illegible]
در مذهب [illegible]
در شصت [illegible]
وادی [illegible]
چون دید [illegible]
کرخصو [illegible]
داماد بو [illegible]
اقرار [illegible]
از بعد [illegible]
زان [illegible]
منصب [illegible]
بنمود [illegible]
بیرون [illegible]
ترتیب [illegible]
واخ بیعت [illegible]

[illegible]

[illegible] ایم از رسول باد مقبول همه اهل [illegible] زنار [illegible] بود

[illegible] ر ای برادر بگزمان گوش دار [illegible] بود

[illegible] اتفاقا یک شبی خوابش ربود [illegible] درکار بود

که محمد خواب [illegible] بنیت هر که در خدمت [illegible] بنده بنیت [illegible] اسالار بود

[illegible] از عام خاص یک تنی از ایشان نکرد [illegible] خلاص تا [illegible]

چون شنید این قصه [illegible] شد از آن جا [illegible] رفت [illegible] چار بود

عاقبت روز سیم بعد از نماز جمله پیش عایشه رفتند باز [illegible] بسیار

چون بپرسیدن زام المؤمنین داد ایشان را جواب این چنین گفت [illegible] بود

چونکه این آیت بگوشش در رسید شد بیرون از حجره [illegible] [illegible] بود

جمله یاران ناله و زاری کنان رو بمسجد آوریدن آن زمان انجمان برخواست [illegible] بود

[illegible] رفتند پرسیدن ازان گر خبر دارن [illegible] بگو لرزه افتاد اندر [illegible]

شد [illegible] روز کم گردیده ما از فراغش خون دل خوردیم ما [illegible] بود

آمدیم اکنون [illegible] نیست ما را زنده گی [illegible] گفت [illegible] درد دل [illegible]

گفت [illegible] مصطفی لا دیده ام بلکه [illegible] بشنیده ام هر زمان از دیده بارد بار

یک [illegible] روز است که آواز [illegible] از میان [illegible] می آید بگوش [illegible] انکار

هر [illegible] گوش [illegible] ناله با [illegible] چون شنیدن این [illegible]

من نمی دانم که این آواز کیست این همه [illegible] رو [illegible] آوردن جمله [illegible]

جانوران از ناله او [illegible] اند از [illegible] کردن [illegible] اندرون [illegible]

[illegible] بر [illegible] مانند [illegible]

هر زمان

[illegible]

[illegible]

ازروح پاکت [illegible]
سروران [illegible]
بعد از رسول مجتبی
بعد از آخر زمان
بر انبیا پیغمبران
کونین و درود پیکران
صلوة علی شمس الضحی
صلوة علی کنز النهی
صلوة علی نور الهدی
صلوة علی بدر الدجی

سلطان بطحا و حرم
مصطفی [illegible]
فخر عرب شاه عجم
آرایش کون و مکان
برقالب ملت روان

شکر کش خیر الامم
شمس فلک ماه زمین
راحت رسان انس و جان
برخاتم حالت نگین

تاریک ازان طغیان و شک
روشن ازان دنیا و دین
از عکس روی مهوشش
وز خلق بوی دلکشش
مقصود از نام خوشش
یا رحمة للعالمین

ای رهنمای امر قل
ای شهسوار [illegible] سبل
ای مقتدای جزو کل
ای صدر [illegible] رسل
ای شمع جمع انبیا

ای آفرینش را [illegible]
انا فتحنا کار تو
جبریل صید دام تو
خورشید برج سلطنت

وصف تو بیحد آمده
از حق بتجدید آمده
اجرام یکسر [illegible] تو
از حور رسد الهام تو
جمشید تخت کبریا

تشریعت مؤید آمده
تا مست محمد آمده
محمود احمد آمده
دین تو بیحد آمده
بوالقاسم [illegible]
برج [illegible] هفتم [illegible]
برورده الهام حق
سلطان [illegible] اعلی
ای صدر بدر عالی
تاج [illegible] آدمی

شمس فلک ماه زمین
حیدرش ملک یقین
احکام تو حبل المتین
حاجب تو از روح الامین
ای رحمة للعالمین

غنچه بود چون [illegible] شمع دین
فردوس اعلی رخسار تو
ای از کمال [illegible] صفا
عمر نیابت دار تو
رضوان امانت دار تو
جنت سرا گلزار تو
هست از ازل دیدار تو
بو بکر یار غار تو
هم مصطفی هم مجتبی
هم انبیا را خاتمی

سر امام انبیا
جان وقف یک یک موی تو
وز قامت دلجوی تو
وز نکهت گیسوی تو
ترک فلک هندوی تو
نور ملک الذروی تو
واللیل وصف موی تو
نعت جمالت والضحی

تیر ترا جان هدف
خونم بریز لا تخف
ای مایه عز و شرف
تو گوهر آدم صدف
تو بهترین ناخلف
ز انبیا داری شرف
چندانکه بر سر کیمیا
نخل قدت جان پرورت
لعل لبت یاقوت ترت
[illegible]

سلطان تاج و افسری
خاقان ملک و قیصری
گردون نشان از رهبری
بر [illegible] اخضری
[illegible] ماه و مشتری
بر دعوی پیغمبری
ای شمع خوبان آفرین
ای ماه تابان آفرین
ای حق فرستادت آفرین
[illegible] آفرین
بر جانت از جان آفرین
صد سجده و پایان آفرین
بر روح پاکت از خدا

ای بر طریق پاک آمدی
برتر ز افلاک آمدی
جانها [illegible] آمدی
مقصود لولاک آمدی
از عالم پاک آمدی
بس چست و چالاک آمدی
جانها فدایت مرحبا

ساقی جام جم توئی
شادی روز غم توئی
با عاشقان همدم توئی
نور دل آدم توئی
کام همه عالم توئی
هر خسته را مرهم توئی
ای درد دلها را شفا

فتحت قرین یارت ظفر
اخترت قدر تیغت قضا
یک لحظه ای غنچه دهن
بنشین چو سرو در چمن
برقع ز عارض بر فکن
کز شوق رویت در چمن
گل چاک کرده پیرهن
[illegible] سر بسر
بخت [illegible] مختصر
هست ای شهنشه [illegible] گهر
بخت فلک با تخت [illegible]
[illegible] گیسوی مشکین [illegible]
[illegible]
گردم ز [illegible] خطا

سلطان بطحا و حرم
شاه عرب ماه عجم
ای عرش لوح و قلم
ای اختر برج کرم
ای روح ... بیرون ز قدم
تا از رخت چون ماه صحن
کیم دلیم عالم ضیا
ترک کلیم بیداد کن
صحن وفا بنیاد کن
غم خانه را آباد کن
ما را زغم آزاد کن

دلخستگان را شاد کن
نجرام در کوی وفا
ای ماه روی والضحی
ای شافع روز جزا
ای ... از لطف ...

از عاشقان یاد کن
طوطی باغ هل اتی
از حضرت حق جرم ما
در شدت خوف رجا

حکم تو بر عالم روان
هستی بدلها مهربان
در باب آخر کار ما
یا شفیع ز حق خواه ما توئی
اقبال و جاه ما توئی
بخت و پناه ما توئی
نفع گناه ما توئی
فرخنده شاه ما توئی
تابنده ماه ما توئی
نثر توای صاحب قرآن

بر روحش عطر و نسیم جان
ای تاج بخش خسروان
ای خسروی اعلی مکان
جانش ز غم ما واربان
یکره ... الخوان
گردین دنیا پادشاه

خود سلطنی ...
بیچ ... ...
جرم گناه ... کدا
از حق بخواه ای کامران
دارد گناه بیکران
یا احمد جانی نهان
بنما جمال خود عیان

بلغ العلی بکماله
کشف الدجی بجماله
حسنت جمیع خصاله
صلوا علیه وآله
جو طبع مدحت گستر ش
کویند ز از جان ...
ازاد کن در ...
... بر ... در ...

محمد علیه الصلوة وعلیه السلام
و رضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین
... ومظهر لطفه ومهبط وحیه
سلام بعد دا انفاس الانام وقطرات الغمام
علی آله وامراء ... القیام
علی خیر خلقه ونور عرشه
اللهم ارزقنا شفاعتهم وحشرنا معهم وفی نصرتهم
وتحت لواءهم ... یوم الدین
برحمتک یا ارحم الراحمین

حضرت شیخ ... دقاق ... ... شنیدند از مردان
هیچ فایده هست ... گفتند بلی دو فایده ست
یکی آنکه ... ... زیاده شود
... ...
... ...
... ...

تاریخ نخبة الانساب

اسم کتاب – تاریخ ...

[illegible]

عاشقان بین کـ[illegible] زین [illegible]

ازمقام مجنون خویش ... بیخودی با نور ایمان برروند

سر زپا ... بی تکلف در جهان

سالکان راه مانند سلیمان

ساعت و درکوه ...

[illegible]

عاشقان بین کنند [illegible] راه ایمان برروند

ازمقام مجنون خویش بیخودی با نور ایمان برروند

[illegible] بی تکلف در جهان [illegible] برروند

سالکان راه مانند سلیمان برروند

ساعت و درکوه و بیابان برروند

اولیا با بال [illegible] برروند

[illegible] برروند

